



مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس



معاونت بهداشت

اخلاق، احکام و حقوق زوجین ، حرمت و قبح سقط جنین

(ویژه مربیان نسخه ۰۱)

دکتر فاطمه بداغی، دکتر زهرا راستی

بهار ۱۴۰۳

اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي

شناسنامه کتاب:

نویسندگان: فاطمه بداغی، زهرا راستی

ویراستار: مریم علوی

فهرست مطالب

سخن آغازین	۱۲
بخش اول: اخلاق و حقوق خانواده	۱۳
مقدمه	۱۴
فصل اول: آنچه مربیان آموزشی در تدریس اخلاق و حقوق خانواده باید بدانند	۱۷
فصل دوم: تعریف ازدواج و هدف آن	۱۹
فصل سوم: شرایط و موانع ازدواج	۲۲
۱- خواستگاری، همسرگزینی و معیارهای آن	۲۲
۲- موانع ازدواج	۲۴
۱-۲- قرابت	۲۴
۲-۲- دین	۲۵
۳-۲- تابعیت	۲۵
۴-۲- تاهل یا «شوهردار بودن»، «تعدد زوجات»، «عده زوجه»	۲۷
۳- نامزدی	۲۸
۱-۳- آثار حقوق نامزدی	۲۸
۲-۳- نامزدی و ازدواج موقت	۲۹
۴- اهلیت نکاح	۳۰
۱-۴- سن ازدواج	۳۱
۲-۴- عقل	۳۲
۳-۴- رضایت زوجین	۳۳
۴-۴- رضایت پدر یا جد پدری در ازدواج	۳۴
۵- وکالت در ازدواج	۳۵
۶- ثبت ازدواج	۳۷
۱-۶- مندرجات سند ازدواج	۳۷
۱-۱-۶- مشخصات فردی عروس و داماد	۳۸
۲-۱-۶- گواهی نامه صحت و تندرستی برای ثبت نکاح	۳۸
۳-۱-۶- مهریه	۳۸
۴-۱-۶- نوع و مدت نکاح	۳۹
۵-۱-۶- امضای سند	۴۰
۲-۶- شروط ضمن عقد ازدواج	۴۰
فصل چهارم: آثار ازدواج	۴۴
۱- حقوق و تکالیف مشترک زوجین	۴۵

۴۵	۱-۱- حسن معاشرت
۴۸	۲-۱- تحکیم خانواده و مشارکت در امور آن
۴۸	۱-۲-۱- رعایت حریم خانواده
۴۹	۱-۲-۲- مشارکت در امور خانواده
۵۰	۱-۲-۳- وفاداری همسران به یکدیگر
۵۱	۱-۲-۴- گذشت و مدارا
۵۲	۳-۱- تربیت اولاد و حضانت اطفال
۵۴	۲- حقوق اختصاصی مرد
۵۴	۱-۲- ریاست مرد بر خانواده
۵۵	۲-۲- تمکین زوجه
۵۷	۳-۲- منع اشتغال زوجه
۵۹	۴-۲- ولایت بر فرزندان
۶۲	۳- حقوق اختصاصی زن
۶۲	۱-۳- حق همبستری
۶۲	۲-۳- حق نفقه
۶۶	۳-۳- جهیزیه زن
۶۸	۴-۳- حق مهریه و حق حبس
۷۲	۵-۳- دیگر حقوق اقتصادی زن (اجرۃالمثل یا نخله)
۷۳	نتیجه‌گیری:
۷۶	بخش دوم: احکام خانواده
۷۷	مقدمه
۸۰	فصل اول: پیروی از احکام و فتاوی مرجع تقلید
۸۰	۱- شرایط مرجع تقلید
۸۱	۲- راههای شناخت مجتهد اعلم
۸۲	۳- یادگیری احکام شرعی
۸۳	فصل دوم: احکام دوران نامزدی
۸۳	۱- تعریف دوران نامزدی
۸۳	۲- نامزدی بدون محرمیت
۸۳	۳- نامزدی با محرمیت
۸۳	۴- عقد موقت و شرایط صحت آن
۸۴	۱-۴- نمونه ای از صیغهی عقد موقت
۸۴	۲-۴- شرایط صحت عقد موقت

۸۴	۴-۲-۱- اذن ولیّ دختر
۸۵	۴-۲-۲- معین بودن مهریه
۸۵	۴-۲-۳- تعیین مدت
۸۷	فصل سوم: احکام ازدواج
۸۷	۱- پیش از تشکیل زندگی مشترک
۸۷	۱-۱- عقد ازدواج
۸۷	۱-۲- شرایط صحت عقد دائم
۸۷	۱-۲-۱- صیغه عقد
۸۸	الف) خواندن صیغه به قصد انشاء
۸۸	ب) خواندن صیغه به صورت صحیح و کامل
۸۸	ج) خواندن صیغه با لفظ عربی صحیح
۸۸	د) رعایت موالات بین ایجاب و قبول در خواندن صیغه
۸۸	هـ) وکالت در اجرای عقد
۸۹	۱-۲-۲- اختیار زوجین
۸۹	۱-۲-۳- اسلام زوجین
۸۹	۱-۲-۴- اذن ولیّ در ازدواج دختر رشیده باکره
۹۰	الف) اذن ولیّ پس از ازدواج دختر باکره
۹۱	ب) موارد سقوط اذن ولیّ
۹۲	ج) موارد استحباب اجازه گرفتن
۹۲	۱-۲-۵- اتمام مدت عقد موقت یا بذل آن قبل از خواندن عقد دائم
۹۳	۱-۳- موارد حرمت عقد ازدواج
۹۵	۱-۴- مستحبات و آداب عقد
۹۵	۱-۵- مراسم عروسی
۹۵	۱-۵-۱- استفاده از غنا و خوانندگی
۹۵	الف) حکم غنا
۹۶	ب) غنا در مجلس عروسی
۹۶	۱-۵-۲- استفاده از موسیقی و نوازندگی
۹۶	الف) حکم موسیقی
۹۷	ب) دعوت از گروه‌های مطرب در مجلس عروسی
۹۸	۱-۵-۳- رقص
۹۸	الف) رقص زن در برابر همجنس یا محارم
۹۸	ب) رقص زن برای شوهر
۹۸	ج) رقص مرد

- ۹۹-..... (د) رقص کودک ممیز
- ۹۹-..... ۴-۵-۱- شرکت در مجلس عروسی که در آن رقص و موسیقی حرام است
- ۱۰۰-..... ۵-۵-۱- شایاش
- ۱۰۰-..... ۶-۵-۱- آداب مجلس عروسی
- ۱۰۰-..... الف) ولیمه دادن
- ۱۰۰-..... ب) شادی حلال کردن
- ۱۰۱-..... ۲- پس از تشکیل زندگی مشترک
- ۱۰۱-..... ۲-۱- آداب شب زفاف
- ۱۰۱-..... ۲-۲- وظایف و حقوق همسری
- ۱۰۲-..... ۱-۲-۲- وظایف و حقوق مشترک زن و شوهر
- ۱۰۲-..... الف) تامین نیازهای جنسی
- ۱۰۶-..... ب) محترم شمردن مالکیت یکدیگر
- ۱۰۶-..... ج) کمک زوجین به یکدیگر در عمل به احکام الهی و رعایت دستورات دینی در درخواست از همسر
- ۱۰۷-..... ۲-۲-۲- وظایف و حقوق مختص هر یک از زن و شوهر
- ۱۰۷-..... الف) وظیفه شوهر نسبت به زن
- ۱۰۸-..... ب) وظیفه زن نسبت به شوهر
- ۱۰۸-..... ۳-۲-۲- حقوق مستحب خانواده
- ۱۰۸-..... الف) محبت کردن و عطا و عطا کردن نسبت به یکدیگر و صمیمیت، تقویت و استحکام بنیان خانواده
- ۱۰۹-..... ب) احترام و تکریم زوجین نسبت به یکدیگر
- ۱۰۹-..... ج) همکاری زوجین با یکدیگر در رسیدگی به امور خانواده
- ۱۱۰-..... د) تحمل مشکلات و مدارا کردن در مورد بدخلقیهای یکدیگر
- ۱۱۰-..... هـ) وسعت دادن مرد در اجازه به همسر برای رفت و آمدهای مشروع او
- ۱۱۰-..... و) تأمین رفاه و نفقه بیش از نیاز مادی خانواده (نفقهی مستحب)
- ۱۱۱-..... ۴-۲-۲- نشوز هریک از زوجین
- ۱۱۲-..... فصل چهارم: احکام فرزندانآوری و مباحث پیرامون آن (پیشگیری از بارداری، سقط جنین)**
- ۱۱۲-..... ۱- فرزندانآوری
- ۱۱۲-..... ۱-۱- احکام انعقاد نطفه
- ۱۱۲-..... ۲-۱- تلقیح مصنوعی
- ۱۱۲-..... ۱-۲-۱- تلقیح داخل رحم (IUI)
- ۱۱۲-..... الف) تلقیح اسپرم شوهر
- ۱۱۲-..... ب) تلقیح اسپرم غیرشوهر
- ۱۱۳-..... ۲-۲-۱- تلقیح خارج از رحم (IVF)
- ۱۱۳-..... الف) اسپرم و تخمک زن و شوهر و انتقال به رحم همسر

۱۱۳	ب) اسپرم و تخمک زن و شوهر و انتقال به رحم غیرهمسر (رحم جایگزین)-----
۱۱۴	۳-۱- دوران بارداری
۱۱۵	۴-۱- احکام ولادت فرزند
۱۱۶	۵-۱- پیشگیری از بارداری
۱۱۶	۱-۵-۱- استفاده از روشهای پیشگیری از بارداری -----
۱۱۷	۶-۱- سقط جنین
۱۱۷	۱-۶-۱- حکم سقط جنین -----
۱۱۷	الف) سقط جنین در موقع خطر مرگ برای مادر -----
۱۱۸	ب) سقط در صورت معیوب بودن جنین -----
۱۱۸	ج) دیه سقط جنین -----
۱۱۸	د) كفاره سقط جنین -----
۱۲۰	فصل پنجم: احکام روابط اجتماعی همسران -----
۱۲۰	۱- محارم و غیر محارم
۱۲۰	اقسام محارم:-----
۱۲۰	۱-۱- محارم نسبی:-----
۱۲۰	۲-۱- محارم سببی:-----
۱۲۰	۳-۱- محارم رضاعی:-----
۱۲۱	۲- احکام ارتباط با نامحرم
۱۲۱	۱-۲- نگاه -----
۱۲۱	۲-۲- پوشش و حجاب -----
۱۲۱	۱-۲-۲- پوشش مرد -----
۱۲۲	۲-۲-۲- پوشش زن -----
۱۲۲	۲-۳- آرایش و زینت -----
۱۲۳	۳-۳- ارتباط با نامحرم در فضای مجازی -----
۱۲۴	۳- طلا برای مردان
۱۲۴	۴- کاشت ناخن، مژه و
۱۲۶	فصل ششم: احکام مسائل اقتصادی خانواده -----
۱۲۶	۱- مهریه
۱۲۶	۱-۱- تعریف مهریه -----
۱۲۶	۲-۱- شرایط مهریه -----
۱۲۶	۳-۱- مصادیق مهریه -----
۱۲۷	۴-۱- مقدار مهریه -----
۱۲۷	۵-۱- مالک مهریه -----

- ۱-۶- شیربها ----- ۱۲۷
- ۲- جهیزیه ۱۲۸
- ۳- نفقه ۱۲۸
- ۳-۱- نفقه‌ی زوجه ----- ۱۲۸
- ۳-۲- نفقه‌ی خویشاوندان ----- ۱۲۹
- ۳-۲-۱- ترتیب انفاق کنندگان ----- ۱۲۹
- ۳-۲-۲- ترتیب انفاق شوندگان «مُنْفَقَ عَلَیْهِمْ» ----- ۱۲۹
- ۳-۲-۳- دین یا تکلیف بودن نفقه ----- ۱۳۰
- ۳-۲-۴- تکلیف مادر درباره نفقه فرزند ----- ۱۳۰
- ۳-۲-۵- نفقه تحصیل ----- ۱۳۰
- ۳-۲-۶- نفقه ازدواج فرزند ----- ۱۳۰
- ۴- مالکیت مستقل زوجین ۱۳۰
- ۵- تلاش برای تحصیل مال حلال ۱۳۱
- ۶- پرهیز از اسراف، تبذیر و تجمل گرایی ۱۳۲
- ۷- خمس ۱۳۲
- ۷-۱- موارد خمس ----- ۱۳۳
- ۷-۲- خمس درآمد ----- ۱۳۳
- ۷-۳- تعیین مبدأ سال خمسی ----- ۱۳۳
- ۷-۴- مؤونه ----- ۱۳۴
- ۷-۵- کسر هزینه‌ی درآمد ----- ۱۳۴
- ۷-۶- جهیزیه و خمس ----- ۱۳۴
- ۷-۷- مهریه و خمس ----- ۱۳۵
- ۷-۸- هدیه و خمس ----- ۱۳۵
- ۷-۹- مصرف خمس ----- ۱۳۵
- ۸- زکات ۱۳۶
- فصل هفتم: احکام متفرقه مورد نیاز همسران ----- ۱۳۷**
- ۱- غسل ۱۳۷
- ۱-۱- روش انجام غسل ----- ۱۳۷
- ۱-۲- غسل مشترک بین مردان و زنان: غسل جنابت ----- ۱۳۸
- ۱-۲-۱- عوامل جنابت ----- ۱۳۸
- الف) نشانه‌های منی در مردان ----- ۱۳۸
- ب) نشانه‌های منی در زنان ----- ۱۳۹
- ۱-۲-۲- کارهایی که برای جنب حرام است ----- ۱۳۹

- ۱-۲-۳- کفایت غسل جنابت از وضو ----- ۱۴۰
- ۱-۳- غسل‌های مخصوص بانوان ----- ۱۴۱
- ۱-۳-۱- غسل حیض (عادت ماهیانه) ----- ۱۴۱
- ۱-۳-۲- غسل استحاضه ----- ۱۴۲
- ۱-۳-۳- نفاس ----- ۱۴۲
- ۲- شرابخواری، استفاده از مواد مخدر و روانگردان ۱۴۳
- ۲-۱- شرابخواری ----- ۱۴۳
- ۲-۲- هم‌خانگی با سگ ----- ۱۴۴
- ۲-۳- استفاده از مواد مخدر و روان گردان ----- ۱۴۴
- فهرست منابع: ۱۴۵

پیشگفتار

"ومن آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمہ ان فی ذلک لایات لقوم یتفکرون"

از نشانه های قدرت و رحمت خدا این است که همسران شما را از جنس شما آفرید تا در کنار آنها احساس آرامش کنید و میان شما محبت و رحمت قرارداد به تحقیق در این نکته نشانه هایی است برای آنها که می اندیشند. (سوره روم آیه ۲۱)

ازدواج یک مرحله بسیار مهم از زندگی است که تنها برای زن و شوهر بلکه برای نسل های بعد نیز سرنوشت ساز است و عامل تکامل انسان است. هدف ازدواج، با هم بودن، کسب آرامش، خوشبختی، تحکیم خانواده، داشتن فرزندان و تداوم نسل است.

خانواده اولین واحد تشکیل دهنده جامعه اسلامی است و ازدواج زیر بنای این واحد است. افزایش آگاهی زوجین در آستانه ازدواج از اقدامات بسیار مهم برای تقویت بنیان خانواده به شمار می آید.

در شروع زندگی مشترک، همه زوجین لازم است مطالبی را در مورد برقراری مهارت های زندگی خانوادگی، سلامت جنسی، فواید فرزندآوری، حرمت سقط جنین و احکام و حقوق زوجین بدانند. از این رو برنامه آموزش هنگام ازدواج، نقطه عطفی در ارتقای دانش زوجین، در آغاز زندگی مشترک شان می باشد. لذا ضروری است کلیه دانشگاه/ دانشکده های علوم پزشکی، ضمن بهره مندی از مربیان ازدواج مورد تایید دفتر نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها، امکانات و زیر ساخت های لازم برای اجرای بهینه ماده ۳۸ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت و درنهایت افزایش رضایتمندی زوجین از تشکیل خانواده و به دنبال آن داشتن فرزندان سالم و صالح را فراهم آورده و تقویت نمایند.

در پایان از تلاش های ارزنده همه اساتید محترم، اعضای محترم کمیته علمی فرهنگی ازدواج شورای عالی انقلاب فرهنگی، ستاد ملی جمعیت، دفتر نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاهها و همکاران عزیز اداره جوانی جمعیت مرکز جوانی جمعیت، سلامت خانواده و مدارس که در تدوین و تهیه کتاب های چهارگانه آموزش های هنگام ازدواج از هیچ تلاشی دریغ ننموده اند صمیمانه تشکر نموده و امیدوارم در پرتو ازدواج بهنگام و آسان و فرزندآوری به موقع درنسل جوان شاهد ایرانی جوان، قوی، پویا، سربلند و بالنده باشیم.

دکتر حسین فرشیدی

معاون بهداشت

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

سخن آغازین

انسان در تحولات رشدی خویش، با آغاز دوره جوانی هماهنگ با نظام زوجیت در جهان هستی خود را نیازمند نیمه مکمل خود می‌یابد از این رو به ازدواج روی می‌آورد. ازدواج برای همسران کارکردهای ارزشمندی همچون تکامل شخصیت، ایجاد آرامش روانی، پاسخ صحیح به نیازهای جنسی و در نتیجه بهره‌مندی از نشاط، کامل شدن ایمان و کسب اعتبار اجتماعی دارد. کارکرد اجتماعی ازدواج نیز فراوان است از جمله توسعه امنیت اجتماعی در راستای تنظیم رفتارهای جنسی، پیشرفت اقتصادی به دلیل تقویت انگیزه متأهلان برای اشتغال، بهبود روابط اجتماعی به جهت گسترش جامعه‌پذیری افراد در کانون خانواده و مهم‌تر از همه آنکه خانواده کانونی است که در آن ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد و تمدن آن جامعه پایدار مانده و ارتقاء می‌یابد.

آنچه با عنوان کارکردهای ازدواج مطرح شد زمانی حاصل می‌شود که زن و شوهر نسبت به زندگی مشترک و روابط مطلوب بین خود دانش و بینش صحیح پیدا کرده باشند و در این راستا مهارت‌های لازم را بیاموزند و به کار بندند. از این رو برای تقویت دانش مورد نیاز زوجهای جوان، قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت دستگاههای مختلف را مکلف کرده تا آموزش‌های متنوعی را ارائه دهند و در ماده ۳۸ آن «وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف شده در چهارچوب مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی آموزش‌های حین ازدواج را به تمامی زوجین اعم از دانشجو و غیر دانشجو ارائه دهد» و «دفتر ثبت ازدواج هم موظف به دریافت گواهی دوره‌های آموزشی حین ازدواج، موضوع این ماده از زوجین، قبل از تحویل سند رسمی ازدواج هستند».

از این رو وزارت بهداشت برنامه جامع آموزشی را با عنوان آموزش‌های هنگام ازدواج تهیه کرده است که در قالب چهار عنوان شامل: «اخلاق، حقوق و احکام زوجین، حرمت و قبح سقط جنین»، «سلامت جنسی و باروری، عوارض پیشگیری از بارداری»، «مهارت‌های زندگی خانوادگی» و «فرزندآوری و فواید بارداری» می‌باشد.

آنچه پیش رو دارید تنها منبع آموزشی ویژه مربیان آموزش‌های هنگام ازدواج مورد تایید کمیته علمی فرهنگی آموزش‌های هنگام ازدواج شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌باشد...

در پایان از زحمات مؤلفین محترم سرکارخانم دکتر فاطمه بداغی و سرکار خانم دکتر زهرا راستی (عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق(ع) و از همکاران اصلی طرح ملی آموزش‌های حین عقد) و مدیریت اجرایی سرکارخانم دکتر زهرا آیت‌اللهی و همکاری سرکار خانم دکتر معصومه حق‌پرست جهت به ثمر رسیدن این منبع آموزشی تقدیر و تشکر می‌نمایم. امیدوارم با ارتقاء سطح دانش زوجین جوان شاهد استحکام بیشتر خانواده‌های ایرانی، فرزندآوری به موقع و متعدد در نسل جدید و ایرانی جوان، پویا و پیشرفته در یک دهه پیشرو باشیم.

دکتر صابر جباری فاروجی

رئیس مرکز جوانی جمعیت سلامت خانواده و مدارس

وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

بخش اول: اخلاق و حقوق خانواده

مقدمه

در هریک از جوامع بشری، روابط خانوادگی و ازدواج تحت تاثیر مذهب، اخلاق، آداب و رسوم اجتماعی، عواطف و احساسات انسانی و قوانین موضوعه می باشد. بنابراین قوانین مصوب، بخشی از این روابط را تنظیم می نماید. در حقیقت قوانین حقوقی، حداقل وظایف و حقوق متقابل اعضای خانواده را تعیین می کند و می تواند تا حدودی برطرف کننده اختلافات و تعیین کننده سطح توقعات دو طرف از یکدیگر باشد؛ اما تعریف خانواده مطلوب و کارکردهای خانواده در سایر رشته های علوم انسانی مانند الهیات، اخلاق و روانشناسی ترسیم می شود. به عبارت دیگر، قانون تحت تاثیر آموزه های اخلاقی، دینی و هنجارهای اجتماعی است. اما با آنکه مقررات و قوانین دارای ضمانت اجرا است و الزام آور می باشد نباید فراموش کرد که قوانین دربردارنده همه قواعد اخلاقی، دینی و اجتماعی نیستند. بنابراین قوانین، دعاوی خانوادگی را حل و فصل می نمایند و آموزش آنها نقش پیشگیری از اختلافات را دارد ولی دربردارنده همه قواعد لازم برای سعادت و خوشبختی خانواده نمی باشد. برای ایجاد خانواده ای متعالی باید مجموعه ای از فرامین دینی و بایسته های اخلاقی را نیز به کار بست.

کاهش ازدواج و عدم فرزند آوری و پیری جمعیت همه متخصصان علوم اجتماعی و جمعیت کشور را نگران کرده است. کاهش ازدواج عواقب زیان باری از قبیل کمبود نسل، فقدان پیوند اجتماعی، کاهش احساس مسئولیت، عدم تعلق به خاک و کشور، افزایش آمار افسردگی، خودکشی، کمبود نشاط در فرد و جامعه را به دنبال دارد. پیری جمعیت و عواقب آن مانند: کاهش نیروی کار جوان توانمند و پر تلاش در تهیه محصولات کشاورزی و تولیدات صنعتی، افزایش بیماریها و نیاز بیشتر سالمندان به خدمات پزشکی و پرستاری، افزایش نیاز سالمندان به خدمات تامین اجتماعی و بیمه بازنشستگی، کاهش بازدهی نیروی کار، پیامدهای ضدامنیتی از جمله مهاجر پذیر شدن کشور، کاهش توان دفاعی کشور و ... را مواجه با بحران نموده است بنابراین اهتمام دولت به ازدواج، تشکیل خانواده و فرزند آوری جلب شده است و در همین راستا قانون حمایت خانواده و جوانی جمعیت در سال ۱۴۰۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

در مواد ۲۸ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۵ و ۳۸ این قانون پیش بینی شده است، دستگاههای اجرایی، آموزشی و فرهنگی مانند وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و آموزش و پرورش و آموزش عالی و فناوری اطلاعات و دانشگاهها و موسسات عمومی غیر دولتی مانند سازمان تبلیغات و شهرداریها آموزشهای لازم را به جوانان و خانواده ها ارائه نمایند تا آنها را از ضررهای کاهش ازدواج و ازدواج دیر هنگام و عدم فرزند آوری مطلع و آگاه سازند.^۱

یکی از راههای نیل به خانواده برتر، شناخت تضمین های قانونی است؛ لذا آشنایی با قوانین خانواده در ایران بر زوج های جوانی که در صدد تشکیل خانواده هستند، ضروری می باشد تا اولین گام در مسیر تشکیل خانواده محکم برداشته شود.

در پرتو آشنایی با قوانین است که انتظارات بیهوده از زن که مثلاً همه دارایی های شخصی خود را در اختیار شوهر قرار دهد یا

۱. ماده ۳۵ - وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کلیه مؤسسات آموزش عالی کشور، مکلفند در راستای سیاست های کلی جمعیت و خانواده حداکثر یک سال پس از ابلاغ این قانون، جهت ترویج و آگاهی بخشی نسبت به وجوه مثبت ازدواج به هنگام نیاز، آموزش مهارت های دوران ازدواج، فرزندآوری، آثار منفی کم فرزند در خانواده و کاهش رشد جمعیت در جامعه، حرمت سقط جنین، نهادینه کردن هنجارهای صیانت از تحکیم خانواده، ایفای نقش های خانوادگی و مقابله با محتوای مغایر سیاست های جمعیتی، ضمن حذف محتوای آموزشی مخالف فرزندآوری، اقدامات و فعالیت های آموزشی، پژوهشی و فرهنگی ویژه دانشجویان و نیروی انسانی آموزشی و اداری را مبتنی بر نقشه مهندسی فرهنگی کشور ذیل برنامه های سالانه خود انجام دهند.

توقعات بی دلیل از شوهر که فرضاً باید مخارج سنگینی را برای انجام مراسم عروسی و عقد عهده‌دار شود، کمتر خواهد شد. نباید فراموش کرد که آموزش‌های حقوقی، حداقل استانداردهای لازم برای شروع یک زندگی مشترک است و در کنار آن آموزش‌های اخلاقی نیز بسیار لازم است چرا که به خانواده کمک می‌کند تا به جایگاه والای آن در تعالیم دینی و اجتماعی واصل شود. در تشکیل خانواده دو مرحله متمایز وجود دارد:

الف: پیش از انعقاد عقد ازدواج (مقدمات و شرایط و موانع ازدواج)

ب: پس از عقد ازدواج (حقوق و تکالیف مشترک و حقوق و تکالیف اختصاصی هر یک از همسران)

در این کتاب، هدف، آموزش‌های حقوقی عمومی و غیر تخصصی برای جوانانی است که قصد تشکیل خانواده دارند. حقوق خانواده از دیدگاه اسلام و به تبعیت از آن در قوانین ایران دربردارنده نکاتی است که به برخی از آن نکات در این مقوله اشاره می‌شود:

حقوق و تکالیف زن و مرد در رابطه زوجیت در نظام حقوق اسلام از یک حیث به سه دسته قابل تقسیم است:

الف: برابری‌های حقوقی، نظیر حق تصرف در اموال

ب: نابرابری حقوقی به سود زن نظیر حق مهریه و حق نفقه (صرف هزینه خوراک و پوشاک و درمان و مسکن و اثاث خانه)

ج: نابرابری حقوقی به سود مرد نظیر حق طلاق

در نظام حقوقی اسلام برای خانواده، در همه حقوق و تکالیف تساوی وجود ندارد ولی اصل عدالت، حاکم است، یعنی اسلام در پی ایجاد تعادل و موازنه حقوقی میان زن و مرد است نه برابری مطلق حقوقی.^۱

در تفکر اسلامی، زن و مرد نه با هم کاملاً برابرند و نه کاملاً مستقل از یکدیگرند، آنان مساوی هم نیستند بلکه مکمل یکدیگرند. مبنای حقوق خانواده، حقوق حمایتی است. منطق حمایت از خانواده، بر سراسر احکام خانواده حاکم است. بسیاری از احکام خانواده با فهم این نکته قابل درک است. مثال: پرداخت نفقه به زوجه توسط شوهر و حضانت (نگهداری و پرورش مادی و معنوی طفل) و سرپرستی طفل توسط پدر و مادر تنها با منطق حقوق حمایتی سازگار است. تأکیدات اسلام بر رعایت حقوق زنان و کودکان در خانواده نیز مبتنی بر این دیدگاه است.

در این کتاب به تناسب رویکرد فوق، دو بخش مهم با عنوان «مقدمات نکاح» و «آثار نکاح» در برابر خواننده قرار دارد. در مقدمات نکاح، ازدواج و اهداف آن، شرایط و موانع نکاح شامل خواستگاری و تشریح موانع نکاح، نامزدی و آثار حقوقی آن، اهلیت زوجین برای نکاح مشتمل بر بلوغ، عقل، سن نکاح، رضایت زوجین و رضایت پدر، و همچنین ثبت نکاح شامل معرفی سند ازدواج، تشریح شروط ضمن عقد و وکالت در ازدواج آورده شده است و همچنین آثار نکاح که در سه فصل تنظیم شده و مشتمل بر حقوق و تکالیف مشترک زوجین، حقوق اختصاصی زن و حقوق اختصاصی مرد می‌گردد.

البته شرایط، موانع و آثار نکاح بسیار مفصل‌تر و عمیق‌تر از مجموعه حاضر است ولی هدف از نگارش این کتاب، آشنایی زوجین جوان با اخلاق و حقوق خانواده می‌باشد؛ بنابراین مباحث، کاربردی و به قلمی ساده تقریر یافته است و لذا موضوعات با تحلیل‌های تخصصی پیچیده همراه نیست بلکه هدف معرفی اجمالی «چه باید کرد؟» در نظام حقوقی خانواده ایرانی است تا از گرفتاری‌ها و مشکلات خانوادگی جلوگیری بعمل آید.

۱. حکمت‌نیا و همکاران، فلسفه حقوق خانواده، ص ۴۳.

در همین راستا برای تبیین تاثیر قوانین در مسیر زندگی خانوادگی و نابسامانی‌های آن در هر مبحث نمونه‌هایی از پرونده‌های قضایی که مبتنی بر تجارب قضایی شخصی نگارنده و برخی آرای دادگاهها به روایت قضات می‌باشد ارائه گردیده است. این پرونده‌ها همچنین بیانگر اهمیت آشنایی با قوانین و مقررات کشور است. امید آن می‌رود مجموعه حاضر گامی در مسیر تحکیم و تقویت نهاد خانواده باشد.

فصل اول: آنچه مربیان آموزشی در تدریس اخلاق و حقوق خانواده باید بدانند

(۱) ارائه مباحث حقوقی به جهت، آشنایی با حقوق و وظایف زوجین در مرحله تشکیل خانواده و با رویکرد پیشگیری از وقوع اختلاف و افزایش آگاهی و دانش حقوقی است. آموزش‌ها نباید مطالبه‌گرانه و ستیزه‌جویانه و موجب تشدید اختلافات باشد.

(۲) همه باید بدانند، حقوق در روابط اجتماعی متقابل است. هیچ‌کس صاحب حق مطلق و یا فقط وظیفه‌مند نیست. بلکه در هر حقی تکلیفی برای طرف مقابل است و در ازای هر تکلیفی، حقی برایش نهفته است. اگر زن حق نفقه دارد و شوهر مکلف به انفاق وی است؛ مرد حق تمکین دارد و زن مکلف به تبعیت از وی است. در زندگی اجتماعی همه قراردادها همین‌طور است به عنوان نمونه اجاره‌دهنده تکالیف دارد و حقوقی دارد و مستاجر هم چنین است.

(۳) حقوق، حداقل استانداردهای زندگی مشترک است. زندگی خانوادگی، حیات پاک و والای انسان است که بر پایه ایثار و از خودگذشتگی متقابل بنا می‌شود. اخلاق در خانواده و رعایت فضیلت‌ها و ارزش‌های انسانی و اسلامی، زندگی را شیرین می‌کند. البته گذشت و ایثار با ظلم‌پذیری متفاوت است. گذشت و ایثار به وجود رضایت شخصی که گذشت می‌کند متمایز از ظلم‌پذیری می‌شود.

(۴) در نظام حقوقی اسلام و در قوانین ایران، زن و مرد در حقوق بنیادین و اساسی از جمله حق کرامت، حق حیات و حق ازدواج، برابر هستند. هیچ‌کس جنس دوم نیست در عین حال تفاوت‌های زن و مرد در عالم طبیعت و خلقت امری است که هر کس با وجدان خود می‌بیند و می‌داند و این پایه تفاوت در تکالیف اجتماعی و خانوادگی زن و مرد است. هیچ‌کس از زن توقع ندارد بارهای سنگین را حمل کند یا در دوران بارداری مانند یک مرد کار کند و استراحت نداشته باشد. متقابلاً هیچ‌کس از مرد توقع ندارد بارهای سنگین را لطافت زنانه امور منزل و نگهداری و رسیدگی به نوزاد را عهده‌دار شود. همین تفاوت‌ها در قوانین راه پیدا کرده است و لذا حقوق خانوادگی زن و مرد مساوی و عین یکدیگر نیست ولی این حقوق متفاوت، براساس عدالت و انصاف پایه‌گذاری شده است و این تفاوت‌ها به نحو متقارن و متناسب نهادینه شده است و این تفاوت‌ها سببی برای ظلم به دیگری نیست. در کلاس‌های آموزشی درباره فلسفه حقوق و تفاوت‌های زن و مرد و مبنای توجیه آن سوالات زیادی می‌شود که مناسب است مربیان مطالعات لازم جهت پاسخگویی را داشته باشند.

(۵) برخی جوانان به خصوص دختران در شروع زندگی مشترک، بسیار رویایی و غیر واقعی فکر می‌کنند. رویا پردازی پایه‌های عشق و احساس را در خانواده تقویت می‌کند ولی اگر از واقعیت و امکانات فاصله بگیرد و انتظارات و توقعات عجیب و غریب در دختران و پسران ایجاد کند مخل به دوام زندگی خانوادگی است. درس حقوق و اخلاق در خانواده می‌تواند نگاهی منطقی به یک قرارداد اجتماعی (عقد نکاح) تنظیم کند. برخی جوانان بر جنبه احساسی، عاطفی و عشق در ازدواج تاکید و اصرار دارند و به مقتضیات اولیه و نیازهای اساسی خانواده توجه کافی ندارد و لذا زمانی که با واقعیات مواجه می‌شوند به سمت فرار از مسئولیت و رهایی خانواده تمایل می‌یابند. این آموزش می‌تواند با ملایمت و آرامش، واقعیات را ترسیم کند. در عین حال مربیان محترم باید توجه کنند مباحث حقوقی به صورت خشک و بی‌روح مطرح نشود که بر جنبه عاطفی و عاشقانه ازدواج غلبه کند.

۶) مربیان ضمن اینکه باید دختر و پسر که آماده ازدواج می‌شوند را بر اهمیت ازدواج بین خودشان آگاه کنند؛ آنها را به اینکه با عقد نکاح، تاسیس جدیدی به عنوان "خانواده نو" ایجاد می‌کنند توجه دهند. مصلحت خانواده جدید در برابر مطالبات خانواده پدری هر یک از زوجین، باید متعادل باشد، تعلق هر یک از طرفین به خانواده نو در برابر خانواده سابق خود باید مورد اهتمام آنها باشد و زمینه دخالت‌های ناروا را کاهش دهد. در عین حال احترام به بزرگترها و والدین دو طرف ضرورت دارد. در شروع زندگی مشترک باید هر دو بپذیرند و تمرین کنند ولو خود علاقه‌ای به بستگان طرف دیگر نداشته باشند آماده پذیرش عزیزان و علایق اختصاصی طرف دیگر باشند.

۷) خانواده جدید باید بداند که فقط در برابر یکدیگر مسئولیت ندارد بلکه به تدریج آماده پذیرش عضو جدید شوند. فرزندآوری به هنگام به عنوان یکی از شیرین‌ترین لذت‌های خانوادگی که موجب تحکیم روابط زن و شوهری می‌شود باید مورد تاکید قرار گیرد. نکته‌ای که تذکر آن ضروری است آن که طرفین توجه کنند بعد از انعقاد عقد شرعی و برقراری روابط زوجیت، همیشه تولد فرزند امری خواسته و قابل پیش‌بینی است. طرفین باید توجه باشند هر چند تاخیر در فرزند آوری با روش‌های مشروع بدون اشکال است ولی به هر حال بعد از ازدواج، هیچ گاه بارداری، امری ناخواسته و عجیب و غریب نیست و هرگز مجوزی برای فرار از مسئولیت نگهداری طفل نیست و باید با آغوش باز با این موضوع شغف آور مواجه شوند. عدم بارداری، کسالت آور و بعضاً اختلاف برانگیز است. نوع و مدت پیشگیری از باروری نیز باید از توافقات طرفین باشند و اگر توافقی نباشد از آثار طبیعی عقد ازدواج فرزند آوری است. عقد دایم در مشروعیت شرط عدم باروری دایم محل اشکال است.^۱

۸) مناسب است مربیان محترم به خصوص افراد فاقد تحصیلات حقوقی با مراجعه به منابع اعلام شده در زیرنویس‌ها اطلاعات خود را افزایش دهند.

۹) حقوق خانواده مبتنی بر دین، آداب و رسوم ملی و محلی و اخلاق و سیاست‌های کلی جامعه (درباره نرخ ازدواج، طلاق و سن ازدواج و جمعیت و امنیت) است. آموزش خود را متناسب با این امور تنظیم کنید.

۱۰) حقوق خانواده به تنهایی قادر به ایجاد یک خانواده سعادتمند نیست بلکه حقوق در کنار اخلاق و تربیت وجدان و ایثار می‌تواند ثمر بخش باشد.

۱۱) بین حق در مرحله ثبوت و اثبات تفاوت وجود دارد. درباره اشخاص معین و پرونده‌های خاص داورى نکنید.

۱۲) درباره سوالات شرعی با توجه به نظرات مراجع مختلف، زوجین را ارشاد کنید و این امر را به مربی مسئول تدریس احکام واگذار کنید.

۱. حجازی؛ محمدعلی، بدای، فاطمه، مقاله شرط باروری یا عدم باروری در نکاح، صص ۴۷ تا ۷۲.

فصل دوم: تعریف ازدواج و هدف آن

قبل از این که به آموزشهای حقوقی مربوط به ازدواج پرداخته شود؛ با توجه به کم رغبتی جوانان به ازدواج لازم به نظر می رسد دلایل ضرورت ازدواج را مرور کنیم. البته ازدواج و تشکیل خانواده امری طبیعی و فطری است و در حقیقت علل گرایش به مجرد باید واکاوی شود.

الف) بخشی از علت‌های مجرد به عدم امکان ازدواج و سختی ازدواج مربوط است؛ یعنی برخی جوانان می‌خواهند ازدواج کنند ولی فکر می کنند، نمی‌توانند هزینه‌های آن را متقبل شوند. این مسئولیت جامعه اسلامی است که باید از آنها حمایت کند. شاید دولت در گذشته توجه کافی به این موضوع نداشت ولی اکنون متوجه مخاطرات پیری جمعیت شده و سعی دارد به تدریج از ازدواج و تشکیل خانواده و فرزند آوری حمایت بیشتری کند. بنابراین در قانون حمایت خانواده و جوانی جمعیت بیش از سابق حمایت‌های مالی از ازدواج را مورد توجه قرار داده است: افزایش وام قرض الحسنه ازدواج که در صورت جوانتر بودن زوجین مبلغ آن افزایش می‌یابد^۱، پرداخت وام ودیعه مسکن برای دانشجویان و طلاب متاهل^۲، اولویت در برخورداری منازل سازمانی یا خوابگاه‌های متاهلین^۳، اعطای جایزه ملی جمعیت^۴، پیش بینی وام قرض الحسنه تولد فرزند که به تناسب تعداد اولاد افزایش می‌یابد^۵، سپرده گذاری به نام هر فرزند در بدو تولد^۶، اعطای پاداش ازدواج یا تولد فرزند به کارکنان دولت^۷ پرداخت حق عائله مندی و حق اولاد^۸ از جمله تسهیلاتی است که در این قانون مورد حکم قرار گرفته و ارقام آن نیز در قوانین بودجه هر سال افزایش می‌یابد. هرچند تامین مالی اجرای این قانون با چالش‌هایی مواجه است ولی با ملاحظه ضرورت اصلاح وضعیت جمعیت در کشور، به تدریج اجرای این قانون و مانند این قانون در دستور کار آینده کشور قرار خواهد داشت.

ب) واقعیت این است که علت عدم علاقه به تشکیل خانواده فقط دلایل اقتصادی نیست و دلایل فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی زیادی دارد. علل گرایش به مجرد، به طور خلاصه گاه به فرار از مسئولیت پذیری و عدم پایداری به وظایف خانوادگی و گاه ارضای غریزه جنسی به طور موقت و بدون تشکیل خانواده و بعضاً به بیکاری و ناامیدی نسبت به آینده، نگرانی از طلاق و عدم شناخت همسر مناسب مربوط می‌شود.

جوانان باید بدانند هرچند ازدواج تعهد آور است اما حقوق دایمی را به دنبال دارد که موجب رسیدن به آرامش و شادی در محیط خانواده می‌شود و نگرانی از ابتلای به امراض جنسی را برطرف می‌کند و هر چه در سنین پایین تر واقع شود سریعتر به انس و الفت

۱. ماده ۶۸ قانون جوانی جمعیت و تبصره های آن مصوب ۱۴۰۰.

۲. ماده ۸ همین قانون.

۳. ماده ۷ همان قانون.

۴. ماده ۱۹ همان قانون.

۵. ماده ۱۰ همان قانون.

۶. ماده ۱۱ همان قانون.

۷. ماده ۲۰ همان قانون.

۸. ماده ۱۶ همان قانون.

مبدل می‌شود و اگر رفتار زوجین از حوصله و پختگی و مطالعه بیشتر برخوردار باشد، خطر طلاق و جدایی کمتر می‌شود. همه چیز در موفقیت ازدواج به رفتار طرفین بستگی دارد. خوشبختی با نهایت تلاش و گذشت و مدارا به دست می‌آید و امری اتفاقی نیست.

ازدواج، پیوند زناشویی است که بین زن و مرد بسته می‌شود. حقوقدانان در تعریف نکاح آورده‌اند: "نکاح عقدی است که به موجب آن زن و مرد به منظور تشکیل خانواده و شرکت در زندگی، با هم متحد می‌شوند."^۱

و یا «نکاح رابطه‌ای است حقوقی و عاطفی که به وسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌شود و به آنها حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند و مظهر بارز این رابطه حق تمتع جنسی است.»^۲

لازم به ذکر است که ازدواج از منظر علم حقوق، قرارداد یا عقد است (نه ایقاع) یعنی وابسته به رضایت و اراده دو طرف است اما برخلاف اکثر قراردادهای نکاح قرارداد غیر مالی است یعنی هدف مستقیم آن بدست آوردن مال یا تامین مالی زن یا شوهر نیست. مهریه یا نفقه یا ارث از آثار ازدواج است و ذات و ماهیت عقد نکاح نمی‌باشد. به همین دلیل اگر در برخی از تکالیف مالی ازدواج خللی به وجود آید چنانکه مهریه باطل باشد، ازدواج صحیح است و در صورتی که رابطه زناشویی واقع شده باشد به زن مهرالمثل تعلق می‌گیرد.^۳

هدف از ازدواج دائم، تشکیل خانواده است و روابط زوجیت مبتنی بر سکینه، مودت و رحمت می‌باشد. چنانچه خداوند در آیه شریفه اشاره می‌فرماید: «و من آیاته أن خلق لکم من أنفسکم أزواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم مودةً و رحمه»^۴ «و از آیات خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به آن سکینه و آرامش بیابید و بین شما مودت و رحمت قرارداد.»

هدف ازدواج که از آیات الهی است رسیدن به آرامش روحی می‌باشد. بین مودت و رحمت تفاوت وجود دارد: مودت عبارتست از: ابراز مهربانی و اظهار محبت و رحمت: گذشت از خطاها؛ یعنی حقی داشته‌ای و سهوا غفلت یا در اثر ناتوانی فوت شده است و از این حق گذشت می‌نمایی.

خانواده‌های نابسامان گاه در آرامش بخشیدن، کسب آسایش و ابراز لطف و گاه در چشم‌پوشی از اشتباهات و غفلت‌ها ناتوان هستند. تعبیر قرآنی «میثاق غلیظ» یا «پیمان استوار»^۵ از ازدواج و پیمان‌زناشویی نیز، حکایت از اهمیت تاثیر ازدواج در روابط انسانی و کمال و رشد بشری دارد.

ازدواج تامین کننده نیاز انسان به عشق ورزیدن و مهربانی است. ازدواج تمرین از خود گذشتن است. هر چند که حقوق خانواده مبتنی بر عدالت و نفی ستم از زن و شوهر و فرزندان می‌باشد. زندگی مشترک، دریایی بیکران و عمیق از دوستی همراه با سختی و آسانی است که زن و شوهر با آن مواجه می‌شوند.

این زندگی باید موجب امیدواری و رشد هر دو و مانع یاس، ناتوانی و ظلم و ستم باشد. چنانچه در روایت از پیامبر اکرم (ص) آمده که فرمود: «زن یا شوهری که به همسر خود آزار برساند خداوند نماز و اعمال نیک او را قبول نمی‌کند و او اولین فردی است که وارد جهنم می‌شود.»^۶ و نیز امام صادق (ع) فرموده‌اند: «انسان در خلال برآوردن نیازهای منزل و خانواده‌اش به سه چیز نیازمند است حتی

۱. کاتوزیان ناصر، حقوق خانواده، ج ۱، ص ۲۰.

۲. محقق داماد، سید مصطفی، حقوق خانواده.

۳. ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی. مهرالمثل عبارت است از مهریه‌ای که معمولاً به زنی با چنین شرایطی تعلق می‌گیرد.

۴. سوره روم، آیه ۲۱.

۵. سوره نساء، آیه ۲۱ و اخذن منکم میثاقاً غلیظاً.

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۶۳، شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۳.

اگر آن چیزها با طبع او سازگار نباشد که یکی از آنها معاشرت نیکو می‌باشد»^۱

سفارش به رعایت حقوق زن در خانواده، منطقی است برگرفته از آیات و روایات متعدد مانند تاکید قرآن بر: معاشرت نیکو با زنان «عاشروهن بالمعروف»^۲، یا نگهداری زنان به نیکویی یا طلاق دادن به نیکویی «فامسکوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف»^۳، یا «فامساک بمعروف او تسریح باحسان»^۴

در عین حال سفارش به همراهی زن با شوهر و عشق ورزیدن زن به همسر خود و توصیه به رعایت حقوق مادی و معنوی مردان به زنان در اسلام بسیار وجود دارد. پیامبر اکرم(ص) جهاد زن را خوب شوهرداری کردن او ذکر کرده‌اند^۵ که بدین وسیله زن اجر و ثواب مجاهدین در راه خدا را خواهد داشت.

به طور معمول در کشور ما، مقدمات ازدواج و قبل از وقوع عقد ازدواج، عبارت از خواستگاری و نامزدی است. این دو مرحله هرچند کوتاه یا طولانی به منظور بررسی وجود شرایط لازم برای عقد ازدواج (وجود عقل، رضایت، صحت و قابلیت جسمی و اهلیت نکاح برای زوجین) و عدم وجود موانع ازدواج (برخی نسبت‌های خویشاوندی و اختلاف در دین و تابعیت و ...) می‌باشد. بنابراین در این فرصت که طرفین در صدد شناخت یکدیگر هستند باید این عوامل و موانع را در نظر داشته باشند. دیده می‌شود که بعضاً از دهها موضوع دیگر و تشریفات سخن گفته می‌شود ولی در این امور اساسی به تعارف و عدم صراحت بسنده می‌شود. توجه کردن به قراین و علایم سلامت جسمی، جنسی و عقلی، وضعیت تابعیت و سابقه ازدواج یا عقد قبلی و مانند آن و راستگویی در این امور ضرورت مبرم دارد.

۱. قال الصادق(ع): ان المرء یحتاج فی منزله و عیاله الی ثلاث خصال یتکلفها و ان لم یکن فی طبعه ذلک: معاشره جمیله...، مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۳۶.

۲. سوره نساء، آیه ۱۹.

۳. سوره طلاق، آیه ۲.

۴. سوره بقره، آیه ۲۲۹.

۵. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۷، کلینی، کافی، ج ۵، ص ۹ و ۵۰۷.

فصل سوم: شرایط و موانع ازدواج

برای ایجاد و تاسیس نهاد خانواده، عقد ازدواج منعقد شود. برای درستی ازدواج باید شرایطی موجود باشد و موانعی وجود نداشته باشد تا ازدواج صحیح واقع شود، در این فصل این شرایط و موانع با ذکر تجربیات پرونده‌های قضایی آورده می‌شود.

«قاضی دادگاه خانواده هر چه به دو نامزد بیشتر دقت می‌کرد آنها را متناسب می‌دید. هر دو دارای مدرک کارشناسی بودند. پسر دارای حقوق کافی بود و خانواده هر دو اهل یک شهر و از نظر اقتصادی متوسط بودند. هر دو، جوانان سالم و برازنده‌ای بودند ولی عصبانیت آنها به اندازه‌ای بود که قادر به بخشیدن یکدیگر و فراموش کردن آنچه گذشته است، نمی‌شدند. دختر پیش از این ازدواج با مردی عقد ازدواج نموده ولی به دلیل اعتیاد مرد از وی جدا شده بود، او به جهت عدم رابطه زناشویی، نام شوهر اول را از شناسنامه حذف و بدون اینکه به این شوهر بگوید که سابقه ازدواج قبلی دارد با او عقد نموده بود. در مجلس عقدکنان چند نفر از بستگان این شوهر از آشنایان خانواده شوهر سابق بوده و موضوع را به اطلاع خانواده شوهر رسانده بودند و مجلس عقد بعد از اجرای صیغه شرعی و ثبت نکاح به هم ریخته بود. دختر نیز مدعی بود که خانواده پسر به خانواده او گفته‌اند برای هر یک از فرزندان خان‌ای تدارک دیده‌اند و برای آنها نیز خان‌ای تهیه خواهند کرد. در حالی که معلوم شده همه فرزندان آنها مستاجر هستند و آنها نمی‌توانند برای فرزندان خان‌ای تهیه نمایند و تنها قادر هستند در پیش پرداخت اجاره مسکن به پسرشان کمک کنند تا نیاز آنها رفع شود. واقعیت این بود که پسر بقدری دختر را دوست داشت که اگر پیش از اینکه دیگران به او بگویند، از موضوع ازدواج سابق خبردار می‌شد از این ازدواج صرف نظر نمی‌کرد و دختر نیز از نظر اقتصادی و خانوادگی می‌توانست در خانه استیجاری زندگی کند ولی هر دو از آنچه که از آنها پنهان مانده بود به قدری برآشفته بودند که اعتمادشان به یکدیگر مخدوش شده و دیوارهای فرو ریخته تفاهم در عصبانیت، قادر به ترمیم نبود و مداخله اطرافیان نیز اوضاع را وخیم‌تر می‌نمود. قاضی خانواده می‌گفت: کاش فقط چند روز زودتر، حقیقت را به یکدیگر می‌گفتند. صداقت امری صرفاً اخلاقی نیست که در ازدواج ضرورت دارد بلکه این راستگویی الزامی است و مخفی کردن حقیقت در مرحله آشنایی بعد از عقد ازدواج هم ضمانت اجرای مدنی و هم کیفری دارد که در این فصل به آن اشاره خواهد شد.»

۱- خواستگاری، همسرگزینی و معیارهای آن

خواستگاری، پیشنهاد ازدواج شخص به فردی است که به عنوان همسر انتخاب نموده است. در جامعه ما معمولاً ازدواج با خواستگاری مرد از زن شروع می‌شود. خواستگاری یعنی تقاضای ازدواج و پیشنهاد تشکیل خانواده. هر چند قانون به خواستگاری از سوی مرد اشاره کرده^۱ و خواستگاری از جانب مرد با روحیات زنان و عرف اجتماعی نیز سازگارتر است ولی این درخواست و پیشنهاد می‌تواند از جانب زن نیز باشد.

دقت در انتخاب همسر تاثیر مطلوبی در استحکام خانواده و پیشگیری از طلاق دارد. رسول خدا(ص) فرمود: «به همتایان خود زن

۱. ماده ۱۰۳۴ قانون مدنی: «هر زنی را که خالی از موانع نکاح باشد می‌توان خواستگاری کرد.»

بدهید و از آنها زن بگیرید و به خاطر سعادت فرزندان آینده خود، همسرانی همتای خود را انتخاب کنید.^۱ البته سخت‌گیری زیاد در طبقه اجتماعی، وضعیت اقتصادی، زیبایی ظاهری، دارایی یا اصل و نسب خانوادگی مناسب نیست، به شرط اینکه مبانی اعتقادی و باورهای قلبی زوجین منطبق و متناسب با یکدیگر باشند. طبیعی است در صورت تشابه در ابعاد مختلف زندگی، زمینه تفاهم بیشتر فراهم می‌شود ولی امکان بدست آوردن شرایطی که تشابه زیادی داشته باشند، برای همه ممکن نیست و چه بسا سن ازدواج سپری می‌شود ولی فرد، هنوز هم شان خود را نیافته است. ضمن اینکه تشابه در این معیارهای مختلف، ضابطه‌ی مطلق برای خوشبختی نیست. چه بسیار بانوان ثروتمندی که با مردان فقیر در کمال آسایش و نشاط زندگی می‌کنند و چه بسا زنان فقیری که مردان ثروتمند را با ولخرجی و اسراف به فقر و تنگدستی مبتلا نموده‌اند و آسایش از زن و شوهر سلب شده است. خانواده‌های زیادی با خلق نیکو و قناعت در امور مالی از زندگی مشترک لذت می‌برند و چه فراوان خانواده‌های متمولی که نمی‌توانند از ثروت و نعمات زیاد خود بهره‌مند شوند و در عذاب روحی گرفتارند.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: "در اسلام، ملاک این همکاری که اسمش زوجیت است عبارتست از دین و تقوی که «المومن کفو المومنه و المسلم کفو المسلمة»^۲ این ملاک دین است."^۳ (خطبه عقد ۱۳۷۲/۰۶/۰۱)

و همچنین می‌فرماید: «اگر کسی به خاطر مال و جمال ازدواج کند، طبق روایت ممکن است خدای متعال مال و جمال به او بدهد و ممکن هم هست که ندهد اما اگر چنانچه برای تقوا و عفاف قدم بگذارند و ازدواج بکند خدای متعال به او مال خواهد داد جمال هم خواهد داد ممکن است کسی بگوید که جمال در چشم شما و در دل شما و در نگاه شماست، اگر انسانی کسی را که خیلی جمیل هم نباشد دوست داشته او را جمیل می‌بیند، وقتی کسی را دوست نداشت هر چقدر هم جمیل باشد، به نظر او جمیل نمی‌آید.»^۴ (خطبه عقد ۱۳۷۷/۱۰/۱۳)

برای شناخت افکار، اعتقادات و اخلاق طرف مقابل برای عقد ازدواج، رعایت نکاتی چند ضروری است از جمله:

۱- تبعیت از احساسات پیش از رسیدن به شناختی منطقی صحیح نیست. احساساتی شدن به معنای آن است که چشم عقل بسته شود و امکان شناخت عقلانی و قضاوت براساس منطق منتفی گردد. ازدواج‌های کورکورانه، دور از دقت، همراه با مطالعات ناکافی، تسلیم هوی و هوس شدن و سر به فرمان دل سپردن، از ازدواج‌های سست و ناپایدار هستند؛ براساس چنین عشقی نمی‌توان زندگی پایداری را شالوده نهاد و خوش و سالم زیست. عشق انفجاری همانند تب تند است که بدن زود عرق می‌کند و پس از مدتی سرد می‌شود.

۲- قبل از شناخت دیگران، باید هویت خود را شناخت. فردی که پاسخ‌های لازم برای ایده‌ها و سوالات خود را نداشته باشد نمی‌تواند دیگری را درباره آنها بسنجد.

۳- شناخت صحیح در بستر خانواده و به دور از هرگونه تکلف، تصنع و فریب، ممکن است. آشنایی فردی و به دور از واقعیت‌های خانوادگی و اجتماعی، شناخت کاملی نیست. آشنایی خانواده‌ها چند فایده مهم دربردارد:

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۴۸- مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۶.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۷.

۳. حاج علی اکبری، محمد جواد، مطلع عشق، ص ۱۵.

۴. همان، ص ۱۷.

اولاً: زمینه دسیسه و تقلب و دروغ را کاهش می‌دهد. از آنجا که فرد برای ارائه تصویر غیرواقعی از خود نمی‌تواند همه اعضای خانواده را به راحتی مجاب کند که دروغ گویند احتمال فریب در ازدواج، هنگام آشنایی با خانواده کاهش می‌یابد به ویژه کودکان در خانواده‌ها قادر به شرکت در ظاهرسازی نخواهند بود و سالمندان خانواده نیز سطح فرهنگی، تربیتی و همچنین سنت‌ها و عرف‌های خانوادگی را به خوبی نشان می‌دهند.

ثانیاً: شناخت وضعیت سلامت خانواده از بیماری‌های موروثی، صعب‌العلاج، برخی از ناراحتی‌های اعصاب و روان، وسواس و ... نیز از طریق معاشرت خانواده‌ها ممکن است. بدیهی است که از نظر عرف پرسش از وضعیت بیماری‌های موروثی در خانواده خیلی مودبانه نیست، در حالی که هنگام حضور در محیط خانواده این موضوع پوشیده نمی‌ماند. متأسفانه گاهی عامل مهم «سلامتی» که در سرنوشت مشترک زوجین و سلامتی فرزندان متولد از نکاح بسیار تعیین کننده است مورد توجه کافی جوانان نیست. «برای یک انسان سالم مشخصه‌هایی ذکر کرده‌اند که عبارت است از: استواری بدن، اندیشه پویا، روان شاد، فعال در امور اجتماعی، آگاه به امور اجتماعی و درک مسئولیت....»^۱

البته باید توجه کرد در این موضوع همسان‌گزینی ملاک خواهد بود. چه بسیار معلولانی که با یکدیگر ازدواج کرده و ازدواج موفق هم داشته‌اند. علاوه بر آن کسانی که ازدواج می‌کنند نباید بیماری‌ها و ضعف‌های خود را مخفی نمایند و الا چه بسیار جانبازان و معلولینی که خوشبختی را تجربه می‌کنند و چه بسیار افراد سالمی که نمی‌توانند سعادتمند باشند. بنابراین نکته مهم و اساسی آن است که افراد قبل از ازدواج، صادقانه وضعیت جسمانی و موقعیت زندگی خود را برای طرف مقابل توضیح دهند. این امر در مسائلی که مربوط به تصمیم‌گیری‌های اساسی فرد برای ازدواج است؛ لازم و ضروری می‌باشد.

دروغ گفتن در مورد سن، تحصیلات، شغل، مجرد یا تاهل و بیماری‌های مهم به فردی که قصد ازدواج با او را دارد از نظر قانون مدنی و نیز احکام فقهی ممنوع و حرام می‌باشد و پیامدهای حقوقی نیز دارد. آتدلیس در نکاح یا فریب دختر یا پسر برای اینکه به ازدواج او درآید؛ هم جرم است و موجب مسئولیت کیفری برای فریب دهنده می‌شود و هم همسری که فریب خورده اجازه فسخ نکاح دارد.

۲- موانع ازدواج

۲-۱- قرابت

خواستگاری از برخی از افراد به سبب «قرابت» یا «خویشاوندی» ممنوع است. ازدواج بین خویشاوندان نزدیک خواهر و برادر، پسر و مادر، دختر و پدر، نواده‌ها با پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها، عمه و خاله با پسر برادر و پسر خواهر، عمو و دایی با دختر برادر و دختر خواهر ممنوع است.^۳

ازدواج با خویشاوندانی که به سبب ازدواج با یکدیگر خویشاوند می‌شوند نیز در مواردی ممنوع است مانند زنی که ازدواج می‌کند

۱. اسعدی، سید حسن، حقوق متقابل اعضای خانواده، ص ۵۹.

۲. ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی: "هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور فاقد وصف مقصود بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا عقد متبانیاً بر آن واقع شده باشد."

و ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی: "چنانچه هر یک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل، سمت خاص، مجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آنها واقع شود مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد."

۳. ماده ۱۰۴۵ قانون مدنی.

برای همیشه از ازدواج با پدرشوهر و ناپسری خود ممنوع می‌شود یعنی اگر به واسطه طلاق یا فوت شوهر از او جدا شود باز هم ازدواج با پدر شوهر سابق یا پسر شوهر سابق برای او مجاز نیست و همین‌طور، مردی که با زنی ازدواج می‌کند حتی اگر فقط مدت کوتاهی به عقد یکدیگر درآمده و سپس از یکدیگر جدا شوند هیچ‌گاه نمی‌تواند با مادر آن زن، ازدواج کند و دختر آن زن از شوهر دیگر یعنی نادختری او نیز نمی‌تواند همسر او شود.^۱

علاوه بر آن در ازدواج، جمع بین دو خواهر نیز ممنوع می‌باشد یعنی هیچ مردی نمی‌تواند در زمانی که همسر دارد با خواهر همسر خود نیز ازدواج کند. (چه عقد دائم و چه عقد موقت)^۲

علاوه بر قرابت سببی و نسبی، کسانی هم که به سبب شیر خوردن کودک از زنی غیر از مادر خود خویشاوند رضاعی شمرده می‌شوند و محرم یکدیگر می‌باشند نیز نمی‌توانند با هم ازدواج کنند.^۳ البته خویشاوندی رضاعی در صورتی بوجود می‌آید که همه شرایط مربوط به شیردهی منطبق با مورد باشد که تفصیل آن در کتب احکام و در قانون مدنی آمده است.^۴

همچنین علاوه بر آنکه ازدواج با زن «شوهردار» ممنوع است، خواستگاری از وی نیز مجاز نیست.^۵

۲-۲- دین

«دختر مسلمان در دانشگاه با پسری مسیحی هم‌کلاس بوده، مهر و محبت‌های پسر، دختر را سخت دل‌باخته او کرده است. حالا دختر قصد ازدواج با پسر را دارد مسئله آن است که او شنیده از نظر قانونی نمی‌تواند با پسر غیرمسلمان ازدواج کند مگر آنکه پسر نیز مسلمان شود.»

از موانع دیگر نکاح، اختلاف در دین است. ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان مجاز نیست.^۶ در مورد ازدواج مرد مسلمان با زن غیرمسلمان، قانون مدنی ساکت است ولی مشهور فقها ازدواج دائم با زن غیرمسلمان را برای مرد مجاز نمی‌دانند.^۷ چنانکه مفهوم کفویت زوجین که مورد تأکید اسلام است، همتایی زن و شوهر در دین تعبیر شده است.

۲-۳- تابعیت

«هنوز خیلی جوان بود. خانم محجوبی که در مقابل نشسته بود می‌گفت از کودکی و پیش از اینکه خودم را بشناسم فقر و آلودگی و محقر بودن خانه و سایه پدری بدخلق و عصبانی را به خاطر می‌آورم.

خیلی زود پدرم را به خاطر قاچاق مواد مخدر به زندان انداختند و مادر ماند با چند بچه قد و نیم قد. من سیزده سال داشتم و مادر

۱. ماده ۱۰۴۷ قانون مدنی.

۲. ماده ۱۰۴۸ قانون مدنی.

۳. ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی.

۴. ماده ۱۰۴۶ قانون مدنی (طفل تا قبل از دو سالگی حداقل ۱۵ دفعه متوالی یا یک شبانه‌روز مستقیماً از سینه زن شیرخورده باشد و بین این دفعات شیر خشک یا غذای دیگر یا شیر زن دیگری را نخورده باشد و...).

۵. ماده ۱۰۴۹ قانون مدنی.

۶. ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی.

۷. خمینی، روح‌الله، تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۴۲.

به خاطر فقر مرا به اولین خواستگار افغانستانی شوهر داد. او کارگری می‌کرد و شکم ما را سیر می‌کرد و سقفی بر بالای سرم بود و من راضی بودم. هر چند وقت یکبار او را اخراج می‌کردند و بعد از بازگشت مدتی بیکار می‌ماند. سرانجام در حالیکه من یک پسر ۷ ساله داشتم و خودم هم ۲۱ ساله بودم از این وضع خسته شد و گفت به کشور خود باز خواهیم گشت و دیگر به ایران برنخواهد گشت. من ماندم با پسری که فاقد شناسنامه بود و به مدرسه راه نمی‌یافت. با خیاطی زندگی خود را اداره می‌کردم اما هیچ کمک مستمری نداشتیم. وقتی تصمیم گرفتم طلاق بگیرم تا از این بلاتکلیفی رها شوم فهمیدم که سند ازدواج من عادی است و دادگاه زوجیت من را احراز نمی‌کند.»

اختلاف در تابعیت در شرایطی از موانع دیگر نکاح در قانون مدنی ایران است.^۱ یعنی بر فرض اینکه زن ایرانی با مرد غیرایرانی ازدواج نماید و هیچ مانع دیگری مثل اختلاف در دین نباشد باید از وزارت کشور اجازه بگیرند و طبق آیین‌نامه زناشویی بانوان ایرانی با اتباع بیگانه (مصوب ۱۳۴۵) وزارت کشور^۲ مکلف است برای صدور چنین اجازه‌ای موارد ذیل را بررسی و در صورت وجود مدارک لازم، مجوز صادر نماید:

- ۱) گواهی‌نامه مجرد مرد به تاییدیه مرجع رسمی محلی یا ماموران رسمی کنسولی آن کشور
 - ۲) گواهی‌نامه عدم سوءپیشینه و محکومیت کیفری
 - ۳) گواهی‌نامه استطاعت مالی مرد مبنی بر توانایی تامین نفقه زوجه و تعهدنامه محضری مبنی بر پرداخت نفقه و سایر حقوق مالی
 - ۴) اخذ تضمین مناسب برای حسن رفتار و انفاق در تمام مدت زناشویی
 - ۵) گواهی‌نامه تشرف به دین اسلام (در صورتی که قبلاً مسلمان نبوده است)
- لازم به ذکر است، ازدواج زن ایرانی با مرد غیرایرانی که بدون رعایت تشریفات فوق واقع می‌شود برای زنان ایرانی گرفتاری‌های متعددی پیش می‌آورد. در هر حال با ملاحظه آخرین اصلاحات قوانین در موضوع تابعیت زنان پس از ازدواج با مرد خارجی: اولاً: تابعیت خود ایشان باقی است مگر ترک تابعیت کنند^۳ ثانیاً: فرزندان ایشان تابعیت ایرانی را هنگام تولد بدست نمی‌آورند^۴ ثالثاً: دعاوی که بین این زنان و شوهران غیرایرانی یا دعاوی بین فرزندان آنها که علیه پدران غیرایرانی بوجود می‌آید باید طبق قانون متبوع کشور شوهر یا پدر رسیدگی شود.^۵ به نظر می‌رسد عدم اعطای تابعیت زن ایرانی به مرد خارجی در اثر ازدواج و مشروط شدن ازدواج بین زن ایرانی و مرد خارجی به دلایل متعددی از جمله عدم رشد بی‌رویه جمعیت و ملاحظات امنیتی است. قوانینی در راستای تسهیل شرایط زندگی زن ایرانی که شوهر خارجی کرده است، تصویب شده است مانند قانون تعیین تکلیف فرزندان متولد از اتباع زن ایرانی (مصوب ۱۳۸۵)

۱. ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی.

۲. آیین‌نامه زناشویی بانوان ایران با اتباع بیگانه غیرایرانی مصوب ۱۳۴۵/۰۷/۰۶ به نقل از مجموعه قوانین سال ۱۳۴۵، صفحات ۱۲۶ و ۱۲۷.

۳. ماده ۹۸۷ قانون مدنی. اصلاحی ۱۳۹۹ زن ایرانی که با تبعه خارجی ازدواج می‌نماید به تابعیت خود باقی خواهد ماند مگر این که طبق تشریفات مقرر در ماده ۹۸۸ تقاضای ترک تابعیت نماید.

کشورهایی که به موجب قوانین تابعیت آنها، تابعیت زوج به زوجه خارجی تحمیل می‌شود، عبارتند از: اتیوپی، اسپانیا، افغانستان، ایتالیا، بلژیک، بحرین، سنگال، سوئیس، عربستان سعودی، فرانسه، قطر، ویتنام و یونان. گروه دیگری از کشورهایی که بانوان خارجی مخیر به حفظ تابعیت اصلی یا تحصیل تابعیت زوج خود می‌باشند عبارتند از: اتریش، اردن، آرژانتین، استرالیا، آفریقای جنوبی، الجزایر، آلمان، اندونزی، برزیل و...

۴. ماده ۹۷۶ (بند ۵) قانون مدنی.

۵. مواد ۹۶۳ و ۹۶۴ قانون مدنی.

و یا قانون اصلاح مواد ۹۷۶ و ۹۸۷ قانون مدنی (مصوب ۱۳۹۹)^۱ که هیچکدام اعطای تابعیت ایرانی به شوهر خارجی و فرزندان وی را در بر ندارد و به علاوه قانون جدید برای زن تبعه خارجی که با مرد ایرانی ازدواج کند درخواست اعطای تابعیت ایران را مشروط به ۱۸ سال تمام و داشتن فرزند و یا بقای سه سال ازدواج پیش از درخواست و عدم محکومیت به جرایم موضوع بند ۴ ماده ۹۷۹ قانون مدنی^۲ کرده است، به این ترتیب زن خارجی به محض ازدواج با مرد ایرانی، ایرانی نمی‌شود. بنابراین با تغییر جدید قانون هم زن و هم مرد خارجی که با ایرانی ازدواج کند با شروط متعددی می‌تواند درخواست تابعیت ایران کند. بی هیچ تردید اختلاف تابعیت زن و مرد مواعی را برای ازدواج و تشکیل خانواده ایجاد می‌کند.

ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی نیز نیازمند ارائه مدارکی به وزارت کشور می‌باشد تا اجازه ثبت رسمی نکاح آنها را صادر نماید.^۳ این آیین‌نامه به منظور احراز هویت جهت مسائل امنیتی و اطلاعاتی در خصوص ازدواج با اتباع خارجی پیش‌بینی شده است این زنان پس از ازدواج با شرایط ذکر شده به تابعیت ایرانی در می‌آیند.

۲-۴- تاهل یا «شوهردار بودن»، «تعدد زوجات»، «عده زوجه»^۴

«زوجه که زنی جوان است به صراحت می‌گفت با مردی به مدت ۵ سال عقد موقت کرده عقدنامه عادی داشتم ولی با هم اختلاف پیدا کردیم. من هم عقدنامه را پاره کردم و دور انداختم سپس بعد از تمام شدن زمان عقد موقت به عقد دائم و رسمی مرد دیگری درآمدم. به این همسرم گفتم قبلاً با دیگری ازدواج کرده‌ام او گمان می‌کرد که این عقد و عده آن پایان یافته است سپس متوجه شدم که اشتباه کردم زیرا هنوز عده عقد موقت من تمام نشده بوده که به عقد ازدواج این آقا درآمدم. در چنین شرایطی زن به شدت نگران است که با شوهر فعلی حرمت ابدی^۵ ایجاد شده یا راه چاره‌ای وجود دارد؟»

عقد ازدواج با زن شوهردار باطل است خواه عالماً عامداً باشد یا از روی جهل. این موضوع از واضحات است و تردیدی در آن نیست. یکی دیگر از موانع نکاح، ازدواج با زنی است که در عده وفات^۶ یا طلاق^۷ مرد دیگری قرار دارد. ازدواج با زنی که در عده دیگری است باطل است و فرقی نمی‌کند که نکاح دائم باشد یا موقت^۸، و طلاق بائن^۹ باشد یا رجعی^{۱۰} و نیز عده وفات یا عده شبهه^{۱۱} باشد. همچنین در بطلان عقد فرقی نمی‌کند که زن و مرد به وجود عده و حرمت نکاح عالم باشند یا جاهل. در این موضوع بین فقهاء اختلافی وجود

۴۳- ماده ۹۸۷ قانون مدنی اصلاح ۱۳۹۹.

۲. بند ۴ ماده ۹۷۹ قانون مدنی: در هیچ مملکتی به جنحه مهم یا جنایت غیرسیاسی محکوم نشده باشد.

۳. آیین‌نامه ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۱۷ روزنامه رسمی شماره ۱۶۹۳۶ مورخ ۱۳۸۲/۰۲/۰۲.

۴. عبارت است از مدتی که تا انقضای آن، زنی که عقد نکاح او منحل شده نمی‌تواند شوهر دیگر نماید (ماده ۱۱۵۰ ق.م).

۵. حرمت ابدی یعنی تا پایان عمر بریکدیگر حرامند و ازدواج بین آنها ممنوع است.

۶. عده وفات چه در دائم و چه در ازدواج موقت چهار ماه و ده روز است مگر اینکه حامله باشد که در این صورت تا پایان وضع حمل است (م ۱۱۵۴ قانون مدنی).

۷. عده طلاق و عده فسخ نکاح، سه طهر (پاکی) است مگر اینکه زن با اقتضای سن، عادت زنانگی نداشته و در این صورت سه ماه است (م ۱۱۵۱ قانون مدنی).

۸. عده در نکاح موقت در غیر زنان حامله دو طهر (پاکی از عادت ماهیانه) است مگر اینکه زن عادت نبیند که در این صورت ۴۵ روز است (م ۱۱۵۲ قانون مدنی).

۹. طلاق بائن آن است که بعد از طلاق، مرد حق ندارد به زن خود رجوع کند، یعنی نمی‌تواند بدون عقد او را به همسری قبول کند.

۱۰. یعنی اینکه بعد از طلاق، تا وقتی زن در عده است، مرد می‌تواند به او رجوع نماید و عقد مجدد لازم نیست.

۱۱. زنی که به شبهه با کسی نزدیکی کرده یعنی فکر کرده که این رابطه ناشوویی حلال است، باید عده طلاق نگه دارد اعم از اینکه شوهر داشته باشد یا شوهر نداشته باشد.

و در مدت عده نمی‌تواند به دیگری یا با شوهر خود نزدیکی کند (ماده ۱۱۵۷ قانون مدنی).

ندارد به دلیل اینکه مستند این حکم، آیه شریفه زیر است: «ولا تعزموا عقد النکاح حتی یبلغ الکتاب أجله»^۱ «مادام که مدت عده سر نیامده عزم عقد نکاح ننمایید» چنانچه زن با مرد نسبت به حکم (حرمت) یا موضوع (وجود زن در عده) جاهل باشند و ازدواج نمایند، عقد باطل است ولی حرمت ابدی ایجاد نمی‌گردد بنابراین می‌توانند بعد از انقضای عده با یکدیگر ازدواج نمایند مشروط براینکه زناشویی صورت نگرفته باشد ولی اگر نزدیکی واقع شود حرمت ابدی بوجود می‌آید. عده پس از طلاق و یا فوت شروع می‌شود و زن نمی‌تواند به سبب این که مدتی قبل از طلاق رابطه جنسی با شوهرش نداشته با مرد دیگری در رابطه قرار گیرد و به دیگری وعده ازدواج بدهد. متأسفانه در جریان رسیدگی به معدودی از پرونده‌های طلاق، رفت و آمد مرد دیگری در معیت زن خواهان طلاق دیده می‌شود که ظواهر نشان می‌دهد در انتظار این جدایی برای وقوع ازدواج با یکدیگر می‌باشند این بانوان بهانه‌هایی مانند متواری بودن، معتاد بودن، زندانی بودن شوهر و نداشتن رابطه زناشویی را عنوان می‌دارند اما از نظر شرع و قوانین عده پس از طلاق شروع می‌شود نه قبل آن. اگر مردی زن شوهرداری را با علم به وجود رابطه زوجیت و حرمت نکاح، عقد کند عقد مزبور باطل و آن زن بر آن شخص حرام ابدی می‌شود^۲ البته در صورت جهل به موضوع یا حکم، تنها در صورتی که رابطه زناشویی صورت بگیرد حرمت ابدی ایجاد می‌شود. در این قوانین بین عقد دائم و موقت هم فرقی نیست.^۳

۳- نامزدی

اگر بین پاسخ مثبت به خواستگاری و ثبت نکاح فاصله زمانی بوجود آید، دوره‌ای که عرفاً نامزدی نامیده می‌شود؛ ایجاد می‌شود. در فقه اسلامی سخنی از نامزی به میان نیامده و برای آن حکمی ذکر نشده است زیرا تا هنگامی که عقد ازدواج بسته نشده باشد هیچ‌گونه رابطه حقوقی و شرعی بین زن و مرد وجود ندارد و طبعاً آن دو به یکدیگر محرم نیستند^۴ و هر نوع رابطه جنسی یا جسمی بین نامزدها ممنوع است و درخواست تمکین از دختر مشروعیت ندارد همانطور که الزام پسر به انجام عقد نیز نیست.

۳-۱- آثار حقوق نامزدی

«پدر دختری بابت برگزاری مراسم نامزدی دخترش مبلغ قابل توجهی هزینه کرده که فاکتورهای مربوط به برگزاری جشن نامزدی و مخارج آرایشگاه، فیلم‌برداری، خرید لباس نامزدی و حلقه و لباس داماد موجود و ضمیمه دادخواست شده و توضیح داده شده که پس از مراسم نامزدی، برای داماد پذیرش ادامه تحصیل و اقامت در کشور دیگری آمده ولی دختر مایل به رفتن به کشور دیگر نیست و چون این موضوع قبلاً اعلام و توافق نشده بود نامزدی دخترم را با استرداد هدایایی که به دخترم داده شده برهم زده‌ایم ولی هزینه‌هایی را که اینجانب کرده‌ام، خانواده داماد نمی‌پردازند و می‌گویند: این هزینه بنابر تمایل خانواده شما انجام شده و ارتباطی به ما ندارد...»

مهمترین آثار حقوقی که بر نامزدی مترتب است عبارتند از:

- برای حفظ آزادی مرد و زن در انتخاب همسر آنها می‌توانند تا قبل عقد از ازدواج منصرف شوند. نامزدی چیزی جز وعده ازدواج

۱. سوره بقره، آیه ۲۳۵.

۲. مواد ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱ قانون مدنی.

۳. محقق داماد، سید مصطفی، حقوق خانواده، ص ۱۰۷.

۴. عراقی، عزت‌الله، آیا می‌دانید حقوق زن در دوران ازدواج چیست؟ ص ۱۶.

نیست. قانون مدنی می‌گوید: «وعده ازدواج علقه زوجیت ایجاد نمی‌کند. اگر چه تمام یا قسمتی از مهریه پرداخته شده باشد.»^۱ در حقیقت نامزدها بر وعده ازدواج توافق کرده‌اند نه بر ازدواج.

- اگر بر هم زدن نامزدی بدون علت موجه باشد به طرف دیگر این امکان را می‌دهد مخارجی را که انجام داده است، مطالبه کند. و همچنین می‌تواند هدایایی که معمولاً نگاه داشته می‌شود و استفاده از آن‌ها موجب از بین رفتن آنها نمی‌شود مانند طلا و جواهرات، مطالبه کند اما نمی‌تواند هدایایی که برای مصرف کردن هستند و معمولاً نگهداری نمی‌شوند مانند مواد خوراکی و آرایشی را مطالبه کند.^۲

۳-۲- نامزدی و ازدواج موقت

«دختر جوان سوار مینی‌بوس شد هنوز سرمست از شادی مراسم نامزدی دو شب گذشته بود. او و همسرش در زیبایی، تحصیل، سطح خانوادگی و اقتصادی بسیار شبیه یکدیگر بودند و پس از صیغه محرمیت (عقد موقت) که بین آنها جاری شد همسرش نزد آنها مانده و شب را با او به سر برده بود و قرار گذاشته بود که با آنچه بین آنها گذشت به سرعت عقد کنند ناگهان با تکانی شدید مینی‌بوس واژگون شد و از ضربه شدید برخورد صورتش به آهن مینی‌بوس از هوش رفت وقتی بار دیگر به خود آمد در بیمارستان بود صورتش باندپیچی بود حدود یک ماه طول کشید تا چهره خود را بار دیگر در آینه دید گرچه آثار زیبایی پیدا بود ولی ضربات وارده بسیار سنگین بود و او ناچار به جراحی‌های زیبایی می‌شد که این موضوع او را وادار به مهاجرت به تهران و انجام جراحی کرد. مدت طولانی در بیمارستان ماندگار شد نامزدش اوایل بیشتر می‌آمد ولی کم‌کم دیگر او را نمی‌دید. سرانجام وقتی از بیمارستان مرخص شد فهمید که همسرش با دختر دیگری ازدواج کرده و به کلی سابقه ازدواجش را منکر شده است.»

گاهی مشاهده می‌شود که نامزدها برای رفت و آمد بیشتر و آشنایی و فراهم شدن زمینه ازدواج، اقدام به عقد موقت در دوره نامزدی می‌نمایند که عرفاً به آن «صیغه محرمیت» می‌گویند. ضروری است درباره آثار حقوقی عقد موقت یا نکاح منقطع توضیحاتی داده شود: یک - عقد موقت، غیر دائم است هر چند مدت آن چند ساعت یا مدت‌های طولانی باشد، به هر حال عقد موقت برای مدت معینی واقع می‌شود و این مدت باید کاملاً معین باشد.^۳ اگر مدت در عقد موقت ذکر نشود، عقد واقع شده و مشهور فقها معتقدند که عقد نکاح به دائم مبدل می‌شود.^۴

دو - در عقد موقت، هر چند طولانی، زوجه حق ارث و نفقه از شوهر خود ندارد.^۵

سه - در عقد موقت، طلاق وجود ندارد و منحل شدن عقد موقت تنها انقضای مدت یا بذل مدت (انصراف از ادامه عقد موقت از آن زمان به بعد) از طرف مرد می‌باشد.^۶ بنابراین در صورت احتمال اختلاف، باید مدت محدود باشد والا اگر مرد حاضر به بذل مدت نباشد

۱. ماده ۱۰۳۵ قانون مدنی.

۲. ماده ۱۰۳۷ قانون مدنی.

۳. مواد ۱۰۷۵ و ۱۰۷۶ قانون مدنی.

۴. موسوی خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، ص ۳۰۹.

۵. ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی مقرر می‌دارد: در عقد انقطاع، زن حق نفقه ندارد مگر اینکه شرط شده یا آنکه عقد مبنی بر آن واقع شده باشد.

۶. موسوی خمینی، همان، ج ۲، ص ۳۱۰، مساله ۱۴.

زن تا پایان مدت، باید صبر کند.

چهار - شرط عدم استمتاع (یعنی عدم رابطه زناشویی بین زن و مرد) در عقد موقت پذیرفته شده در حالیکه در عقد نکاح دائم چنین شرطی ممنوع است.^۱

بنابراین توجه به این نکته مهم است که اگر چنین شرطی در عقد موقت بیان شود، زن و مرد محرم می‌شوند ولی رابطه زناشویی بین آنها ممنوع است. پس دختر و پسر می‌توانند برای آشنایی بیشتر اقدام به عقد موقت نمایند و شرط ضمن عقد نمایند که محدوده روابط آنها فقط در حد معاشرت و رفت و آمد است و رابطه زناشویی نباید واقع گردد. اما اگر با وجود چنین شرطی، نزدیکی واقع شد به سبب عدم وفای به شرط گناه کرده است ولی فرزند متولد از این نکاح حلال بوده و به پدر ملحق می‌شود.^۲

پنج - عدم تعیین مهریه در نکاح موقت موجب بطلان عقد است.^۳ در حالیکه در عقد دائم چنین حکمی نیست و در صورت عدم تعیین مهر، نکاح صحیح است و طرفین می‌توانند بعد از عقد، مهریه را با رضایت یکدیگر معین کنند و اگر قبل از رضایت بر مهر معین، بین آنها نزدیکی واقع شود زوجه مستحق مهرالمثل است.^۴ برای تعیین مهرالمثل، مهریه امثال زن و دختران فامیل او مانند خواهرانش ملاک خواهد بود.

نامزدها چنانچه در دوره نامزدی اقدام به عقد موقت نمایند یا باید صبر کنند تا مدت عقد موقت تمام شود یا مرد باید قبل از عقد دائم نسبت به مدت باقیمانده از عقد موقت بذل مدت نماید سپس عقد نماید.^۵

۴- اهلیت نکاح

«زن از ازدواج کاملاً ناامید شده بود او اکنون ۴۵ سال داشت با سابقه ازدواجی ناموفق در گذشته. یکی از دوستان او از برادرش که در آمریکا زندگی می‌کرد و ۴۰ سال بیشتر نداشت، خیلی تعریف می‌کرد. آن دوست که از ثروت برادرش در آمریکا زیاد گفته بود اصرار داشت که زن با برادر او ازدواج کند. زن با این پیشنهاد موافقت کرد و با وکالت خواهر، به صورت غیابی به عقد ازدواج او درآمد. حالا با سفر مرد به ایران، زن متوجه شده که مرد به سندروم داون (عقب ماندگی ذهنی) مبتلا بوده و رشید محسوب نمی‌شود. زن به این ازدواج راضی نیست و نمی‌داند چه کند.»

در صحت هر عقد، اهلیت طرفین شرط است.^۶ برای اینکه دو طرف اهلیت داشته باشند باید بالغ، عاقل و رشید باشند.^۷ لازم به ذکر است که اگر پسر یا دختر غیربالغ و یا غیر رشید^۸ باشند و طرف مقابل با علم به مسئله، خواهان ازدواج با او باشد در

۱. نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۳۰، ص ۱۸۶.

۲. همان.

۳. ماده ۱۰۹۵ قانون مدنی.

۴. ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی.

۵. موسوی خمینی، روح الله، همان، ج ۲، ص ۳۱۰.

۶. ماده ۱۹۰ قانون مدنی.

۷. ماده ۲۱۱ قانون مدنی.

۸. غیربالغ کسی است که به سن بلوغ نکاح (مطابق قانون مدنی ایران این سن برای دختران ۱۳ سال تمام شمسی و برای پسران ۱۵ سال تمام شمسی می‌باشد) نرسیده است ولی غیر رشید یعنی کسی که قادر به اداره امور خود نیست یا عقل معاش ندارد. در معنای عام، غیر رشید شامل مجنون و سفیه می‌شود.

صورتی که مصلحت فرزند ایجاب کند می‌توانند با موافقت «ولی قهری» (پدر یا جد پدری) و دادگاه، عقد ازدواج را محقق سازند. ولی اگر طرف مقابل جاهل به وضعیت پسر یا دختر باشد حق فسخ نکاح را دارد یا اگر ازدواج بدون شرایط لازم واقع شود عقد باطل خواهد بود و عنوان زوجیت بر رابطه آنها صدق نمی‌کند.

۴-۱- سن ازدواج

«پسر ۱۸ سال بیشتر نداشت و عاشق دختر ۱۲ ساله همسایه شده بود دختر اندام درستی داشت و حدود ۱۵ ساله نشان می‌داد پسر از دختر خواستگاری کرد ولی پدر علیرغم علاقه شدید پسر و دختر به یکدیگر به این ازدواج رضایت نداد. دختر و پسر در امامزاده‌ای توسط یک روحانی به عقد ازدواج یکدیگر درآمدند. پس از چند بار ارتباط زناشویی حالا دختر متوجه شده که پسر اصلاً ویژگی‌های مورد نظر دختر را دارا نمی‌باشد. پسر معتاد و بیکار است علاوه بر آن بسیار تندخوست. دختر برای طلاق و گرفتن مهریه به دادگاه مراجعه کرده ولی متوجه شده که اساساً ازدواج آنها مشکل دارد.»

برای نکاح لازم است که دختر و پسر بالغ باشند و نکاح قبل از بلوغ ممنوع است.^۱

سن نکاح در قانون ازدواج در سال ۱۳۱۰ برای دختر ۱۳ سال تمام بود ولی با تصویب قانون حمایت از خانواده در سال ۱۳۵۳ برای دختر به ۱۸ سال و پسر ۲۰ سال افزایش یافت.^۲ این افزایش در سن ازدواج، مشکلاتی مانند عدم ثبت نکاح دختران کمتر از ۱۸ سال و زیاد شدن تعداد متقاضیان پرونده‌های اجازه ازدواج را در برداشت. علاوه بر آن فاصله زیاد بین سن بلوغ جنسی و سن قانونی نکاح سبب گسترش روابط جنسی نامشروع می‌شد.

تا اینکه با اصلاح ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی^۳ حداقل سن برای ازدواج دختر ۱۳ سال تمام شمسی و برای پسر ۱۸ سال تمام شمسی اعلام شد.

مطابق این ماده، ازدواج بدون حداقل سن یعنی برای دختر کمتر از ۱۳ سال و برای پسر قبل از ۱۵ سال تمام شمسی به شرط رضایت ولی (پدر یا جد پدری) با رعایت مصلحت طفل و با کسب اجازه از دادگاه مجاز است یعنی پدری که فرزند خود را قبل از سن نکاح بخواهد ازدواج بدهد باید به دادگاه دادخواست داده و وجود مصلحت طفل را به چنین ازدواجی ثابت کند و الا دادگاه چنین اجازه‌ای را نخواهد داد.

البته باید توجه داشت که، اگر اختلافات و دعاوی حقوقی بین زوجینی که به ۱۸ سال نرسیده‌اند ولی به موجب ماده ۱۴۰۱ قانون مدنی ازدواج کرده‌اند مطرح شود، باید طرفی که به سن ۱۸ سال نرسیده است به همراه ولی قهری (پدر یا جد پدری) یا قیم اقامه دعوی نمایند زیرا به موجب قانون راجع به رشد متعاملین (مصوب ۱۳۱۳)، سن اقامه دعوی و مراجعه به دفاتر اسناد رسمی و سایر مراجع دولتی ۱۸ سال تمام است.

به پایین بودن حداقل سن دختر و پسر برای ازدواج و به خصوص برای دختر انتقادات زیادی شده است. آنچه به عنوان انتقاد از کودک همسری بسیار شنیده می‌شود به این ماده قانونی است. البته این حکم "حداقل سن ازدواج" به معنای سن مطلوب برای ازدواج

۱. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی.

۲. ماده ۲۳ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳.

۳. اصلاحی مصوب ۱۳۷۹/۰۹/۲۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

نیست. وقتی حداقل سن ازدواج بالا نباشد ازدواج‌های ثبت نشده کاهش می‌یابد و آلودگی به روابط نامشروع پیش از ازدواج، منتفی می‌شود و در عین حال ممکن است اراده طرفین در سنین کمتر تحت تاثیر اطرافیان قرار گیرد. سن مطلوب ازدواج زمانی است که حداقل خودشناسی و انتظارات منطقی فرد از ازدواج معلوم و امکان تشکیل خانواده و تامین معیشت و اسکان مشترک با حداقل استانداردهای زندگی هر شهروند فراهم شده باشد. این زمان بهتر است آن قدر دیر نباشد که شخصیت فرد کاملاً شکل گرفته و انطباق با دیگری سخت شود.

۴-۲- عقل

«مرد مدعی است که پس از نامزدی متوجه شده مسائلی بوده که از او پنهان شده است. شنیده که زن مبتلا به بیماری هیستری است و حال با توجه به شیوع این خبر درباره زوجه می‌خواهد نکاح را فسخ کند. زوجه در دادگاه گفته است: در نوجوانی به دلیل مرگ ناگهانی پدر و مادرش، ناراحتی اعصاب پیدا کرده و چند ماه به پزشک مراجعه کرده و معالجه شده، دیگر ناراحتی ندارد. دادگاه جنون را محرز ندانسته و امکان فسخ نکاح را منتفی دانسته است.»

بیماری‌هایی مانند افسردگی شدید، صرع و هیستری در بین مردم با جنون مشتبّه می‌شوند ولی هیچیک جنون نیست و موجب حق فسخ نکاح نمی‌شود. زوجین باید دارای سلامت عقل باشند. ولی ازدواج سفیه (یعنی کسی که از نظر فهم و درک، قادر به اداره امور مالی خود نمی‌باشد) با اجازه ولی قهری (پدر یا جد پدری) یا قیم (سرپرست قانونی) وی صحیح است.

جنون یا دیوانگی، اختلال روانی است که قدرت تمییز یا تشخیص ماهیت و آثار عمل از بین می‌رود یا شخص اراده کنترل رفتار خود را ندارد. نشانه‌های جنون، تخریب اساسی شناخت و برهم‌ریختن هیجانات است به نحوی که کژرفتاری زیستی مشاهده می‌شود به عنوان نمونه کسی که در موقعیت‌های مختلف دچار توهم و هذیان شده و تصاویر موهوم می‌بیند یا رفتارهای غیر طبیعی در برابر موقعیت‌های هیجانی نشان می‌دهد مثلاً در موقعیت غمناک یا عادی بدون هیچ دلیلی با صدای بلند می‌خندد یا برعکس، شرایط و موقعیت را درک نمی‌کند و نمی‌تواند رفتار خود را کنترل کند یا صداهای غیرعادی و غیرواقعی می‌شنود و اصرار به واقعی بودن آنها را دارد و یا با افراد موهوم سخن می‌گوید بنابراین دیگر امراض روحی و روانی مانند افسردگی، گوشه‌گیری، تندخویی و عصبانیت، کم‌حرفی و درونگرایی، تمایل به خودکشی را نمی‌توان جنون تلقی کرد. بعضاً در اختلافات خانوادگی یکی از طرفین اصرار دارد فرد را به جنون متصف کند در حالیکه حداقل انصاف ایجاب میکند به حرمت مدت‌آشنایی و اوقات شاد آن مدت، بیش از حد تخریب شخصیت طرف را دنبال نکنند چون در هر حال با معاینات روانپزشکی حقیقت آشکار می‌شود. از سوی دیگر، اختلالات جزئی روانی و یا رفتارهای غیرعادی در موقعیت فشارهای روحی که طرفین به یکدیگر وارد می‌کنند نشانه عدم سلامت روانی در حد جنون نیست.

حال اگر ازدواجی صورت گیرد و در زمان عقد، مرد یا زن دچار جنون بوده ولی طرف دیگر نمی‌دانسته در این صورت اگر دیوانگی «استقرار» داشته باشد خواه همیشگی باشد و خواه در فاصله زمانی مختلفی بروز کند همسر شخص مجنون حق به هم زدن ازدواج را دارد و در این مورد بین زن و مرد فرقی نیست.^۱ اما هرگاه زن و شوهر به هنگام ازدواج عاقل بوده ولی پس از عقد یکی از آن دو دیوانه شود؛ اگر شوهر دیوانه شود، زن می‌تواند تقاضای فسخ نکاح نماید^۲ در حالی که اگر زن دیوانه شود، مرد می‌تواند تقاضای طلاق نماید.

۱. ماده ۱۱۲۱ قانون مدنی.

۲. ماده ۱۱۲۵ قانون مدنی.

۴-۳- رضایت زوجین

رضایت زن و مرد شرط عقد ازدواج است^۱ عقد ازدواج از عقود رضایی است یعنی قراردادی دو طرفه است که پیشنهاد و قبول ازدواج از طرف زن و مرد به یکدیگر داده می‌شود و رضایت هر دو شرط عقد است کسی را نمی‌توان اجبار یا اکراه به ازدواج کرد. اگر کسی را با تهدید وادار به عقد کنند و این اجبار به حدی باشد که قصد زوجین را مختل کند ازدواج باطل است. علاوه بر این تحمیل چنین ازدواجی که بر خلاف ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، واقع شود موجب مجازات مردی که زن را مجبور به ازدواج کرده است می‌شود و اگر والدین چنین زنی در این امر نقش داشته باشند آنها نیز مجرم بوده و دادگاه به جرایم آنها رسیدگی می‌کند.^۲

اگر این شرایط غیر عادی به حدی نباشد که قصد از بین رفته باشد بلکه به سبب شرایطی که پیش آمده است زن یا مرد ازدواج را قبول کرده است. به عنوان نمونه به سبب رفع اختلاف یا ایجاد محبت و مودت یا برای انتقال به وطن یا مهاجرت به جای دیگر با اکراه قبول کند، این عقد نافذ نیست ولی اگر این شرایط رفع شد ولی همچنان علاقمند به ادامه زندگی بودند نیاز به عقد مجدد نیست و ازدواج از روز جاری شدن صیغه عقد صحیح است. اعلام رضایت به ازدواج ممکن است حضوری و غیابی باشد و توسط خود فرد یا وکیل وی باشد.

در عقد ازدواج، ابهامی در شخصیت طرف عقد برای هیچ‌یک از طرفین نباید باشد هم‌چنین رضایت آنها کاملاً باید معلوم باشد. به عبارت دیگر تعیین زن و شوهر به نحوی که برای هیچ‌یک از طرفین در شخص طرف دیگر شبهه نباشد^۳، لازم است. در گذشته دور گاهی اشتباهاتی در تعیین طرف عقد پیش می‌آمد. در بعضی جوامع رسم نبود زن و مرد قبل از عقد یکدیگر را ببینند و چه بسا والدین آنها را به عقد هم درآوردند و بعد از عقد مرد و زن همدیگر را دیده و عیوبی در یکدیگر می‌دیدند یا اینکه متوجه می‌شدند شخص طرف عقد دیگری بوده است یعنی به عنوان مثال تصور می‌کرد خواهر بزرگتر بوده ولی خواهر کوچکتر را به عقد او درمی‌آورده‌اند یا فکر می‌کردند با پسر سالم خانواده وصلت می‌کنند ولی بعد عقد متوجه می‌شدند با پسر معلول خانواده ازدواج واقع شده است. لذا معلوم بودن و تعیین زن یا شوهر به نحوی که برای دیگری هیچ شبهه‌ای نباشد ضرورت دارد و شرط صحت عقد است. مدتی بود چنین اشتباهاتی کاهش یافته بود ولی اکنون در روزگار ما با رواج آشنایی‌های اینترنتی و عقدهای غیرحضوری و از راه دور، دوباره اشکالات موصوف به شکل دیگری بازگشته است. چه بسا هویت حقیقی اشخاص و موقعیت اجتماعی (شغل، تحصیلات، اقامتگاه و تاهل و تجرد) آنها مخفی می‌ماند. لذا تأکید بر تعیین زن یا مرد در ازدواج‌های از راه دور به نحوی که هیچ شبهه‌ای نباشد ضرورت تام دارد. باید توجه داشت فریب دیگران در امر ازدواج از یک طرف موجب حق فسخ یا برهم زدن ازدواج از سوی کسی که فریب خورده است می‌شود^۴ و از سوی دیگر اقدام به رفتار یا بیان و گفتاری که موجب فریب دیگری در امر ازدواج شود به موجب قانون، جرم است و موجب مجرم بودن کسی که موجب فریب شده و جبران خسارت از کسی که آسیب دیده است می‌شود.^۵

۱. ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی.

۲. ماده ۵۰ و تبصره قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱.

۳. ماده ۱۰۶۷ قانون مدنی.

۴. ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی.

۵. ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی (کتاب تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵.

۴-۴- رضایت پدر یا جد پدری در ازدواج

«دوشیزه‌ای علیه پدرش دادخواست اجازه ازدواج داده و توضیح داده است: درنظر دارم با فردی ازدواج کنم که با ایمان، دارای شغل مناسب، درآمد کافی و حسن شهرت است، پدرم از مدت‌ها پیش مادرم را طلاق داده و مادرم با دیگری ازدواج کرده و برادر مادرم من را نگهداری و بزرگ کرده است و او به ازدواج من با این مرد راضی است ولی پدرم راضی نمی‌شود. دادگاه با توجه به توانایی مالی، سلامت جسمی و اخلاقی مرد و سن دختر که بالا بوده و امکان دارد دیگر خواستگار مناسبی برای او پیدا نشود پدر را به انجام مراسم مذهبی و رسمی نکاح محکوم نموده است».

در نتیجه ازدواج، وصلت بین دو خانواده ایجاد می‌شود، یعنی فقط زوجین، منسوبین هم نمی‌شوند بلکه پدر و مادر، پدربزرگ و مادر بزرگ و بقیه نیز با یکدیگر پیوند می‌یابند و وجود هر نوع عدم تناسب و گرفتاری برای جوانان، در خانواده آنها نیز تاثیرگذار است. علاوه بر آنکه علقه شدید پدر و مادر به فرزند و سعادت او و نیز تجربه بیشتر آنها در زندگی، عامل مهمی است تا در انتخاب همسر با ارائه مشورت، مصلحت فرزند بهتر لحاظ گردد.

لذا اظهارنظر خانواده زن و مرد درباره ازدواج آنها امری طبیعی و پسندیده است. در برخی از کشورها، اجازه پدر و مادر جنبه تشریفاتی دارد مگر اینکه زوجین از نظر قانونی به سن رشد نرسیده باشند که در اینصورت اجازه پدر و یا پدر و مادر شرط نکاح خواهد بود. در ایران بر اساس قوانین ازدواج، پسر تا وقتی که صغیر باشد و دختری که برای اولین بار شوهر می‌کند نیاز به اجازه پدر یا جد پدری دارد.^۱ ولی در هر صورت دختر و پسر بالغی که ازدواج می‌کنند حتما باید به این ازدواج رضایت داشته باشند هر چند متأسفانه در برخی از مناطق گاهی هنوز انتخاب اصلی توسط پدر یا مادر صورت می‌گیرد و به عقاید و نظر فرزندان توجهی نمی‌شود که این امر برخلاف قانون و شرع است.

اظهارنظر اعضای خانواده هرگاه جنبه مشورت داشته باشد بسیار پسندیده است اما، اگر جنبه اجبار پیدا کند و آزادی انتخاب و تصمیم را از طرف اصلی بگیرد نادرست و ناپسند است. در روایت آمده است که شخصی به امام صادق (ع) گفت: «می‌خواهم با زنی ازدواج کنم و پدر و مادر، زن دیگری را می‌خواهند برایم بگیرند.» امام (ع) فرمودند: «با کسی که خودت می‌خواهی ازدواج کن و با آنکه پدر و مادرت می‌خواهند ازدواج مکن».^۲

از رسول خدا (ص) نیز روایت شده است که آن حضرت نهی فرمودند از آنکه دختری را شوهر دهند قبل از آنکه نظر خود آن دختر را جویا شوند.^۳

حضرت علی (ع) نیز فرموده‌اند: "قبل از آنکه از دختر خود در مورد ازدواجش نظرخواهی کنید، او را به ازدواج کسی درنیاورید زیرا دختر نسبت به خودش آگاه‌تر است".^۴

مطابق ماده ۱۰۷۰ قانون مدنی نیز رضایت دختر و پسر در ازدواج لازم و ضروری است.

۱. مواد ۱۰۴۱، ۱۰۴۳ قانون مدنی.

۲. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۳۵، حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۹۲.

۳. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۳۱۹.

۴. همان، ص ۳۱۶.

چنانچه ذکر شد؛ در مورد دوشیزگانی که قصد ازدواج دارند اجازه پدر لازم است. هرگاه او بدون علت و دلیل از دادن اجازه مضایقه کند، دختر می‌تواند به دادگاه مراجعه کند. آنها مشخصات کامل مردی را که می‌خواهد با او ازدواج کند و شرایط ازدواج و مهری که مورد توافق آن دو قرار گرفته به اطلاع پدر یا پدربزرگ می‌رسانند و چنانچه پاسخی در کار نبود یا دلایل مخالفت به نظر دادگاه موجه نبود دادگاه اجازه ازدواج را صادر می‌کند.^۱

علت اصلی چنین راهکاری، بی‌حرمتی به بزرگان خانواده نیست، کاربرد بیشتر این مراجعه به دادگاه مواردی است که دسترسی به پدر یا جد پدری وجود ندارد مانند غیبت پدر یا حبس پدر و فقدان پدربزرگ. اما در موارد اختلاف نظر بین دختر و پدر، بهترین راه حل صبر و بردباری جوانان است تا به توافق برسند و این امر موجب فراهم شدن رضایت والدین و دعای خیر آنان نیز خواهد بود و چنانچه زندگی زوجین در آینده با خطراتی مواجه شود این والدین هستند که از آنها حمایت می‌کنند در حالی که اگر خانواده دو طرف، ازدواج بین دو جوان را نپذیرفته باشند، زندگی آنها در رویارویی با مشکلات، غیر قابل تحمل می‌شود. بنابراین در اختلاف نظر بین دختر و پدر، آخرین چاره، مراجعه به دادگاه است. و در آنجا نیز راه صلح و سازش و اخذ رضایت پدر، بهتر از حکم دادگاه است.

لازم به ذکر است لزوم رضایت پدر یا جد پدری در ازدواج دختران، فقط به دخترانی اختصاص دارد که قبلاً ازدواج نکرده‌اند ولی اگر یکبار ازدواج کرده و دوشیزه نباشند، دیگر الزامی برای اخذ رضایت از پدر یا جد پدری نیست. هر چند در این مورد نیز اصول اخلاقی اقتضا می‌کند با پدر و مادر مشورت کرده و رضایت آنها نیز اخذ شود.

براساس یافته‌های اخیر در موضوع طلاق، مشخص شده که میانگین میزان گرایش به طلاق در بین آن دسته از زوجین بالاتر است که بدون کمک والدین و به تنهایی همسرشان را انتخاب کرده‌اند.^۲ بنابراین به هیچ وجه انکار خانواده برای تشکیل خانواده جدید قابل توجیه نیست و البته به خانواده‌ها نیز سفارش اکید می‌شود که به دلایل غیرمنطقی مانع ازدواج جوانان نشوند، زیرا چه بسا دیگر فرصت ازدواج مناسب برای فرزند آنها فراهم نگردد.

۵- وکالت در ازدواج

«پسر مقیم آلمان بوده و به مادرش وکالت داده است که دختر دایی‌اش را به عقد نکاح او درآورد. درباره مهریه و شرایط ضمن عقد، پسر و مادر تلفنی صحبت کرده‌اند ولی پسر به هزار سکه مهریه راضی نشده و این شرط که ظرف ۲ سال به ایران بازگشت نموده و ادامه زندگی مشترک در ایران باشد را نپذیرفته است مادر به امید اینکه پسرش راضی خواهد شد دختر دایی را به عقد پسر درآورده؛ تابستان که پسر به ایران بازگشت نموده است با دختر درباره مهریه و شرط سکونت در ایران به توافق نرسیده و توضیح داده این موارد مورد رضایت او نبوده و چون دختر نیز از این شرایط صرف نظر نمی‌کند و وکیل برخلاف مصلحت او اقدام کرده؛ این ازدواج باطل است.»

زن و مرد می‌توانند برای اجرای صیغه عقد به شخص دیگری وکالت بدهند زن ممکن است به یکی از صورت‌های ذیل به وکیل وکالت دهد:

۱. ماده ۱۰۴۴ قانون مدنی.

۲. ریاحی، محمد اسماعیل، علپوردی نیا، اکبر، بهرمی کاکاوند، سیاوش، تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق، ص ۱۳۵.

الف) به صورت مقید؛ مثل اینکه بگوید: تو وکیل که مرا به نکاح آقای (الف) درآوری.

ب) به صورت مطلق؛ مثل اینکه بگوید: تو وکیل که مرا شوهر دهی.

ج) با اذن صریح؛ مثل اینکه بگوید تو وکیل که مرا به نکاح هر مردی حتی خودت درآوری

در فرض الف و ج جای هیچ تفسیری نیست و وکیل در فرض الف نمی‌تواند زن را برای خود عقد کند و در فرض ج) نیز تردیدی نیست که می‌تواند برای خود عقد نماید ولی در فرض «ب» وکیل نمی‌تواند موکله (زن) را برای خود تزویج کند.^۱ مطابق قانون مدنی به نظر می‌رسد فقط وکیل در صورتی که زن اذن صریح داده باشد می‌تواند زن را برای خود عقد کند (فرض ج) و در هیچ مورد دیگری چنین حقی ندارد.

اگر وکیل از حدود وکالت خارج شود صور مختلفی وجود دارد که در ذیل به آن اشاره می‌کنیم.^۲

۱) ممکن است فردی بدون داشتن نمایندگی یا وکالت اقدام به عقد کسی برای دیگری کند.

۲) ممکن است وکیل به جای شخص مورد نظر موکل، کس دیگری را به عقد موکل درآورد.

۳) ممکن است وکیل در اصل نکاح و شخص مورد نظر تخلفی نکند ولی برخی از خصوصیات شخص منطبق با خواسته موکل نباشد مثل اینکه وکالت دهد زنی را که از بستگان فلان فرد است به عقد او درآورد ولی شخص مورد نظر فاقد این نسبت خانوادگی باشد.

۴) ممکن است وکیل در اصل نکاح، شخص و خصوصیات تخلف نکرده باشد ولی در جنس یا مقدار مهر تخلف نماید.

در همه این موارد عقد نکاح فصولی می‌باشد.^۳ یعنی عمل حقوقی او نافذ نخواهد بود مگر اینکه موکل بعداً تنفیذ نماید، یعنی پس

از اینکه موکل از اقدام وکیل مطلع شد، به آن رضایت بدهد. در این صورت عقد از همان تاریخ اقدام وکیل صحیح می‌باشد.

وکالت مطلق برای ازدواج نیز مقید به رعایت مصلحت موکل است، یعنی به فرض اینکه کسی به فردی وکالت دهد که او را به عقد دیگری درآورد و هیچ قیدی نیاورد، وکیل نمی‌تواند رعایت مصلحت موکل را ننماید. مثلاً اگر مردی که در خارج از ایران زندگی می‌کند به مادرش وکالت دهد که دختری به عقد او درآورد مادر نمی‌تواند دختری نابینا یا ناشنوا را به عقد پسرش درآورد هر چند که وکالت مطلق باشد. بنابراین وکیل باید رعایت منافع موکل را بنماید. حال اگر وکالت مطلق از هر دو طرف داشته باشد و مصلحت هیچ یک را ننموده باشد، عقد نسبت به هر دو طرف فصولی است و آثار عقد منوط به قبول هر دو است ولی اگر از یک طرف، وکیل، مطلق و از طرف دیگر اصیل باشد (عقد برای خود فرد باشد) مادام که عقد تنفیذ نشده، چون وکیل خلاف مصلحت موکل عمل کرده و موکل هم رضایت نداده است، شخص اصیل نمی‌تواند قبل از رد یا اجازه طرف مقابل عقد را برهم زند و چنانچه شخص اصیل زوجه باشد نمی‌تواند قبل از رد یا اجازه زوج، به دیگری شوهر کند.^۴ البته در مورد شخص اصیل در صورتی که در اجازه یا رد تأخیر بیفتد و این تأخیر موجب ضرر او باشد نیز می‌تواند قرارداد را به هم زند.^۵

در فرض پرونده مطرح شده در ابتدای این مبحث، اصولاً وکالت خواهر از برادر خود که محجور بوده (باوجود عقب‌ماندگی ذهنی) صحیح نیست. بر فرض اینکه چنین محجوری نیاز به ازدواج داشته باشد باید در ابتدا به موضوع اختلال ذهنی وی رسیدگی و در صورتی

۱. ماده ۱۰۷۲ قانون مدنی: در صورتی که وکالت بطور مطلق داده شود وکیل نمی‌تواند موکله را برای خود تزویج کند مگر اینکه صریحاً به او داده شده باشد.

۲. محقق داماد، سید مصطفی، حقوق خانواده، همان، صص ۲۰۲-۲۰۴.

۳. ماده ۱۰۷۳ قانون مدنی: اگر وکیل از آنچه که موکل راجع به شخص یا مهریه یا خصوصیات دیگر معین کرده تخلف کند صحت عقد متوقف بر تنفیذ موکل خواهد بود.

۴. موسوی خمینی، روح‌الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۵۹.

۵. ماده ۲۵۲ قانون مدنی: لازم نیست اجازه یا رد فوری باشد ولی اگر تأخیر موجب ضرر طرف اصیل باشد مشارالیه می‌تواند معامله را به هم زند.

که نقصان عقل وی ثابت شود برای محجور تعیین قیم می‌شود و برای ازدواج نیاز به موافقت قیم محجور است و فردی که وکیل است باید از قیم وکالتنامه داشته باشد. در فرض ازدواجی که غیابی و بدون اطلاع از این موضوع صورت پذیرفته و ازدواج بدون اهلیت مرد واقع شده عقد باطل است.

۶- ثبت ازدواج

«زن اول شکایتی بر علیه زن دوم و شوهرش و عاقد مطرح کرده که شوهر وی علیرغم امضای شروط ضمن عقد مندرج در سند ازدواج، بدون اجازه او با زن دیگری ازدواج کرده است و عاقد و شوهر بدون ثبت ازدواج دوم، صیغه شرعی را جاری کرده‌اند از این رو فعلاً نسبت به عدم ثبت ازدواج اعلام جرم نموده و تقاضای مجازات شوهر، زن دوم و عاقد را کرده است.»
از سال ۱۳۱۰ در ایران، ثبت ازدواج اجباری شد و برای شوهر یا عاقدی که بدون ثبت نکاح اقدام به ازدواج نماید، مجازات وجود دارد.^۱

در حال حاضر به موجب ماده ۴۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم یا طلاق یا فسخ نکاح یا رجوع تا یک ماه اقدام کند یا در مواردی که ثبت ازدواج موقت الزامی است (در صورت بارداری زوجه یا توافق طرفین یا شرط ضمن عقد) از ثبت امتناع کند به جزای نقدی درجه پنج^۲ یا حبس تعزیری درجه هفت^۳ محکوم می‌شود.
البته ازدواجی که به ثبت نرسد به اعتقاد اغلب حقوقدانان باطل نیست و وجود ازدواج را می‌توان با دلایل دیگر هر چند به سختی، اثبات کرد. ولی آسان‌ترین راه برای اثبات وجود رابطه زوجیت، ثبت ازدواج در دفترخانه ازدواج است. وجود فرزندان مشروع، ارث بردن زوجین و فرزندان، نفقه زوجیت، مهریه نکاح، مشروعیت رابطه زوجین و حتی وقوع طلاق مبتنی بر اثبات رابطه زوجیت است و وجود سند دلالت بر همه این امور می‌کند. به هیچ دعوای خانوادگی رسیدگی نمی‌شود مگر اینکه سند ازدواج ضمیمه دادخواست باشد. بنابراین تاخیر بین اجرای عقد نکاح شرعی و تنظیم سند ازدواج به هیچ وجه به نفع خانواده‌ها نیست. در عین حال انکار رابطه زوجیت جرم می‌باشد و مجازات حبس و جزای نقدی دارد.^۴

۶-۱- مندرجات سند ازدواج

«مرد که شیفته زن دیگری شده، با اخذ مجوز دادگاه و به استناد اینکه طلاق حق مرد است زن خود را مطلقه می‌نماید. و زن در دفترخانه حاضر شده و به طلاق رضایت می‌دهد، سپس مطالبه اجرای شرط اول عقدنامه را می‌نماید و اظهار می‌دارد که شوهر در ایام زندگی مشترک با سود معاملاتی که انجام داده منزلی در تنکابن خریداری نموده و این مال در زمان زندگی مشترک برای او تحصیل شده است و لذا چون طلاق به درخواست زوج و بدون سوءرفتار اینجانب بوده تقاضای سه دانگ از منزل خریداری شده را می‌نماید.»

۱. قانون ازدواج مصوب ۱۳۴۱.

۲. جزای نقدی درجه پنج ۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰ تا ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال بر اساس آخرین اصلاحات هیات وزیران مصوب ۱۳۹۹.

۳. حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه حبس براساس ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.

۴. ماده ۵۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱: هر کسی در دادگاه زوجیت را انکار کند سپس ثابت شود این انکار بی‌اساس بوده است ... به حبس تعزیری درجه شش (از شش ماه تا دو سال) و یا جزای نقدی درجه شش محکوم می‌شود.

آنچه در یک سند ازدواج نوشته می‌شود به شرح زیر است:

۱-۱-۶- مشخصات فردی عروس و داماد

در ابتدای سند ازدواج مشخصات فردی عروس و داماد و نام و نام خانوادگی آنها نوشته می‌شود.

۲-۱-۶- گواهی‌نامه صحت و تندرستی برای ثبت نکاح

این گواهی‌نامه برای تصدیق سلامت از امراض مسریه مهم می‌باشد.^۱ همچنین بانوان باید گواهی تزریق واکسن کزاز را قبل از ازدواج داشته باشند.^۲ همین‌طور آزمایش تشخیص ناقلین تالاسمی قبل از ازدواج اجباری است.^۳ به موجب قانون برنامه ششم توسعه کشور مصوب ۱۳۹۵ در ازدواج‌های پرخطر انجام مشاوره ژنتیک نیز پیش‌بینی شد. ازدواج پرخطر منظور ازدواج‌هایی است که زن و شوهر دارای وضعیتی از حیث ژن‌ها هستند که با بررسی و معاینات پزشکی و آزمایشگاهی، احتمال بروز یک نوع بیماری منجر به معلولیت در فرزند آنها پیش‌بینی می‌شود. این گواهی مشاوره ژنتیک به معنای عدم ثبت ازدواج نخواهد بود و دفترخانه تکلیفی نسبت به آن ندارد و حداکثر از انجام این نوع مشاوره اطلاع حاصل می‌کند.

۳-۱-۶- مهریه

در صورتی که مهریه منقول باشد مشخصات آن در سند ازدواج درج می‌شود و در صورتی که مهریه غیرمنقول باشد برای اینکه سند ازدواج نسبت به ملک هم رسمیت حاصل نماید، اگر ملک ثبت شده باشد و صاحب دفتر ازدواج دارای دفتر اسناد رسمی هم باشد بایستی ورقه ازدواج را در دفتر اسناد رسمی ثبت کند و در صورتی که صاحب دفتر ازدواج داری دفتر اسناد رسمی نباشد بایستی سند ازدواج را تحت مسئولیت خود به یکی از دفاتر اسناد رسمی حوزه خود ارسال کند.^۴

درباره مهریه توجه به این موارد لازم است:

یک- مهریه باید معلوم و معین باشد و دارای ابهام نباشد؛ یعنی تعداد، مقدار و وصف آن معلوم باشد. مثلاً نمی‌توان یک دانگ از خانه‌ای را مهریه زن قرار داد مگر آنکه مشخصات آن خانه دقیق تعیین گردد.

دو- مهریه باید متعلق به شوهر بوده یا مالک آن رضایت داشته باشد. بنابراین در صورتی که مهریه مجهول باشد یا متعلق به غیر باشد عقد صحیح است ولی به زن در صورت وقوع نزدیکی مهرالمثل تعلق می‌گیرد.

سه- مرد باید قصد پرداخت مهریه را داشته باشد در این‌باره قرآن کریم می‌فرماید: «اتواالنساء صدقاتهن نحلة»^۵ «مهریه زنان را به طیب خاطر بدهید.» پیامبر(ص) نیز فرمود: «خداوند متعال هر گناهی را می‌آمرزد مگر گناه کسی را که مهریه زن را انکار کند.»^۶

۱. ماده ۱۰۴۰ قانون مدنی و قانون لزوم ارائه گواهی‌نامه پزشک قبل از وقوع ازدواج مصوب ۱۳۱۷: "هر یک از طرفین می‌تواند برای انجام وصلت منظور از طرف مقابل تقاضا کند که تصدیق طبیب به صحت از امراض مسریه مهم، از قبیل سفلیس و سوزاک و سل ارائه دهد."

۲. قانون الزام تزریق واکسن ضد کزاز برای بانوان قبل از ازدواج مصوب ۱۳۶۷.

۳. مصوبه هیات وزیران در خصوص آزمایش تالاسمی قبل از ازدواج مصوب ۱۳۶۷.

۴. آیین‌نامه متحدالشکل شدن ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۱ بند ۴.

۵. سوره نساء، آیه ۴.

۶. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۲۹.

لازم به ذکر است مهریه باید در حد استطاعت مرد باشد، تعیین مهریه‌های سرسام‌آور که مرد هرگز قادر به پرداخت آن نخواهد بود تضمین خوشبختی برای زنان نیست. چه بسا زنانی که مهریه‌های سنگین بخشیدند تا جان را از تلخی زندگی با فرد ناباب نجات دهند و چه بسیار مردانی که به خیال اینکه مهریه را چه کسی داده و چه کسی گرفته است مهریه‌های کلان را قبول نموده‌اند و بعد به خاطر عدم پرداخت مهریه به حبس افتاده‌اند.

چهار- مهریه یا بخشی از مهریه می‌تواند داری مهلت و زمان مشخص موجد باشد در اینصورت تا رسیدن زمان مقرر، زن نمی‌تواند مهریه را مطالبه کند مگر اینکه شوهر فوت نماید که در اینصورت مهریه زن حال می‌شود و از ماترک شوهر ابتدا مهریه زن را می‌پردازند و سپس ارث افراد را مطابق سهم الارث تقسیم می‌کنند. در ضمن اگر در سند ازدواج ثبت شود و یا زن بپذیرد که مرد مهریه را عندالاستطاعه بپردازد پرداخت مهریه زمانی بر مرد لازم و ضروری می‌شود که توانایی پرداخت مهریه را داشته باشد. در اینصورت اگر زن مهریه خود را مطالبه کند توانایی مالی مرد مورد بررسی قرار می‌گیرد اگر توان پرداخت آن را داشت به پرداخت مهریه مجبور می‌شود و اگر توانایی پرداخت آن را نداشت دیگر مجازات نخواهد شد.

لازم به ذکر است در سال ۱۳۸۵، به سبب افزایش زندانیانی که به دلیل عدم پرداخت مهریه و یا ناتوانی از پرداخت مهریه، به درخواست زن به حبس می‌افتادند و همچنین به دلیل رشد بی‌رویه مبالغ مهریه، اداره ثبت و اسناد کشور طبق بخشنامه‌ای شرط دیگری را به عقدنامه‌ها افزود این شرط که به عنوان «شرط ج» به عقدنامه‌های جدید افزوده شده است درباره مهریه و نحوه پرداخت آن می‌باشد. قسمت اول آن مربوط به «عندالمطالبه» بودن مهریه است یعنی پرداخت مهریه به مطالبه و درخواست زن وابسته می‌شود، در این حالت مهریه نقد بوده و هیچ قید زمانی ندارد و به محض انعقاد عقد، مهریه به ملکیت زن درمی‌آید. قسمت دوم این شرط آن است که پرداخت مهریه «عندالاستطاعه» می‌باشد یعنی پرداخت مهریه زن موکول به زمان توانایی مالی مرد می‌شود. زوجین یکی از این دو شرط را انتخاب می‌کنند. در صورت اول، دریافت مهریه فقط به خواسته زن بستگی دارد و در صورت دوم، پرداخت مهریه به امکانات مالی مرد بستگی دارد که ممکن است بلافاصله بعد از عقد یا تا مدت‌ها پس از عقد امکان پرداخت مهریه ایجاد نشود.

طبیعی است که چنانچه زوجی شرط اخیر را انتخاب نمایند پرداخت مهریه قابل تعویق می‌باشد. واقعیت این است که اگر مهریه‌ها منطقی و متعارف و در حد شئون و توانایی طرفین باشند انتخاب شرط اول «عندالمطالبه بودن مهریه» که قول مشهور فقها و نظر شارع مقدس و حافظ حقوق زنان است، مناسب بوده و مشکلی ایجاد نمی‌کند ولی اگر مهریه‌ها غیرمتعارف و سرسام‌آور باشد برای پیشگیری از خطر به حبس افتادن مرد بویژه در صورتی که استطاعت پرداخت را نداشته باشد شرط دوم، به مصلحت است. این قسمت از شروط که مورد اختلاف حقوقدانها بود پس از مدتی از حالت چاپ شده خارج شد ولی همچنان طرفین می‌توانند نحوه پرداخت مهریه را به نحو عندالمطالبه یا عندالاستطاعه یا به صورت مدت‌دار یا بخشی فوری و قسمتی مدت‌دار درج کنند. اگر طرفین بخواهند شخص دیگری غیر از زوجین مهریه را ضامن شود امضای ضامن را در سند ازدواج درج می‌کنند. با وجود الکترونیکی شدن اسناد ازدواج میزان مهریه در تک برگ صادره درج می‌شود.

۴-۱-۶- نوع و مدت نکاح

نکاح ممکن است دائم یا موقت باشد لذا این موضوع باید در سند نکاح قید شود و همچنین اگر ازدواج، موقت باشد باید مدت آن

معلوم باشد.^۱

۵-۱-۶- امضای سند

برای اینکه سند ازدواج، رسمی محسوب شود لازم است علاوه بر سایر شرایط مقرر قبلی به امضاء زن و شوهر، مجری صیغه ازدواج و به امضای دو شاهد یا بیشتر (به نحوی که هر سند لااقل دارای ۶ امضاء باشد) هم برسد.^۲ بنابراین اگر مجری صیغه ازدواج یک نفر باشد امضای سه شاهد لازم است.

۶-۲- شروط ضمن عقد ازدواج

در عقد نکاح، حقوق و تکالیف زوجین در قوانین تعیین شده است ولی در عین حال قانون در برخی از موارد توافق‌های خصوصی زوجین را نیز پذیرفته است. مانند اینکه اختیار تعیین مسکن با شوهر است ولی زوجین می‌توانند خلاف آن را توافق کنند. در قانون مدنی آمده است: زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند مسکن نماید مگر اینکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد.^۳ در حال حاضر، سندهای ازدواج دارای شروط چاپ شده‌ای است که اگر زوجین ذیل هر یک را امضاء کنند در روابط بین آنها قابل استناد و لازم‌الاجرا است. این شرط چاپ شده در حقیقت دو شرط است: شرط (الف) تنصیف دارایی زوج است که مطابق آن اگر شوهر، زن را بدون دلیل موجه طلاق دهد باید نصف دارایی خود را که پس از ازدواج بدست آورده است به زوجه منتقل نماید.

شرط (ب) آنکه زن با وجود موارد معین، وکالت در طلاق را از شوهر داشته باشد که در صورت وجود هر یک از آن موارد، خود را مطلقه نماید. یعنی زن می‌تواند با شوهر توافق کند که اگر شوهر رفتاری نادرست داشت بتواند خود را به وکالت از طرف شوهر طلاق دهد. علت پیش‌بینی این حق طلاق برای زن به وکالت شوهر آن است که طلاق از نظر قوانین ایران به اراده مرد می‌باشد و زن در صورتی حق طلاق دارد که یا از دادگاه اجازه بگیرد،^۴ یا اینکه از شوهر وکالت در طلاق داشته باشد و این شرطی است که در قانون مدنی پذیرفته شده است: «طرفین عقد ازدواج می‌توانند هر شرطی که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد در ضمن عقد ازدواج یا عقد لازم دیگر بنمایند.» مثل اینکه شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب شود یا ترک انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سو قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگانی آنها با یکدیگر غیرقابل تحمل شود زن وکیل و وکیل در توکیل^۵ باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه و صدور حکم نهایی، خود را مطلقه سازد.^۶

۱. ماده ۱۳ نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق مصوب مهرماه ۱۳۱۰.

۲. ماده ۲ نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق.

۳. ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی.

۴. مواد ۱۱۳۰ قانون مدنی و ۱۰۲۹ قانون مدنی. (ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی: در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود. ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی: هرگاه شخصی چهار سال تمام غایب مفقودالاث باشد زن او می‌تواند تقاضای طلاق کند در این صورت با رعایت ماده ۱۰۲۳ حاکم او را طلاق می‌دهد.)

۵. از جانب شوهر وکیل باشد که خود را مطلقه نماید یا اینکه بتواند از جانب شوهر وکیل بگیرد تا وکیل، او را از طرف شوهر طلاق دهد.

۶. ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی.

- مواردی که در عقدنامه‌ها ذکر شده و به موجب آن زن به وکالت از شوهر می‌تواند خود را مطلقه سازد به این شرح است:
- ۱) استنکاف شوهر از دادن نفقه به زن به مدت ۶ ماه به هر عنوان و عدم امکان الزام او به پرداخت نفقه و همچنین در موردی که شوهر سایر حقوق واجبه زن را به مدت ۶ ماه وفا نکند و اجبار او به ایفا هم ممکن نباشد.
 - ۲) سوء رفتار یا سوء معاشرت شوهر به حدی که ادامه زندگی را برای زوجه غیرقابل تحمل نماید.
 - ۳) ابتلای زوج به امراض صعب‌العلاج به نحوی که دوام زناشویی، برای زوجه مخاطره‌آمیز باشد.
 - ۴) عدم رعایت دستور دادگاه در منع اشتغال زوج به شغلی که طبق نظر دادگاه صالح، منافی با مصالح خانوادگی و حیثیت زوجه باشد.
 - ۵) جنون زوج در مواردی که فسخ نکاح شرعاً ممکن نباشد.
 - ۶) محکومیت شوهر به حکم قطعی مجازات ۵ سال حبس یا بیشتر یا به جزای نقدی که بر اثر عجز از پرداخت منجر به ۵ سال حبس شود یا به حبس و جزای نقدی که مجموعاً منتهی به ۵ سال یا بیشتر بازداشت شود و حکم مجازات در حال اجرا باشد.
 - ۷) ابتلای زوج به هرگونه اعتیاد مضری که به تشخیص دادگاه به اساس زندگی خانوادگی خللی وارد آورد و ادامه زندگی برای زوجه دشوار باشد.
 - ۸) زوج زندگی خانوادگی را بدون عذر موجه ترک کند و یا شش ماه بدون عذر موجه (از نظر دادگاه) غیبت نماید. تشخیص ترک زندگی خانوادگی و عذر موجه با دادگاه است.
 - ۹) محکومیت قطعی زوج در اثر ارتکاب جرم و اجرای هرگونه مجازات اعم از حد و تعزیر در اثر ارتکاب جرمی که مغایر با حیثیت خانوادگی و شئون زوجه باشد. تشخیص اینکه مجازات مغایر با حیثیت و شئون خانوادگی است، با توجه به وضع و موقعیت زوجه و عرف و موازین دیگر با دادگاه است.
 - ۱۰) در صورتی که پس از گذشت ۵ سال، زوجه از شوهر خود به جهت عقیم بودن و یا عوارض جسمی دیگر، صاحب فرزند نشود.
 - ۱۱) در صورتی که زوج مفقودالاثر شود و ظرف ۶ ماه پس از مراجعه زوجه به دادگاه پیدا نشود.
 - ۱۲) زوج همسر دیگری بدون رضایت زوجه اختیار کند یا به تشخیص دادگاه نسبت به همسران خود اجرای عدالت نکند.
- بخشی از شروط مذکور که در سال ۱۳۶۱ به عقدنامه‌های رسمی اضافه شد در سال‌های بعد، وارد قوانین کشور گردید. بسیاری از مفاد مندرج در بند دوم شروط ضمن عقد (وکالت زن در طلاق از سوی شوهر به سبب سوء معاشرت، حبس، غیبت و ...) از مصادیق عسر و حرج زن شناخته شده است که مطابق ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی^۱ با اثبات آن در دادگاه، به درخواست زن، او مطلقه می‌شود.
- امروز مواردی مثل ترک زندگی خانوادگی به مدت ۶ ماه متوالی، اعتیاد به مشروبات الکلی یا مواد مخدر که مخل روابط خانوادگی باشد، محکومیت قطعی به حبس ۵ سال یا بیشتر، ضرب و شتم یا هرگونه سوء معاشرت، ابتلاء به بیماری‌های صعب‌العلاج روانی و... در قانون پیش‌بینی شده است. لذا این سوال مطرح می‌شود که با وجود پیش‌بینی قانون، امضای این شروط چه فایده‌ای خواهد داشت؟ قبول کردن این شروط از ۲ نظر مفید است:
- یک- دادگاه به مواردی که ضمن عقد نکاح شرط شده، در صورت عدم حضور مرد نیز می‌تواند رسیدگی نماید؛ زیرا وکالت از زوج برای زوجه در ضمن عقد شرط شده است.
- دو- شرایط اثبات دعوی را به نفع زن در موارد فوق آسان‌تر می‌کند. زیرا گاه اثبات عسر و حرج (تنگی و سختی غیر قابل تحمل) دشوار است.

۱. ماده اصلاحی ۱۱۳۰ قانون مدنی مصوب ۲۹ تیرماه ۱۳۸۱، مجمع تشخیص مصلحت نظام.

سوال دیگری که به ذهن می‌رسد آن است که با وجود این شرایط، چرا همین موارد در قانون پیش‌بینی شده است؟ علت درج این موارد در قانون آن است که در صورت عدم امضای این شروط توسط شوهر، مقررات قانون نسبت به آنها اعمال می‌شود. در عقدنامه، قسمت دیگری نیز وجود دارد که زوجین می‌توانند شرایط دیگری را به اراده خود انتخاب نموده و بر آن توافق و به عقدنامه ملحق نمایند.

حضرت علی علیه‌السلام فرموده‌اند: «هر که برای همسرش شرطی نماید باید به آن شرط وفا کند همانا مسلمانان نزد شرط‌های خویش هستند باید به شرط خود وفا نمایند مگر آنکه بواسطه شرط، حلالی را حرام یا حرامی را حلال نمایند.»^۱ به هر حال در الحاق شروط به سند نکاح نیز شرایطی وجود دارد: اموری را می‌توان به عنوان شرط در سند ازدواج آورد که از یک سو با طبیعت ازدواج مخالف نباشد و از سوی دیگر از دیدگاه فقهی و قانونی منعی نداشته باشد.^۲

شروط مخالف شرع مانند آنکه مرد بگوید: من همسر تو شوم به شرط اینکه حجاب را رعایت نکنی و مانند آن. شروط مخالف قانون مانند آنکه زن شرط کند با مرد ازدواج می‌کند به شرط اینکه عقد او را ثبت نکند. شرط مخالف ذات عقد نکاح (طبیعت عقد) مانند آنکه زن در عقد ازدواج دائم شرط عدم تمکین نماید. تشخیص شروط باطل و صحیح همیشه آسان نیست، مثلاً مرد نمی‌تواند در عقد دائم شرط نماید که نفقه همسر خود را نپردازد هرچند زن می‌تواند نفقه خود را مانند سایر حقوق مالی خود صلح کند و به میل و اراده خود از شوهر خویش نفقه نگیرد. شروط صحیح ممکن است بدین شرح باشند:

یک- شرط صفت باشد یعنی صفتی را در یکی از زوجین یا در مهریه شرط کنند مانند آنکه شرط شده باشد زن باکره باشد یا شوهر مجرد باشد در صورت تخلف از این شروط، کسی که شرط به نفع او شده است می‌تواند نکاح را به استناد تخلف از شرط صفت (ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی) فسخ نماید.^۳

دو- ممکن است شرط نتیجه، در ضمن عقد شرط شود. شرط نتیجه یعنی تحقق امری در خارج شرط شود مانند شرط وکالت زوجه در طلاق بطور مطلق داده شود یعنی، زوجه به وکالت از زوج حق طلاق داشته باشد این شرط نیز از نظر فقهی و قانونی صحیح است.^۴ علت اینکه وکالت را در ضمن عقد نکاح واقع می‌سازند آن است که وکالت، عقد جایز است و در عقد جایز موکل می‌تواند وکیل را عزل کند یا وکیل استعفا کند به همین دلیل برای اینکه موکل نتواند وکیل را عزل کند عقد جایز وکالت را در ضمن عقد لازم نکاح واقع می‌سازند.

سه- ممکن است شرط صحیح به صورت شرط فعل باشد، یعنی انجام فعلی توسط یکی از زوجین شرط شود مانند اینکه زوجه شرط کند که انتقال و تغییر مسکن منوط به موافقت زوجه باشد یا اینکه زوجه شرط کند که زن حق خروج از منزل را برای تحصیل یا

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۶۸

۲. عراقی، عزت‌الله، آیا می‌دانید حقوق زن در دوران ازدواج چیست، ص ۵۲.

۳. صفایی، سیدحسین، امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، ص ۶۳ تا ۶۵.

۴. از نظر قانون ر.ک به صفایی، مختصر حقوق خانواده، ص ۶۳ و از نظر فقهی، ر.ک به امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۶ و ص ۳۳۲.

ادامه آن یا برای اشتغال و ادامه آن داشته باشد یا شوهر شرط کند که مهریه را عندالاستطاعه بپردازد یا اینکه شوهر شرط کند زن پس از ازدواج یا پس از فرزنددار شدن شغل خود را ترک نماید و

چهار- از جمله شروط صحیح که می‌تواند ضمن عقد شرط کرد. شرط داوری در ازدواج است. برخی از حقوقدانان پیشنهاد می‌کنند زوجین در همان آغاز زندگی شرط کنند چنانچه در امر یا اموری در زندگی مشترک به هیچ وجه به توافق نرسند به داور یا داورانی مراجعه کنند و تصمیم یا نظر آن فرد فصل الخطاب باشد و هر دو به همان نظر تمکین کنند تا اختلافشان حادثر نشده و کار به دادگاه و جدایی و طلاق نرسد. این شرط اگر در ضمن عقد ازدواج باشد لازم‌الاجراست و در هر اختلافی باید قبل از مراجعه به دادگاه یا در ابتدا به داور یا داوران مراجعه کنند. امروزه در بسیاری از قراردادهای تخصصی و بین‌المللی و تجاری شرط داوری وجود دارد. اما در شروط ضمن عقد ازدواج اگر هم چنین شرطی نباشد طرفین می‌توانند هرگاه اختلافی داشته باشند و فردی مورد قبول هر دو باشد؛ برای پایان بخشیدن به اختلافات خود از این روش استفاده کنند.^۱

لازم به ذکر است هر چند از نظر قانونی می‌توان این شروط را در ضمن عقد ازدواج مطرح نمود ولی ذکر بسیاری از این شروط در آغاز ازدواج یا سبب می‌شود که در طرف تردیدی برای ازدواج فراهم شود و او را از ازدواج منصرف سازد و یا در صورت وقوع ازدواج، فرد را دچار بدبینی می‌نماید و او گمان می‌کند همسرش به اندک مسئله‌ای، از ادامه زندگی مشترک منصرف خواهد شد. بنابراین توصیه می‌شود جز در موارد ضروری، اقدام به ذکر این شروط نشود.

بسیار مناسب است که طرفین در گفتگوهای مقدماتی ایده‌ها و نظرات خود را بطور شفاف در این موضوعات به یکدیگر منتقل کنند. در این حالت افرادی که به خوشبختی واقعی و سعادت خود و طرف مقابل می‌اندیشند صداقت خواهند داشت و افراد محدودی هستند که با کتمان حقایق، خود و دیگری را قربانی هوی و هوس زودگذر می‌نمایند.

اصل و نسب زوجین، قومیت، زبان، تابعیت، سن، اقامتگاه، تحصیلات، دین و مذهب، سابقه تاهل یا تجرد، وضعیت سلامتی یا بیماری خاص، علائق و انتظارات قطعی هر یک از زوجین از دیگری، افرادی که با یکی از زوجین زندگی می‌کنند، محل سکونت، مدت عقد و زمان عروسی. در سال جاری^۲ به دنبال الکترونیکی شدن اسناد رسمی، سندهای ازدواج از حالت دفترچه‌ای خارج شد و با اخذ شناسه یکتا به صورت تک برگ صادر و در اختیار زوجین قرار می‌گیرند. شروط چاپی یا شروط دیگری که طرفین بر آن توافق کنند در این تک برگ‌ها درج می‌شود و در سامانه «ثبت من» قابل مشاهده است.^۳ به این ترتیب با درج کد ملی و شناسه یکتای سند ازدواج، سند و اصالت آن در سامانه موصوف قابل دسترسی است یعنی در صورت نیاز طرفین، مراجع دولتی و دادگاهها میتوانند به صورت برخط از اصالت سند ازدواج استعلام کنند و پاسخ را به نحو آنی دریافت کنند. منظور از شناسه یکتا همان شماره و کد اختصاصی است که برای هر سند جداگانه اختصاص داده می‌شود و این شماره برای هیچ سند دیگری تکرار نمی‌شود.

۱. بدایعی، فاطمه، کتاب شروط ضمن عقد نکاح.

۲. دوم آبان سال ۱۴۰۲.

۳. برای ثبت نکاح زوجین باید در سامانه ثبت من که تحت نظارت سازمان ثبت اسناد و املاک کل کشور است ثبت نام کنند و برای گرفتن وام ازدواج نیز باید در سامانه ثنا که متعلق به قوه قضاییه هست نیز حساب کاربری داشته باشند.

فصل چهارم: آثار ازدواج

هرگاه ازدواج بطور صحیح و با همه شرایط منعقد شد، آثاری بر آن مترتب می‌شود که مهم‌ترین این آثار در زمینه حقوق و تکالیف ناشی از زوجیت است. حقوق و تکالیف ناشی از زوجیت مبتنی بر نقش‌های جنسیتی هر یک از زوجین می‌باشد. برخی از این حقوق و تکالیف که براساس نقش‌های خانوادگی مشترک زوجین در قبال فرزندان و حفظ خانواده می‌باشد بین آنها یکسان است و تفاوتی وجود ندارد و برخی از حقوق که به نیازهای خاص مرد با نقش‌های متفاوت وی مربوط می‌شود ویژه مردان است و زنان در برابر آنان تکالیفی به عهده دارند. همچنین برخی دیگر از این حقوق که مبتنی بر تفاوت‌های جسمانی و روانی زنان و نقش‌های متفاوت خانوادگی و اقتصادی آنان است ویژه زنان می‌باشد، و مردان در برابر آنها تکالیفی را بر دوش دارند. لذا در این فصل در سه بخش؛ حقوق و تکالیف مشترک زوجین، حقوق اختصاصی شوهر و حقوق اختصاصی زن را مرور می‌کنیم. کسی نباید بپندارد که این تفاوت‌ها موجب فضیلت و برتری یکی بر دیگری است زیرا از یک سو برتری بین افراد بر پایه ایمان و تقوای الهی است و از سوی دیگر منشا همه فضیلت‌ها در عالم هستی خداوند است و هیچ‌کس از خود چیزی ندارد تا به آن تفاخر کند که خداوند سبحان فرمود «انتم الفقراء الى الله و الله هو الغنى الحمید»^۱ «شما نیازمندان به سوی خدا هستید و او بی نیاز ستوده است.»

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید:

«اسلام مرد را قوام^۲ و زن را ریحان^۳ می‌داند. این نه جسارت به زن است نه جسارت به مرد. نه نادیده گرفتن حق زن است و نه نادیده گرفتن حق مرد؛ بلکه درست دیدن طبیعت آنهاست. ترازوی آنها هم اتفاقاً برابر است؛ یعنی وقتی جنس لطیف و زیبا و عامل آرامش و آرایش معنوی محیط زندگی را در یک کفه می‌گذاریم، و این جنس مدیریت، کارکرد، محل اعتماد و اتکا بودن و تکیه‌گاه بودن برای زن را هم در کفه دیگر ترازو می‌گذاریم، این دو کفه با هم برابر می‌شود. نه آن بر این ترجیح دارد و نه این بر آن. نوع نگاه زن به مرد با نگاه مرد به زن بطور طبیعی مختلف است، باید هم مختلف باشد، ایرادی هم ندارد. مرد به زن به صورت یک الگوی زیبایی، ظرافت و حساسیت نگاه می‌کند، او را لطیف می‌بیند. اسلام هم همین را تاکید کرده: «المرأة ریحانة» یعنی زن گل است. در این نگرش، زن، یک موجودی است رقیق، مظهر زیبایی و لطافت و رقت؛ و مرد به این چشم به او می‌نگرد. محبت او را در این قالب ترسیم و مجسم می‌کند.

مرد در چشم زن، مظهر اعتماد، نقطه اتکا و اعتماد است و محبت خودش را به او در این قالب ترسیم می‌کند.

این دو، دو نقش جداگانه از یکدیگر هستند و هر دو نقش لازم است. زن وقتی به مرد نگاه می‌کند، با همان چشم محبت و عشق، او را در نقش یک تکیه‌گاه می‌بیند که می‌تواند از نیروهای جسمی و فکری او برای پیشبرد کار زندگی استفاده کند؛ مثل یک موتور. مرد وقتی به زن نگاه می‌کند، به او به چشم مظهر انس و آرامش می‌نگرد که می‌تواند به انسان آرامش بدهد. اگر مرد نقطه اتکا در زمینه

۱. سوره فاطر، آیه ۱۵.

۲. اشاره به آیه کریمه: الرجال قوامون على النساء... سوره نساء، آیه ۳۴. (قوامون على النساء: قیام کننده به امور زنان در خانواده)

۳. اشاره به حدیث معروف علی(ع): المرأة ریحانة و لیست بقهرمانه، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۵۳. (ریحانه: گل خوشبو)

مسائل ظاهر زندگی است، زن هم به نوبه خود نقطه اتکایی برای مسائل روحی و معنوی زندگی می‌باشد. دریایی است از انس و محبت. می‌تواند مرد را در این فضای سرشار از محبت، از همه غصه‌ها و غم‌های خودش خارج کند. اینها توانایی‌های مرد و زن است. توانایی‌های روحی آنها.^۱

۱- حقوق و تکالیف مشترک زوجین

زن و شوهر اهداف مشترکی دارند که براساس آن ازدواج شکل می‌گیرد؛ از آن جمله: رسیدن به آرامش روحی، ارضاء نیازهای جنسی، کسب استقلال از خانواده پدری، برطرف کردن نیازهای عاطفی، تولید مثل، بهره‌مندی از جایگاه ارزشمند پدری یا مادری و... . همه این اهداف مشترک وسیله‌ای است که حقوق و تکالیف مشترکی را بین زن و شوهر ایجاد می‌نماید. در حقوق و تکالیف مشترک زوجین هر دو از این حق برخوردارند که طرف مقابل، تکلیف مربوط را انجام دهد و همچنین هر یک از زوجین وظیفه دارند تمام تلاش خود را برای انجام این مسئولیت بکار ببرند.

۱-۱- حسن معاشرت

«زن اظهار داشته: شوهر هیچ گونه حسن معاشرتی در منزل ندارد. اکثر اوقات زندگی ما توام با درگیری و بدرفتاری و ناسزاگویی است. او معتاد است. در حضور خودم مواد مخدر مصرف می‌کند و گاه مرا کتک می‌زند. پرونده کیفری دارد ولی فاقد محکومیت کیفری است. زن از دادگاه تقاضای طلاق دارد.»

زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.^۲ این تکلیف با صراحت کامل در قرآن کریم آمده است: «عاشروهن بالمعروف»^۳ یعنی: «با همسرانان با اخلاق نیکو معاشرت نمایید.»

در تعریف معروف (عاشروهن بالمعروف) بیان شده است که: «معروف عملی است که علاوه بر مورد پسند بودن مردم، همراه با عفو و گذشت باشد.»^۴

مصادیق حسن معاشرت، رفتار توام با خوشرویی و مسالمت و صمیمیت و پرهیز از مجادله و اهانت است.^۵ از الزامات حسن معاشرت این است که زن و شوهر با یکدیگر زندگی کرده و در محل مشترکی بسر برند؛ بنابراین شوهر مکلف است زنش را در خانه بپذیرد و زن نیز مکلف است در خانه شوهر زندگی کند.^۶ داشتن روابط جنسی به طور متعارف نیز جزئی از خوشرفتاری محسوب می‌گردد. بی‌اعتنایی یکی از آن دو به خواست طرف دیگر در این زمینه، هرگاه مستند به دلیل موجهی نباشد برخلاف حسن معاشرت شمرده می‌شود.^۷

۱. حاج علی اکبری، محمدجواد، مطلع عشق، ص ۴۹ و ۵۲.

۲. ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی.

۳. سوره نساء، آیه ۱۹.

۴. احمدیه، مریم، موازنه حقوق و اخلاق در خانواده، ص ۸۶.

۵. صفایی، سید حسین، مختصر حقوق خانواده، ص ۱۲۲.

۶. عراقی، عزت‌الله، آیا می‌دانید حقوق زن در دوران ازدواج چیست؟، ص ۹۰.

۷. همان، ص ۹۱.

اظهار محبت طرفین به یکدیگر نیز از مصادیق حسن معاشرت است. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که فرمود: «سخن مرد به همسرش که دوستت دارم هرگز از قلب زن بیرون نمی‌رود.»^۱

و امام علی بن موسی الرضا (ع) نیز فرمود که: «زنان چند گروهند. یک گروه از آنان غنیمت و گنج محسوب می‌شوند. این گروه، زنانی هستند که شوهران خود را دوست داشته و به آنها عشق می‌ورزند.»^۲

علاوه بر آن امام صادق (ع) فرموده‌اند: «شوهر در روابط بین خود و همسرش نیازمند سه چیز است: مدارا و خوش رفتاری با زن تا همراهی و محبت و علاقه زن را جلب نماید. خوش رفتاری با زن و به دست آوردن قلب او با پیراستن ظاهرش در مقابل دیدگان او و گشاده‌دستی با وی و زن نیز در روابط خود با همسرش بی‌نیاز از سه ویژگی نیست: خود را از هر پلیدی دور نگه دارد تا آن جایی که شوهرش در هر حالتی خوش یا ناخوش، به وی اطمینان کند و متعهد بودن زن تا به هنگام خطا، شوهر به او توجه کند، اظهار عشق و علاقه به همسر همراه با دلربایی و ظاهری جذاب در برابر دیدگان او.»^۳

احترام متقابل بین زن و شوهر نیز مورد تاکید معصومین علیهم السلام است. چنانچه از امام صادق (ع) روایت شده که فرمودند: «هر که زن می‌گیرد باید او را تکریم نماید، همانا زن هر فردی، باعث خوشی او می‌باشد، پس هر که زن می‌گیرد نباید او را ضایع کند.»^۴ پیامبر اکرم (ص) نیز فرموده‌اند: «بهترین زنان شما کسانی هستند که ... مهربانند... و در مقابل شوهرشان متواضع می‌باشند و نسبت به غیر همسر خود عقیف و پارسا هستند، مطیع و شنوا می‌باشند و نیاز جنسی شوهر خود را برآورده می‌سازند.»^۵

در این نوع سفارش‌ها، هم نوعی ابراز عشق آشکار است و هم محتوای اخلاقی و ترغیب کننده به ارزش‌های اخلاقی و معنوی وجود دارد.

خروج از حسن معاشرت برای زن، اگر به صورت عدم تمکین جنسی باشد موجب «نشوز» وی شده و او مستحق نفقه نخواهد بود.^۶ و شوهر اگر دچار سوء معاشرت باشد به نحوی که ادامه زندگی خانوادگی غیر قابل تحمل گردد زن حق طلاق خواهد داشت.^۷

ترک زندگی خانوادگی توسط یکی از دو طرف نیز با ضمانت اجرایی مناسب مواجه است. در صورتی که زن خانه مشترک را بدون دلیل موجه (مثل در امان ماندن از ضرر جسمی یا مالی یا حیثیتی) ترک نماید «ناشزه» محسوب می‌شود و مستحق نفقه نیست. در مورد مرد نیز اگر الزام وی به بازگشت به زندگی مشترک توسط دادگاه موفق نباشد و این مدت به شش ماه متوالی یا نه ماه متناوب در مدت یک سال، بدون عذر موجه، برسد، موجب درخواست طلاق توسط زوجه خواهد بود و دادگاه این درخواست را خواهد پذیرفت.^۸

البته این مقدار که ذکر شد جنبه حقوقی مسئله است و گرنه در جنبه اخلاقی آن، توصیه اکید آن است که همسران مراقب باشند

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳ و کافی ج ۵، ص ۵۶۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۳۷.

۳. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۲۲۷.

۴. همان، ج ۷۶، ص ۸۵.

۵. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۸، شیخ طوسی، تهذیب ج ۷، ص ۴۰۰.

۶. ماده ۱۱۱۰ قانون مدنی.

۷. ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی.

۸. ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، بند ۱.

همواره سر بر یک بالین نهند و به اهمیت بستر مشترک و نقش این همبستری در ایجاد مودت و رحمت بین آنها و تاثیر این آرامش روحی و روانی بر همه اعضاء خانواده توجه داشته باشند. همان گونه که در روایتی بیان شده است: «برای جوانمردان هلاکت و نابودی است که مرد در شهری که خانواده‌اش در آن هستند، باشد ولی در منزل خود شب را سپری نکند.»^۱

طبیعی است که هرگونه اعتیاد به مواد مخدر یا مشروبات الکلی یا ضرب و شتم زوجه از مصادیق بارز سوء معاشرت خواهد بود که هر یک به تنهایی دلایل قابل قبول برای دادگاه جهت درخواست طلاق توسط زوجه می‌باشد.^۲ وفاداری زوجین به یکدیگر و تخصیص روابط جنسی به حریم خانواده نیز از مصادیق مهم حسن معاشرت است.^۳ یعنی زوجین باید از برقراری رابطه نامشروع و خارج از قوانین بپرهیزند. عرف و عادت مسلم و مقررات جزائی و تعیین مجازات برای روابط جنسی خارج از حریم زوجیت نیز حاکی از وجود اصل وفاداری زوجین در حقوق جمهوری اسلامی ایران است.^۴ توصیه‌های اخلاقی امامان معصوم (ع) به زوجین در مورد حسن معاشرت بسیارند که از آن جمله است:^۵

- (۱) تلاش شوهر برای رفاه خانواده: رسول گرامی (ص) فرمود: «هر کس که از راه حلال برای خانواده‌اش تلاش نماید مثل جهاد کننده در راه خداوند است.»^۶
- (۲) سازگاری و عدم سخت گیری: پیامبر اکرم (ص) فرمود: «زنی که با همسرش سازگاری ندارد و بر آنچه خداوند روزی او گردانده صبور نیست و بر او سخت می‌گیرد و تکلیفی بیش از طاقتش از او می‌خواهد خداوند حسنه‌ای از او نمی‌پذیرد و مادامی که آن گونه است خداوند بر او غضبناک خواهد بود.»^۷
- (۳) سهل گیری در خانواده: امام سجاد (ع) فرمود: «خداوند از سهل گیرترین شما در مورد خانواده راضی تر است.»^۸
- (۴) حضور در جمع خانواده: رسول خدا (ص) فرمود: «خداوند نشستن مرد را در کنار همسرش، از اعتکاف در مسجدالنبی (ص) بیشتر دوست دارد.»^۹
- (۵) خودداری از آزار همسر: پیامبر (ص) در مورد زن یا شوهری که همسر خود را آزار دهد و به او ظلم نماید فرموده‌اند: «نماز و اعمال نیک چنین فردی قبول نمی‌شود هر چند روزها روزه گیرد و عبادت به جا آورد و در راه خدا بنده آزاد نموده و انفاق نماید علاوه بر آن چنین فردی اولین کسی است که وارد جهنم می‌شود.»^{۱۰}
- (۶) خوش کلامی و خوش رفتاری با همسر: پیامبر (ص) فرمود: «برادرم جبرئیل پیوسته در مورد زنان مرا سفارش کرده به گونه‌ای که گمان کردم برای شوهر جایز نیست که به زنش اف بگوید.»^{۱۱} و نیز فرمود: «بدترین زنان، زنان لجباز هستند.»^{۱۲}

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۱.

۲. ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی، بند ۲ و ۴.

۳. منشور حقوق و مسئولیت‌های زن در نظام اسلامی ایران، فصل دوم بند نهم.

۴. دکتر صفایی، سید حسین، امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، ص ۱۲۳.

۵. حکمت نیا، محمود، فلسفه حقوق خانواده، صص ۱۱۶-۱۱۷.

۶. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۰۳.

۷. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۴.

۸. همان، ج ۷۸، ص ۱۳۶.

۹. ورام ابن ابی فراس، تنبیه الخواطر و نهضة النواظر، ص ۳۶۲.

۱۰. علامه مجلسی، همان، ج ۷۶، ص ۳۶۳، حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۳.

۱۱. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۵۲.

۱۲. همان، ص ۱۶۲.

۷) موجب آرامش شوهر: امام باقر(ع) فرمود: «برای مرد هیچ چیز بهتر از زن صالح نیست که هرگاه شوهرش او را ببیند شادمان گردد.»^۱

۸) اظهار محبت: پیامبر (ص) فرمود: «سخن مرد به همسرش که بگوید من تو را دوست دارم، هرگز از یاد او نمی‌رود.»^۲ و نیز امام صادق (ع) فرمود: «زن در روابط بین خود و شوهر همدلش از سه خصلت بی‌نیاز نیست که یکی از آن سه، اظهار عشق به شوهر همراه با دلربایی است.»^۳

۹) برآوردن نیازهای جنسی یکدیگر: پیامبر اکرم (ص) فرمود: «بنده مومن هنگامی که دست همسرش را بگیرد خداوند برایش ده حسنه می‌نویسد و ده سیئه را محو می‌کند و اگر او را ببوسد خداوند برایش صد حسنه می‌نویسد و صد سیئه را محو می‌کند و اگر با او آمیزش داشته باشد خداوند برایش هزار حسنه می‌نویسد و هزار سیئه را محو می‌نماید.»^۴ امام موسی کاظم (ع) نیز در مورد ارتباط زناشوئی همسران فرموده‌اند: «همانطور که وقتی حرامی را مرتکب شوی مجازات می‌شوی پس همینطور، وقتی حلالی را به جا آوری اجر داده می‌شوی.»^۵

۱۰) پیراستگی و آراستگی زن و شوهر برای یکدیگر: نظافت بدن، شستشوی دهان و مسواک زدن دندان‌ها، استعمال عطرهای خوشبو برای همسر، استفاده از آرایش و زیور آلات متعارف توسط زنان و رعایت خواسته‌های همسر در نحوه پوشش در منزل، از دستورات دینی است و از نمونه‌های دیگر حسن معاشرت است. امام صادق (ع) در این زمینه فرموده‌اند: «شوهر در روابط بین خود و همسرش به سه چیز نیازمند است که یکی از آنها آراستگی ظاهری در مقابل دیدگان زن است و زن نیز در روابط بین خود با شوهرش به سه چیز نیازمند است که یکی از آنها ظاهری جذاب در برابر دیدگان شوهر می‌باشد.»^۶

۱-۲- تحکیم خانواده و مشارکت در امور آن

در قانون مدنی آمده است: «زوجین باید در تشیید مبانی خانواده و تربیت اولاد به یکدیگر معاضدت نمایند.»^۷ تشیید مبانی خانواده یعنی قوام، حفظ و نگهداری خانواده و معاضدت یعنی یکدیگر را یاری کردن. به عبارت دیگر زن و شوهر بعد از عقد ازدواج مکلف به حفظ و استحکام خانواده هستند یعنی وقتی هر یک از خانواده پدری خود جدا می‌شوند و خانواده جدیدی را شکل می‌دهند برای حفظ این نهاد جدید باید با یکدیگر همکاری کنند. بنابراین از اقداماتی که مانع استحکام خانواده است باید خودداری کنند.^۸ مواردی از این اقدامات عبارتند از:

۱-۲-۱- رعایت حریم خانواده

هرگونه دخالت اطرافیان که باعث تحریک هر یک از زن و شوهر برای اعتراض و بی‌تعهدی و عدم انجام وظایف شرعی آنها باشد مانع استحکام خانواده است. بنابراین زن و شوهر باید از مداخلات ناصواب و غیرکارشناسی اطرافیان در روابط شخصی آنها جلوگیری کنند. خانواده جوان حریم خود را دارد و باید سعی کند آن را حفظ کند. جلوگیری از مداخله دیگران به معنی بی‌احترامی به بزرگترها و

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱۷.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰.

۳. همان، ج ۷۸، ص ۲۳۷.

۴. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۵۰.

۵. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۱۶۰.

۶. همان، ج ۷۸، ص ۲۳۷.

۷. ماده ۱۱۰۴ قانون مدنی.

۸. تشیید خانواده در فقه امامیه و ارزیابی تأثیرات مثبت قوانین در راستای تشیید مبانی خانواده با محوریت سلامت اثر، فهیمه محلاتی، جواد حبیبی تبار.

تجارب آنها نیست بلکه برای شروع زندگی نو ضروری است و بزرگترها و اقوام نزدیک باید این حریم را بپذیرند و به آن عادت کنند. زن و شوهر، خود بیش از همه عالم و مطلع به امور و حریم مشترک زناشویی هستند و نباید مسائل خلوت خود را در نزد دیگران علنی کنند و خود را به قضاوت آنها بسپارند. جوانان باید بدانند یکی از دلایل جدایی زن و شوهرهای جوان دخالت احساسی و عاطفی اطرافیان بدون اطلاع کافی از شرایط آنهاست. اقوام و دوستان نزدیک نیز باید بدانند وضع دختر و پسر پس از ازدواج تغییر کرده است و باید از انتظارات خود که مربوط به قبل از ازدواج آنها بود بکاهند. والدین دختر باید بدانند دخترشان زندگی جدید دارد و نمی‌تواند مانند سابق به انجام امور خانه داری و منزل پدری کمک کند. پدر و مادر پسر هم باید بدانند ممکن است پسر دیگر نتواند مثل گذشته در مخارج خانه همکاری کند. خانواده‌ها باید شرایط جدید فرزند عزیزشان را بفهمند و از دخالت‌های بی‌جا خودداری کنند تا آنها با شرایط جدید خود کنار بیایند.

شکایت کردن زن و شوهر از یکدیگر و شکایت بردن در نزد دیگران از اموری است که موجب ضعف ارکان خانواده می‌شود و زن یا مرد نباید به اندک اختلافی در نزد دیگری یا دادگاه شکایت برند. گاه مشاهده می‌شود برخی زنان با اندک کدورتی از شوهر، مهریه خود را به اجرا می‌گذارند یا به نزد پدر و مادر خود می‌روند و از شوهر گله می‌کنند و یا دادخواست طلاق می‌دهند. این امور همه موجب مناقشات و دشمنی و کینه بین زوجین می‌شود. شاید به همین دلیل است که پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمود: «من زنی را که از خانه خود دامن‌کشان برای شکایت از شوهرش بیرون شود، دشمن دارم.»^۱ و همچنین مردی را که موجب شکایت بردن زن می‌شود نکوهش می‌کنند و در این باره می‌فرمایند: «بدترین مردان کسی است که تهمت می‌زند، بد اخلاق و بد زبان است، به تنهایی می‌خورد و بخشش نمی‌کند و ... همسرش را به پناه بردن به دیگران وادار می‌کند.»^۲

۲-۲-۱- مشارکت در امور خانواده

مشارکت و همکاری در امور خانواده و خانه‌داری از عوامل مؤثر در تحکیم خانواده است و به زن و مرد تاکید شده است.

علی (ع) فرمود: «زن باید فرزندش را شیر دهد و ... و کارهای داخل منزل را انجام دهد.»^۳

و پیامبر اکرم (ص) نیز به زنان مژده داده است که: «شغل آنها در خانه‌شان در حکم جهاد کردن مجاهد فی سبیل الله خواهد بود.»^۴ البته به مردان نیز مشارکت در انجام امور منزل سفارش شده است. پیامبر اکرم (ص) روزی به خانه علی بن ابیطالب (ع) وارد شدند. ایشان مشغول امور خانه‌داری و کمک به حضرت زهرا (س) بودند. حضرت رسول (ص) فرمودند: «ای علی هرکس به خانواده‌اش خدمت کند این خدمت کفاره گناهان کبیره‌اش خواهد شد و آتش خشم الهی را خاموش خواهد نمود و همسر بهشتی و درجات عالی‌ه نصیبش خواهد ساخت.»^۵

کمک زن و شوهر به یکدیگر از مصادیق حسن معاشرت است. گاه زن در امور شخصی خود نیاز به یاری مرد دارد مانند وقتی که

۱. نهج الفصاحه، ج ۹۶۰.

۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۲۹۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۴۰.

۳. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۵۷.

۴. نهج الفصاحه، ج ۲۸۹۲.

۵. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۸.

بیمار یا در بستر زایمان است و گاه مرد نیاز به یاری زن دارد که این نوع مساعدت مورد تایید دین مبین اسلام است و ریشه‌های محبت بین زوجین را تقویت می‌کند. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هر زنی که شوهرش را بر حج یا جهاد یا طلب دانش یاری نماید، خداوند پاداش آنچه به زن ایوب بخشید به او عطا می‌کند.»^۱

۳-۲-۱- وفاداری همسران به یکدیگر

وفاداری همسران به یکدیگر نیز از مهمترین عوامل تحکیم خانواده است و هر نوع نگاه، گفتار و رابطه حرام با غیر همسر موجب رنجش و کدورت فی‌مابین همسران می‌شود که برای حفظ تحکیم خانواده پرهیز از آن ضروری است. آنچه زمینه وفاداری بین همسران را تقویت می‌کند «عفاف» است که در آداب دین به زن و مرد توصیه شده است؛ چنانچه رسول الله (ص) فرمود: «عفاف زینت زنان است.»^۲

امام صادق (ع) نیز در این مورد فرمود: «از زن‌های مردم پرهیزید و نسبت به آنها عفت داشته باشید تا زن‌های شما هم پاک بمانند.»^۳

همچنین غیرت مردان در حفظ عفاف خانواده ستایش شده است. رسول خدا (ص) فرمود: «خداوند بندگان با غیرت خود را دوست دارد.»^۴ و فرمود: «خداوند لعنت کند کسی را که غیرت ندارد.»^۵ اما باید توجه داشت که غیرت در رعایت محرمات امری مطلوب است مانند آنکه شوهر به همسر خود تذکر دهد تا در برابر نامحرمان آرایش نکند و حجاب خویش را حفظ نماید و یا در معاشرت با همکاران مرد خود رفتاری متین و باوقار داشته باشد. البته باید یادآوری کرد همانگونه که غیرت در امور حرام مطلوب و پسندیده است غیرت در اموری که حلال است زشت و ناپسند است و مطابق فرموده امام صادق (ع): «در امر حلال غیرت وجود ندارد.»^۶ زیرا غیرت بی‌جا آثار مخربی دارد. همانگونه که حضرت علی (ع) فرمود: «غیرت بی‌جا زنان سالم را به بیماری سوق می‌دهد.»^۷ بنابراین وسواس‌های غلط برخی مردان، در زیر نظر گرفتن همسر خود و تذکرهای مدام که چرا با آن مرد حرف زدی یا چرا جواب تلفن مردی را دادی یا... از مصادیق غیرت‌های غلط و ناصحیح می‌باشد.

وفاداری یعنی امتناع از هوسرانی و سرپیچی از فرمان نفس اماره؛ الزام زوجین به وفاداری از عموم آیه شریفه «وفوا بالعقود»^۸ به پیمان‌های خود وفا کنید و اینکه قرآن کریم از ازدواج به میثاق غلیظ یا پیوند استوار تعبیر نموده است^۹ نیز فهمیده می‌شود همچنین وجود ضمانت اجراهای کیفری برای جرائم جنسی بیانگر اهمیت وفاداری و پای‌بندی به حریم جنسی زوجین نسبت به یکدیگر می‌باشد. قرآن کریم در آیاتی به رعایت حریم در برخورد با نامحرم سفارش نموده است که این خطاب‌ها نسبت به افراد متاهل ضامن وفاداری

۱. طبرسی، مکارم‌الاخلاق، ص ۲۰۱.

۲. نهج‌الفصاحه، ج ۲۰۸.

۳. شیخ صدوق، امالی، ص ۲۸۸، کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۵۴.

۴. المتقی الهندی، کنز العمال، ج ۷۰۷.

۵. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۱۱۵.

۶. امام صادق (ع) فرمود: لا غیرة فی الحلال، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۴، حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۸.

۷. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۳۷، حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۳۷.

۸. سوره مائده، آیه ۱.

۹. سوره نساء، آیه ۲۱.

زوجین نسبت به یکدیگر نیز می‌شود. برخی از این آیات عبارت است از:

یک- چشم‌پوشی از غیر همسر (زن): «ای رسول ما، به مردان مومن بگو تا چشم (از نگاه ناروا) بپوشند و اندام جنسی خود را از عمل زشت محفوظ دارند.»^۱

دو- چشم‌پوشی از غیر همسر (مرد): «ای رسول ما، به زنان مومن بگو تا چشم‌ها از نگاه ناروا بپوشند و اندام جنسی خود را از عمل زشت محفوظ دارند.»^۲

سه- محافظت خود از غیر شوهر: «و زینت خود را جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود (صورت و دست‌ها بدون آرایش) بر بیگانه آشکار نسازند جز برای شوهران خود.»^۳

چهار- خودداری از گفتار تحریک کننده: «نازک و نرم با مردان سخن نگوئید مبادا آن که به طمع افتد (بلکه متین و) درست سخن بگوئید»^۴

البته موارد دیگری نیز در قرآن کریم در زمینه روابط زن و شوهر ذکر شده که برخی از آنها عبارت است از:

یک- امانت‌داری در غیاب شوهر: «پس زنان شایسته و مطیع در غیبت شوهران، حافظ حقوق آنان هستند و آنچه را که خدا به حفظ آن فرمان داده نگه دارند.»^۵

دو- تقویت باور مذهبی خانواده: «ای کسانی که به خدا ایمان آورده‌اید خود و خانواده خود را از آتش دوزخ نگاه دارید.»^۶

۴-۲-۱- گذشت و مدارا

در زندگی مشترک مواردی پیش می‌آید که یکی از زوجین اشتباه می‌کند. گذشت از غفلت و خطا یک ضرورت زندگی مشترک است. انسان‌ها به سبب انسان بودن از خطا و اشتباه مصون نیستند. و بخشیدن و بخشیده شدن وسیله‌ای برای تداوم زندگی مشترک است. این امر در خانواده‌هایی که برخوردار از فرزند هستند ضرورت بیشتری دارد چرا که از حقوق کودکان، داشتن نعمت پدر و مادر است و گاه این مصلحت بر منافع شخصی پدر و مادر غلبه دارد. چه بسا، پدر یا مادر با علم به اینکه حقوق همسری او از جانب دیگری تضییع می‌شود، به منظور حفظ حقوق اطفال معصوم خود و برخورداری آنها از نعمت پدر و مادر و بهره‌مندی کودکان از محیطی آرام و بدون تنش، از حقوق خود می‌گذرند.

مفهوم ایثار و تقدم حق دیگری بر حق خود بر این عمل اطلاق می‌شود. صبر بر خطاهای دیگری، مانند بی‌نظمی یا تخلف از عهد و یا ... در خانواده یک ارزش است و آن‌ها را نباید با ظلم‌پذیری اشتباه کرد زیرا چه بسا طرف دیگر به اشتباه خود واقف است و تعدا مرتکب تقصیر نمی‌شود و چه بسیار مواردی که این صبر کلید گشایش است. پیامبر (ص) فرمودند: «خداوند به زنی که بر بدخلقی

۱. سوره نور، آیه ۳۰.

۲. همان، آیه ۳۱.

۳. همان.

۴. سوره احزاب، آیه ۳۲.

۵. سوره نساء، آیه ۳۴.

۶. سوره تحریم، آیه ۶.

شوهرش صبر کند ثواب آسیه همسر فرعون (یکی از چهار زن بهشتی) را می‌دهد.^۱ و نیز فرمودند: «اگر مردی بر بدخلقی زنش صبر کند خداوند پاداشی که به حضرت داود-علیه‌السلام- داد به او می‌دهد.»^۲ البته در خانواده‌هایی که یکی از زن و شوهر گرفتار بدرفتاری است توصیه می‌شود تا همراه با صبر بر مشکلات، هر چه سریعتر با مطالعه کتاب و استفاده از نظر مشاورین، شیوه برون رفت از این مشکلات را بیاموزند.

۱-۳- تربیت اولاد و حضانت اطفال

پدر ضمن طلاق، حق حضانت طفل بعد از سن ۷ سال را نیز از خود ساقط کرده است ولی چون پس از مدتی مادر ازدواج کرده و امکان نگهداری طفل را نداشته، دادگاه پدر را به نگهداری طفل موظف دانسته است زیرا حضانت هم حق و هم تکلیف والدین است و اسقاط تکلیف ممکن نیست. بنابراین فرد مکلف نمی‌تواند از انجام تکلیف سرباز زند.

طبق قانون نیز «پدر و مادر مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خود اقدام کنند.»^۳

فرزند آوری از مهم ترین کارکردهای ازدواج است و برای جامعه ما که دچار بحران پیری جمعیت است از اهمیت بیشتر برخوردار است. صرف نظر از فوائد اجتماعی، فرزند آوری دارای آثار جسمانی و روانی مثبت برای والدین است: اولین کارکرد فرزند آوری تحکیم خانواده است. با تولد فرزند، والدین قدرت پروردگار در دنیا آمدن یک انسان را به عیان مشاهده می‌کنند و علاوه بر آن منفعت و مصلحت مشترک یک موجود زنده که هر دو به او عشق می‌ورزند زن و شوهر را به هم پیوندی محکم می‌زند.

والدین با تولد فرزندان، تجربه‌های جدیدی بدست خواهند آورد. هر فرزند شخصیت و خصوصیات اخلاقی مخصوص به خود را دارد. وجود فرزندان فعالیت‌های گروهی والدین را افزایش می‌دهد. دومین کارکرد فرزند به خصوص از نظر حقوقی هویت بخشی به والدین است. با تولد فرزند، زن و شوهر واجد نقش مادری و پدری می‌شوند فرزندان به پدر و مادر خود اعتبار می‌بخشند و آنها را از تنهایی نجات می‌دهند. فرزندان، والدین خود را از طریق مهد کودک، مدرسه، مراکز تفریحی سالم و محیط همسایگی با دیگران آشنا می‌کنند و شایستگی و صلاحیت والدین را در تعاملات اجتماعی افزایش می‌دهند و آنها را به خودکفایی می‌رسانند. سومین کارکرد فرزندان افزایش مهارت‌های والدین در حضانت و تربیت یک انسان دیگر است.

چهارمین کارکرد فرزند آوری، امید به آینده و پیدا شدن حامی برای والدین است. والدین که تنها به پدر و مادر خود وابسته بودند و در مشکلات به آنها پناه می‌بردند، رفته رفته با عبور فرزندان از کودکی و جوانی حس می‌کنند در آینده، فرزندانشان حامی و یاور آنها در ایام پیری و کهنسالی می‌شوند و در ایام کهولت تنها و بی کس نمی‌شوند. همه این فرایند منجر به ایجاد حیات و امید در خانواده می‌شود. آخرین نکته‌ای که در این باره تاکید می‌شود آن است که تولد فرزند موجب شکوفایی احساس و عواطف انسانی و لطافت قلب و روح انسان می‌شود. کودک قادر است همه عواطف والدین را برانگیزد و آنها را نسبت به یکدیگر و کودک متعهد تر و مهربانتر کند. از جمله مسئولیت‌های مهم زن و شوهرها مراقبت از سلامت جسمانی فرزندان، رسیدگی عاطفی به آنها و برآوردن نیازهای روانی آنان، می‌باشد. علاوه بر آن مسئولیت پرورش فکری و تربیت اخلاقی و دینی فرزندان نیز بر عهده پدر و مادر است.

۱. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۷.

۲. همان.

۳. ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی.

بدینگونه است که پدر و مادر از چنان جایگاه والایی برخوردار می‌شوند که خداوند، همگان را پس از پرستش خدا، به نیکی به پدر و مادر سفارش نموده و احترام به آنان را برای فرزندان واجب و ضروری برشمرده است.

محققان در امور تربیتی معتقدند که همکاری و همفکری زن و شوهر در امر تربیت فرزندان بسیار مهم است. در دستورات دینی هم سفارشات تربیتی به پدر و مادر هر دو است؛ البته ممکن است این نقش‌ها در هر یک از پدر و مادر به علت آنکه از جایگاه خاص خود برخوردار می‌باشند، مختلف و تاثیر آن نیز متفاوت باشد ولی هر دو مسئول تربیت فرزندان هستند.^۱ در قرآن کریم آمده است: «قوا انفسکم و اهلیکم نارا»^۲ «خودتان و خانواده‌تان را از آتش دوزخ برحذر دارید».

اولویت تربیت فرزندان، آشنایی پدر و مادر با شیوه تربیت جسمانی، معنوی و اخلاقی آنها می‌باشد و البته والدین باید بیش از هر کس دیگر خود نمونه و الگو باشند. امام خمینی (ره) نیز در تحریر الوسیله فرموده است: «بر ولی لازم است کودک را از آنچه به اخلاق و عقیده‌اش آسیب می‌رساند حفظ کند».^۳

مطابق قانون، حضانت و نگهداری فرزندان نیز از حقوق و وظایف مشترک زوجین است.^۴

حضانت اطفال برای حمایت از آنان است و لذا هیچ یک از والدین حق ندارد از نگهداری طفل امتناع نماید.^۵ شیردهی طفل هم در صورتی که تغذیه طفل به غیر از شیر مادر ممکن نباشد به عهده مادر است.^۶

به هر حال آنچه که خانواده‌ها از آن مطلع هستند و به آن عمل نیز می‌کنند آن است که در ایام زندگی مشترک، هر دو، خود را نسبت به نگهداری و رسیدگی به فرزندان خود مسئول می‌دانند. آنچه که گاه برخی نسبت به آن اطلاع ندارند سه مورد است:

۱) آنچه در مورد حضانت و تربیت اطفال در قانون بیان شده اطفال حاصل از عقد دائم و عقد موقت هر دو را شامل می‌شود. بنابراین اگر مردی بواسطه عقد موقت با زنی، صاحب فرزند شد از نظر قانونی او و زن هر دو موظف هستند نسبت به نگهداری و رسیدگی به طفل اقدام کنند و مرد موظف است نفقه کودک (هزینه خوراک، پوشاک، مسکن، دارو و درمان، تحصیل) را نیز بپردازد.^۷

۲) معمولاً اختلافات خانوادگی در مورد حضانت کودکان پس از طلاق و جدایی مطرح شود مطابق قانون: «در صورت جدایی پدر و مادر، مادر تا سن ۷ سالگی در مورد اطفال (چه اناث، چه ذکور) اولویت دارد و پس از انقضای مدت، حضانت اطفال با پدر است. بعد از ۷ سالگی در صورت اختلاف، دادگاه با توجه به مصلحت طفل، در مورد حضانت طفل تعیین تکلیف می‌کند».^۸ و اگر پدر یا مادر یا هر دو از نظر اخلاقی صالح نباشد یا صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد دادگاه به تقاضای وابستگان طفل یا قیم یا رئیس حوزه قضایی تصمیم لازم را می‌گیرد.^۹

موارد انحطاط اخلاقی پدر یا مادر عبارت است از: اعتیاد، فساد اخلاقی، بیماری روانی، سوء استفاده از طفل، ضرب و جرح غیر

۱. ابن التراب، مریم، حقوق زنان و خانواده، ص ۱۱۴.

۲. سوره تحریم، آیه ۶

۳. موسوی خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۱۳.

۴. ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی.

۵. ماده ۱۱۷۲ قانون مدنی.

۶. ماده ۱۱۷۶ قانون مدنی.

۷. مواد ۱۱۹۹ و ۱۲۰۴ قانون مدنی.

۸. ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی.

۹. ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی (مطابق قانون پس از اینکه دختر یا پسر به سن بلوغ برسند خودشان قادر خواهند بود تا انتخاب کنند با کدام یک از والدین خود زندگی کنند و در صورت نیاز، دادگاه با در نظر داشتن تمایل کودک و مصلحت وی، حکم مقتضی را در این رابطه صادر خواهد کرد).

متعارف طفل.^۱ در هر حال طفل را نمی‌توان از ابوبین او گرفت مگر به حکم قانون^۲ و هرگاه به هر دلیلی طفل با یکی از والدین زندگی کند نباید از ملاقات با دیگری محروم شود^۳ زیرا بهره‌مندی از حمایت‌های عاطفی و روحی پدر و مادر و یا یکی از آن دو نعمتی غیرقابل جایگزین است. علاوه بر آن در مدت زمانی که حضانت فرزند با مادر است، پرداخت نفقه فرزند بر پدر لازم می‌باشد. (۳) مطابق قانون، "در صورت فوت یکی از ابوبین، حضانت طفل با آنکه زنده است خواهد بود هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد."^۴ بنابراین پس از فوت پدر، حضانت فرزند با مادر است و در این زمینه محدودیت سنی نیز وجود ندارد. حضانت فرزندی که پدرشان فوت شده با مادر آنها است مگر این که دادگاه به تقاضای ولی قهری یا دادستان، اعطای حضانت به مادر را خلاف مصلحت فرزند تشخیص دهد.^۵

۲- حقوق اختصاصی مرد

۲-۱- ریاست مرد بر خانواده

ریاست شوهر همان «قوام» بودن شوهر است که در قرآن به آن اشاره شده است.^۶ قوام در لغت به معنای قیام و اشراف در امر یا مال و ولایت امر آمده و به معنای حمایت و سرپرستی نیز معنا شده و نیز گفته‌اند که «قوامه» در لغت به معنای محافظت کردن و رعایت مصالح فرد است و قوام کسی است که قیام کننده و عهده‌دار مصالح تدبیر و تادیب می‌باشد.^۷

اساسا هر تشکیلات اجتماعی احتیاج به یک مدیر دارد؛ گرچه بین افراد آن مجموعه کمال همکاری وجود داشته باشد. چرا که بهر حال در موارد متعددی اختلاف نظرهایی ولو جزئی پیش می‌آید که اگر مشخص نباشد تصمیم نهایی را چه کسی باید بگیرد آن تشکیلات گرفتار بی‌نظمی و عدم انسجام خواهد شد و کارایی لازم را نخواهد داشت. در اسلام از آنجا که تحصیل مال و اداره زندگی بر عهده مردان گذاشته شده و مرد، مسئول تأمین مخارج زندگی است مدیریت و سرپرستی خانواده نیز بر عهده مردان گذاشته شده است. دختران جوان باید آمادگی قبول متابعت و همکاری در امور خانواده با همسر را داشته باشند. دختران باید بدانند همسر مانند پدری که به همه خواسته‌های دختر ولو بیش از توانش باشد تن خواهد داد نیست. او در عوض به عنوان شریک زندگی انتظار همکاری و هماهنگی از وی را خواهد داشت.

مطابق قانون مدنی، مرد سرپرست خانواده محسوب شده؛^۸ از جانی موظف است مخارج همسر و فرزندان را تأمین نماید و از جانب دیگر وظیفه دارد نسبت به مسائل مهم زندگی خانوادگی تصمیم‌گیری نماید و در این تصمیم‌گیری نیز می‌بایست مصلحت همسر و فرزندان را در نظر گیرد و از خودکامگی و استبداد در مدیریت خانواده بپرهیزد.^۹

۱. ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی.

۲. ماده ۱۱۷۵ قانون مدنی.

۳. ماده ۱۱۷۴ قانون مدنی.

۴. ماده ۱۱۷۱ قانون مدنی.

۵. ماده ۴۳ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱.

۶. الرجال قوامون علی النساء، سوره نساء، آیه ۳۴.

۷. مقدادی، محمد مهدی، ریاست خانواده، ص ۳۹.

۸. همان، ص ۱۲۰.

۹. همان، ص ۱۱۹.

یکی از مسائلی که در حال حاضر در زمینه میزان ولایت پدر بر فرزندان مطرح است این است که آیا در بین اعضای خانواده حریم خصوصی وجود دارد. یعنی حدودی برای هر یک از اعضای خانواده قابل تصور است که دیگری ولو پدر یا مادر نسبت به فرزند نباید بدون اجازه وی به آن سرکشی کند؟

مفهوم حریم خصوصی در اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است: "حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند"

بنابراین ولایت پدر به معنای نظارت است ولی به مفهوم تجسس در اسرار دیگری یا کشف معایب وی نیست زیرا اطلاق آیه شریفه لا تجسسوا^۱ شامل پدر و مادر هم هست. خبرجویی از باطن و ضمیر و دل دیگری برای کشف عیب، در هر حال ممنوع است. استراق سمع، بازرسی مکالمات تلفنی و نامه‌ها و یادداشت‌های شخصی و هرگونه تجسس به حکم اصل ۲۵ قانون اساسی و براساس منابع فقهی شیعه ممنوع است. مگر اینکه نقشه‌های جاسوسی و رفتارهای ضد امنیت اجتماعی مطرح باشد. بارها سوال می‌شود که شوهر به حکم ریاست خانواده می‌تواند مکالمات تلفنی زن و فرزند را شنود یا با نصب دوربین همه رفتارهای آنها را زیر نظر بگیرد؟

شوهر می‌تواند به رفتار خانواده خود نظارت کند ولی محدود به مصلحت و با رفتار متعارف. نظارت و ریاست شوهر به معنای تجویز رفتارهای وسواس گونه و تجسس بی‌مورد نیست زن و فرزند دارای حریمی هستند. همین تحلیل درباره دخالت زن در حریم خصوصی شوهر وجود دارد بارها پرسیده می‌شود آیا زن برای اطمینان از وفاداری شوهر می‌تواند مکالمات و نوشته‌های شوهر را بررسی کند؟ اشتراک حریم خصوصی اعضای خانواده محدود به مسکن مشترک، اموال مشترک، حقوق و منافع مشترک خانوادگی است و درباره روابط اختصاصی هر یک از آنها مادام که به دیگری ضرری نرساند، نیست. به عنوان نمونه زن یا مرد دارای شغل اختصاصی و روابط کاری حرفه‌ای هستند که نباید دیگری در آن دخالت کند مانند اسرار بیمار، برای پزشک یا اسرار موکل در نزد وکیل که افشای این اسرار برای همسر پزشک یا همسر وکیل مجاز نخواهد بود و همسر نباید آنها را تجسس کند. گرفتاری‌ها و بحران خانواده پدری یا معاملات خانواده پدری یا فامیلی که به یکی از زوجین مربوط است ارتباطی به همسر دیگر ندارد. تجسس‌های بی‌مورد که به هدف ارضای حس کنجکاوی و غیر ضروری است در برخی اوقات موجب کدورت خواهد شد.

درباره اطفال نیز تجسس در امور تحصیلی و اشتغالات روزمره آنها نباید موجب سلب اعتماد شود و فرصت تصحیح خطا را از آنان بگیرد. بطور کلی نظارت والد یا والدین و نظارت برهمسر باید براساس اصول منع ضرر، حفظ حیثیت و کرامت و احترام طرفین باشد. در عین حال مفهوم ولایت به معنای نظارت و مراقبت از سلامت جسمی و اخلاقی فرزند است و این مراقبت ایجاب می‌کند که اطلاعات لازم از خود فرزند و یا اولیای مدرسه و دوستان وی به نحو محترمانه به دست آورده شود. در خانواده قبل از وجود هر گونه اختلافی، مناسب است، حدود تکالیف اطفال و انتظارات همسران از یکدیگر و حدود حریم و مفهوم نظارت و اقتدار پدرنسبت به اعضای خانواده به درستی تبیین شود تا این مفهوم پذیرفته شده و به آن عمل شود.

۲-۲- تمکین زوجه

از آنجا که مهم‌ترین هدف ازدواج، ارضاء نیازهای جنسی از طریق مشروع می‌باشد، زن و شوهر در این زمینه حقوق و مسئولیت‌های اساسی دارند. زوجین با مشاهده نیازهای جنسی همسر خود، ولو تمایل چندانی نداشته باشند، می‌بایست نیاز همسر را برآورده سازند

۱. سوره حجرات، آیه ۱۲.

(مگر آنکه مانع عقلی یا شرعی در این زمینه وجود داشته باشد) و این مطابق عهده‌ی است که با انعقاد قرارداد ازدواج هر دو پذیرفته‌اند. پرواضح است که در این زمینه بدلیل تفاوت‌های جسمانی و روانی زنان با مردان، زن‌ها وظیفه سنگین‌تری برعهده دارند و تمکین خاص بر زنان الزامی است.

زن علاوه بر اجابت خواسته‌های مشروع شوهر و ایفای وظایف ناشی از زوجیت در مورد کامجویی (برآوردن نیازهای جنسی) و مساکنت (لزوم مسکن‌گزینی زن در منزل شوهر برای برآوردن خواست او) (تمکین خاص)، لازم است که سرپرستی و مدیریت شوهر را در مسائل خانواده و امور فرزندان بپذیرد و حق نظارت او را بر اعمال و معاشرت‌های خویش تا آن حد که به شئون زندگی زناشویی و مصالح خانواده مربوط است قبول کند.^۱ این چیزی است که حقوقدانان از آن به تمکین عام تعبیر کرده‌اند. تمکین عام آن است که زن وظایف خود را نسبت به شوهر انجام دهد و از او در حدود قانون و عرف اطاعت کند و ریاست شوهر را در خانواده بپذیرد. پس اگر شوهر توقعات نامشروع یا نامتعارفی از زن داشته باشد زن مکلف به اطاعت از او نیست، مثلاً اگر شوهر زن را از ادای فرائض مذهبی باز دارد یا از زن بخواهد که اموالش را به او انتقال دهد، زن می‌تواند از اطاعت شوهر سرباز زند.

مرد می‌تواند بر رفت و آمدهای همسر خود نظارت داشته باشد، لیکن این نظارت نباید از حدود متعارف خارج شود. بنابراین هرگاه مرد برخلاف متعارف از خروج زن از خانه و بازدید خویشانش جلوگیری کند، رفتار او سوء معاشرت به شمار می‌آید.^۲ همچنین مرد نمی‌تواند زن را در شرایطی که تمکین جنسی موجب ضرر جسمی یا جنسی یا هر ضرر مهم دیگر به او می‌شود، مجبور به اطاعت کند. چنانچه مرد دارای بیماری مقاربتی یا ایدز یا عفونت اندامهای تناسلی (اچ پی وی) است درحالی که بیم سرایت و انتقال وجود دارد یا در شرایطی که زن در ایام خونریزی عادت ماهانه می‌باشد، مجبور به اطاعت و تمکین از شوهر نیست. مرد نیز می‌تواند در صورت وجود بیماری جنسی قابل سرایت در همسرش از نزدیکی با زن خودداری کند. لازم است زوجین با حفظ طهارت جنسی و تخصیص رابطه به همسر قانونی خود، از روابط آزاد و تنوع طلبی که سرچشمه بسیاری از بیماریهای مقاربتی است خودداری کنند. علاوه بر این ضرورت دارد، زن و شوهرهای جوان با مشورت اهل فن، اطلاعات بهداشت جنسی خود را افزایش دهند و از رفتارهای مخاطره آمیز خودداری کنند و به افراد غیر متخصص اعتماد نکنند یا به طمع درمانهای بهداشتی و زیبایی یا ترمیمی و اقدامات بهداشتی، درمانی یا ورزشی در محیطهای غیر بهداشتی در آرایشگاهها و اماکن ورزشی یا کلینیکهای غیر استاندارد به لحاظ سلامت خود و منافع زندگی زناشویی خودداری کنند. متأسفانه نمونه‌های زیادی از این موضوعات در دادسراهای عمومی یا تخصصی کشور موضوع شکایت قرار گرفته است. در عین حال نظام حقوقی دارای زوجین در حقوق ایران استقلال است و اشتراک اموال در حدود بند یک شروط عقد نامه و تبصره ماده ۳۳۶ قانون مدنی^۳ محدود می‌شود و بنابراین اصل بر استقلال دارایی هریک است. مفهوم ریاست شوهر، به معنای نفی استقلال مالی زن نمی‌باشد. در فقه اسلامی زن همانند مرد دارای کلیه حقوق مدنی است و در مسائل مالی و اقتصادی خویش از استقلال و آزادی عمل برخوردار می‌باشد و می‌تواند در اموال خود هرگونه تصرف مشروعی بنماید بدون اینکه نیاز به کسب موافقت شوهر داشته

۱. مقدادی، محمد مهدی، ریاست خانواده، ص ۱۲۰.

۲. صفایی، سید حسین، امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، ص ۱۳۱.

۳. ماده ۳۳۶ قانون مدنی: چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن کار اجرت‌المثل باشد به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه نیز ثابت شود دادگاه، اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌نماید.

باشد، اعم از اینکه اموال او قبل از ازدواج به دست آمده باشد یا بعد از آن.^۱

۲-۳- منع اشتغال زوجه

ریاست شوهر در خانواده گاهی موجب محدودیت زوجه در انتخاب شغل نیز می‌شود یعنی شغل زن باید با رعایت خانواده و حیثیت شخصی زوجین باشد. «شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند.»^۲ منظور از این نوع شغل، شغلی است که ذاتاً مشروع باشد، از مشاغل نامشروع مانند قاچاق که بدون هیچ‌گونه قید و شرطی می‌توان جلوگیری کرد. تشخیص اینکه شغل زن یا شوهر منافی مصالح خانوادگی یا حیثیت همسر هست یا نه؛ با دادرسی است که باید در این زمینه به عرف رجوع کند. مثلاً اگر شغل زن طوری باشد که به هیچ وجه نتواند به اداره امور خانواده و نگاهداری و تربیت اطفال بپردازد و این شغل اختلال و نابسامانی در وضع خانواده پدید آورد، می‌توان گفت منافی مصالح خانوادگی است. همچنین اگر زن در اشتغال خویش با مردان نامحرم مراوده‌ی غیرمعارف داشته و دائماً در معرض نگاه‌های آلوده و سخنان هرزه‌ی مردان قرار می‌گیرد این شغل با حیثیت زن سازگار نیست و دادگاه به درخواست شوهر می‌تواند زن را از اشتغال به این کار منع کند.^۳

اشتغال زن ممکن است قبل از ازدواج وجود داشته یا شوهر اجازه اشتغال زن را ضمن عقد نکاح یا بعد از آن داده باشد ولی پس از آن، شغل را منافی مصالح خانوادگی بداند در این صورت نیز می‌تواند از شغل زن ممانعت نماید.

اداره حقوقی قوه قضاییه درباره این موضوع چنین نظریه‌ای دارد: «حکم ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی به طور عام و اطلاق این است که شوهر می‌تواند زن خود را از حرفه یا صنعتی که منافی مصالح خانوادگی یا حیثیات خود یا زن باشد منع کند بنابراین در صورتی هم که شوهر قبل از ازدواج به وضع استخدامی زن آگاه بوده و با رضایت کامل بر این امر صیغه نکاح جاری شده باشد می‌تواند از اختیار قانونی خود استفاده نماید. به هر تقدیر دادگاه باید به ادعا و درخواست شوهر مبنی بر اینکه حرفه عیال او منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات خود او یا زن است رسیدگی و نفی یا اثبات در این موضوع اظهارنظر نماید.»^۴

همچنین این اداره درباره استعلامی در این موضوع پاسخ داده است:

الف: اگر شوهر اجازه اتخاذ شغلی را به همسر خود داد، چنانچه به صورت شرط ضمن العقد باشد، صحیح و لازم‌الاجرا است و به هر حال در صورتی می‌تواند از ادامه کار همسر خود ممانعت کند که:

اولاً: کار یا شغل زن منافات با مصلحت خانوادگی یا حیثیات هر یک از زوجین داشته باشد.

ثانیاً: این امور را با اقامه‌ی دعوی در دادگاه ثابت نماید.

ب: بین کار موقت با مستمر تفاوتی وجود ندارد.

ج: بین استخدام توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی و دولتی و غیر آن تفاوتی نیست.

۱. محقق داماد، سید مصطفی، مختصر حقوق خانواده، ص ۳۱۷.

۲. ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی. همین مفهوم در یکی از شروط ضمن عقد برای حق طلاق زن نیز پیش‌بینی شده است.

۳. صفایی، سید حسین، امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، صص ۱۲۹-۱۳۰.

۴. نظریه شماره ۷/۲۹۹۷ مورخ ۱۳۶۱/۰۸/۰۲.

د: ملاک کار طبق ماده ۱۱۱۷ قانون مدنی، مصالح خانوادگی یا حیثیات زوج و زوجه است نه امور دیگر.^۱

به هر حال ناگفته پیداست که شوهر نیز حق سوء استفاده از موقعیت خود و اختیارات ناشی از آن را ندارد زیرا همان طور که در سابق گفتیم هدف از ریاست مرد حفظ نظام خانواده و استحکام آن است. پس اگر بخواهد اقتدار خویش را به منظور دیگری به کار برده و برخلاف مصالح خانواده و به قصد قدرت‌نمایی اقدامی کند باید منع شود. از این رو از مرد عاقل و با تدبیر انتظار می‌رود با فداکاری، همدلی و پذیرا شدن نظرهای سازنده شریک زندگانی خویش، او را همراه خود ساخته و با رهبری خردمندانه، خوشبختی و سعادت خانواده را فراهم آورد.

به هر حال هماهنگ کردن نقش خانوادگی زنان یعنی خانه‌داری، شوهرداری و تربیت فرزندان با مشارکت اجتماعی و اشتغال زنان، نیازمند مهارت‌های خاصی می‌باشد.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

«بعضی‌ها از ما می‌پرسند شما موافقید زنها برونند کار کنند؟ ما می‌گوییم البته، با بیکاری خانم‌ها مخالفیم، زن اصلاً باید کار کند. البته کار دو جور است: یکی کار داخل خانه و یکی کار بیرون خانه. هر دو کار است، اگر کسی استعداد دارد در کارهای مربوط به بیرون منزل، باید انجام بدهد، خیلی هم خوب است. منتها یک شرط دارد باید جوری باشد که این اشتغال - حتی در داخل خانه - به پیوند زن و شوهر لطمه‌ای نزند، بعضی از خانم‌ها هستند که خودشان را از صبح تا شب می‌کشند بعد که مرد به خانه می‌آید، حوصله یک لب‌خند زدن به او را هم ندارند. این هم بد است کار خانه را باید کرد اما نه آنقدری که این کار خانه به انهدام خانواده منتهی شود.» همچنین می‌فرماید: «زن اگر خواست برود کار کند، این اشکالی ندارد، اسلام هم مانع نیست اما این وظیفه او نیست، این بر او واجب نیست چیزی که بر او واجب است، عبارتست از حفظ فضای حیاتی برای مجموع یک خانواده.»^۲ همچنین اگر زن و شوهر بر کار کردن بیرون از منزل توافق کردند در این صورت باید با یکدیگر همکاری نمایند. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «در محیط خانواده زن و شوهر با هم همکاری می‌کنند، اگر شوهر یک مشکلی یا مضیقه‌ای دارد زن با او بسازد اگر زن داخل خانه یا در محیط کار یا هر جور که هست دشواری دارد. شوهر باید به او کمک کند. خود را در سرنوشت همسر باید شریک بدانند. هر دو آنها این را برای خاطر خدا انجام دهند.»^۳

براساس آنچه در بخش ریاست مرد بر خانواده ذکر شد مفهوم ریاست زوج، آزار و اذیت زن نیست. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که فرمودند: «مردی که زن خود را می‌آزارد، اعمال نیک چنین شوهری قبول نمی‌شود، هرچند روزه‌ها روزه بگیرد و عبادت کند و بنده آزاد کند و اتفاق نماید؛ علاوه بر آن اولین فردی است که وارد جهنم می‌شود.»^۴

آرای دادگاههای خانواده نشان می‌دهد برخی مشاغل زنان که دارای انعطاف بیشتری در ساعات کار بوده و با وظایف نگهداری فرزندان قابل جمع هستند (مانند معلمی یا مشاوره) را در بیشتر موارد مغایر با مصالح خانواده نمی‌دانند و همین طور در مواردی که زن

۱. نظریه شماره ۷/۱۵۵۸ مورخ ۱۳۷۶/۰۷/۰۲

۲. علی اکبری، محمدجواد، مطلع عشق، صص ۸۰ - ۸۱

۳. همان، ص ۷۹

۴. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۱۱

شاغل بوده یا مشغول به تحصیلات بوده و شوهر به آن علم داشته و عدم اشتغال زن را شرط نکرده را مغایر مصلحت خانواده نمی‌دانند. درعین حال اگر در مواردی طفل شیرخواری داشته باشند که تغذیه طفل جز با شیر مادر ممکن نباشد و اشتغال مادر مضر به سلامت و تغذیه طفل باشد و رفع نیاز طفل به روش دیگر امکان نداشته باشد یا شرایط شغلی مادر مستلزم شیفت کاری شب و یا کار سنگین یا خارج از موطن اصلی آنها یا ماموریت‌های اداری باشد به نوعی که سلامت مادر و نوزادش در معرض خطر باشد، به طور موقت یا دائم مادر باید از اشتغال صرفنظر کند.

به هر حال پس از پذیرش اشتغال زن از سوی شوهر، درباره نحوه مدیریت مالی امور معاش خانواده باید زن و شوهر به یک توافق مناسب برسند و به آن وفادار باشند. از نظر قانون، زن ولو دارای درآمد و سرمایه کم و یا کلان باشد مکلف به تامین معیشت شوهر و خانواده نیست اما این حکم، قانون آمره نیست و زن و شوهر می‌توانند شروط و برنامه دیگری را شرط یا توافق کنند. زیرا عموم بانوان شاغل در تامین معیشت خانواده و امور فرزندان مشارکت می‌کنند و در این حالت انتظار دارند شوهرانشان در امور مالی و هزینه‌ها یا سرمایه گذاری نظر آنها را جویا شود و یا آینده آنها را تضمین کند. بسیاری از اختلافات زنان شاغل با همسرانشان به عدم تعریف مدل مشارکت در هزینه‌ها و سرمایه خانواده مربوط است. برخی بانوان شکایت دارند در حالی که ایشان با مشقت و صبر مضاعف بار سنگین کار بیرون از منزل را به عهده دارند، همسرشان بدون اطلاع ایشان مبالغ کلانی را صرف مهمانی یا خوشگذرانی یا دادن هدایا به خویشان و آشنایان خود می‌کند یا منزل مشترک یا سرمایه کار را می‌فروشد و زن اصلاً مطلع نمی‌شود. بنابراین پیشنهاد این است که به نظام حقوقی و قانونی عمل شود و تامین معیشت به عهده شوهر باشد و درآمد زن برای خودش باشد و یا همان طور که زنان در هزینه‌ها مشارکت دارند در سرمایه‌ها و دارایی خانواده نیز شریک باشند. دادگاه‌ها در تعیین اجرت‌المثل زوجه وضعیت دارایی و اشتغال زوجه را نیز در نظر می‌گیرند.

۲-۴- ولایت بر فرزندان

«زن و شوهر به همراه یکدیگر به دادگاه مراجعه کرده اند و اصرار دارند برای جنین یک ماهه مجوز سقط دریافت کنند و توضیح می‌دهند تازه ازدواج کرده اند و مرد بیکار است و هنوز به خانه خودش نرفته اند و شرایط تشکیل خانواده را ندارند و خانواده دختر از دادن دختر پشیمان شده اند و اساساً معلوم نیست زندگی آنها شکل بگیرد قاضی دادگاه به آنها توضیح می‌دهد که جنین سالم مانند یک انسان کامل حق حیات دارد و کشتن او قتل محسوب می‌شود و این دلایل به هیچ وجه مجوز قتل جنین سالم نیست».

جنین از لحظه انعقاد نطفه دارای حق حیات و هویت است و هیچ کس نمی‌تواند جنین یا طفل را در معرض خطر حیاتی یا بیماری یا سوء استفاده جسمی یا جنسی قرار دهد. سقط جنین، یعنی اقدام عمدی به اخراج جنین قبل از زمان تولد، جرم است. هر چند سقط جنین توسط والدین و با توافق آنها و حتی اگر در روزهای آغاز حیات جنین و قبل از چهار ماه باشد حرام شرعی و ممنوع است و برای این عمل مجازات وجود دارد و برای پزشکی که به این عمل کمک کند هم حبس و هم ابطال مجوز طبابت به دنبال دارد.^۱ بعضی فکر

۱- ماده ۶۲۳ ق.م.ا: «هرکس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد، به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود و اگر عالماً و عمدتاً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد، به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد، مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر می‌باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد».

ماده ۶۲۴ ق.م.ا: «اگر طبیب یا ماما یا داروفروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا داروفروشی اقدام می‌کنند، وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند، به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت».

می کنند اگر زن و شوهر موافق باشند و جنین زیر چهار ماه باشد سقط عمدی جنین مجاز است در حالی که این امر مجاز نیست. سقط جنین فقط در صورت خطر جدی جانی برای مادر و یا خطر جانی برای مادر و جنین و این که جنین زیر چهار ماه باشد با درخواست و رضایت مادر و اخذ مجوز از دادگاه و تایید پزشکی قانونی مجاز خواهد بود حتی معلولیت جنین به تنهایی برای سقط آن کافی نخواهد بود بلکه تنها اگر این معلولیت غیر قابل درمان و مستمر و موجب خرج یعنی سختی طاقت فرسا (به تشخیص دادگاه صالح) باشد و جنین به چهار ماه نرسیده و روح در آن دمیده نشده باشد با مجوز دادگاه قابل سقط می باشد.^۱

نکته دیگر آنکه: کودکی، موجب محجوریت طفل است. محجوریت یعنی ممنوعیت از تصرفات حقوقی؛ و صغیر تا وقتی رشد او ثابت نشود، حق اداره امور مالی خود را ندارد. ولایت بر کودک به اتفاق مذاهب اسلامی بر عهده پدر و جد پدری است.^۲

در قانون مدنی ایران نیز طفل صغیر تحت ولایت قهری پدر و جد پدری خود می باشد.^۳

در کلیه امور مربوط به اموال و حقوق مالی مولی علیه (فرزند)، ولی (پدر یا جد پدری)، نماینده قانونی او می باشد.^۴ دایره اختیارات ولی از یک جهت محدود است. و آن به این جهت است که تنها تصرفاتی از جانب او نافذ است که بر اساس مصلحت «مولی علیه» (کسی که تحت ولایت قرار دارد، مانند صغیر یا مجنونی که جنون او به دوران کودکی متصل است) انجام بگیرد.^۵ صغیر هم پس از بلوغ و رشد، حق ابطال تصرفات ولی را ندارد مگر اینکه ثابت نماید که معامله به منظور رعایت مصلحت او انجام نگرفته است.^۶

ولایت ولی هنگام محجور شدن او (از بین رفتن توانایی عقلی) یا کافر شدن ولی از بین می رود.^۷ خیانت و ناتوانی ولی نیز موجب می شود در صورتی که هر دو ولی خائن بی لیاقت باشند یا یکی خائن و بی لیاقت باشد و دیگری فوت شده باشد، فردی توسط دادگاه به عنوان «قیم» تعیین شود.^۸

ماده ۶۱ قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت اعلام می دارد: «فعالیت مدیران و عوامل مؤثر در بسترهای مجازی معرفی کننده افراد و مراکز مشارکت کننده در سقط غیرقانونی جنین ممنوع است و حسب مورد متخلفان از این حکم، علاوه بر مجازات تعزیری درجه پنج موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی، به پرداخت جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر عوائد حاصل از ارتکاب جرم محکوم می شوند».

۱. ماده ۵۶ قانون حمایت خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰: «مادر صرفاً در مواردی که احتمال بدهد شرایط زیر محقق می شود، می تواند درخواست سقط جنین را به مراکز پزشکی تقدیم نماید. کلیه مراکز پزشکی قانونی در مراکز استان ها مکلف اند درخواست های واصله را فوراً به کمیسیون سقط قانونی ارجاع نمایند. این کمیسیون مرکب از یک قاضی ویژه، یک پزشک متخصص متعهد و یک متخصص پزشک قانونی در استخدام سازمان پزشکی قانونی، حداکثر ظرف یک هفته تشکیل می شود. رأی لازم توسط قاضی عضو کمیسیون با رعایت اصل عدم جواز سقط در موارد تردید صادر می گردد. قاضی عضو در کمیسیون مذکور با حصول اطمینان نسبت به یکی از موارد ذیل مجوز سقط قانونی را با اعتبار حداکثر پانزده روز صادر می نماید: الف. در صورتی که جان مادر به شکل جدی در خطر باشد و راه نجات مادر منحصر در سقط جنین بوده و سن جنین کمتر از چهار ماه باشد و نشانه و آمارات ولوج روح در جنین نباشد؛ ب. در مواردی که اگر جنین سقط نشود مادر و جنین هر دو فوت می کنند و راه نجات مادر منحصر در اسقاط جنین است؛ ج. چنانچه پس از اخذ اظهارات ولی جمیع شرایط زیر احراز شود: رضایت مادر، وجود خرج (مشقت شدید غیرقابل تحمل) برای مادر، وجود قطعی ناهنجاری های جنینی غیرقابل درمان، در مواردی که خرج مربوط به بیماری یا نقص در جنین است، فقدان امکان جبران و جایگزینی برای خرج مادر، فقدان نشانه و آمارات ولوج روح، کمتر از چهار ماه بودن سن جنین».

۲. مهریزی، مهدی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، ص ۳۶۸.

۳. ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی.

۴. ماده ۱۱۸۶۳ قانون مدنی.

۵- علامه حلی، تذکره الفقهاء، کتاب الحجر، ج ۲، ص ۸۰.

۶. طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، ص ۳۴۴.

۷. ماده ۱۱۸۰ قانون مدنی.

۸. مواد ۱۱۸۴، ۱۱۸۶ قانون مدنی.

مفهوم عدم لیاقت ولیّ آن است که اموال طفل در معرض خیف و میل شدن قرار گیرد یا مشرف به خرابی و نقصان باشد. همچنین ممکن است ناتوانی ولیّ قهری ناشی از زیادی سن و ضعف قوای عقلانی یا جسمانی بوده یا در اثر بیماری‌هایی مثل اعتیاد به مواد مخدر و الکل باشد حال اگر ولی قهری رعایت امانتداری را در حفظ و نگهداری اموال طفل رعایت نکند دادگاه فردی را به عنوان «امین» به ولیّ ضمیمه می‌کند. تا با مشارکت وی، اقدامات لازم در اموال طفل انجام گیرد؛ یعنی همکاری و مشارکت آنان در حفظ منافع محجور و اداره او لازم است. در واقع محجور در این صورت دارای دو نماینده قانونی خواهد بود که باید مشترکاً و منضماً اقدام کنند.^۱

اگر علیرغم ضم امین، باز هم ولیّ به خیانت نسبت به اموال کودک ادامه دهد در این صورت دادگاه او را از ولایت عزل کرده و فرد دیگری را جایگزین او می‌سازد. امروزه معمولاً در این گونه موارد، دادگاه مادر را مسئول رسیدگی به اموال کودک می‌نماید. مگر آنکه فرد صالح‌تری وجود داشته باشد. در ضمن توجه به این نکته ضروری است که ولایت پدر و جد پدری یک سکه دو رو است. یک روی آن تامین مخارج زندگی کودک می‌باشد و یک روی دیگر آن مدیریت امور مالی او است. بنابراین در صورت فوت پدر یا ناتوانی او در تامین خرجی فرزندان، جد پدری مسئول تامین مخارج زندگی کودک خواهد بود.^۲

در مقابل توجه به این نکته ضروری است که ولایت بر فرزند به معنای مجاز بودن به هر رفتاری نسبت به طفل نیست. پدر و مادر نسبت به طفل مالکیت ندارند. فقط وظیفه حمایت مالی و سرپرستی طفل را دارند. برخی گمان می‌کنند فرزندان مال والدین هستند و با توافق هم، هر رفتاری نسبت به طفل مجاز است. این تصور صحیح نیست. ولایت بر فرزند مجوز بهره برداری یا بهره کشی از طفل نیست پدر یا مادر یا به اتفاق هم نمی‌توانند طفل را وادار به کارهای خلاف کنند یا وسیله ارتکاب جرم یا جابجایی مواد مخدر یا اموال دزدی قرار دهند و همه این موارد در قوانین ولو توسط پدر طفل انجام شود جرم محسوب شده و مجازات دارد و حتی در بعضی موارد تشدید مجازات هم در بردارد.^۳ والدین مکلف هستند وسیله تعلیم و تربیت کودک و به خصوص فراهم آوردن امکان تحصیل کودک واجد شرایط را تا پایان متوسطه به عمل آورند و گرنه مجرم تلقی می‌شوند.^۴

در عین حال باید توجه داشت طفل یا نوجوان یا فرزند رشید نسبت به والدین مکلف به رعایت احترام و ادب و حسن خلق می‌باشد. امام سجاد به تفصیل به حقوق مادر و پدر بر فرزند را برشمرده است و فرموده اند همان طور که مادر در دوران بارداری و شیر دهی و در گرما و سرما و خواب و بیداری مراقب فرزند است وظیفه فرزند است که مادر را به استعانت از خدا شاکر باشد و همان طور که پدر اصالت خانوادگی و نیازهای فرزند را تامین می‌کند وظیفه فرزند است که از پدر تشکر کند.^۵ اهمیت احترام به والدین آن قدر است که چهار بار در قرآن کریم فرموده است: "وبالوالدین احساناً".^۶ ماده ۱۱۷۷ قانون مدنی نیز تصریح نموده است کودکان باید مطیع والدین خود بوده و به آنها احترام بگذارند. البته ولایت پدر در امور مالی محدود به قبل از رسیدن به سن رشد کودک و نوجوان است.

۱. صفایی، سید حسین، امامی، اسد الله، مختصر حقوق خانواده، ص ۳۹۰.

۲. ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی.

۳. ماده ۹ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹.

۴. ماده ۷ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹.

۵. فحق امک فان تعلم انها حملتک و الحرائی، حسن بن علی، تحف العقول، ص ۲۶۳.

۶- سوره بقره، آیه ۸۳؛ سوره نساء، آیه ۳۶؛ سوره انعام، آیه ۱۵۱؛ سوره اسراء، آیه ۲۳.

۳- حقوق اختصاصی زن

«شوهر در اثر تصادف قطع نخاع گردید. زوجه جوان بوده و اظهار می‌دارد که نیاز مبرم به روابط زناشویی دارد و خوف گناه وجود دارد. دادگاه طلاق زن را به موجب عسر و حرج صادر نموده است.»^۱

۳-۱- حق همبستری

یکی از حقوق زن بر مرد آن است که مرد با وی ترک همبستری نکند (مضاجعه). در صورتی که مرد زندگی مشترک را ترک کند یا سایر حقوق زوجیت (مانند همبستری) را ترک نماید و زن دچار سختی شود، حق زن خواهد بود که به دادگاه رجوع نماید. معلق و بالاتکلیف گذاشتن زن در قرآن کریم نکوهش شده است.^۲

عقد کردن طولانی و تعیین تکلیف نکردن برای شروع زندگی مشترک بدون رضایت طرفین نیز نامطلوب بوده و اسباب کدورت‌های فراوان می‌شود زیرا غایت ازدواج همان زندگی زیر یک سقف و تشکیل خانواده است. زندگی زیر یک سقف و در یک خانه سبب محبت و موجب استحکام خانواده می‌باشد و به همین دلیل به همنشینی و مصاحبت با همسر تاکید شده است.

رسوالله (ص) فرمودند: «خداوند نشستن مرد را در نزد همسرش بیشتر از اعتکاف در مسجدالنبی دوست دارد.»^۳

همبستری یکی از اهداف زناشویی است. به همین جهت اگر مرد مبادرت به «ایلاء» نماید یعنی سوگند بخورد که به قصد آزار زن خود با وی همبستر نشود، اسلام دادگاه را ملزم می‌کند که مرد را یا به شکستن سوگند و پرداختن «کفاره» آن (که نوعی جریمه نقدی است) مجبور یا به تن دادن به طلاق الزام کند و نیز اگر در مرد عیبی باشد که مانع عمل همبستری باشد زن حق فسخ نکاح را دارد.^۴

و اگر این عیب پس از رابطه زناشویی در مرد ایجاد شود در صورتی که زن دچار سختی و مشقت شود می‌تواند به دادگاه مراجعه و تقاضای طلاق نماید. هر چند در این زمینه توصیه می‌شود که زن با اتخاذ تدابیر لازم همسر خویش را نزد پزشک فرستاده و با راهنمایی پزشک و درمان لازم، این عیب شوهر برطرف گردد. چرا که در اغلب موارد، پزشک با کشف علت ناتوانی جنسی مرد، قادر بر درمان او خواهد بود.

۳-۲- حق نفقه

«مدت کوتاهی از عروسی آنها گذشته بود که دختر با پدرش صحبت کرد و گفت که همسرش به او علاقه‌ای ندارد. پدر دختر به منزل آنها آمد و دختر را همراه خود برد. پسر مخالفتی نکرد. وقتی دختر تقاضای مهریه و نفقه کرد پسر در دفاع اظهار داشت: پس از عروسی نظر من طلاق و جدایی بوده و به پدرش گفتم که طلاق او را بگیرد. آنها نفقه و مهریه را نقد خواستند که نداشتم و طلاق

۱. بازگیر، یدالله، قانون مدنی در آیینہ آرای دیوانعالی کشور، ج ۲، ص ۲۱۷.

۲. ولا تذروها کالمعلقة. سوره نساء، آیه ۱۲۹.

۳. ورام بن ابی فراس، نبیه الخواطر، ص ۳۶۲.

۴. ماده ۱۱۲۲ قانون مدنی.

انجام نگرفت حالا با من زندگی نمی‌کند و من هم او را نمی‌خواهم و چند ماه بیشتر زندگی نکردم چرا باید نفقه و مهریه بدهم؟^۱

نفقه زوجة، مخارجی است که شوهر باید به همسر خود بپردازد. در قرآن کریم آمده است: «الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم»^۲ «مردان عهده‌دار امور زنان هستند به خاطر برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان (در مورد زنان) می‌کنند.» این آیه، دلالت روشنی بر تکلیف مردان نسبت به پرداختن نفقه برای زنان دارد.

سرپرستی خانواده توسط مردان، به خاطر تفاوت‌هایی در آفرینش است که خداوند به خاطر مصلحت نوع بشر میان آنها قرار داده و بلافاصله مقابل چنین حقی، تکلیفی را به عهده شوهر قرار می‌دهد و می‌فرماید: «و بما انفقوا من اموالهم»؛ «این سرپرستی به خاطر تعهداتی است که مردان در مورد انفاق کردن و پرداخت‌های مالی در برابر زنان و خانواده به عهده دارند.»^۳

مبنای نفقه خانواده نه تنها مصلحت زن است بلکه مصلحت مرد و کانون خانوادگی نیز در این است که زن از تلاش‌های اجباری خرد کننده برای معاش معاف باشد.^۴

حضرت علی علیه‌السلام به فرزندش محمد حنفیه فرمود «پسرم به زن فوق طاقتش تحمیل نکن زیرا بدرستی که این کار برای تداوم زیبایی اش موثرتر است و برای خاطر او آسوده کننده است و برای حال او نیکوتر است پس همانا زن گل خوشبو است و پهلوان نیست و در هر حال با او مدارا کن و صحبت با او را نیکو گردان تا زندگی صفا یابد.»^۵

مطابق قانون مدنی ایران نفقه عبارت است از: «همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن، از قبیل: پوشاک غذا، مسکن، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی، خادم در صورت عادت یا احتیاج به واسطه نقصان یا مرضی.»^۶

نظر مشهور در فقه امامیه به استناد آیه شریفه «عاشروهن بالمعروف» آن است که رعایت وضعیت و شرایط زن به نشانه «معروف» ملاک تعیین نفقه است^۷ اما در عین حال با توجه به آیه شریفه «ولینفق ذو سعة من سعته و من قدر علیه رزقه فلینفق بما آتاه الله لا یكلف الله نفسا الا ما آتاه.»^۸ «پس باید نفقه بپردازد کسی که دارای وسعت می‌باشد از آنچه به او داده شده و کسی که تنگدست است پس باید بپردازد از آنچه خدا به او داده و خداوند کسی را جز آنچه داده است تکلیف نمی‌کند.»

باید ملاک «وضعیت زن» را برای نفقه وی تا حد توانایی زوج محدود کرد، زیرا خداوند بر کسی تکلیف بیش از آنچه در توان اوست تحمیل نمی‌کند. اگر زنی ثروتمند با مردی ندار و ناتوان ازدواج می‌کند، وضعیت اقتصادی زن نمی‌تواند ملاک نفقه او باشد زیرا خود زن اقدام به چنین ازدواجی نموده. همچنین در روایات متعددی قناعت پیشه بودن زن تایید و تکریم گردیده است. یعنی گرچه مطابق صریح

۱. بازگیر، یدالله، قانون مدنی در آیینہ ارای دیوانعالی کشور، حقوق خانواده، ج ۱، صص ۲۲۰-۲۲۱.

۲. سوره نساء، آیه ۳۴.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۷۱.

۴. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، صص ۲۶۴ - ۲۶۶.

۵. علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۵۳.

۶. ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی.

۷. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۳۱، ص ۳۳۲.

۸. سوره طلاق، آیه ۷.

قانون مدنی ایران مصادیق نفقه زوجه منحصر به غذا و پوشاک و مسکن نیست و همه نیازهای متعارف زوجه را شامل می‌شود و ملاک وضعیت زوجه است؛ ولی نباید زوج دچار عسر و حرج شود زیرا بر خلاف عدالت و انصاف است که زن همه نیازهای خود را مطالبه کند، هر چند شوهر را دچار سختی و تنگدستی نماید یا آنچه را نمی‌تواند درباره خود برآورده سازد برای زوجه برآورده نماید.^۱ همچنین اگر زنی فقیر با شوهری ثروتمند ازدواج نماید، مرد نمی‌تواند با استناد به فقر بودن زن او را از دارایی و وسعتی که خداوند به او عطا نموده است محروم نماید.

امروزه با وجود تنش‌های اقتصادی، اداره امور مالی خانه از اهمیت زیادی برخوردار است. خانواده‌های جوان تر باید مراقبت بیشتری داشته باشند هرچند ازدواج یک عقد غیرمالی است ولی آثار و تبعات مالی زیادی دارد که عدم تفاهم زن و شوهر برای نحوه مدیریت مخارج و درآمدهای خود، آنها را دچار مشکلات زیادی می‌کند. هر دختر و پسری در خانواده پدری خود هم با خصلتهای متفاوت اقتصادی بزرگ شده اند یکی پر رفت و آمد و ولخرج و دیگری سختگیر و منضبط و از سوی دیگر هر یک از زوجین در خانه پدری مسئولیت خانواده را نداشته و در سایه والدین معیشت خود را گذرانده است و پس از ازدواج خود وارد زندگی جدید شده است. طرفین باید با صراحت میزان در آمد و مخارج و نفقه زوجه را مورد گفتگو قرار دهند و هر دو باید بدانند باید انعطاف بیشتری نشان بدهند تا به وضعیت جدید عادت کنند؛ و بپذیرند به هر حال در دوران جدید بعضا دختران جوان در خانواده پدری وضع مالی بهتری دارند و در خانه همسر با کمبودهایی مواجه هستند و آنان باید خود را برای مدارا آماده کنند و البته پسران نیز باید بدانند مخارج خود و خانواده را در اولویت قرار دهند و به تلاش و کار بیشتر برای تامین معاش بپردازند. مردان جوان باید توجه کنند اگر تا قبل از ازدواج درآمد خود را برای ماشین، لباس، سفر، شادی و خوشگذرانی با رفقا هزینه می‌کردند پس از ازدواج اولویت زندگی آنها همسر و سپس فرزندانشان می‌باشد.

لازم به ذکر است مهمترین قیدی که بر اقتصاد خانواده در فرهنگ اسلامی وجود دارد؛ خودداری از اسراف و تبذیر است. چه بسیار خانواده‌هایی که بر اثر اسراف و افراط در مصرف از هم پاشیده شده و یا به فقر مبتلا گردیده‌اند. در آیات متعددی در قرآن کریم مردم از اسراف و تبذیر برحذر داشته شده‌اند.^۲ اسراف یعنی افراط در مخارج و خروج از اعتدال و تبذیر به معنای دانه پاشیدن و در فارسی به معنای ریخت و پاش است. تفاوت اسراف و تبذیر آن است که اگر خارج از اعتدال هزینه کند ولی چیزی حیف و میل نشود مانند آن که لباس‌های متعدد داشته باشد در حالی که با لباس کمتر هم می‌تواند زندگی کند این اسراف است یا آن که وقتی با یک غذا، مهمانها پذیرایی می‌شوند ولی با چندین رنگ غذا اطعام شوند، ولی تبذیر آن است که علاوه بر تنوع در مصرف و هزینه اتلاف هم صورت گیرد مانند این که برای پنج مهمان غذای ده نفر تهیه شود و لاجرم دور ریخته شود.

متأسفانه اسراف بلایی است که جامعه مصرف‌گرای امروزی به آن مبتلا می‌باشد، هریک از افراد در چیزی مسرف است یکی در لباس، دیگری در غذا و سومی در تهیه وسایل تجملی و اشرافی زندگی.^۳ بهر حال قرآن کریم دستور می‌دهد که «ولا تطیعوا أمر المرفین»^۴ «از اسراف کنندگان اطاعت نکنید.» و در قرآن زیاده‌روی یا ممسک بودن نکوهیده شده است: «والذین اذا انفقوا لم یسرفوا»

۱. کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، ج ۱، ص ۱۸۸.

۲. سوره طه، آیات ۱۲۴ تا ۱۲۷، سوره انبیاء، آیه ۹، سوره اسراء، آیات ۲۶ و ۲۷، سوره مومن، آیه ۲۸، سوره زخرف، آیه ۵، سوره ذاریات، آیه ۳۴

۳. اسعدی، سید حسن، حقوق متقابل اعضای خانواده، ص ۷۹.

۴. سوره شعراء، آیه ۱۵۱.

و لم یقتروا و کان بین ذلک قواما»^۱ «کسانی که در خرج کردن، اسراف و یا امساک نمی‌کنند و بین اسراف یا امساک راه میانه‌روی را انتخاب کرده‌اند از مومنین و بندگان واقعی خدا می‌باشند.»

پیامبر (ص) نیز فرمودند: «آگاه باشید هرگاه زنی با شوهرش مدارا نداشته باشد و از او چیزی بخواهد که قادر به، به دست آوردن آن نباشد و فوق طاقت شوهر باشد خداوند از چنین زنی حسنه‌ای را قبول نمی‌کند.»^۲

عرف جامعه و واقعیات آن نه فقط زن و شوهرها بلکه حتی دادگاه را هم برآن می‌دارد که توانایی مالی مرد را هم در نظر بگیرند. روشن است که حدود توانایی مالی یک فرد در جامعه ثابت نیست و با درآمد او و هم با بالا پایین رفتن هزینه زندگی، رابطه نزدیک و مستقیم دارد. چه بسا شوهری در ابتدای ازدواج و تشکیل خانواده درآمدی اندک داشته و نتواند نیازهای خانواده را در حد بالایی برآورده سازد و به تدریج که درآمدش افزایش یابد برآسایش و رفاه مادی خانواده بیفزاید، وسایل جدیدی تهیه کند و یا مسکن مناسب‌تری اختیار نماید.^۳ این در حقیقت پاسخ صبوری و قناعتی است که زن نموده و نتیجه تلاش و عشق مرد به کانون خانواده است و البته زنان ناسازگار این آینده مناسب را از دست می‌دهند.

عکس این فرض هم اتفاق می‌افتد که در طول زندگی مشترک گرفتاری‌هایی پیش می‌آید و درآمد شوهر کم می‌شود و هزینه زندگی بالا می‌رود. آنگاه است که از رفاه مادی خانواده کاسته خواهد شد. طبیعی است که یک زن وفادار و مهربان در چنین شرایطی همسرش را رها نمی‌کند و در سختی‌ها و آسانی‌ها با شوهرش همراه باقی می‌ماند.

در حال حاضر چه بسیارند زنانی که در روستاها همگام با شوهران بار زندگی خانواده را بردوش کشیده و او را با کار خویش یاری می‌نمایند. در شهرها نیز زنان کارمند و کارگر با اینکه از دیدگاه قانونی تکلیفی ندارند باز درآمد خود را صرف خانواده می‌کنند و در کنار شوهر خویش آنچه را دارند برای خانواده خرج می‌کنند و یا زنان خانه‌دار که در داخل خانه با کارهایی نظیر خیاطی، بافتنی و غیره گوشه‌ای از بار زندگی را برعهده می‌گیرند.^۴

در چنین شرایطی مردان، در زمان استطاعت و توانایی مالی، مناسب است حقوق همسران خویش را در نظر گرفته و آینده آنها را تامین نمایند و در حقیقت آنها را واقعا شریک اموالی که در طول زندگی مشترک به دست آورده‌اند بدانند و حقوق آنان را تامین نمایند. مردان زیادی هستند که چنانچه مسکنی خریداری نمایند بخشی از آن را به نام همسری که سالیان متمادی در کنار آنان شریک سختی‌های آنها بوده می‌نمایند ولی متأسفانه مردانی نیز هستند که قدر زحمات زن را ندانسته و توجه به آینده زن را همیشه به بعد موکول می‌نمایند و چه بسا بدون وصیت کردن به نفع زوجه یا بدون هبه یا صلحی بنام همسر خود، دار فانی را وداع گفته و زن را با سهم اندکی که از اموال شوهر بر جا مانده رها نموده و محتاج دیگران می‌کنند و چه بسا زنانی که نمی‌توانند درآمد و هزینه کردن اموال خود در زندگی شوهران را ثابت نمایند و در زمان جدایی هیچ مسکن و ماوایی ندارند. لذا علاوه بر قوانین، رعایت عدالت و انصاف در حقوق دیگران، بهترین ضابطه‌ای است که در هر شرایطی برای زوجین می‌توان توصیه کرد.

۱. سوره فرقان، آیه ۶۷

۲. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۳.

۳. عراقی، عزت الله، آیا می‌دانید حقوق زن در دوران ازدواج چیست؟، ص ۷۷.

۴. همان، ص ۷۸.

لازم به ذکر است، شرط وجوب نفقه زوجه، عقد دائم است یعنی در عقد موقت، نفقه زوجه به عهده شوهر نیست.^۱ همین که ازدواج دائم به طور صحیح واقع شد رابطه زوجیت بین طرفین موجود و حقوق و تکالیف در مقابل همدیگر برقرار می‌شود.^۲

ولی اگر زن بدون مانع مشروع، از ادای وظایف زوجیت امتناع کند و نیازهای مشروع جنسی شوهر را برآورده نسازد مستحق نفقه نخواهد بود و نفقه ساقط می‌شود.^۳ براین اساس هر ازدواج صحیحی لزوم نفقه را به دنبال دارد.^۴

در طلاق رجعی یعنی طلاق که در ایام عده حق رجوع برای مرد وجود دارد نیز در مدت عده زن، نفقه به عهده زوج است. در طلاق بائن (که مرد حق رجوع ندارد) نیز اگر زن حامله باشد تا زمان وضع حمل، مرد باید نفقه او را بپردازد.^۵ اگر بودن زن با شوهر در یک منزل موجب ترس از ضرر مالی یا بدنی یا شرافتی برای زن باشد، زن می‌تواند مسکن جداگانه از شوهر داشته باشد و اگر این موضوع در دادگاه (که زن در بازگشتن به منزل مزبور معذور باشد) ثابت شود نفقه برعهده شوهر باقی است.^۶

حال اگر زن سازگاری داشته و مرد هم از توانایی مالی برخوردار باشد ولی با این همه نفقه ندهد زن می‌تواند به دادگاه شکایت کند؛ دادگاه میزان نفقه را معین می‌کند و شوهر را به آن محکوم می‌کند. اگر شوهر به دستور دادگاه عمل کند مشکل حل می‌شود ولی اگر دستور دادگاه را به کار نبندد و دادگاه هم نتواند او را مجبور کند، ممکن است دادگاه او را به حبس از سه ماه و یک روز تا پنج ماه محکوم نماید.^۷ در این صورت زن نیز می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند و دادگاه هم تقاضای او را می‌پذیرد.

لازم به ذکر است شوهر یا زن اگر پدر یا مادر نیازمندی داشته باشند و توانایی تأمین مالی خود را نداشته باشند بر فرزند آنها لازم است که نفقه آنها را بپردازد^۸، حال هرگاه شوهر علاوه بر زن، افراد دیگری را به حکم قانون تحت تکفل داشته و موظف به تأمین زندگی ایشان باشد و نتواند نفقه همه این افراد را بپردازد تأمین زندگی زن بر سایرین مقدم است.^۹

دانستن این موضوع از آن جهت لازم است که از جانی به دلیل بالا رفتن کیفیت بهداشت و سلامت، طول عمر افراد بیشتر شده و تعداد پدر و مادرهای سالخورده که توان تأمین خود را ندارند زیاد است و از جانی دیگر اگر اعضای خانواده متوجه تکلیف مرد یا زن نسبت به نفقه والدین او شوند انتظارات خود را تعدیل خواهند کرد.

۳-۳- جهیزیه زن

«زن به استناد صورت جهیزیه، تقاضای استرداد جهیزیه را نموده است و شوهر اظهار داشته که رسیدی از تحویل این اموال به

۱. ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی.

۲. ماده ۱۱۰۲ قانون مدنی و ماده ۱۱۰۶.

۳. ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی.

۴. مهریزی، مهدی، حقوق و شخصیت زن در اسلام، ص ۳۳۱.

۵. ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی.

۶. ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی.

۷. ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵.

۸. ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی: در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از صعودی یا نزولی ملزم به انفاق یکدیگرند و ماده ۱۱۹۷ قانون مدنی: کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند بوسیله اشتغال به شغلی وسایل معیشت خود را فراهم سازد و البته پرداخت نفقه اقارب (پدر، مادر، ...) بر کسی لازم است که استطاعت مالی داشته باشد.

۹. ماده ۱۲۰۳ قانون مدنی.

اینجانب در دست زن نیست. شهود، آوردن جهیزیه را به منزل شوهر گواهی نموده‌اند و شوهر ادعایی مبنی بر تعلق اموال به خود ننموده و دادگاه در رای صادره آورده: اصولاً جهیزیه مالی است که علاوه بر استفاده خود به شوهر نیز اباحه انتفاع (جایز بودن استفاده از منفعت مال) را می‌نماید و این مال در مالکیت زن باقی است و می‌تواند آن را ببرد یا هرگونه تصرفی در آنها بنماید و عدم رسید از شوهر با وجود شهادت شهود مانعی بر تعلق جهیزیه به زوجه نیست.^۱

چنانکه گذشت، تهیه وسایل زندگی یا اثاث منزل با شوهر است.^۲ و زن در این باره تکلیفی ندارد با این همه بیشتر خانواده‌ها رسم دارند که زن در حدود توانایی مالی خود یا خانواده‌اش تمام یا بخشی از وسایل خانه را تهیه و به خانه شوهر ببرد. تهیه جهیزیه از سوی زن یا خانواده او، شروع زندگی مشترک را راحت‌تر و آسان‌تر می‌کند، اگر خانواده زن توانایی مالی مناسب داشته باشند با کمک به تسهیل ازدواج فرزند خود، مطابق فرموده خدا در قرآن، عمل نیکی را نیز انجام داده‌اند. چرا که این کار به نوعی تعاون در نیکوکاری است.^۳ و ازدواج از مهمترین نیکی‌هاست. به شرط اینکه چشم و هم چشمی، حسادت، فخر فروشی و منت‌گذاری، ارزش احسان و نیکویی را تباه نکند که در قرآن کریم سفارش شده است که: «انفاق خود را با آزار و اذیت و منت گذاشتن باطل نکنید.»^۴

متأسفانه مشاهده می‌شود که تهیه جهیزیه گاهی به تکلیف بیش از حد پدر زن تبدیل می‌شود و چه بسا پدرانی که برای تهیه جهیزیه دخترشان که مناسب تجمعات اقوام و کسان دیگر باشد به شدت زیر بار قرض و گرفتاری‌های آن می‌روند به گونه‌ای که در شرایطی که به دلیل کهولت سن نیاز به استراحت بیشتر دارند مجبور به کسب درآمد زیادتر می‌شوند.

این روشی است که مورد تأیید اسلام نیست پس باید توجه داشت:

یک- تهیه جهیزیه وظیفه قانونی و شرعی خانواده دختر نیست. بنابراین دختران نباید از خانواده خود طلبکار باشند و خانواده را به مشقتی خارج از توان خود مبتلا کنند. و پسران جوان نیز، جهیزیه را از خانواده زن مطالبه نمایند و به هر میزان که در توان خانواده دختر است اکتفا نمایند. سهل‌گیری در تهیه جهیزیه و مهریه هم برای جامعه و تشویق جوانان به امر ازدواج و هم برای خانواده‌ها بسیار مطلوب است.

دو- اگر خانواده زن به قصد رضایت خداوند به تشکیل خانواده یک زوج جوان کمک می‌کنند نباید جوانان را تابع و مدیون خود بدانند.

سه- بین جهیزیه و مهریه، از نظر حقوقی هیچ رابطه‌ای وجود ندارد. (متأسفانه از نظر عرفی، این امر که تناسب بین جهیزیه و مهریه برقرار باشد پذیرفته شده است.)

چهار- خانواده‌ها حتی المقدور در بین فرزندان در اعطای کمک برای ازدواج و محبت به آنان رعایت تساوی را بنمایند.

پنج- زن مالک جهیزیه است و مالک آن باقی می‌ماند. آوردن جهیزیه به خانه شوهر سبب نمی‌شود که شوهر نسبت به آنها مالکیتی پیدا کند بلکه قصد و نیت زن و خانواده او این است که وسایل در اختیار عروس و داماد و فرزندان آنها باشد و همه بتوانند به طور

۱. بازگیر، یدالله، قانون مدنی در آیین آرای دیوانعالی کشور، ج ۱، ص ۲۷۹.

۲. ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی.

۳. تعاونوا علی البر و التقوی، سوره مائده، آیه ۲.

۴. سوره بقره، آیه ۲۶۴.

منطقی و معمولی از آنها استفاده می‌کنند.^۱

چنانچه در خصوص جهیزیه بین زن و شوهر اختلاف باشد دادگاه با توجه به قرائن و نشانه‌های مختلفی تصمیم می‌گیرد: فاکتورها و یا نوشته‌هایی که حاکی از خرید لوازم منزل است، شهادت شهود به جهیزیه و اقالام آن و... دلایل اثبات وجود جهیزیه است. به هر حال در شهرهایی که دادن جهیزیه عرف است یک نوع اماره قضایی، به نفع زنان در مالکیت وسایل منزل وجود دارد. البته چنانچه جهیزیه در اثر مرور زمان و استفاده متعارف از بین رفته باشد، شوهر موظف به اعاده مثل یا قیمت آن نمی‌باشد. او موظف است که اثاث منزل را به میزان نیاز خانواده تهیه نماید.

۳-۴- حق مهریه و حق حبس

«مرد به دادگاه علیه زن دادخواست تمکین و الزام به عروسی داده است. زن اظهار داشته چون در مدت عقد رفتار ناشایست و فحاشی مکرر از زوج دیده‌ام و از سوء اخلاق زوج رنج می‌برم حاضر به زندگی نمی‌باشم. مهریه من را بدهد تا حاضر به زندگی با او شوم. دادگاه با توجه به اینکه زوج به باکره حق حبس (امتناع از عروسی) را تا اخذ مهریه عندالمطالبه (نقد) دارد الزام زوج به عروسی را ممکن ندانسته است.»

در اصطلاح حقوقی، مهر یا صداق، مالی است که زن بر اثر ازدواج مالک آن می‌گردد و مرد ملزم به دادن آن به زن می‌گردد.^۲ برخی براساس اینکه در تعیین میزان مهر وجود یا عدم وجود خصوصیات یا صفاتی در زن دخالت دارد استنباط کرده‌اند که مهر قیمت و ارزش زن است حال آنکه مهر در قرآن با عنوان «صدقاتهن» آمده است.^۳ و بدان جهت به مهریه، صداق گفته شده است که نشانه صدق و راستین بودن علاقه مرد و محبت او به زن است.

همچنین این مهر به زن داده می‌شود نه به پدر و مادر او. یعنی مزد بزرگ کردن و شیر دادن زن نیست و زن طرف عقد ازدواج است. از طرف دیگر عقد نکاح بدون تعیین مهر نیز صحیح بوده و ازدواج باطل نیست و برای زن مهریه‌ای تعیین می‌شود.^۴

مهر قیمت و ارزش زن نیست چرا که اگر این چنین بود بایستی برای حضرت فاطمه (س) افتخار زنان عالم، بالاترین مهریه در نظر گرفته می‌شد حال آنکه مهریه این بانوی بزرگوار ۵۰۰ درهم بوده است.^۵ در قرآن و روایات به مهر اشاره شده و وجوب دادن آن مورد تاکید قرار گرفته است و هرگونه ستم و ظلم بر زن در این خصوص ناروا دانسته شده است. در قرآن آمده است: «و مهر زنان را در کمال رضایت و طیب خاطر بدهید پس اگر زنان چیزی از مهر خود را از روی رضا و خشنودی به شما بخشیدند از آن برخوردار شوید.»^۶

همچنین امام صادق (ع) فرموده‌اند: «خودداری از پرداخت مهر از پلیدترین گناهان شمرده شده است.»^۷ در حدیث دیگری سه طایفه

۱. عراقی، عزت‌الله، آیا می‌دانید حقوق زن در دوران ازدواج چیست؟، ص ۸۴.

۲. صفایی، سید حسین، حقوق خانواده، ج ۱، ص ۱۶۶.

۳. و آنوا النساء صدقاتهن نحله، سوره نساء، آیه ۴.

۴. ماده ۱۰۸۷ و ۱۰۹۳ قانون مدنی.

۵. گرجی، ابوالقاسم و دیگران، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، ص ۲۲۹.

۶. سوره نساء، آیه ۴.

۷. از امام صادق (ع) است: اقدر الذنوب ثلاثة... حبس مهر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۵۱.

دزد شمرده شده‌اند که یکی از آنان، کسی است که نپرداختن مهر زن را حلال بداند.^۱ و از پیامبر (ص) روایت شده که فرمودند: «آگاه باشید که خدا و رسول خدا از شوهری که به زنش ضرر بزند که زن، مهریه خود را حلال کند و طلاق بگیرد بیزار است و خداوند برای شوهری که زن خود را مورد آزار قرار دهد تا او حقوق خود را ببخشد به عذابی کمتر از آتش رضایت نمی‌دهد.»^۲

درباره علت وجوب پرداخت مهریه به زن، در عقد ازدواج دلایل مختلفی بیان شده است:

یک- مهریه، وسیله و نشانه‌ای برای ابراز عشق و محبت به زن است.^۳

دو- مهریه، امکانی برای زن فراهم می‌آورد که در حوادث پیش‌بینی نشده از یک پشتوانه اقتصادی برخوردار باشد.^۴

سه- مهریه، نوعی جبران محرومیت‌ها و محدودیت‌های مالی زن محسوب می‌شود.^۵ به عبارتی مهریه مکمل سهم‌الارث زوجه است و نقصان سهم زن از ارث را جبران می‌کند.^۶

چهار- مهریه، وثیقه مالی در مقابل حق طلاق زوج است. از آنجا که طلاق از اختیارات مرد است بعضی از نویسندگان معتقدند مهریه وسیله کنترل تمایلات ناجوانمردانه و بر هم زدن زناشویی از سوی مرد است.^۷ یعنی مهریه وسیله پیشگیری از سوء استفاده مرد از حق طلاق است.

این دلایل گرچه کارکردهای مهریه است ولی علت وضع و الزام آن نیست. به همین دلیل سهل گرفتن مهریه توصیه شده است.^۸ در این زمینه امیرمومنان علی (ع) فرموده‌اند: «مهریه را زیاد قرار ندهید که موجب دشمنی می‌شود.»^۹

گاه دختر یا زنی به سبب علاقه شدید و اعتماد کامل به مردی که می‌خواهد با او ازدواج کند مهریه را لازم نمی‌داند اما اغلب خانواده‌ها با این طرز فکر مخالفند. اینان می‌گویند آنگاه که اعتماد به بی‌اعتمادی بدل شود و علاقه و محبت کاهش یافته و یا از بین رود نغمه جدایی سر داده خواهد شد بدون آنکه مهری پرداخت شده باشد یا تعهد مرد به پرداخت مهر بتواند در برابر این ناسازگاری‌ها سدی ایجاد کند. معمولاً در موارد مذکور اگر دختر بتواند خانواده خود را قانع سازد باز هم مهر تعیین خواهد شد اما بر ارزش مالی آن تاکید نمی‌شود.^{۱۰}

از سوی دیگر، مهریه‌های سنگین و غیرمتعارفی که در عقد ازدواج بر مرد پیشنهاد می‌شود دارای آثار مخرب و نامناسب برای ازدواج و تشکیل خانواده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

یک- مرد با این تفکر که «مهریه را کی داده و کی گرفته» برپزیرش آن گردن می‌نهد. در حالی که این تفکر کاملاً اشتباه است و

۱. امام صادق: السراق ثلاثة: مانع الزكاة و مستحل مهوور النساء، حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۳.

۲. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۳۸۰، علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۱۶۴

۳. شهید مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۴۷.

۴. بن التراب، مریم، حقوق زنان در خانواده، ص ۱۶۱.

۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ص ۲۶۵-۲۶۴.

۶. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جمال و جلال الهی، ص ۴۳۵.

۷. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، ج ۴، ص ۷۲.

۸. هدایت‌نیا، فرج‌الله، حقوق مالی زوجه، ص ۱۲.

۹. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۳۵۱، حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۵۳.

۱۰. عراقی، عزت‌الله، حقوق زن در دوران ازدواج چیست؟، ص ۶۴.

صدها مرد زندانی بابت عدم پرداخت مهریه و نفقه زوجه در زندان‌ها وجود دارند. این موضوع باعث می‌شود مردی که متقاضی ازدواج بوده به یک مجرم تبدیل شود.

دو- مهریه حتی اگر مطالبه نشود وقتی زیاد باشد اعتماد مرد را به عشق و علاقه زن کم می‌کند و تبدیل به کدورت می‌شود.

سه- هزینه ازدواج را ولو به صورت صوری افزایش می‌دهد و تمایل مردان جوان را به ازدواج دائم می‌کاهد.

چهار- این مهریه نشانه عشق و علاقه مرد نیست بلکه ناشی از تحمیل خواست و اراده دختر و وابستگی وی به مرد جوان است و این نوع مهریه‌ها بیشتر به خرید و معامله شبیه است تا هدیه، لذا با فلسفه مهریه مغایر است.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «مهریه هر چه کمتر باشد، به طبیعت ازدواج نزدیکتر است چون طبیعت ازدواج معامله که نیست، خرید و فروش که نیست، زندگی دو انسان است. این ارتباط به مسائل مالی ندارد ولی شارع مقدس یک مهریه‌ای را معین کرده که باید یک چیزی باشد اما نباید سنگین باشد بایستی عادی باشد جوری باشد که همه بتوانند انجام دهند.»^۱ «در ازدواج آنچه اتفاق می‌افتد یک حادثه و پیوند انسانی است، نه یک معامله پولی و مالی، اگر چه یک مالی هم در بین هست در شرع مقدس اسلام، آن مال جنبه نمادین دارد، جنبه رمزی دارد، خرید و فروش و بده بستان نیست.»^۲

پنج- مهریه سنگین ضمانت اجرای مناسبی برای دوام خانواده نیست چه بسیار زنانی که با تعیین مهریه زیاد، همه آن را بخشیده و زندگی مشترک را رها کرده‌اند. مقام معظم رهبری در این خصوص فرموده‌اند: «بعضی خیال می‌کنند مهریه سنگین به حفظ پیوند زناشویی کمک می‌کند، این خطاست. اشتباه است، اگر خدای ناکرده این زن و شوهر ناهل باشند، مهریه سنگین هیچ معجزه‌ای نمی‌تواند بکند.»^۳

شش- مهم‌تر از این موارد آن است که تعیین مهریه زیاد مورد رضایت خدا و دین خدا نیست.

در عین حال مهریه بسیار اندک هم برای زنان عواقبی دارد. حضرت علی (ع) نیز فرموده‌اند: «من کراحت دارم از اینکه مهریه کمتر از ده درهم باشد تا شبیه هدیه در روابط جنسی آزاد و نامشروع نشود.»^۴ به هر صورت مهریه متعارف و متناسب با شئون خانوادگی هر دو طرف امری پذیرفته شده می‌باشد و از نظر قانون اقل (کمترین) یا اکثر (بیشترین) مقدار مهر آزاد است.

البته نوع مهریه با تحولات اقتصادی و اجتماعی رابطه داشته است. در گذشته، زمین، باغ، خانه یا اشیاء و لوازم زندگی را به عنوان مهر تعیین می‌کردند؛ پس از آنکه پول رواج بیشتری پیدا کرد مهر به صورت مبلغی پول بر عهده داماد قرار گرفت.^۵ با توجه به تورم شدید و تنزل دائمی ارزش پول، در سال ۱۳۷۶ قانون‌گذار پیش‌بینی کرد اگر مهریه وجه رایج باشد متناسب با تغییر شاخص قیمت سالانه زمان تادیه (دادن) نسبت به سال اجرای عقد (توسط بانک مرکزی) تعیین و محاسبه می‌شود و پرداخت خواهد شد مگر اینکه طرفین در هنگام عقد به نحو دیگری توافق کرده باشند.^۶

۱. حاج علی اکبری، محمدجواد، مطلع عشق، همان، ص ۱۲۵.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۲۶.

۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ص ۲۵۳.

۵. عراقی، عزت الله، آیا می‌دانید حقوق زن در دوران ازدواج چیست؟، ص ۲۶.

۶. تبصره الحاقی به ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی مصوب ۱۳۷۶/۰۴/۲۹.

با این همه، خانواده‌ها نسبت به پول رایج کشور به جهت نرخ تورم، بی‌اعتماد شده در سال‌های اخیر، سکه طلا جایگزین وجه نقد گردیده است.

درباره مهریه، دانستن این نکات از نظر حقوقی ضروری است:

یک- اگر مهریه اموال غیر منقول مانند خانه، آپارتمان، زمین و باغ باشد علاوه بر تنظیم سند ازدواج و ثبت در دفتر ازدواج باید مفاد سند در دفتر معاملات ثبت شود.^۱

دو- اگر مهریه از نوع خانه و زمین باشد، منافع مال متعلق به زن می‌شود یعنی از نظر قانونی اگر مثلاً در اجاره است مال الاجاره را زن می‌تواند دریافت کند.

سه- اگر مهریه پول باشد، برای پرداخت آن می‌توان مدت تعیین کرد مثلاً فلان مبلغ پول که پنج سال بعد از ازدواج بپردازد و در این صورت هر چند آن مبلغ حق زن است ولی قبل از رسیدن پنج سال نمی‌تواند آن را مطالبه کند. ولی بعد از مدت تعیین شده، لازم است شوهر مبلغ تعیین شده را به بپردازد.^۲

چهار- امروزه مهریه‌ها معمولاً عندالمطالبه است. از آثار عندالمطالبه بودن مهریه آن است که «زن می‌تواند تا مهر به او تسلیم نشده است از ایفای وظایف زناشویی خودداری کند.»^۳ یعنی از تمکین خودداری کند و این حق معروف به «حق حبس» است. ولی اگر مهریه نقد نباشد بلکه برای آن اقساط معینی تعیین شده باشد برای زن حق حبس ایجاد نمی‌شود.^۴ حال اگر مهریه عندالمطالبه باشد و زن، به اختیار خود قبل از دریافت مهر به ایفای وظایف زناشویی اقدام کند دیگر حق حبس ندارد.^۵ یعنی اگر یک بار قبل از اخذ مهر، تمکین نمود دیگر حق ندارد به جهت عدم دریافت مهریه تمکین نکند هر چند حق مطالبه مهریه برای همیشه باقی است.

پنج- هرگاه مهر تعدادی سکه و طلا و عندالمطالبه باشد هر زمان مطالبه کرد شوهر باید تهیه و تسلیم کند و اگر زن قبول کند معادل قیمت آنها را بپردازد باید به بهای روز پرداخت گردد.

شش- در قرآن کریم مقدار مهر معین نشده و در روایات هم به نحو قطعی حدی برای آن در نظر گرفته نشده و به تبع آن در قانون مدنی نیز وضع بدین منوال است ولی نظر دین مبین اسلام بر آسان‌گیری و رعایت حد اعتدال در مهر می‌باشد. بزرگان دین مکرراً برای تسهیل ازدواج سفارش کرده‌اند که در مورد مهر و صداق سخت‌گیری نشود. امام علی (ع) می‌فرماید که: «مهرها را زیاد نگیرید که مایه دشمنی است.»^۶

هفت- مهریه که به وجه رایج تعیین شود با افزایش نرخ تورم افزایش می‌یابد مگر اینکه زوجین به نحو دیگری توافق کرده باشند.^۷ بانک مرکزی شاخص بهای کالاها و خدمات را همه ساله اعلام می‌کند، طبق این جدول معلوم است که قدرت خرید هر مبلغی با

۱. بند ۴ آیین‌نامه متحدالشکل شدن ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۹۱/۰۵/۲۰.

۲. عراقی، عزت‌الله، آیا می‌دانید حقوق زن در دوران ازدواج چیست؟، ص ۶۸.

۳. ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی.

۴. صفایی، سید حسین، امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، ص ۱۶۲.

۵. ماده ۱۰۸۶ قانون مدنی.

۶. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۵۳.

۷. تبصره ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی.

گذشت زمان چه میزان کاهش یافته است در این صورت وقتی زن مهریه را مطالبه می‌کند قیمت روز آن، محاسبه و همان مطالبه می‌شود.

هشت- مهریه‌ای که زن و شوهر بر آن توافق می‌کنند «مهرالمسمی» نامیده می‌شود، به عبارتی مهری که در عقد نکاح معین شده یا تعیین آن به عهده شخص ثالثی نهاده شده مهرالمسمی نام دارد.^۱ اما اگر مهرالمسمی باطل باشد چنانکه مال تعیین شده مجهول باشد یا مالیت نداشته باشد.^۲ یا مهر در عقد تعیین نشده باشد،^۳ یا عدم مهر در عقد شرط شده باشد یا هرگاه نکاح باطل باشد و زن، جاهل بر بطلان نکاح بوده^۴ و در همه این موارد نزدیکی بین زوجین واقع شده باشد زن مستحق «مهرالمثل» است. مهرالمثل یعنی مهری که به موجب قرار داد تعیین نشده بلکه بر حسب عرف و عادت و با توجه به وضع زن از لحاظ سن، زیبایی، تحصیلات، موقعیت خانوادگی و اجتماعی او و غیر اینها با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان معین می‌گردد.^۵ طبق قانون مدنی برای تعیین مهرالمثل باید حال زن از جهت شرافت خانوادگی و دختران مانند او و بستگان و عرف محل زندگی رعایت شود.^۶ اما اگر نکاح واقع شود و قبل از نزدیکی و تعیین مهر، طلاق واقع شود زن مستحق مهرالتمعه خواهد بود. برای تعیین مهرالتمعه حال مرد از حیث دارایی و فقر ملاحظه می‌شود.^۷

نه- اگر یکی از زوجین قبل از تعیین مهر و قبل از نزدیکی بمبرد زن مستحق هیچ‌گونه مهری نیست^۸ اگر نکاح واقع شد، مهریه تعیین شد ولی قبل از نزدیکی، طلاق واقع شد زن مستحق نصف مهر است.^۹

۳-۵- دیگر حقوق اقتصادی زن (اجرة المثل یا نخله)

تقسیم کار در منزل یکی از اولین اقداماتی است که زوجین باید انجام دهند به خصوص اگر زن و مرد هر دو فعالیت‌های خارج از منزل دارند، انجام امور منزل باید با برنامه‌ریزی و تقسیم کار و نظم انجام پذیرد وقتی دختر خانم، دانشجو یا طلبه یا شاغل هست در امور منزل نیاز به مساعدت شوهر دارد. زنان خانه‌دار نیز چون نیازمند رشد عاطفی و شکوفا شدن استعدادهای هنری و علمی خود هستند، می‌توانند تمام توان خود را مصروف امور منزل نکنند و به هر حال طبیعی است هر خانواده‌ای نیاز به نظافت، آشپزی و نگهداری فرزندان دارد در گذشته این امور وقت زیادی از زنان می‌گرفت و فرسایش جسمی زیادی را نیز به آنها تحمیل می‌کرد. اکنون با وجود لوازم برقی بسیاری از امور خانه داری آسانتر از گذشته انجام می‌شود. زنان نیز معمولاً با طیب خاطر و رضایت قلبی، کارهای منزل را

۱. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۷۰۲.

۲. ماده ۱۱۰۰ قانون مدنی.

۳. ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی (مجهول باشد مانند آنکه مهریه یک واحد آپارتمان باشد بدون تعیین مختصات آن و مالیت نداشته باشد مانند آنکه مهریه یک کیلو بال مگس قرار داده شود).

۴. ماده ۱۰۹۹ قانون مدنی. مانند آنکه زن و شوهر، خواهر و برادر رضاعی بوده و اطلاع نداشته و بعد از عقد و نزدیکی موضوع قرابت رضاعی آنها کشف شده باشد این نکاح باطل بوده است.

۵. صفایی، سید حسین، امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، ص ۱۶۹.

۶. ماده ۱۰۹۱ قانون مدنی.

۷. ماده ۱۰۹۴ قانون مدنی.

۸. ماده ۱۰۸۸ قانون مدنی.

۹. ماده ۱۰۹۲ قانون مدنی.

انجام می‌دهند خصوصاً زمانی که مشاهده می‌کنند همسر آنها از صبح تا شب مشغول زحمت و تلاش برای تأمین مخارج زندگی است، انتظار از مساعدت شوهر برای امور خانه‌داری را جفا در حق همسر می‌دانند. معمولاً کاربرد طلب اجرت‌المثل مربوط به مواردی است که زن پس از سالها زندگی مشترک و خانه‌داری و فرزندآوری و رسیدگی به فرزندان با جفای همسر مواجه می‌شود و بدون دلیل موجه، همسرش او را طلاق می‌دهد در این موارد زن برای اینکه پشتوانه‌ای مالی داشته باشد طلب اجرت‌المثل می‌کند. در هر صورت قانون مدنی تصریح داشته است: «چنانچه زوجه کارهایی را که شرعاً به عهده وی نبوده و عرفاً برای آن اجرت‌المثل باشد، به دستور زوج و با عدم قصد تبرع انجام داده باشد و برای دادگاه ثابت شود دادگاه اجرت‌المثل کارهای انجام گرفته را محاسبه و به پرداخت آن حکم می‌کند.»

مفهوم این ماده قانونی آن است که اگر زن در قبال امور منزل مطالبه اجرت یا دستمزد کند و این امور را مجانی انجام نداده باشد و شوهر به او دستور انجام امور خانه‌داری را داده باشد هر وقت زن بخواهد می‌تواند دستمزد خود را بابت این امور مطالبه کند. مطالبه این اجرت محدود به زمان طلاق نیست بلکه در طول زندگی مشترک و پس از فوت شوهر نیز از اموال شوهر قابل مطالبه می‌باشد.^۱ اگر شرایط مذکور در این قانون ثابت نشود دادگاه در صورت درخواست طلاق زوجین ضمن حکم طلاق مبلغی را به عنوان "نحله" یا همان بخشش یا هدیه بر طبق شرایطی تعیین می‌کند که مرد به زن بدهد. نحله با توجه به سنوات زندگی مشترک و کارهایی که زوجه انجام داده و میزان تمکن و استطاعت مالی مرد تعیین می‌شود. نحله در صورتی به زن داده می‌شود که زن درخواست طلاق نکرده باشد.^۲

نتیجه گیری:

آنچه در این کتاب آمده است، اساسی‌ترین قوانین حقوقی پیرامون خانواده بود که مورد نیاز زوج‌های جوان می‌باشد ولی در نهایت یادآوری می‌شود که اعمال حقوق نباید مورد سوء استفاده قرار گیرد.

- خانواده‌های اسلامی و متعادل براساس اعتقادات و اخلاقیات زندگی می‌کنند و حقوق تنها ساختار و اسکلت اولیه بنای خانواده را تشکیل می‌دهد.

- ازدواج، قراردادی است غیرمالی که بین زن و مرد به منظور تشکیل خانواده و ایجاد رابطه زوجیت منعقد می‌شود. این رابطه بر سه رکن آرامش و ابراز مهربانی و گذشت از خطاها استوار است ملاک معاشرت در خانواده «معروف» به معنای «رفتار پسندیده و نیکو» می‌باشد.

- ازدواج با خواستگاری مرد از زن آغاز می‌شود، در خواستگاری حاکمیت احساسات و تصنع و تکلف ممنوع است و خویشتن شناسی و واقع‌بینی ضرورت دارد.

- اختلاف در دین، اختلاف در تابعیت، متاهل بودن یا در عده بودن زوجه هر یک با شرایطی و براساس مصالحی از موانع نکاح

۱. نظریه مشورتی اداره کل حقوقی قوه قضاییه به شماره ۷۱۵۴۳۹ مورخ ۱۳۸۶/۰۸/۱۶.

۲. بند ب تبصره ۶ قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۱/۱۲/۲۱ "در غیر مورد بند الف" (اجرت‌المثل) با توجه به سنوات زندگی مشترک نوع کارهایی که زوجه در خانه شوهر انجام داده و وسع مالی زوج دادگاه مبلغی را از باب بخشش (نحله) برای زوجین تعیین می‌کند.

است. مفهوم همسان‌گزینی در همسریابی نیز در موانع نکاح به نحوی آشکار می‌شود.

- اگر بین خواستگاری و ثبت نکاح فاصله زمانی بوجود آید دوره نامزدی شروع می‌شود. نامزدی که تنها قول و قرار ازدواج است به معنای ازدواج نیست و تعهدی را برای نامزدها ایجاد نمی‌کند. بعد از آن می‌توانند از تصمیم ازدواج منصرف شوند اما اگر برهم زدن نامزدی بدون علت موجه باشد طرفین می‌توانند مخارجی را که به امید وصلت آتی انجام داده‌اند و موجود است، طلب نمایند.

- گاه در دوره نامزدی عقد موقت برگزار می‌شود باید توجه داشت طبیعت عقد موقت با نکاح دائم متفاوت می‌باشد. زن در عقد موقت ارث و نفقه ندارد و طلاق هم ندارد و با قید مدت از نکاح دائم تفکیک می‌شود و بدون تعیین مهر باطل است. اگر در عقد موقت نزدیکی صورت گیرد و ثبت نشده باشد اثبات پدری و فرزندى و زوجیت آسان نخواهد بود.

- برابر قوانین فعلی زن در نکاح باید حداقل ۱۳ سال و مرد ۱۵ سال داشته باشد ولی دعاوی و اختلاف بین چنین زوجینی در دادگاه با همراهی ولی قهری (پدر یا جد پدری) رسیدگی می‌شود زیرا هر چند سن نکاح در قانون مدنی همان است که قید شد ولی با توجه به قانون راجع به رشد متعاملین، مراجعه به دفاتر اسناد رسمی و دادگاه‌ها به شرط ۱۸ سال پذیرفته شده است.

- سلامت عقل و اراده در نکاح ضروری است و ازدواج تحمیلی و بدون رضایت دختر یا پسر نافذ نیست. رضایت والدین در نکاح بین زوجین امری پسندیده و به مصلحت خانواده جدید است. قانونگذار این رضایت را به ازدواج دختر محدود نموده است. همچنین مخالفت ولی قهری را با ازدواج دختر مشروط به داشتن دلیل موجه نموده و لذا دادگاه در مواردی که ولی قهری غایب است یا در دسترس نیست یا بدون دلیل منطقی از نکاح ممانعت می‌کند دخالت می‌نماید و در صورت اثبات این موارد اجازه نکاح را صادر می‌کند.

- در هر سند نکاحی، مشخصات عروس و داماد، مهریه، نوع نکاح، امضای زوجین و ۲ تا ۳ شاهد و ۲ مجری عقد یا ۱ مجری عقد و شروط ضمن عقد وجود دارد. در حال حاضر شروط ضمن عقد مشتمل بر سه شرط است. قسمت اول مربوط به آن است که در صورت طلاق بدون تقصیر زن، نیمی از اموال شوهر که پس از ازدواج بدست آمده است به زن داده می‌شود. قسمت دوم مربوط به مواردی است که در آن صورت زن از جانب شوهر وکیل است تا خود را مطلقه نماید. مانند آنکه شوهر از پرداخت نفقه امتناع کند یا ۶ ماه یا بیشتر غایب یا در حبس باشد یا زوج سوء معاشرت یا ابتلای به جنون یا بیماری صعب‌العلاج داشته باشد و قسمت سوم در خصوص نحوه پرداخت مهریه است که در هنگام مطالبه زن پرداخت شود یا در زمانی که مرد استطاعت پیدا می‌کند. شروط قسمت اول و دوم با امضای زوجین پذیرفته می‌شود و در قسمت سوم زوجین یکی از دو وضعیت عندالمطالبه یا عند الاستطاعه را انتخاب می‌کنند. شروط دیگری را نیز می‌توان به عقدنامه ملحق کرد.

- یکی از موضوعات حقوقی پیرامون ازدواج، وکالت در ازدواج می‌باشد این وکالت باید صریح و روشن باشد و در صورتی که بدون قید باشد وکیل نمی‌تواند زن یا مرد را به عقد خود درآورد و نمی‌تواند از حدود مهریه یا مشخصات تعیین شده برای زوج یا زوج تخلف کند.

- عقد نکاح برای زن و شوهر، حقوق و تکالیفی را به دنبال دارد که برخی از آنها وظیفه و حق هر دو طرف است و برخی از حقوق و تکالیف اختصاص به یک طرف دارد.

از تکالیف و حقوق مشترک زوجین، حسن معاشرت است. رفتار توأم با خوش‌رویی، مسالمت، پرهیز از مجادله و اختلاف، از مصادیق حسن معاشرت است. اظهار محبت، احترام متقابل، وفاداری زوجین به یکدیگر و تخصیص روابط جنسی به یکدیگر و فراهم آوردن

وسایل رفاه و آرامش هم از وظایف هر دو نفر برای حفظ بنیان خانواده است. مشارکت در امور خانواده، امانتداری یکی در غیاب دیگری، گذشت و مدارا، بخشیدن خطاهای یکدیگر و معاضدت و یاری در تربیت اولاد و حضانت فرزندان همه از حقوق و وظایف متقابل زوجین است.

از حقوق اختصاصی شوهر در خانواده که تکالیف شرعی و قانونی زن پس از رضایت به نکاح است عبارت است از: تمکین عام یعنی پذیرش ریاست شوهر و نظارت او در خانواده و تمکین خاص یعنی قبول حق زناشویی شوهر. البته نباید فراموش کرد حق زناشویی خاص را می‌توان در زمره حقوق و تکالیف مشترک نیز به حساب آورد؛ زیرا حکم نشوز برای زن یا مرد در ارتباط زناشویی پذیرفته شده است و زوجین هر دو موظفند نسبت به تمایلات جنسی یکدیگر بی‌تفاوت نباشند.

اما از حقوق اختصاصی زن (که تکالیف شرعی و قانونی مرد را به دنبال دارد) علاوه بر حق زندگی مشترک و داشتن روابط جنسی متعارف باید به وظیفه شوهر در تامین نفقه زوجه در حد متعارف و مطابق با شئونات زوجه اشاره کرد؛ هر چند که زوجه به قناعت و پرهیز از اسراف و زوج به وسعت و آسان‌گیری در تامین نیازها و مایحتاج زوجه ارشاد گردیده‌اند. پرداخت مهریه از دیگر وظایف زوج و حقوق زوجه است که به زنان درباره پرهیز از سخت‌گیری در مهریه و یا تعیین مهریه خارج از توان مرد و به مردان درباره قصد جدی پرداختن مهریه تاکید گردیده است. علاوه بر مهریه، به مالکیت و استقلال مالی زوجه در خانه همسر تاکید گردیده و یادآوری شده که جهیزیه و اثاث منزل که زن با خود به خانه همسر می‌آورد و به شوهر حق انتفاع می‌دهد، آن را از مالکیت زوجه خارج نمی‌کند. همانطور که آشکار شد، حقوق مالی زوجه و حقوق غیرمالی زوج در برابر دیگری فزونی دارد ولی هر دو طرف نسبت به گذشت و صلح حقوق به یکدیگر تشویق گردیده‌اند.

در اسلام زنان به ازدواج آسان و کم بودن مهریه، رضایت به نفقه در حد توانایی شوهر و عدم شکایت از شوهر و وفاداری به حقوق زناشویی توصیه شده‌اند. و مردان به مهربانی و مدارا و پذیرش درخواست‌های مشروع و منطقی زنان و تامین حقوق مالی آنان در حد وسعت و توانایی و مشارکت در خانه‌داری و تربیت فرزندان دعوت شده‌اند.

در پایان تکرار می‌شود که ملاک زندگی خانوادگی موفق، مطابق آیات مکرر قرآن کریم، معاشرت به معروف است؛ یعنی زندگی براساس تعالی روح انسانی. اختلاف ناشی از مداخله نفسانیات است و اگر رشد و تعالی، هدف خانواده اسلامی باشد در مشکلات این مسیر یکدیگر را برای رفع موانع یاری می‌کنند. علاوه بر آن استفاده از راهنمایی‌هایی‌های یک راهنما که زوجین جوان او را حکم و داور در مسیر تعالی خود قرار دهند؛ (هر چند برخلاف یکی یا هر دو نظر دهد) می‌تواند رفع کدورت‌ها را تسریع نماید و شادی و همراهی را تضمین کند.

بخش دوم: احکام خانواده

اسلام آخرین و کامل‌ترین مکتب الهی است که تمام برنامه‌های آن مطابق مصلحت انسان‌ها بوده و عمل نمودن به آنها ضامن سعادت بشر می‌باشد. خداوند که خالق انسان است، نسبت به مصالح و مفاسد زندگی او و خواسته‌ها و احتیاجات فطری او آگاه است و جهت سعادت و دستیابی به مصالح و دور بودن او از خطرات و مفاسد، قوانینی را برای زندگی او به عنوان وظایف عبادی، اقتصادی، اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و ... در حوزه‌های فردی و اجتماعی وضع نموده و از طریق پیامبران و اوصیاء آنها (ع) به بشر ابلاغ نموده است.

مسلمان برای نیل به سعادت حقیقی باید تمام برنامه‌های زندگی خود را بر طبق این قوانین تنظیم نماید. عمل به این دستورات که در واقع همان احکام فقهی دین می‌باشند، مستلزم آن است که هر فردی در حد مورد نیاز خود نسبت به آن‌ها معرفت و شناخت پیدا کند. کوتاهی در فراگیری مسائل دین و در نتیجه عمل نکردن به آنها به بهانه‌ی ندانستن، از یک سو موجب مشکلات و گاه بحران‌هایی در زندگی دنیوی می‌گردد و از سوی دیگر ناخشنودی پروردگار و عقاب اخروی را در پی دارد. بنابراین عدم آگاهی از احکام موجب سقوط تکلیف از عهده‌ی مکلف نمی‌شود و عمل کردن به احکام و دستورات دین سعادت زندگی دنیا و آخرت را رقم می‌زند و مانع بسیاری از گرفتاری‌ها و مشکلات در زندگی دنیا می‌شود.

به فرموده مقام معظم رهبری «اگر جامعه اسلامی، ایمان اسلامی را همراه با عمل به مقررات و قوانین الهی تعقیب کند، همان چیزی اتفاق خواهد افتاد که بشریت در طول تاریخ به دنبال آن بوده است. یعنی آسایش و رفاه مادی همراه با تکامل و پیشرفت و عروج معنوی.»^۱

حضرات معصومین علیهم السلام عهده دار بیان احکام الهی بودند، شاگردان و اصحاب خود را نیز مسئول بیان مسائل حلال و حرام و احکام دین می‌نمودند و مردم را به آنان ارجاع می‌دادند. همچنین به برخی از یاران خود، امر می‌کردند که برای مردم فتوی دهند و به سفارش آنان، در زمان غیبت حضرت ولی عصر (عج)، این مسئولیت به عهده‌ی فقهاء جامع شرایط می‌باشد. امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِتًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا عَلَى هَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ يُقْلَدُوهُ»^۲ پس هر کس از فقها که نگهدار نفسش، نگهبان دینش، مخالف هوای نفسش و مطیع فرمان مولایش باشد، بر عموم مردم است که از او تقلید کنند.

در توقیعی از امام زمان (عج) نیز آمده است: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةٍ حَدِيثَنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ»^۳ ... و اما در رویدادهایی که پدید می‌آید، پس رجوع کنید در آن وقایع به روایت کنندگان احادیث^۴ ما که آنها حجت من بر شما هستند و من حجت خداوند (بر آنان) می‌باشم.

در واقع همانگونه که انسان برای مشکلات جسمی به پزشک متخصص مراجعه می‌نماید و برای بهبودی به دستورات او عمل

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم مشهد و زائران امام رضا علیه السلام، ۱۳۷۰/۱/۲۹

۲. وسائل الشیعه؛ ج ۲۷، ص: ۱۳۱

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۰

۴. منظور از روایت حدیث، همان فقهاء هستند. فلعل السرّ فيه أن علماء الشيعة ليس لهم رأى من عند أنفسهم في قبال الأئمة (عليهم السلام) فإنهم لا يستندون إلى القياس والاستحسان والاستقراء الناقص ... وإنما يقتون بالروايات الماثورة عنهم (عليهم السلام) فهم في الحقيقة ليسوا إلّا رواة حديثهم. موسوعة الإمام الخوئي، ج ۱، ص ۷۱

می‌کند، در دستورات دین هم باید به متخصصین مراجعه نموده و بر طبق نظرات آنها که از منابع دینی استخراج شده است، عمل نماییم تا به زندگی سعادت‌مند دنیوی و اخروی نائل شویم. پس تقلید به معنای مراجعه فرد غیر متخصص در مسائل و احکام دینی به متخصص دین و عمل بر طبق آن می‌باشد.

ازدواج و تشکیل خانواده، آغاز فصلی سرنوشت ساز در زندگی انسان است، که اگر بر مبنای اصول الهی واقع شود، می‌تواند رشد و تعالی زوجین و تربیت شایسته فرزندان را رقم زند و به لحاظ فردی و اجتماعی منشا خیرات فراوانی گردد. نگاه اسلامی، ازدواج را حافظ نصف دین می‌داند^۱ و هیچ بنائی را نزد خداوند محبوب‌تر و ارزشمندتر از تشکیل خانواده نمی‌داند^۲. بدیهی است که این ازدواج به معنای اجتماع نر و ماده، آن گونه که در حیوانات و گیاهان وجود دارد، نیست. بلکه پیوندی است که بر مبنای احکام و دستورات شرعی و قوانین الهی که در قرآن مجید و فرمایشات نورانی پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم‌السلام آمده، شکل گرفته و استمرار می‌یابد. هدف از تدوین این بخش، بیان ساده و روان احکام شرعی مربوط به ازدواج، برای مربیان دختران و پسرانی است که پای در مسیر بستن این پیمان مقدس گذارده‌اند، تا آنها بدانند این پیمان الهی را چگونه آغاز کنند و چگونه زندگی کنند تا خوشبخت باشند. روابط خویش را چگونه تنظیم کنند تا مودت، رحمت و عشق و محبتشان به یکدیگر تداوم یابد و هرگز کم نشود و از موهبت فرزندانی سالم و صالح برخوردار گردند. البته این مختصر گنجایش بیان مفصل همه مباحث فقهی و احکام دینی در این خصوص را ندارد، به ویژه که در بعضی از مسائل و موضوعات، فتاوا و نظرات مراجع عظام دارای تفاوت‌هایی است. لیکن در حد توان گلچینی از مهم‌ترین مسائل شرعی حول محور ازدواج، که در ابواب مختلف فقهی بیان شده، در این بخش جمع‌آوری شده است. این کتاب در جهت اجرای قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت که در سال ۱۴۰۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، و آموزش‌های حین ازدواج را الزامی نمود، تهیه و تدوین گردیده است.

این مجموعه مشتمل بر ۷ فصل با ترتیب مباحث زیر می‌باشد:

فصل اول: پیروی از احکام و فتاوی مرجع تقلید

فصل دوم: احکام نامزدی

فصل سوم: احکام ازدواج

فصل چهارم: احکام فرزندآوری و مباحث پیرامون

فصل پنجم: احکام روابط اجتماعی همسران

فصل ششم: احکام مسائل اقتصادی خانواده

فصل هفتم: احکام متفرقه مورد نیاز همسران

در پایان ذکر چند نکته برای استفاده بهتر از این مجموعه لازم است:

۱. متن اصلی مباحث فقهی کتاب، از کتاب «توضیح المسائل مراجع» (توضیح المسائل محشی)، با محوریت متن رساله‌ی مرجع عظیم الشان، حضرت امام خمینی، «ره» تنظیم شده است. همچنین در برخی از مواردی که فی‌مابین فقهاء بزرگوار وحدت

۱. وسائل الشیعه، کتاب النکاح، ج ۲۰، ص ۱۶، ح ۱۱ و ۱۲

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ابواب مقدّمات النکاح و آداب، باب ۱، ص ۱۴، ح ۴

نظر وجود داشته، از بیان فتوای مذکور در کتاب «العروه الوثقی» تالیف مرحوم سید محمد کاظم یزدی و نیز «تحریر الوسیله» تالیف حضرت امام خمینی «ره» استفاده شده است.

۲. به جهت وجود محدودیت در حجم کتاب و با توجه به تعداد و فراوانی مقلدین مراجع عظام، بیان مباحث فقهی، علاوه بر متن اصلی، براساس نظرات رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای و نیز نظرات حضرت آیت الله العظمی سیستانی و حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی تدوین گشته است. مقلدین سایر مراجع عظام با کمک مربیان محترم، به رساله‌های عملیه و دفاتر آن بزرگواران راهنمایی گردند.

۳. همه مسائل فقهی با آخرین چاپ رساله‌ها و استفتائات و پایگاه‌های اطلاع رسانی دفاتر مراجع بزرگوار نامبرده در بالا بررسی و تطبیق داده شده و برای رعایت اختصار و طولانی نشدن آدرس‌ها، در مواردی که اتفاق نظر بوده‌است، به کتاب «توضیح المسائل مراجع» آدرس داده شده و در موارد اختلافی و نیز برخی موارد اتفاق نظر، به جهت اهمیت مطلب و برای سهولت مراجعه مربیان گرامی، آدرس منابع نظرات مراجع عظام آورده شده است.

۴. شیوه تدوین کتاب: در هر مسأله ابتدا فتوای حضرت امام خمینی «ره» که به عنوان متن محوری کتاب «توضیح المسائل مراجع» به شمار می‌آید، بیان شده است؛ سپس فتاوای مراجع عظام نامبرده، در صورت تفاوت با نظر حضرت امام خمینی (ره) با علامت «*» ذکر می‌گردد.

۵. سعی بر این بوده است که در مسائل فقهی، عین عبارات مراجع عظام آورده شود، لیکن در بعضی موارد برای جلوگیری از اطاله کلام یا روان و قابل فهم بودن مطلب، با تاکید بر حفظ محتوا، دخل و تصرف مختصری در عبارت صورت گرفته است.

۶. از بیان مطالب و مواردی که در آن تفاوت فتاوا وجود داشته و منشأ آن مباحث عمیق و تخصصی فقهی بوده و ثمره کاربردی چندانی ندارد، صرف نظر شده است.

فصل اول: پیروی از احکام و فتاوی مرجع تقلید

عقیده مسلمان به اصول دین باید از روی دلیل باشد. لیکن درخصوص احکام، هر مسلمان مکلفی^۱ که در زمینه شناخت احکام دین تخصصی ندارد و به مرتبه اجتهاد نرسیده باید در تمام عبادات و معاملاتش و در تمامی احکامی که با آن ها سر و کار پیدا می کند، اعم از واجبات، محرمات و حتی مستحبات، مکروهات و مباحات؛ از مجتهد دارای شرایط، که متخصص در امر دین است، تقلید کند^۲، یعنی در احکام به دستور آن مجتهد رفتار نماید^۳. همان گونه که مردم در تمام اموری که تخصص و اطلاع ندارند، به اهل اطلاع مراجعه می کنند و از آنها پیروی می نمایند.

۱- شرایط مرجع تقلید

از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد، بالغ، عاقل، شیعه دوازده امامی، حلال زاده، زنده و عادل^۴ باشد و نیز بنابر احتیاط واجب، حریص به دنیا نباشد و از مجتهدین دیگر اعلم باشد. یعنی در فهمیدن حکم خدا از تمام مجتهدین زمان خود استادتر باشد^۵.

* آیت الله خامنه ای زنده بودن مجتهد را بنابر احتیاط واجب لازم می داند^۶.

** آیت الله سیستانی در شرط اعلم بودن مجتهد: در صورتی که مکلف اجمالاً بداند در مسائلی که برایش پیش می آید، مجتهدین

۱ ملاک تکلیف از نظر قرآن و روایات رسیدن به «بلوغ شرعی» است. یکی از نشانه های بلوغ در پسران کامل شدن ۱۵ سال قمری و وارد شدن در ۱۶ سالگی است؛ و در دختران کامل شدن ۹ سال قمری و وارد شدن در ۱۰ سالگی است. هر سال شمسی ۱۱ روز بیشتر از سال قمری است بنابراین با محاسبه ای این تفاوت و احتساب سال کبیسه، زمان بلوغ در پسران به سال شمسی حدوداً ۱۴ سال و ۶ ماه و ۲۰ روز و زمان بلوغ در دختران ۸ سال و ۸ ماه و ۲۵ روز می باشد. برای آگاهی از دیگر نشانه های بلوغ می توانید به رساله های مراجع بزرگوار مراجعه کنید.

۲ امور ضروری دین و مذهب، که کسی در آن اختلاف ندارد، مثل اصل حکم واجب بودن نمازهای یومیه، نیاز به تقلید ندارد.

۳ البته کسی که موارد احتیاط را می داند، می تواند از راه احتیاط به وظیفه ای خود عمل نماید به طوری که یقین کند تکلیف خود را انجام داده است. لیکن عمل به احتیاط مشکل است و نیاز به اطلاعات نسبتاً وسیعی از مباحث فقهی دارد، لذا راه برای غالب مردم، همان مراجعه به مجتهدین و تقلید از آن هاست.

۴ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲

۵ تعریف عادل بنابر آنچه که در رساله مراجع بزرگوار آمده است، عیناً در اینجا منعکس می شود.

آیت الله خامنه ای، عادل کسی است که پرهیزکاری او به حدی رسیده باشد که از روی عمد مرتکب گناه نشود. اجوبه الاستفتائات، م ۱۳

آیت الله سیستانی: عادل کسی است که کارهایی را که بر او واجب است به جا آورد و کارهایی را که بر او حرام است ترک کند و کسی که بدون عذر شرعی، واجبی را ترک کرده یا حرامی را مرتکب شود، عادل نیست و در این امر فرقی بین گناه صغیره و کبیره نیست. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۷

آیت الله مکارم: عادل کسی است که دارای حالت خداترسی باطنی است که او را از انجام گناه کبیره و اصرار بر گناه صغیره باز می دارد. توضیح المسائل، م ۳

۶ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۲

۷ اجوبه الاستفتائات / خامنه ای، علی / ص ۱۶ / س ۲۲

با هم اختلاف فتوی دارند، لازم است از مجتهدی تقلید کند که اعلم باشد. همچنین ایشان شرط حریص به دنیا نباشد، را ذکر نکرده‌اند و شرط کمتر نبودن حافظه مجتهد از مقدار متعارف را اضافه کرده‌اند^۱

*** آیت الله مکارم زنده بودن و عادل بودن مجتهد را بنابر احتیاط واجب لازم می‌دانند.^۲

۲- راه‌های شناخت مجتهد اعلم

مجتهد و اعلم را از سه راه می‌توان شناخت:

الف - خود انسان یقین کند. مثل آن که از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.

ب - دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تأیید کنند، به شرط آن که دو نفر عالم دیگر با گفته آنان مخالفت ننمایند.

ج - عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می‌شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تأیید کنند.^۳

* آیت الله خامنه‌ای: از دو راه می‌توان مجتهد حایز شرایط را شناخت:

۱. اطمینان، چه از راه شهرت فراگیر میان مردم و چه از راه تجربه‌ی شخصی و چه از راه دیگر.^۴

۲. شهادت دو نفر عادل از اهل خبره، هر چند موجب اطمینان نشود.

اگر بینه‌ی شرعی (مثل شهادت دو نفر عادل و اهل خبره) بر صلاحیت و جامع‌الشرائط بودن مجتهدی اقامه شود، تا زمانی که بینه‌ی شرعی دیگری که معارض آن باشد، پیدا نشود، آن بینه حجت شرعی است و به آن اعتماد می‌شود، اگر چه موجب حصول اطمینان نباشد، و در این صورت جستجو از بینه‌ی معارض و احراز عدم وجود آن لازم نیست.^۵

*** آیت الله سیستانی: علاوه بر یقین خود انسان و شهادت دو نفر عالم عادل (راه اول و دوم)، در ضمن راه دوم گفته یک نفر از اهل خبره و اطلاع که مورد اعتماد انسان باشد را نیز کافی می‌دانند. راه سوم را هم به طور کلی حصول اطمینان به اجتهاد یا علمیت فرد، از راه‌های معقول می‌دانند. مثل آنکه عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، و از گفته آنان اطمینان پیدا می‌شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.^۶

*** آیت الله مکارم: راه اول و دوم را قبول دارند و راه سوم را هم حصول یقین از طریق اشتهار در میان اهل علم و محافل علمی

۱ توضیح المسائل / حسینی سیستانی، علی / ص ۱۵ / م ۲

۲ توضیح المسائل / مکارم شیرازی، ناصر / ص ۲۰ / م ۳

۳ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳

۴ مثل اینکه عده‌ای از اهل علم که توانایی تشخیص مجتهد و اعلم را دارند، مجتهد و اعلم بودن کسی را تأیید کنند و از گفته آنان اطمینان پیدا شود.

۵ رساله آموزشی، ج ۱، ص ۱۹

۶ توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۸

می‌دانند.^۱

۳- یادگیری احکام شرعی

مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد، واجب است یاد بگیرد.^۲

* آیت الله خامنه‌ای: مکلف باید مسائلی را که انجام تکالیف شرعی روزمره وابسته به دانستن آن است فرا بگیرد، مانند مسائل اصلی

نماز و روزه و طهارت و برخی معاملات و غیر آن، و اگر یاد نگرفتن احکام به ترک واجب یا ارتکاب حرام بیانجامد، گناهکار خواهد بود.^۳

** آیت الله سیستانی: بر مکلف لازم است مسائل محل ابتلا را که احتمال می‌دهد به علت یاد نگرفتن آنها، واجبی را ترک کرده

یا حرامی را انجام دهد، یاد بگیرد.^۴

*** آیت الله مکارم: هر کس باید مسائلی را که معمولاً مورد احتیاج او واقع می‌شود یاد گیرد یا طریقه احتیاط آن را بداند.^۵

۱ توضیح المسائل، ص ۲۰، م ۵

۲ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، ص ۲۹، م ۱۱

۳ اجوبه الاستفتائات، ص ۱۴، س ۶ و رساله آموزشی، ج ۱، درس ۱

۴ توضیح المسائل جامع، ج ۱، ص ۵۱، م ۱۷

۵ توضیح المسائل، ص ۲۱، م ۱۲

فصل دوم: احکام دوران نامزدی

۱- تعریف دوران نامزدی

در احکام اسلامی، چیزی به نام "دوران نامزدی" یا شبیه آن وجود ندارد. ولی در عرف، معمولاً فاصله‌ی زمانی پس از توافق دو خانواده و تصمیم بر ازدواج تا اجرای مراسم عقد شرعی را نامزدی می‌گویند. برخی از خانواده‌ها بعد از طی مراحل خواستگاری و بله برون، تا قبل از عقد رسمی، مدت زمانی کوتاه یا طولانی را برای آشنایی دختر و پسر قرار می‌دهند تا بیشتر معاشرت کنند و با خلق و خوی یکدیگر بیش از گذشته آشنا شوند و چنانچه مایل به ازدواج با هم بودند، مقدمات عقد را فراهم کنند. گاهی اوقات دختر و پسر در این دوران نامحرم بوده و عقد موقت واقع نمی‌شود و گاهی تا قبل از زمان عقد دائم، عقد موقت خوانده شده و دختر و پسر به یکدیگر محرم می‌شوند.

۲- نامزدی بدون محرمیت

اگر در دوران نامزدی بین دختر و پسر صیغه‌ی عقد جاری نشده، هر گونه نگاه یا سخن گفتن با قصد لذت و هر نوع تماس جسمی گناه و حرام است حتی اگر نسبت به ازدواج با یکدیگر در آینده نزدیک (مثلاً یک ساعت بعد)، اطمینان داشته باشند.

۳- نامزدی با محرمیت

از نظر شرعی، دختر و پسر با خواندن صیغه‌ی عقد موقت زن و شوهر می‌شوند. بنابراین نگاه به یکدیگر، شوخی، تماس بدنی و هر نوع ارتباطی برای آنها حلال است. البته در فرهنگ ما، داشتن ارتباط زناشویی قبل از عروسی، از نگاه عرف مردم پسندیده نیست و حتی بهتر است که دو طرف از هر گونه تماس جسمی خودداری کنند، چرا که ممکن است در صورت به هم خوردن رابطه و منتفی شدن ازدواج، لطمه‌های روحی و روانی جبران ناپذیری بر آنها وارد آید.

۴- عقد موقت و شرایط صحت آن

باید توجه داشت آنچه در بین مردم به نام «صیغه‌ی محرمیت» شهرت دارد، همین عقد موقت (عقد منقطع) است که در بسیاری از احکام همانند عقد دائم بوده و در مواردی با آن تفاوت دارد.

با خواندن صیغه‌ی عقد دائم یا موقت، علاوه بر ایجاد رابطه‌ی محرمیت بین زن و شوهر، افراد دیگری از دو خانواده نیز با عروس

یا داماد محرم می‌شوند که در بعضی از موارد این محرمیت دائمی بوده، حتی در صورت اتمام مدت صیغه نیز، محرمیت باقی می‌ماند (مانند محرمیت داماد و مادر زن یا عروس و پدر شوهر).

در ادامه برخی از احکام عقد موقت که دانستن آن‌ها در این مرحله مفید است، بیان می‌شود و سایر مباحث در قسمت احکام ازدواج خواهد آمد.

در عقد موقت که برای مدت زمان مشخص منعقد می‌گردد، همانند عقد دائم، حتماً باید صیغه، خوانده شود و صرف رضایت قلبی دو طرف، بدون خواندن صیغه‌ی عقد کفایت نمی‌کند. صیغه‌ی عقد (که مرکب از ایجاب و قبول است) می‌تواند توسط خود عروس و داماد خوانده شود و یا فرد دیگری به وکالت از طرف آنان بخواند.^۱

با توجه به اهمیت اجرای صیغه و جزئیات آن، بهتر است برای خواندن صیغه‌ی عقد، فردی که نسبت به صیغه‌ی نکاح و مسائل آن، مانند مشخص بودن مدت و مبهم نبودن مهریه آگاهی کامل دارد، از طرف عروس و داماد وکیل شود و صیغه‌ی عقد را بخواند. لازم به ذکر است که باید از اجرای صیغه‌ی عقد توسط وکیل مطمئن شد^۲ و صرف وکالت دادن دال بر محرمیت عروس و داماد نمی‌باشد.

۴-۱- نمونه ای از صیغه‌ی عقد موقت

اگر خود عروس و داماد بخواهند صیغه‌ی عقد موقت را بخوانند، باید ابتدا مدت و مهر را تعیین کنند و سپس زن به این صورت ایجاب را بگوید: زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ (همان مدت تعیین شده مثلاً یک ماه) عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ (همان مهر تعیین شده مثلاً یک سکه) یعنی من خودم را به همسری تو در مدت معین با مهر معین درآوردم.

سپس مرد بدون فاصله بگوید: قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ (یا: قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ لِنَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ) یعنی قبول کردم.^۳

۴-۲- شرایط صحت عقد موقت

برای صحت عقد موقت شرایطی وجود دارد. اهم این شرایط، عبارتند از:

۴-۲-۱- اذن ولی دختر

در صحت عقد موقت، چنانچه دختر باکره باشد، اذن ولی او (یعنی پدر یا جد پدری) لازم است.^۴ این حکم براساس شرایط مختلف و برطبق نظرات مراجع بزرگوار، گاه به فتوی و گاه به احتیاط واجب بیان شده است. توضیحات بیشتر در این خصوص، در قسمت عقد دائم می‌آید. به استفتاء زیر توجه کنید.

سؤال: آیا برای ازدواج موقت اذن پدر لازم است؟ اگر بدون اجازه‌ی پدر، عقد و ازدواج موقت انجام شده باشد، تکلیف چیست؟
پاسخ: بنا بر احتیاط واجب در ازدواج با دختر باکره اجازه پدر یا جد پدری او لازم است و بدون آن بنا بر احتیاط، عقد صحیح نیست. اگر بدون اذن پدر عقد موقت خوانده شده، احتیاط واجب آن است که از پدر یا جد پدری اجازه گرفته شود و یا این که پسر بقیه‌ی مدت

۱. در وکالت، هریک از عروس و داماد می‌توانند وکیل جدا داشته باشند یا یک نفر از طرف هر دو وکیل شود. توضیح المسائل مراجع، بنی هاشمی خمینی، محمد حسن، ج ۲، ص ۵۷۹، م ۲۳۶۳

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۰۲۷

۳. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۵۸۳، م ۲۳۶۹

۴. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ص ۵۹۰، م ۲۳۷۶

عقد موقت را ببخشد، و از یکدیگر جدا شوند.^۱

سؤال: ازدواج موقت با دختری که همکار من می باشد و سنش ۳۳ سال است و از والدین خود جدا زندگی می کند، بدون اجازه گرفتن از پدرش چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر دختر باکره بالغ و رشیده باشد (یعنی مصلحت خود را تشخیص می دهد) و همچنین مستقل باشد (یعنی در تصمیم گیری - های مهم زندگی نسبت به خود مانند کارمند شدن و نسبت به مال خود مانند خرید و فروش و بخشش اموال خود از نظارت پدر و مادر مستقل است)، بنابر احتیاط واجب جایز نیست بدون اجازه ولی (پدر یا جد پدری) عقد کند، و در این فرض می تواند به فقیه دیگری با رعایت ترتیب در اعلمیت رجوع کند.^۲

سؤال: چنانچه دختری بدون اذن پدر با مردی ازدواج کرده باشد، عقد آن ها چه حکمی دارد؟
پاسخ: در صورت امکان به شکلی رضایت پدر را جلب کند، در غیر این صورت عقد آن ها اشکال دارد و احتیاط واجب آن است که پسر باقیمانده مدت را ببخشد و از همدیگر جدا شوند و اگر عقد دائم بوده او را طلاق دهد.^۳

۴-۲-۲- معین بودن مهریه

در صحت عقد موقت، ذکر مهریه ی مشخص لازم است. اگر مهریه ذکر نشود یا مهریه ی ذکر شده مبهم باشد، عقد موقت باطل است.^۴

سؤال: در صورتی که زن و مردی به قصد آشنایی و ازدواج دائم، اقدام به انعقاد عقد موقت نمایند و با هم توافق کنند که مهریه یک انگشتر عقیق و یک کتاب تربیت کودک باشد، آیا این عقد باطل است؟
پاسخ: صرف تعیین انگشتر و کتاب به صورت کلی و مبهم جهت مهریه در عقد موقت صحیح نیست؛ اما اگر مهریه ی مذکور به حسب نوع و مقدار بین طرفین معین باشد، در صورتی که سایر شرائط را رعایت کنند از جمله این که اگر دختر باکره است، بنابر احتیاط واجب، عقد با اذن پدر یا جد پدری دختر باشد و بعد از تعیین مدت، صیغه ی صحیح شرعی خوانده شود، اشکال ندارد.^۵

۴-۲-۳- تعیین مدت

برای صحت عقد موقت، ذکر مدت معلوم و معین لازم است. پس اگر مدت، عمدا یا از روی فراموشی ذکر نشود، عقد موقت به عقد دائم تبدیل می شود. چنانچه مدت ذکر شده در عقد مبهم باشد، عقد متعه باطل است و تبدیل شدن آن به عقد دائم محل اشکال است. بنابراین احتیاط واجب آن است که صیغه طلاق، اجراء شده و دوباره عقد خوانده شود.^۶

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۴۸۶۳۵

۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیه الله سیستانی، پرسش و پاسخ فقهی. هرگاه فقیه در مساله ای احتیاط واجب دهد، بر مکلف واجب است که یا به مضمون همان احتیاط عمل کند یا در مسئله مورد نظر، از مرجع دیگری تقلید کند که پس از مرجع تقلید خودش، به لحاظ علمی از دیگر مراجع بالاتر است.

۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیه الله مکارم، احکام شرعی، استفتائات

۴. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، القول فی النکاح المنقطع، م ۵؛ آیت الله خامنه ای، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۷۰۷۷۳؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، ص ۱۵۵، م ۳۲۷؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۲۰۷۰

۵. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۳۳۰۲۲

۶. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، القول فی النکاح المنقطع، م ۹؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۶۹۳۳۷

**** آیت الله سیستانی:** مدت عقد موقت باید در صیغه‌ی عقد ذکر شود. بنابراین اگر صیغه‌ی عقد - عمدا یا از روی فراموشی، غفلت یا ندانستن مساله - بدون ذکر مدت عقد واقع شود، باطل است. هرچند بین طرفین مدت آن مشخص باشد؛ البته چنانچه قبل از خواندن عقد، مدت تعیین شده، ذکر آن در صیغه‌ی عقد به صورت «فی المده المعلومه» کافی است.^۱

***** آیت الله مکارم:** در ازدواج موقت باید مقدار وقت تعیین شده باشد و بدون آن باطل است.^۲

سؤال: اگر در عقد موقت، مدت عقد تصریح نشود و توافق شود تا ازدواج دائم، آیا عقد باطل است؟

پاسخ: عقد موقت باطل است و بنابر احتیاط واجب تبدیل به عقد دائمی می‌شود.^۳

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۴، ص ۱۵۹، م ۳۳۷

۲. توضیح المسائل، ص ۴۰۳، م ۲۰۷۰

۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۶۹۲۳۷

فصل سوم: احکام ازدواج

۱- پیش از تشکیل زندگی مشترک

منظور از زندگی مشترک، رفتن عروس و داماد زیر یک سقف و آغاز زندگی خانوادگی است که معمولاً پس از برگزاری مجلس عروسی، با شب زفاف آغاز می‌شود.

۱-۱- عقد ازدواج

منظور از عقد ازدواج در این‌جا همان عقد دائم است. در مورد ازدواج و عقد دائم، مباحث بسیاری مطرح است که تعدادی از مسائل پرکاربرد آن به اختصار بیان می‌شود. برای اطلاع از سایر موارد باید به رساله‌های مراجع عظام مراجعه شود. عقد در لغت به معنای گره زدن و محکم کردن است. با اجرای صیغه‌ی عقد دائم، سرنوشت زن و مرد به یکدیگر پیوند می‌خورد، عزت‌ها، افتخارات، ذلت‌ها و سرافکندگی‌های هر یک از زن و شوهر متعلق به هر دوی آنهاست. از این رو با تشکیل کانون خانواده، باید به دنبال رشد و تعالی خانواده بود. هر یک از زن و شوهر دیگر، من نیستند، تبدیل به ما شده‌اند و در سایه‌ی یکدیگر معنا می‌شوند. بنابراین باید تلاش کنند تا علاوه بر اینکه خود، اهل بهشت باشند، یکدیگر را نیز اهل بهشت نمایند و بنیان مستحکمی را در سایه‌ی رعایت دستورات دین، برپا نمایند. در بعضی از روایات آمده است که زن و شوهر اگر هر دو به بهشت بروند در صورت تمایل باز هم در بهشت الهی این پیوند ادامه می‌یابد.^۱ با تحکیم بنیان خانواده و تعالی آن هریک از زوجین به رشد و کمال دست می‌یابند و رعایت دستورات و احکام دین علاوه بر تحقق رشد و کمال در زوجین و تحکیم بنیان خانواده، از بروز برخی از مشکلات و بحران‌ها در زندگی جلوگیری خواهد نمود.

۱-۲- شرایط صحت عقد دائم

در کتب فقهی شرایط متعددی برای صحت عقد دائم ذکر گردیده است:

۱-۲-۱- صیغه عقد

در عقد دائم نیز همانند عقد موقت، خواندن صیغه‌ی عقد، (مربک از ایجاب و قبول) لازم است و مجرد راضی بودن زن و مرد کافی نیست.^۲ زن و مرد می‌توانند صیغه‌ی عقد را خود بخوانند یا برای اجرای آن وکیل بگیرند.^۳ ایجاب توسط زوجه (یا وکیل او) و قبول

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۹۷ و ج ۶۸، ص ۳۸۴.

۲. بنابر این «ازدواج سفید» یا «ازدواج کامن لا» یا ازدواج با اسامی و عناوین عرفی دیگر که بدون خواندن صیغه‌ی عقد نکاح صورت می‌پذیرد و طرفین با مجرد رضایت قلبی، اقدام به زندگی با یکدیگر همراه با روابط جنسی یا بدون آن می‌نمایند، صورت شرعی ندارد. آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، ص ۱۰۰

۳. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۳۶۳

توسط زوج (یا وکیل او) خوانده می‌شود. مراجع بزرگوار در خواندن صیغه‌ی عقد، توجه به نکاتی را لازم می‌دانند، که پرکاربردترین آن‌ها عبارتند از:

الف) خواندن صیغه به قصد انشاء

صیغه‌ی عقد به قصد انشاء و واقع ساختن نکاح و ازدواج خوانده می‌شود. یعنی اگر خود مرد و زن صیغه را می‌خوانند، زن با گفتن «زَوَّجْتُكَ نَفْسِي» قصدش این باشد که خود را زن او قرار دهد و مرد با گفتن «قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ» زن بودن او را برای خود قبول نماید و اگر وکیل مرد و زن صیغه را می‌خوانند، با گفتن «زَوَّجْتُ وَ قَبِلْتُ» قصدشان این باشد که مرد و زنی که آنان را وکیل کرده‌اند، زن و شوهر شوند.^۱

ب) خواندن صیغه به صورت صحیح و کامل

اگر در عقد، یک حرف غلط خوانده شود که معنی آن را عوض کند، عقد باطل است.^۲

ج) خواندن صیغه با لفظ عربی صحیح^۳

بنابر احتیاط واجب باید صیغه به لفظ عربی صحیح خوانده شود.

د) رعایت موالات بین ایجاب و قبول در خواندن صیغه^۴

موالات به معنای پشت سر هم و پی در پی آمدن دو چیز است. در اصطلاح فقهی، پشت سر هم و بدون فاصله انجام دادن اجزای یک عمل را موالات می‌نامند. ملاک در تعیین موالات تشخیص عرف است.

سؤال: آیا جاری کردن عقد ازدواج از طریق فضای مجازی (صوتی یا تصویری) جایز است؟

پاسخ: اگر صیغه‌ی عقد را طرف مقابل بشنود و عقد با موالات بین ایجاب و قبول و سایر شرایط - از جمله اذن ولی در ازدواج دختر باکره - خوانده شود، اشکال ندارد.^۵

ه) وکالت در اجرای عقد

در صورتیکه زن و مرد برای اجرای صیغه‌ی عقد، به دیگری وکالت داده‌اند، تا یقین نکنند^۶ که وکیل آنها صیغه را خوانده است، نمی‌توانند به یکدیگر نگاه محرمانه نمایند و گمان به اینکه وکیل صیغه را خوانده است، کفایت نمی‌کند، ولی اگر وکیل بگوید صیغه را خوانده ام کافی است.^۷

۱. همان، م ۲۳۷۰

۲. همان، م ۲۳۷۱

۳. همان، م ۲۳۷۰

۴. همان، م ۲۳۶۸

۵. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۵۸۹۹۵

۶. آیت الله سیستانی به جای یقین، از واژه‌ی «اطمینان» استفاده کرده‌اند که با یقین تفاوت مختصری دارد.

اطمینان آرامش نفس نسبت به چیزی است که به آن آگاهی یافته‌است و از آن به ظن نزدیک به یقین تعبیر می‌شود ولی یقین علمی است که هیچ شکی در آن راه ندارد.

۷. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۳۶۵؛ تحریر الوسیله، ج ۲، فصل فی عقد النکاح، م ۱۴؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش

۶۵۰۰۹

**** آیت الله سیستانی:** اگر وکیل بگوید صیغه را خوانده‌ام، ولی اطمینان به گفته‌ی او نباشد، احتیاط واجب آن است که بر آن ترتیب اثر ندهند.^۱

***** آیت الله مکارم:** اگر وکیل مورد اعتماد باشد و بگوید صیغه را خوانده‌ام کافی است.^۲

• نمونه‌ای از صیغه‌ی عقد دائم

یک نمونه از صیغه‌ای که توسط خود زوجین خوانده می‌شود^۳، این چنین است:
ایجاب: زن می‌گوید: زَوَّجْتُكَ نَفْسِي عَلَى الصَّدَاقِ (المهر) الْمَعْلُوم. (یعنی خود را زن تو نمودم به مهری که معین شده است)
قبول: پس از آن مرد بدون فاصله می‌گوید: قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ. (یعنی قبول کردم این ازدواج را)^۴

۱-۲-۲- اختیار زوجین

در صحت عقد، اختیار و رضایت زن و مرد شرط است. بنابراین هرگاه عقد با عدم رضایت آن دو یا یکی از آن‌ها واقع شود، باطل است.^۵

*** آیت الله خامنه‌ای:** اگر زن یا مردی که راضی نبوده، بعد از عقد راضی شود، عقد صحیح خواهد بود.^۶
**** آیت الله سیستانی:** اگر زن و مرد یا یکی از آن دو را به ازدواج وادار نمایند، ولی بعداً نسبت به عقدی که واقع شده ابراز رضایت نموده و آن را اجازه دهند عقد صحیح می‌باشد، هرچند احتیاط مستحب آن است که عقد را دوباره بخوانند.^۷
***** آیت الله مکارم:** اگر زن و مردی یا یکی از آن دو را مجبور به ازدواج نمایند ولی بعد از خواندن عقد راضی شوند و اجازه دهند، احتیاط واجب آن است که صیغه‌ی عقد را از نو بخوانند.^۸

۱-۲-۳- اسلام زوجین

برای زن و مرد مسلمان، ازدواج با کافر جایز نیست. فقط ازدواج موقت مرد مسلمان با زن اهل کتاب، مجاز شمرده شده است^۹ و ازدواج دائم مرد مسلمان با زن اهل کتاب نیز بنا بر احتیاط واجب حرام است.^{۱۰}

۱-۲-۴- اذن ولی در ازدواج دختر رشیده باکره

دختری که به حد بلوغ رسیده و رشیده است^{۱۱}، اگر بخواهد شوهر کند، چنانچه باکره باشد، بنا بر احتیاط واجب باید از پدر یا جد

۱. توضیح المسائل، م ۲۳۳۲ و منهاج الصالحین، ج ۳، ص ۲۲، م ۴۸

۲. توضیح المسائل، م ۲۰۲۷

۳. در صورتی که صیغه توسط وکیل خوانده شود، عبارت آن متفاوت است.

۴. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۳۶۸

۵. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۳۷۴

۶. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۴۱۲۵۴

۷. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۶۸

۸. توضیح المسائل، م ۲۰۳۵

۹. اگر فرد بر اثر چنین ازدواجی در معرض انحراف یا سستی در عقائد دینی باشد، تکلیفاً نباید اقدام به ازدواج نماید. آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۱۴۷

۱۰. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، القول فی الکفر

۱۱. منظور از رشیده، دختری است که مصلحت خود را در تعیین همسر مناسب، مقدار مهریه، شرایط ضمن عقد و ... تشخیص می‌دهد و به دور از فشار هیجانات و تحریکات

پدری خود اجازه بگیرد و اگر غیر باکره باشد، پدر و جد پدری بر او ولایتی ندارند.^۱

*** آیت الله سیستانی: دختر باکره ای که به سن بلوغ رسیده و رشیده است:

چنانچه متصدی امور زندگانی خویش نبوده و در شؤون زندگی مستقل نباشد، باید- بنابر فتوی- برای امر ازدواج خویش از پدر یا جد پدری اذن بگیرد و پدر و جد پدری هم بنابر احتیاط واجب نمی توانند بدون اذن یا اجازه خودش، او را به ازدواج شخصی درآورند. و چنانچه متصدی امور زندگانی خویش بوده و در شؤون زندگی مستقل باشد^۲، بنابر احتیاط واجب باید از پدر یا جد پدری خود اذن بگیرد و در غیر این صورت، بنابر احتیاط واجب عقد صحیح نیست. پدر و جد پدری او هم نمی توانند بدون اذن یا اجازه اش او را به ازدواج شخصی درآورند. در این حکم فرقی بین ازدواج دائم و موقت نیست.^۳

*** آیت الله مکارم: دختر باکره باید با اجازه‌ی پدر یا جد پدری ازدواج کند؛ اما اگر رشیده باشد، یعنی مصلحت خود را تشخیص می‌دهد و به تأیید بزرگترهای فامیل همسر مناسبی برای دختر پیدا شود و پدر مخالفت کند اجازه‌ی او شرط نیست. همچنین اگر به پدر یا جد پدری دسترسی نباشد و دختر رشیده هم احتیاج به شوهر کردن داشته باشد، یا این که دختر قبلاً شوهر کرده باشد، در این دو صورت نیز اجازه‌ی پدر و جد در ازدواج لازم نیست.^۴

سؤال: اگر دختری بیش از سی سال سن داشته باشد و از لحاظ عقلی و مالی کاملاً مستقل باشد و حتی خرج و مخارج پدر و مادر هم بر عهده او باشد، آیا می تواند بدون اذن پدر ازدواج کند؟

پاسخ: بنا بر احتیاط واجب در ازدواج با دختر باکره اجازه‌ی ولیّ او (پدر یا جد پدری) لازم است و بدون آن بنا بر احتیاط، عقد صحیح نیست.^۵

الف) اذن ولیّ پس از ازدواج دختر باکره

سؤال: اگر دختر باکره بدون اجازه‌ی پدر یا جد پدری شوهر کند شرعاً تکلیف چیست؟

* آیت الله خامنه ای و آیت الله مکارم: احتیاط واجب آن است که از پدر یا جد پدری اجازه گرفته شود.^۶

*** آیت الله سیستانی: برای دختر باکره‌ای که بالغه و رشیده است و در شؤون زندگی مستقل نیست، اگر بعداً پدر یا پدر بزرگ پدری، ازدواج را اجازه دهد، آن ازدواج صحیح است و در غیر این صورت، ازدواج وی باطل محسوب می‌شود. اما اگر در شؤون زندگی مستقل باشد، برای امر ازدواج خویش بنابر احتیاط واجب باید از پدر یا جد پدری خود اذن بگیرد و در غیر این صورت، بنابر احتیاط واجب عقد

شهوانی، براساس راهنمایی‌های عقل تصمیم می‌گیرد. زمان حصول این توانایی در افراد مختلف فرق می‌کند و سن خاصی برای آن تعیین نشده است.

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، کتاب النکاح، ج ۲، فصل فی اولیاء العقد، م ۲؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۶۵۶۷۹

۲. منظور آن است که اختیار امور مختلف زندگی- اعم از اقتصادی و غیر آن- به دست خودش باشد و وی تابع و تحت نظارت پدر و پدر بزرگ پدری نباشد؛ بلکه مستقلاً تصمیم بگیرد و عمل کند. اگر مادر تحت اشراف پدر بر امور دختر نظارت دارد و در امور او تصمیم‌گیری می‌کند، آن دختر غیر مستقل محسوب می‌شود. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۱۷۶

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵

۴. توضیح المسائل، م ۲۰۳۷

۵. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۴۱۵۱۰

۶. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۴۸۶۳۵؛ آیت الله مکارم شیرازی، استفتانات جدید، ج ۱، س ۶۸۷. معنای احتیاط واجب این است که اگر پدر یا جد پدری، عقد ازدواج را اجازه ندهند، در صورتی که عقد مذکور دائم بوده، صیغه طلاق جاری شود و در صورتی که عقد موقت بوده، مدت باقیمانده بخشیده شود و قبل از اجرای صیغه طلاق یا بخشش مدت نیز بین دختر و پسر، آثار زوجیت مانند نگاه محرمانه یا لمس مترتب نشود.

صحیح نیست.^۱

ب) موارد سقوط اذن ولی

در مواردی اذن پدر و جد پدری برای ازدواج دختر با کسی که از نظر شرعی و عرفی کفو و همتای اوست، لازم نیست. این موارد عبارتند از:

• باکره نبودن دختر

اگر دختر باکره نباشد، در صورتی که بکارتش به واسطه شوهر کردن از بین رفته باشد، برای ازدواج مجدد، اجازه‌ی پدر و جد لازم نیست.^۲

*** آیت الله سیستانی: فردی که با رعایت شرایط شرعی عقد ازدواج - از پدر یا پدر بزرگ - ازدواج نموده و با شوهرش نزدیکی داشته باشد، در ازدواج بعدی خود، لازم نیست اجازه بگیرد؛ اما در غیر این صورت - چه اینکه فرد ازدواج صحیح شرعی نکرده یا ازدواج کرده، ولی شوهرش قبل از نزدیکی با وی فوت کرده یا او را طلاق داده باشد - باکره محسوب شده و باید برای ازدواج از پدر یا پدر بزرگ پدری اجازه بگیرد و فرقی ندارد پرده بکارت وی بر اثر هر عاملی - هرچند زنا - از بین رفته یا باقی باشد.^۳

*** آیت الله مکارم: تنها، دختری که یکبار با اذن پدر ازدواج کرده و به هر علتی از شوهرش جدا شده، برای ازدواج مجدد نیاز به اذن پدر ندارد.

• مخالفت بدون دلیل ولی نسبت به ازدواج دختر با کفو (همتا) شرعی و عرفی خویش

* آیت الله خامنه‌ای: اگر پدر یا جد پدری، دختر را از تزویج با کسی که شرعا و عرفا کفو و مثل او می‌باشد و او هم میل به این ازدواج دارد، جلوگیری کنند و در حال حاضر، خواستگار دیگری که واجد شرایط بوده و ولی دختر به آن اذن دهد، وجود ندارد، در این صورت اذن ولی ساقط است.^۴

*** آیت الله سیستانی: اگر پدر و پدر بزرگ پدری مطلقا اذن نمی‌دهند که دختر با افرادی که شرعا و عرفا کفو او می‌باشند ازدواج کند و خواستگاران را رد می‌کنند، یا اجازه نمی‌دهند که دختر با فرد خاصی که شرعا و عرفا کفو او می‌باشد، ازدواج کند و خوف و ترس آن باشد که خواستگار دیگری برای آن دختر پیدا نشود، به طوری که اجازه ندادن آن دو، عرفا ضایع کردن حق دختر و امر ازدواج او باشد، اجازه گرفتن از پدر و پدر بزرگ پدری لازم نیست.^۵

*** آیت الله مکارم: اگر پدر یا جد پدری با ازدواج دختر باکره رشیده مخالفت کند و به تایید بزرگترهای فامیل، همسر مناسبی برای دختر پیدا شود، اجازه ولی شرط نیست.^۶

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۱۷۳. بنابراین نظر ایشان در مورد اخیر، همانند نظر دو مرجع بزرگوار دیگر بوده و در صورت عدم اجازه پدر و جد پدری، لازم است مطابق پاورقی قبل عمل شود.

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۳۷۷

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۱۷۷

۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۶۵۶۷۹

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۱۷۹

۶. توضیح المسائل، م ۲۰۳۷

• غیبت ولیّ دختر

اگر پدر و جد پدری دختر هر دو غایب باشند به طوری که گرفتن اذن از آنها ممکن نباشد و دختر هم احتیاج به ازدواج داشته باشد، لازم نیست از پدر و جد پدری اجازه بگیرد.^۱

• عدم اهلیت ولیّ در اجازه دادن

اگر پدر یا جد پدری اهلیت اجازه دادن از جهت دیوانگی، یا مانند آن را نداشته باشند، اجازه‌ی آنان لازم نیست. از دیگر مصادیق عدم اهلیت ولیّ، کفر و ارتداد اوست.^۲ در موارد فوق، اذن ولیّ برای صحت ازدواج دختر ساقط است. در رساله آیت الله سیستانی یک مورد دیگر هم از موارد سقوط اذن ولیّ بیان شده، که عبارت است از:

• عدم مشارکت ولیّ دختر

اگر پدر و جد پدری با اختیار خویش در امر ازدواج دختر، به هیچ‌وجه مشارکت نکنند و به طور کلی از دخالت در این امر امتناع ورزند یا آن که امر ازدواج دختر را به طور کل به خود او تفویض کرده باشند، در این صورت اذن پدر و جد پدری در ازدواج دائم باکره با کسی که شرعاً و عرفاً هم‌تا و کفو او است، ساقط می‌شود.^۳

ج) موارد استحباب اجازه گرفتن

در مواردی که اذن ولیّ ساقط است، مستحب است در صورت امکان، دختر از پدر یا جدش برای ازدواج اذن بگیرد. * آیت الله خامنه‌ای، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم: در مواردی که گرفتن اذن ولی لازم نیست، فرزندان نباید به گونه‌ای عمل کنند که موجب اذیت و دل‌آزردگی والدینش شود.^۴

۱-۲-۵- اتمام مدت عقد موقت یا بذل آن قبل از خواندن عقد دائم

مرد می‌تواند زنی را که صیغه‌ی او بوده و هنوز عده‌اش تمام نشده، به عقد دائم خود درآورد^۵، ولی باید توجه داشت که اجرای عقد دائم قبل از اتمام مدت عقد موقت، موجب بطلان عقد خواهد بود. بنابراین یا باید مدت عقد موقت به طور کامل تمام شده باشد و یا مرد مدت باقیمانده‌ی عقد موقت را به زن ببخشد و سپس عقد دائم خوانده شود.^۶ و در هر صورت، چون زن با همان شوهر ازدواج

۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۳۷۷؛ آیت الله سیستانی در این مورد، «تیار شدید» دختر به ازدواج را مطرح کرده اند. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۱۷۹. آیت الله مکارم نیز قید «تایید بزرگترهای فامیل» را در این مورد هم مد نظر دارند. توضیح المسائل، م ۲۰۳۷

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی اولیاء العقد، م ۱۲؛ آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، کتاب النکاح، الفصل الثالث فی اولیاء العقد، م ۷۲؛ آیت الله مکارم، انوار الفقاهه، کتاب النکاح، فصل فی اولیاء العقد، م ۱۲

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۱۷۹ و استفتائات، ج ۱، س ۲۸۹. در این خصوص فتوی یا استفتائی از سایر مراجع بزرگوار به دست نیامد.

۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۹۵۱۴؛ توضیح المسائل جامع، ج ۴، ذیل م ۱۸۰؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتائات، قسمت حق والدین.

۵. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۴۳۲

۶. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، القول فی النکاح المنقطع، م ۱۱؛ آیت الله سیستانی، منهاج، ج ۳، م ۲۴۹؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۲۰۷۸

می‌کند، نیاز به نگه داشتن عده نیست.^۱

۱-۳- موارد حرمت عقد ازدواج^۲

در این قسمت به ذکر بعضی از افرادی که ازدواج با آن‌ها حرام و باطل است، بسنده می‌شود و از بیان سایر موارد ازدواج حرام که در کتب مفصل آمده، صرف‌نظر می‌گردد.

عواملی که موجب حرمت ازدواج دو نفر می‌شوند و در صورت وقوع ازدواج، عقد باطل است، عبارتند از:

الف- نسب: افرادی که از راه نسب و رابطه خونی با انسان، محرم هستند مثل پدر و مادر یا فرزندان.

ب- رضاع: افرادی که به وسیله شیرخوردن با شرایط خاصی به انسان محرم می‌شوند مثل خواهر یا برادر رضاعی.

ج- سبب (مصاهره): با برقراری رابطه زوجیت (دائم یا موقت) بین زن و مرد، ازدواج با افرادی حرام می‌شود. بعضی از این موارد عبارتند از:

۱. محارم سببی: افرادی که بر اثر ازدواج، با زوج یا زوجه محرم می‌شوند مثل مادرزن یا پدرشوهر

۲. ربیبه (دختری که زن از شوهر سابقش دارد)

اگر زنی را عقد کند و با او نزدیکی نماید، دختر و نوهی دختری و پسری آن زن هر چه پایین روند، چه در وقت عقد باشند یا بعداً به دنیا بیایند، به آن مرد محرم می‌شوند.^۳

اگر با زنی که برای خود عقد کرده نزدیکی هم نکرده باشد، تا وقتی که آن زن در عقد اوست نمی‌تواند با دختر او ازدواج کند.^۴

۳. جمع بین دو خواهر در عقد دائم یا موقت.^۵

اگر زنی را برای خود عقد کند، دائمه باشد یا صیغه، تا وقتی که آن زن در عقد اوست نمی‌تواند با خواهر آن زن ازدواج نماید.^۶

۴. ازدواج با خواهر زاده یا برادر زاده همسر بدون اجازه وی.^۷

انسان نمی‌تواند بدون اجازهی زن خود با خواهرزاده و برادرزادهی او ازدواج کند ولی اگر بدون اجازهی زنش آنان را عقد نماید و بعداً زن بگوید به آن عقد راضی هستم اشکال ندارد.^۸

۵. ازدواج با مرد یا زن غیر مسلمان

زن مسلمان نمی‌تواند به عقد غیرمسلمان در آید، مرد مسلمان هم نمی‌تواند با زنهای غیرمسلمان غیر کتابیه^۹ به طور دائم ازدواج

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی اسباب التحريم، القول فی النکاح فی العده، م ۴

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۳۸۴ تا ۲۳۸۹

۳. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۳۸۶

۴. همان، م ۲۳۸۷

۵. برای زن: به صورت حرمت ازدواج با شوهر خواهر، درحالی که در علقه ازدواج با خواهر است، تعبیر می‌شود.

۶. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۳۳۹۰؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۲۳۶۲ و ۲۶۸۳۲ و ۶۹۸۹۵؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۸۰؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، ۲۰۴۶

۷. برای زن: ازدواج با شوهر خاله یا شوهر عمه بدون اذن خاله یا عمه تعبیر می‌شود.

۸. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۳۹۲؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۴۸۰۸۶ و ۲۲۷۶؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، مسأله ۸۴؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۲۰۴۷

۹. فرقه بهائیت کافر محسوب می‌شوند و ازدواج مرد یا زن مسلمان با آنان، باطل و حرام است. آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۱۴۵

کند و به احتیاط واجب ازدواج دائم با زنهای غیرمسلمان اهل کتاب نیز جایز نیست ولی ازدواج موقت با زنهای اهل کتاب مانند یهود و نصاری مانعی ندارد.^۱

ع. ازدواج در زمان عده

اگر زنی را که در عده‌ی دیگری است برای خود عقد کند، چنانچه مرد و زن، یا یکی از آنان بدانند که عده‌ی زن تمام نشده و بدانند عقد کردن زن در عده حرام است آن زن بر او حرام می‌شود، اگر چه مرد بعد از عقد با آن زن نزدیکی نکرده باشد.^۲

اگر زنی را برای خود عقد کند و بعد معلوم شود که در عده بوده و هیچ کدام نمی‌دانسته‌اند زن در عده است و نمی‌دانسته‌اند که عقد کردن زن در عده حرام است، در صورتی که مرد با او نزدیکی کرده باشد، آن زن بر او حرام می‌شود.^۳

*** آیت الله مکارم: اگر عقد را وکیل آنها خوانده باشد نه خودشان، در هیچ یک از دو صورت فوق، حرام ابدی حاصل نمی‌شود و پس از عده می‌توانند ازدواج کنند.^۴

۷. ازدواج با زنی که در زمان شوهرداشتن با او زنا کرده

اگر فردی با زن شوهردار زنا نماید، آن زن بر وی حرام ابدی می‌شود، فرقی نیست بین اینکه زن شوهردار در عقد دائم همسرش بوده یا عقد موقت، مسلمان باشد یا غیر مسلمان اهل کتاب.^۵

*** آیت الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب آن زن بر وی حرام ابدی می‌شود.^۶

*** آیت الله مکارم: بنابر احتیاط نمی‌تواند با او ازدواج کند؛ ولی اگر حکم را نمی‌دانسته و ازدواج کرده، می‌تواند به زندگی خود ادامه دهد.^۷

۸. ازدواج با زنی که در زمان عده با او زنا کرده

اگر با زنی که در عده طلاق رجعی است، زنا کند آن زن بر او حرام می‌شود و اگر با زنی که در عده متعه (عقد موقت)، یا طلاق بائن^۸، یا عده وفات است زنا کند، بعداً می‌تواند او را عقد نماید، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند.^۹

*** آیت الله سیستانی: اگر فردی با زنی که در عده طلاق رجعی است زنا کند، آن زن بنابر احتیاط واجب بر وی حرام ابدی می‌شود و اگر در عده‌ای غیر از عده طلاق رجعی است (عده طلاق بائن و ...) موجب حرمت ابدی نمی‌شود.^{۱۰}

*** آیت الله مکارم: اگر با زنی که در عده دیگری است زنا کند خواه طلاق رجعی باشد یا غیر رجعی، پس از سپری شدن عده،

۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۳۹۷؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۲۲۶۷۵؛ آیت الله سیستانی، جامع، ج ۴، م ۱۴۶ تا ۱۴۸

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۴۰۰

۳. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۴۰۱؛ آیت الله سیستانی مورد دیگری را هم در این مساله ذکر کرده‌اند. ر. ک: توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۱۱۹؛

۴. توضیح المسائل، م ۲۰۵۲

۵. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، القول فی اسباب التحريم، فصل فی النسب، م ۲۱

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۱۲۷

۷. توضیح المسائل، م ۲۰۴۹

۸. طلاق بائن به طلاقى گویند که پس از آن امکان رجوع وجود ندارد.

۹. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۳۹۸

۱۰. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۱۲۹ و ۱۳۰

بنابر احتیاط واجب نمی تواند با او ازدواج کند؛ ولی اگر حکم را نمی دانسته و ازدواج کرده، می تواند به زندگی خود ادامه دهد.^۱

۹. ازدواج لواط کننده با مادر، خواهر و دختر لواط دهنده

مادر و خواهر و دختر پسری که لواط داده بر لواط کننده حرام است، اگر چه لواط کننده و لواط دهنده بالغ نباشند ولی اگر گمان کند که دخول شده، یا شک کند که دخول شده یا نه، بر او حرام نمی شوند.^۲

۱-۴- مستحبات و آداب عقد

در اجرای صیغه ی عقد دائم، انجام اموری مستحب است^۳:

الف- در هنگام خواندن عقد دائم افرادی شاهد عقد باشند و عقد آشکارا و علنی انجام گیرد.

ب- پیش از عقد خطبه ای بخوانند که مشتمل بر حمد خداوند، صلوات و درود بر پیغمبر صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین (علیهم السلام)، شهادتین، سفارش به تقوی و دعا برای زن و شوهر باشد.

ج- عقد ازدواج در شب واقع شود.

۱-۵- مراسم عروسی

جشن عروسی مراسمی است که برای شادی به جهت تشکیل یک خانواده ی جدید برگزار می شود. با رعایت آداب الهی، می توان این مراسم را با سروری پاک و حقیقی همراه کرد به گونه ای که نه دیگران مرتکب گناه شوند و نه زندگی عروس و داماد، با گناه آغاز گردد. اینکه در بعضی جشن های عروسی، اعمال حرامی از قبیل پخش موسیقی حرام یا اختلاط زنان و مردان، شرابخواری و... انجام می شود، کفران نعمت تشکیل خانواده است و موجب سرافکندگی و شرمندگی **میزبانان مراسم** در محضر الهی و محضر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود.

در دین مقدس اسلام، انجام بعضی از کارها ممنوع گردیده و در حرمت آنها فرقی بین مجلس عروسی و غیر آن نیست. بعضی از اهم این احکام در بخش ۴، احکام روابط اجتماعی زوجین ذکر می گردد و بعضی دیگر از این امور در زیر می آید.

۱-۵-۱- استفاده از غنا و خوانندگی

الف) حکم غنا

* آیت الله خامنه ای: غنا که عبارت است از آوازخوانی، در صورتی که لهنوی^۴ (که انسان را گمراه می کند) باشد، حرام است.^۵ خواندن

۱. توضیح المسائل، م ۲۰۵۰

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۴۰۵

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، م ۵

۴. لهنو عبارت است از: آن چیزی که انسان را سرگرم کند و از امری غافل نماید. بنابراین غنای لهنوی که موجب اضلال (گمراهی) مردم باشد، حرام است. مکاسب محرمه، جلسه ۲۵۹، ص ۹ و ۱۰. اضلال عملی (اضلال در عمل و در فروع) یعنی انسان را به محرم وادارد، یا در او حالت بی مبالاتی نسبت به گناه به وجود آورد. در حقیقت یکی از خطرات بزرگ غنا و موسیقی مضل همین است که انسان را نسبت به حقایق بی اعتنا، و نسبت به گناه بی تفاوت می کند. مکاسب محرمه، ج ۲۹۶، ص ۵

۵. مکاسب محرمه، ج ۲۸۴، ص ۵

به این صورت و گوش دادن به آن حرام است.^۱ این حرمت، مطلق است و منوط به شنیدن در تنهایی یا در حضور دیگران و تاثیر گذاری در فرد و عدم آن نیست.^۲ و فرقی نمی‌کند که غنا توسط مرد باشد یا زن، به صورت مستقیم باشد یا غیر مستقیم مانند پخش شدن از طریق نوار یا در فضای مجازی و همراه با نواختن آلات لهو باشد یا نه.^۳ حرمت غنا از احکام ثابت فقه شیعه محسوب می‌شود و دائر مدار ملاکات فرضی و آثار روانی و اجتماعی نمی‌باشد.^۴

*** آیت الله سیستانی: غنا سخنان لهنوی (شعر یا نثر) است که با سبک‌ها و لحن‌ها و آوازهای مرسوم و معمول نزد اهل لهو خوانده می‌شود و فرقی بین غنای شاد و غم‌انگیز و محزون نمی‌باشد. همچنین فرقی بین آواز غنایی زن و مرد، بین تک‌خوانی و جمع‌خوانی، خواندن با استفاده از دستگاه صوت و غیر آن نیست. معیار تشخیص غنا و اینکه کدام آواز عرفاً مناسب مجالس لهو است و کدام آواز مناسب اینگونه مجالس نیست یا کدام سبک خواندن در نزد اهل لهو مرسوم است و کدام نیست، به عهده‌ی مکلف می‌باشد و مکلف می‌تواند با مراجعه به عرف مردم، بسیاری از موارد آن را تشخیص دهد.^۵

*** آیت الله مکارم: کلیه‌ی صداها و آهنگ‌هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام، و غیر آن حلال است، و تشخیص آن با مراجعه به اهل عرف خواهد بود. منظور از مناسب با مجلس لهو و فساد آن است که اینگونه آهنگ‌ها، صرف نظر از محتوا، غالباً در آن‌گونه مجالس نواخته می‌شود و نیت تشکیل دهندگان در آن تاثیر ندارد.^۶ غنا غالباً سبب بیگانگی از خدا و تحریک شهوات و آلودگی به مفاسد دیگر است؛ البته حکم تابع این امور نیست،^۷ همان‌گونه که حرمت شراب تابع مست شدن نیست.^۸

ب) غنا در مجلس عروسی

* آیت الله خامنه‌ای و آیت الله مکارم: در حرمت غنا فرقی میان مجلس عروسی، شب زفاف و غیر آن نیست.^۹

*** آیت الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب، غنا حتی در شب زفاف و عروسی هم ترک شود تا چه رسد به شب‌ها و مناسبت‌های دیگر مثل مجلس عقد و شب حنابندان و...^{۱۰}

۱-۵-۲- استفاده از موسیقی و نوازندگی

الف) حکم موسیقی

* آیت الله خامنه‌ای: هر نوع موسیقی که در نظر عرف موسیقی لهنوی مضیل^{۱۱} عن سبیل الله^{۱۲} یعنی مناسب با مجالس عیش و نوش

۱. اجوبه‌الاستفتائات، س ۱۱۳۳

۲. همان، ۱۱۳۶

۳. همان، س ۱۱۴۳

۴. همان، س ۱۱۵۶

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۳۹۷

۶. استفتائات جدید، ج ۳، س ۴۶۲

۷. یعنی موسیقی‌ای که به نظر عرف گمراه کننده از یاد خدا است، حتی اگر برای کسی موجب بیگانگی از یاد خدا و تحریک شهوت و آلودگی به مفاسد دیگر نشود، باز هم حرام است.

۸. استفتائات جدید، ج ۲، س ۶۹۸

۹. آیت الله خامنه‌ای، رساله آموزشی، ج ۲، درس ۲۸؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتاءات، قسمت ازدواج‌های حرام و قسمت موسیقی

۱۰. فقه برای غرب نشینان، باب دوم، فصل ۱۰، م ۵۵۵

۱۱. گمراه کننده از راه خدا

باشد، موسیقی حرام محسوب می‌شود و فرقی نمی‌کند که موسیقی کلاسیک باشد یا غیر کلاسیک، سنتی باشد یا غیر سنتی. اگر موسیقی این‌گونه نباشد بخودی خود اشکال ندارد^۱. منظور از موسیقی لهوی مصل عن سبیل الله آن است که به سبب ویژگی‌هایی که دارد انسان را از خداوند متعال و فضائل اخلاقی دور نموده و به سمت بی‌بندوباری و گناه سوق دهد و مرجع تشخیص موضوع عرف است^۲. گاهی شخصیت نوازنده یا کلام همراه آهنگ یا مکان و یا سایر شرایط در اینکه موسیقی تحت عنوان موسیقی لهوی مصل عن سبیل الله و حرام و یا عنوان حرام دیگر قرار بگیرد موثر است مانند اینکه فسادی بر آن مترتب شود^۳.

*** آیت الله سیستانی: موسیقی صدا و آهنگی است که از نواختن ابزار مخصوص موزیک ایجاد می‌شود. موسیقی حرام، آن است که مناسب مجالس لهو باشد. یعنی شنونده‌ی موسیقی (خصوصاً زمانی که از این امور، مطلع باشد) تشخیص می‌دهد که این آهنگ در مجالس لهو به کار می‌رود،^۴ هر چند باعث تحریک غریزه‌ی جنسی نشود و موسیقی حلال، موسیقی‌ای است که مناسب آن مجالس نیست هرچند باعث آرامش اعصاب نشود مثل موسیقی ارتش (مارش نظامی)^۵. تشخیص این موضوع (آیا موسیقی عرفاً مناسب با مجالس اهل لهو هست یا نه)، به عهده‌ی شخص مکلف می‌باشد و مکلف می‌تواند با مراجعه به عرف مردم بسیاری از موارد آن را تشخیص دهد و در این حکم، فرقی بین موسیقی ایرانی و غیر ایرانی و موسیقی سنتی و غیر سنتی، کلاسیک و غیر کلاسیک و مانند آن نیست.^۶ منظور از مجلس لهو، مجلسی است که برای هوسرانی، عیاشی و خوشگذرانی تشکیل شده است، هرچند خوشگذرانی آن با ارتکاب امور حرام مثل شرب خمر، اختلاط نامشروع زن و مرد همراه نباشد. بنابراین نواختن و گوش دادن به موسیقی مناسب با این نوع مجالس حرام است هرچند در مجلس عادی نواخته شده یا به صورت فردی گوش داده شود.^۷

*** آیت الله مکارم: موسیقی‌هایی که مناسب مجالس لهو و فساد است حرام می‌باشد و غیر آنها حلال است و تشخیص آن با مراجعه به عرف عام امکان‌پذیر است.^۸ البته در این گونه موارد باید به عرف عام متدین مراجعه کرد که تشخیص دهند کدام آهنگ و صوت مناسب مجالس لهو و فساد است و کدام نیست.^۹

ب) دعوت از گروه‌های مطرب در مجلس عروسی

سؤال: دعوت از گروه‌های مطرب^{۱۰} در مجالس عروسی چه حکمی دارد؟

۱. اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۱۱۲۸
۲. اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۱۱۳۰ و ۱۱۴۷.
۳. اجوبه‌ی الاستفتاءات، س ۱۱۳۱
۴. از جمله موارد آن، آهنگ‌های تند و طرب آور شبکه‌های تلویزیونی و موسیقی مناسب با مجالس فساد، رقص، عیش و نوش، پارتی‌های شبانه و مجالس عروسی گناه می‌باشد. توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۳۹۹
۵. استفتاءات، س ۱۸۲
۶. به طور کلی برای آنکه گوش دادن به صدایی جایز باشد رعایت چند نکته لازم است: الف) آواز خوانده شده غنایی نباشد. ب) موسیقی و آهنگ آن مناسب با مجالس لهو نباشد. ج) محتوای خوانده شده توسط خواننده مطالب منفی و خلاف شرع مانند دعوت به کفر و بی‌دینی، فحشاء و ابتذال نباشد. د) برای مردان، آواز خوانی زن که با نازک و لطیف کردن صدا همراه است، نباشد. توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۴۰۱
۷. توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۴۰۱
۸. استفتاءات جدید، ج ۱، س ۵۱۹
۹. استفتاءات جدید، ج ۲، س ۶۹۵
۱۰. افرادی که دارای ابزار و آلات موسیقی بوده و ضمن آواز خواندن، به رقص و پایکوبی می‌پردازند.

****** آیت الله سیستانی: دعوت از این گروه ها در صورتی که به نواختن موسیقی لاهی می پردازند، جایز نیست.^۱
******* آیت الله مکارم: دعوت کردن از مطرب حرام است، و پول دادن به آنها گناه دیگری است. علاقه‌مندان به اسلام و شیعیان اهل بیت اطهار(علیهم السلام) بایستی از این اعمال پرهیز کنند.^۲

۱-۵-۳- رقص

رقص یک امر عرفی است، و آن حرکات موزونی است که افراد مطلع تصدیق کنند مصداق رقص است، و اگر مصادیق مشکوکی پیدا کرد حرام نیست.^۳ رقصیدن زن در برابر مرد نامحرم و همین طور رقصیدن مرد در برابر زن نامحرم، حرام است.

الف) رقص زن در برابر همجنس یا محارم

سؤال: رقص زن برای زنان و نیز در برابر مردان محرم چه حکمی دارد؟
***** آیت الله خامنه‌ای: رقص زن برای زنان اگر عنوان لاهی بر آن صدق کند مانند اینکه جلسه‌ی زنانه تبدیل به مجلس رقص شود، محل اشکال است و احتیاط واجب در ترک آن است؛ در غیر این صورت هم اگر به گونه‌ای باشد که شهوت را تحریک کند و یا مستلزم کار حرام و یا ترتب مفسده‌ای باشد، حرام است.^۴ در رقص حرام فرقی نمی‌کند که در برابر محرم باشد یا در برابر نامحرم.^۵ در حکم فوق تفاوتی بین مجلس عروسی و غیر آن نیست.^۶
****** آیت الله سیستانی: رقصیدن زنان برای زنان و در برابر مرد محرم - غیر از شوهر - محل اشکال است و احتیاط واجب در ترک آن است هرچند همراه با عمل حرام دیگری همچون نواختن یا پخش موسیقی لاهی یا اختلاط زن و مرد نباشد.^۷
******* آیت الله مکارم: جایز نیست.^۸

ب) رقص زن برای شوهر

سؤال: آیا رقص زن برای شوهر جایز است؟ (منظور رقص زن فقط برای شوهر است نه میان جمعی که شوهر هم در بین آنهاست)
پاسخ: اگر همراه ارتکاب حرامی نباشد، اشکال ندارد.^۹

ج) رقص مرد

سؤال: رقص مرد برای همسرش یا زنان محرم و نیز رقص مرد در برابر مردان دیگر چه حکمی دارد؟
***** آیت الله خامنه‌ای: رقص مرد برای همسرش اگر همراه ارتکاب حرامی نباشد اشکال ندارد. رقص مرد برای زنان دیگر و یا برای

۱. استفتائات، ج ۱، س ۲۰۱

۲. استفتائات جدید، ج ۳، س ۴۶۱

۳. آیت الله مکارم، استفتائات جدید، ج ۳، س ۴۶۵

۴. اجوبه‌الاستفتائات، س ۱۱۶۸

۵. همان، س ۱۱۷۸

۶. همان، س ۱۱۶۷

۷. استفتائات، ج ۱، س ۲۰۷ و ۲۰۸

۸. استفتائات جدید، ج ۳، س ۱۵۷ و ۲۶۵

۹. آیت الله خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتائات، س ۱۱۷۲؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۴۱۶؛ آیت الله مکارم، استفتائات جدید، ج ۳، س ۴۶۵

مردان بنابر احتیاط واجب حرام است.^۱

*** آیت الله سیستانی: رقص شوهر برای زن بنابر احتیاط واجب جایز نیست. رقص مرد در برابر مردان و یا زنان محرم محل اشکال می باشد و احتیاط واجب در ترک این موارد است.^۲

*** آیت الله مکارم: تنها رقص زن برای شوهرش جایز است و بقیه (انواع رقص) اشکال دارد.^۳

(د) رقص کودک ممیز

سؤال: رقص کودک ممیز در مجالس زنان یا مردان، اعم از اینکه پسر باشد یا دختر، چه حکمی دارد؟

جواب: کودک غیر بالغ چه پسر و چه دختر تکلیفی ندارد ولی سزاوار نیست افراد بالغ او را تشویق به رقص کنند.^۴

۱-۵-۴- شرکت در مجلس عروسی که در آن رقص و موسیقی حرام است

سؤال: حضور در مجالس عروسی که در آن ها مبادرت به رقص و نواختن موسیقی می شود، چه حکمی دارد؟

پاسخ: اگر مجلس به گونه ای نباشد که عنوان مجلس لهو، حرام و معصیت بر آن صدق کند و حضور در آن مفسده ای نداشته باشد، حضور و نشستن در آن در صورتی که عرفاً تأیید عملی که جایز نیست، محسوب نشود، اشکال ندارد. در هر مجلسی اگر شرایط امر به معروف و نهی از منکر حاکم است، نهی از منکر واجب است؛ اگر چه با خروج از مجلس گناه باشد.^۵

سؤال: شرکت در مجالس عروسی یا جشن هایی که در آن برنامه های موسیقی لهوی اجرا می گردد، چه حکمی دارد و وظیفه ی فرد

در زمینه ی امر به معروف و نهی از منکر چیست؟

پاسخ: شرکت در چنین مجالسی در صورتی که فرد به وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر خویش عمل نکند جایز نیست و در صورت وجود شرایط، باید نهی از منکر نماید و گاه ممکن است ترک مجلس یا عدم حضور در آن از مصادیق نهی از منکر باشد. همچنین در صورتی که احتمال اثر نمی دهد و مطمئن است که نهی از منکر بی تاثیر است، بنابر احتیاط واجب لازم است به شکلی کراهت و ناراحتی خود را از گناه اظهار نماید بلکه اگر متمکن از نهی از منکر نیست و حضور او عرفاً امضای کار آنان محسوب می شود و موجب تأیید یا تشویق آنان بر گناه می گردد، حضور جایز نیست هر چند صدای غنا و موسیقی لهوی را گوش نکند. شایان ذکر است اگر نهی از منکر واجب متوقف بر خروج از مجلس باشد، این کار لازم است و نیز چنانچه نهی از منکر واجب متوقف بر تکرار آن باشد یعنی با تکرار، احتمال اثرگذاری و ترک منکر وجود دارد، باید تکرار شود همچنین اگر نهی از منکر متوقف بر نهی دسته جمعی باشد، باید دسته جمعی نهی از منکر صورت گیرد.^۶

سؤال: شرکت در عروسی، یا مجالس دیگر، که انسان می داند در آن رعایت شئون اسلامی نمی شود (از قبیل اختلاط زن و مرد،

رقص و پایکوبی، استفاده از نوارهای موسیقی و مانند آن)، چه حکمی دارد؟

۱. اجوبه الاستفتائات، س ۱۱۷۲ و ۱۱۶۹

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۴۱۵ و ۴۱۶

۳. استفتائات جدید، ج ۳، س ۴۶۵

۴. اجوبه الاستفتائات، س ۱۱۷۶

۵. آیت الله خامنه ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۴۲۶ تا ۱۴۲۸

۶. آیت الله سیستانی، استفتائات، س ۱۹۸

جواب: شرکت در مجالس گناه حرام است.^۱

۱-۵-۵- شاباش

شاباش: پولی است که در مجالس رقص، به ویژه عروسی‌ها، به کسی که می‌رقصد، داده می‌شود.

سؤال: دادن و گرفتن شاباش درحین رقص به نیت هدیه چه حکمی دارد؟

* آیت الله خامنه‌ای: اگر رقص همراه با استعمال آلات لهو و یا رقص زن در حضور نامحرم و یا رقص به گونه تهییج شهوت باشد،

حرام است و دادن اجرت و یا هدیه بدین مناسبت نیز جایز نیست و گرنه اشکال ندارد.^۲

** آیت الله سیستانی: حلال است.^۳

*** آیت الله مکارم: اگر شاباش را در برابر رقص بدهند، اشکال دارد.^۴

۱-۵-۶- آداب مجلس عروسی^۵

در روایات معصومین علیهم السلام، برای مجلس عروسی آداب و مستحباتی بیان شده است که رعایت آن‌ها نیکوست.

الف) ولیمه دادن^۶

مستحب است زفاف^۷ در شب و ولیمه هم در شب زفاف یا روز آن باشد.

سزاوار است که مؤمنین برای ولیمه دعوت شوند. همچنین مستحب است که آنان نیز این دعوت را اجابت نمایند و سزاوار است که

دعوت را خاص اغنیاء قرار ندهند و هم اغنیاء و هم فقراء را دعوت نمایند.^۸ پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «چه بد

است غذای عروسی که اغنیاء در آن اطعام شوند ولی فقرا محروم مانند».^۹

ب) شادی حلال کردن

شادی کردن باید به گونه‌ای باشد که خلاف دستورات شرع نباشد و مزاحمتی برای مردم ایجاد نکند. به خصوص که معمولاً متدینین

سعی می‌کنند این مراسم را در یکی از ایام و مناسبت‌های شادی بخش مذهبی برگزار نمایند که این کار موجب دوچندان شدن ثواب

شادی در این ایام می‌شود.

«پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از دختران عبدالمطلب و زنان مهاجرین و انصار خواستند که فاطمه علیهاسلام را

(تا منزل حضرت علی علیه السلام) همراهی کنند و شادی کرده، شعر بخوانند و تکبیر و حمد خداوند بگویند؛ ولی سخنی که خلاف

۱. آیت الله مکارم، استفتائات جدید، ج ۲، س ۷۱۹

۲. اداره‌ی پاسخ به سؤالات دینی جامعه‌ی الزهراء، برگزیده‌ی مسائل مبتلی به و استفتائات جدید، مجموعه‌ی احکام

۳. همان

۴. همان

۵. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، م ۶ و ۷؛ یزدی، کاظم، العروه الوثقی، ج ۲، کتاب النکاح، م ۸ و ۲۳ و ۲۴

۶. ولیمه: مهمان کردن دیگران و غذا دادن به آنان.

۷. زفاف: بردن عروس به منزل داماد.

۸. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، آداب العقد و النکاح، م ۶

۹. محمدی ری شهری، محمد، فرهنگ نامه مهمانی، ج ۱، ص ۱۴۰، ح ۲۳۱

رضایت خداوند باشد، بر زبان جاری نسازند.»^۱

۲- پس از تشکیل زندگی مشترک

پس از اینکه زن و شوهر تصمیم می گیرند تا زندگی مشترک خود را آغاز نمایند، اولین مرحله‌ای که لازم است مورد توجه قرار گیرد، آداب شب زفاف است.

۲-۱- آداب شب زفاف

انجام برخی کارها در شب عروسی برای زوجین مستحب است که عبارتند از:

الف - زوجین با وضو باشند.

ب - در حالی که هر دو رو به قبله هستند، مرد دستش را روی پیشانی زن قرار دهد و بگوید:

«اللَّهُمَّ عَلَى كِتَابِكَ تَزَوَّجْتَهَا وَفِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا وَبِكَلِمَاتِكَ اسْتَحْلَلْتُ فَرْجَهَا فَإِنْ قَضَيْتَ لِي فِي رَحِمِهَا شَيْئًا فَاجْعَلْهُ مُسْلِمًا سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْهُ شَرَكَ شَيْطَانٍ.»^۲ «خداایا! بر اساس کتاب تو با او ازدواج کردم و به عنوان امانت تو او را گرفتم و رابطه با او را با کلمات تو حلال نمودم. پس اگر فرزندی از او مقدر نمودی او را مسلمان و از نظر خلقت سالم قرار بده و او را بهره و نصیب شیطان قرار مده.»

ج - هر یک از زن و مرد دو رکعت نماز بخوانند و پس از آن برای انس و الفت با یکدیگر و تشکیل خانواده ای نیکو و مورد رضای پروردگار دعا کنند. یکی از دعا‌های وارده در این باره، که مرد آن را بخواند، دعای زیر است:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْفَتْهَ وَوَدَّهَا وَرِضَاهَا بِي وَارْضَنِي بِهَا وَاجْمَعْ بَيْنَنَا بِأَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ وَانْفَسِ اثْتِلَافٍ فَإِنَّكَ تُحِبُّ الْحَلَالَ وَتَكْرَهُ الْحَرَامَ»^۳ «خداایا انس و محبت و رضایت او از من را روزیم گردان و مرا هم از او راضی بگردان و ما را به بهترین نحو جمع گردان و پاکیزه‌ترین الفت و انس را بین ما قرار بده. همانا تو حلال را دوست داری و حرام را ناپسند می داری.»

د - مستحب است وقتی عروس داخل خانه شد، داماد کفش‌های او را از پاهایش بیرون آورده، پس از شستن پاهای او، آب‌های جمع شده در ظرف را در خانه بپاشد.^۴

۲-۲- وظایف و حقوق همسری

در تعالیم دینی رعایت حقوق هر یک از زن و مرد، با اهمیت شمرده شده و برعهده‌ی همسران گذاشته شده است.

۱. نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۹۸

۲. همان

۳. همان

۴. چه دستور حکیمانه و زیبایی! استحباب انجام این کار برای زوج می‌تواند اشاره به این باشد که مرد باید از همان اول، مراتب تواضع و خدمت گذاری خویش را نسبت به همسرش، با بیرون آوردن کفش‌ها و شستن پاهای او ابراز دارد. همان طور که در روایت (کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۷) آمده که حضرت مسیح، تواضع خود را نسبت به اصحاب و یارانش، این چنین نشان داد. وحیدی، محمد، احکام خانواده، ج ۱، ص ۲۵۹

۲-۱-۲ وظایف و حقوق مشترک زن و شوهر

هریک از زن و شوهر در عقد دائم، نسبت به یکدیگر وظایفی را بر عهده دارند. در این قسمت به بیان وظایف و حقوق مشترک زن و شوهر خواهیم پرداخت.

الف) تأمین نیازهای جنسی

• تأمین نیازهای جنسی شوهر

- استمتاعات جنسی متعارف: زنی که عقد دائمی شده باید خود را برای هر لذتی که شوهر می‌خواهد، تسلیم نماید و بدون عذر شرعی^۱ از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند.^۲
- استمتاعات جنسی غیر متعارف (رابطه زناشویی از غیر مجرای طبیعی): بنابر مشهور اقوی، رابطه زناشویی با زن از غیر مجرای طبیعی (از پشت) کراهت شدید دارد و احتیاط در ترک آن است، خصوصاً اگر زن راضی نباشد.^۳
- * آیت الله خامنه‌ای: مرد باید از اعمال غیر متعارفی که موجب اذیت و یا بیماری زن می‌شود پرهیز نماید.^۴
- ** آیت الله سیستانی: استمتاعات حلال غیرمتعارف بین زن و شوهر، باید با رضایت طرفین صورت گیرد.^۵ نزدیکی با زوجه از پشت در صورتی که راضی نباشد، بنابر احتیاط واجب، حرام است و بر زوجه، تمکین نسبت به این نوع استمتاع واجب نیست، هرچند این کار با رضایت زوجه، جایز است، ولی کراهت شدید دارد.^۶
- *** آیت الله مکارم: نزدیکی از پشت، بدون رضایت زوجه حرام و با رضایت وی کراهت شدید دارد. در صورتی که به اوج لذت جنسی نرسند، بنابر احتیاط واجب باید علاوه بر غسل جنابت برای نماز، وضو هم بگیرند.^۸
- مستحب است که زن هر شب خود را بر شوهرش عرضه نماید.^۹
- پیامبر اکرم (صلوات الله علیه و آله) فرمودند: «حلال نیست»^{۱۰} بر زن بخوابد مگر آن که خودش را بر همسرش عرضه دارد به این که لباس مناسب خواب بپوشد و خودش را به شوهر نزدیک سازد که اگر چنین کرد به وظیفه اش عمل نموده است.^{۱۱}

• تأمین نیازهای جنسی زن

-
۱. مانند حیض، نفاس، درحال احرام بودن و یا بیماری سخت.
 ۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۴۱۲؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۳۷۹۹۰؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۲۵۹؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۲۰۶۲
 ۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، م ۱۱
 ۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۳۱۸۶۳
 ۵. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۲۵۹
 ۶. امتناع از این عمل موجب ناشزه شدن زوجه نمی‌شود.
 ۷. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۲۶۱
 ۸. پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتائات، قسمت احکام عقد دائم
 ۹. مامقانی، عبدالله، مرآة الکمال، ج ۲، ص ۹۹. این کتاب یکی از آثار ارزنده‌ای است که در دوره‌ی معاصر پیرامون سبک زندگی دینی نگاشته شده است که به بیان آداب، اعمال و مستحبات و مکروهات پرداخته است.
 ۱۰. این تعبیر با توجه به سایر ادله، دال بر درجه‌ی بالای استحباب و تاکید بر رعایت آن است.
 ۱۱. عاملی، محمدحسن، وسائل الشیعة؛ ج ۲۰، ص ۱۷۶

بر اساس روایات، هم‌بستری با همسر اجر و پاداش دارد^۱ و آراستگی مرد برای همسرش، موجب ازدیاد عفت و پاکدامنی زن می‌شود.^۲

شوهر نمی‌تواند بیش از چهار ماه، نزدیکی با عیال دائمی خود را ترک کند. بلکه اگر زن جوان باشد و یا به خاطر میل زیاد، در این مدت بیم آن برود که به گناه بیفتد، احتیاط واجب آن است که طوری رفتار کند که او به گناه نیفتد.^۳

در این میان توجه به اختلاف زن و شوهر در نحوه‌ی اشباع غریزه جنسی و رسیدن به ارگاسم لازم است. از همین رو؛ عجله نکردن و ملاحظه با همسر قبل از آمیزش مستحب است.^۴

• مستحبات رابطه زناشویی

در روایات شریفه، در مورد رابطه‌ی زناشویی اموری به عنوان مستحبات و مکروهات ذکر گردیده، که بیشتر ناظر بر انعقاد نطفه و اقدام به فرزندآوری است ولی با توجه به اطلاق عبارات مذکور در بعضی روایات و اینکه گاهی ممکن است بدون برنامه ریزی قبلی در رابطه‌ی زناشویی، فرزندی به وجود آید و توجه به اهمیت فوق العاده‌ی رعایت این موارد در ایجاد جنین؛ لذا مستحبات زناشویی در همین بخش آورده می‌شود.

اول. با وضو بودن به ویژه اگر زن حامله باشد؛^۵ یعنی داشتن طهارت معنوی

دوم. آغاز نمودن با بسم الله و پناه بردن به خداوند (استعاذه) از خطر شریک شدن شیطان؛^۶

سوم. درخواست فرزند سالم و صالح از خداوند؛^۷ با دعاهایی از قبیل: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ جَنِّبِ الشَّيْطَانَ وَ جَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنِي» و «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ اللَّهُمَّ إِنِّ قَضَيْتَ مِنِّي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ خَلِيفَةً فَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شَرَكًا وَ لَا نَصِيبًا وَ لَا حَظًّا، وَ اجْعَلْهُ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا مُصَفًّى مِنَ الشَّيْطَانِ وَ ارْجُزْهُ جَلَّ ثَنَاؤُكَ» از حضرات معصومین علیهم السلام دعاهای متعددی، برای هم‌بستری و اقدام به فرزنددار شدن وارد شده است.

چهارم. هم‌بستری در مکان کاملاً پوشیده؛^۸

پنجم. هم‌بستری در زمان‌هایی که مستحب می‌باشد؛ مانند شب‌های دوشنبه، سه‌شنبه، پنج‌شنبه، جمعه و نیز ظهر پنج‌شنبه و بعد از عصر جمعه و شب اول ماه مبارک رمضان.^۹

۱. عن النبي (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ آلِهِ): ... كَمَا أَنَّكَ إِذَا آتَيْتَ الْحَرَامَ أُرْزَتْ، فَكَذَلِكَ إِذَا آتَيْتَ الْحَلَالَ أُوجِرَتْ. همان گونه که اگر مرتکب حرام شوی، گناهکار هستی، هرگاه با حلال درآمیزی، پاداش می‌یابی. کلینی، محمد، الفروع من الکافی، ج ۵، ص ۴۹۶

۲. عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (حَضْرَتِ مُوسَى ابْنِ جَعْفَرٍ) عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ تَهَيَّئِ الرَّجُلَ لِلْمَرْأَةِ مِمَّا يَزِيدُ فِي عِفَّتِهَا. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار؛ ج ۷۶، ص ۳۰۷

۳. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۴۱۸؛ یزدی، محمدکاظم، العروة الوثقی، ج ۲، کتاب النکاح، فصل ۱، م ۸؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۷۷۸۳ و ۳۱۸۶۳؛ آیت الله سیستانی، جامع، ج ۴، ص ۱۳۶، م ۲۷۳ و ۲۷۴؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۲۰۶۷

۴. یزدی، محمدکاظم، العروة الوثقی، ج ۲، کتاب النکاح، م ۱۸ و ۲۰

۵. همان

۶. همان، م ۱۰

۷. سوره مبارکه فرقان، آیه ۷۴

۸. یزدی، محمد کاظم، العروة الوثقی، ج ۲، کتاب النکاح، م ۱۰

۹. وحیدی، محمد، احکام خانواده، ج ۱، ص ۳۰۱. در روایات صادره از معصومین علیه السلام، ویژگی‌های بچه‌هایی که نطفه‌ی آنان در هریک از این زمان‌های مستحب منعقد می‌شود، بیان شده است؛ صفاتی همانند حافظ قرآن بودن، بخشنده بودن، عالم بودن، خطیب و سخنور بودن، از اولیاء الهی بودن.

ششم. رعایت بعضی از امور که در کتاب‌های مفصل آمده؛ مانند این که پس از فراغت از هم‌بستری، مقداری به پهلوی راست بخوابد و سپس برخیزد و سعی کند مجرا را با ادرار کردن تمیز نماید.^۱

امور فوق در روایات معصومین علیهم السلام ذکر شده و پیامدهای بی توجهی به این موارد و آثار به جامانده در وضعیت جسمی یا روحی جنینی که منعقد می‌شود، بیان گردیده است.^۲

• همبستری‌های حرام

در موارد زیر رابطه زناشویی با همسر، حرام است:

اول. در حال روزه^۳

دوم. در حال حیض یا زمان‌هایی که باید شرعاً حیض قرار داد و در حال نفاس

همبستری (دخول) در حال حیض بر مرد و زن حرام است هرچند به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید. بلکه احتیاط واجب آن است که مقدار کمتر از ختنه گاه هم داخل نشود.^۴

در صورتی که در حال حیض، نزدیکی انجام شود، به احتیاط واجب مرد باید کفاره بدهد. مقدار کفاره به روش زیر محاسبه می‌شود: اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود و مرد در قسمت اول آن، با زن خود در (جلو) نزدیکی کند، باید یک دینار شرعی (حدود ۱۸ نخود طلا) به فقیر کفاره بدهد و اگر در قسمت دوم نزدیکی کند، باید نیم دینار (حدود ۹ نخود طلا) و چنانچه در قسمت سوم باشد باید ربع دینار (حدود ۴/۵ نخود طلا) بدهد.^۵

*** آیت الله سیستانی: اگر شوهر با همسر خود در حال حیض نزدیکی کند، گناهکار است و لازم است استغفار کند؛ ولی پرداخت کفاره واجب نیست، هرچند پرداخت آن احتیاط مستحب می‌باشد.^۶

*** آیت الله مکارم: نزدیکی کردن در حال حیض، هم برای مرد و هم برای زن حرام است. چنانچه مرد در این حالت با همسر خود نزدیکی کند بهتر است کفاره دهد.^۷

— آمیزش در حال حیض، کفاره‌ای را بر زن واجب نمی‌کند هرچند به میل و رغبت حاضر به نزدیکی شده باشد؛ البته در این صورت گناهکار است و باید توبه کند.^۸

۱. مامقانی، عبدالله، مرآة الکمال، ج ۲، ص ۹۹

۲. این همه اصرار در احکام «لیلة الزفاف» که با وضو باشید، بسم الله بگویید، نماز و دعا بخوانید، ... تقریباً شبیه این است که انسان می‌خواهد وارد حرم بشود، آدم وقتی وارد حرم می‌شود دستور دارد که با طهارت باشد، اذن دخول داشته باشد، دعا بخواند، زیارت بخواند. غالب فقها این مسائل «لیلة الزفاف» را مطرح کردند؛ چون فرزند می‌خواهد به دنیا بیاید! ثُمَّ أَنْشَأَهُ خَلْقًا آخَرَ. جوادی آملی، درس خارج نکاح، جلسه ۷

۳. توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۸۴ در مورد اینکه روزه واجب معین مثل روزه رمضان باشد یا غیر آن، تفصیلاتی دارد.

۴. توضیح المسائل مراجع، م ۴۵۱؛ یزدی، محمد کاظم، العروه الوثقی، ج ۱، فصل فی الحيض، فصل فی احکام الحائض، السابع؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل فی غسل الحيض، القول فی احکام الحائض

۵. توضیح المسائل مراجع، م ۴۵۱؛ یزدی، محمد کاظم، العروه الوثقی، ج ۱، فصل فی الحيض، فصل فی احکام الحائض، الثامن و م ۶؛ امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل فی غسل الحيض، القول فی احکام الحائض؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۳۴۶۱۳

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۵۱۵

۷. توضیح المسائل، م ۴۳۹

۸. یزدی، محمد کاظم، العروه الوثقی، ج ۱، فصل فی الحيض، فصل فی احکام الحائض، الثامن

- رابطه‌ی زناشویی در روزهایی که حیض زن قطعی نیست، ولی با توجه به امارات شرعی،^۱ باید حیض قرار دهد، حرام است.^۲
- غیر از نزدیکی کردن، سایر لذت‌های جنسی مانند لمس و بوسیدن و ... در حال حیض مانعی ندارد، هرچند در حال حیض، لذت بردن از ناف تا زانوی زن کراهت دارد.^۳

سؤال: آیا قبل از انجام غسل حیض، نزدیکی با همسر جایز است؟

پاسخ: اگر زن کاملاً از خون حیض، پاک شده باشد، رابطه زناشویی قبل از انجام غسل، اشکالی ندارد ولی احتیاط مستحب آن است که شوهر پیش از غسل، از نزدیکی با او خودداری کند.^۴ احتیاط مستحب آن است که قبل از رابطه، فرج را بشوید.^۵

******* آیت الله سیستانی: احتیاط واجب آن است که نزدیکی پس از شستن فرج باشد.^۶

سوم. رابطه زناشویی در حال استحاضه‌ی متوسطه و کثیره قبل از انجام غسل

در زمانی که زن استحاضه‌ی متوسطه یا کثیره است، بنابر احتیاط واجب هم‌بستری با او، قبل از انجام غسل جایز نیست. البته چنانچه در وقت نماز و بعد از انجام غسل نمازی باشد، همان غسلی که برای نماز انجام داده کفایت می‌کند و در وقت دیگری غیر از وقت نماز، بنابر احتیاط واجب غسل جداگانه لازم است.^۷

******* آیت الله سیستانی: اگر شوهر بخواهد با همسرش در حال استحاضه‌ی کثیره یا متوسطه نزدیکی کند، اشکال ندارد، هرچند احتیاط مستحب است که قبل از انجام آن غسل نماید.^۸

******* آیت الله مکارم: اگر بخواهد در این حالت با همسرش رابطه زناشویی داشته باشد، چنانچه قبل از آن برای نماز غسل نکرده، واجب است غسل کند.^۹

چهارم. نزدیکی با همسر در حال اعتکاف اگرچه در شب باشد

رابطه‌ی زناشویی با همسر، بوسیدن و لمس از روی شهوت در حال اعتکاف بر زوجین حرام است.^{۱۰}

پنجم. نزدیکی با همسر در حال احرام

هم‌بستری با همسر، بوسیدن، ملاعبه و به فتوای بیشتر فقها حتی نگاه کردن با شهوت (در حال احرام) حرام است^{۱۱} و کفاره نیز

۱. امارات شرعی مانند عادت، تمیز، عدد ۷ و رجوع به عادت خویشان

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الطهاره، فصل فی غسل الحیض، القول فی احکام الحائض، ص ۵۲؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۳۹۶۱۶؛ جامع، ج ۱، ص ۲۰۰، م ۵۱۴

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الطهاره، فصل فی غسل الحیض، القول فی احکام الحائض، ص ۵۲

۴. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۴۶۷؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۳۷۳۸۵؛ آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، کتاب الطهاره، المبحث الرابع الغسل، غسل الحیض، الفصل الثامن، م ۲۲۸

۵. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الطهاره، فصل فی غسل الحیض، القول فی احکام الحائض، م ۲

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۵۱۸؛ آیت الله مکارم،

۷. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الطهاره، فصل فی الاستحاضه، ص ۵۹، م ۸؛

۸. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۸۰

۹. العروه الوثقی مع تعلیقات مکارم الشیرازی، ج ۱، ص ۲۷۷، م ۱۸

۱۰. العروه الوثقی، ج ۲، کتاب الاعتکاف، فصل فی احکام الاعتکاف، ص ۲۵۹

۱۱. مناسک حج محشی، ص ۱۵۴، م ۳۱۴

دارد.^۱

ششم. روابط جنسی خارج از ازدواج

زنا و روابط جنسی خارج از ازدواج، از گناهان بزرگ محسوب می‌شود و در قرآن مجید و روایات معصومین علیهم السلام صریحاً حرام شمرده شده است و تمام فقه‌های اسلام از تمامی مذاهب به حرمت آن فتوا داده‌اند. در ادیان و مذاهب دیگر هم، زنا، حرام و در بین عقلای غیر مسلمان نیز کار زشتی شمرده می‌شود و آثار نامطلوب و مجازات سنگینی در دنیا و آخرت دارد. در برخی از روایات این عمل زشت در ردیف کشتن پیامبر یا امام یا تخریب قبله‌ی مسلمانان بیان شده است. بدین جهت تمام پیامبران الهی، پیروانشان را از این کار بلکه از تصور آن نهی کرده‌اند.

ب) محترم شمردن مالکیت یکدیگر

هر یک از زن و مرد، اختیار اموال خود را داشته و نسبت به تصرف در اموال خویش استقلال دارند. بنابراین هرگونه تصرف در اموال دیگری باید با اجازه‌ی صاحب مال و رضایت او باشد. در این حکم اختلافی بین فقها وجود ندارد. تفصیل بیشتر در این باره در بخش پنجم (احکام اقتصادی) می‌آید.

ج) کمک زوجین به یکدیگر در عمل به احکام الهی و رعایت دستورات دینی در درخواست از همسر

شایسته است که زوجین نسبت به دینداری یکدیگر، کسب آگاهی نسبت به دستورات دینی و فراهم نمودن زمینه‌ی عمل به این دستورات و احتراز از ایجاد مانع در راه عمل به احکام الهی اهتمام بورزند.

آیات متعددی از قرآن کریم بر وجوب این امر دلالت می‌کند، همچنین در روایات معصومین علیهم السلام بر این امر سفارش شده و سیره‌ی آن بزرگواران نیز این گونه بوده است.

«وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ»^۲ (یکی از ویژگی‌های حضرت اسماعیل (ع) که برای آن مورد مدح خداوند قرار گرفته این است که) و همیشه اهل بیت خود را به ادای نماز و زکات سفارش می‌کرد.

خداوند متعال به پیامبر (ص) امر می‌کند: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»^۳ و اهل بیت خود را به نماز و طاعت خدا امر کن و خود نیز بر نماز و ذکر حق صبور باش.

سیره‌ی پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه و آله نیز همین گونه بود. آن حضرت پس از نزول آیه‌ی فوق، هر روز به در خانه مولی‌امیرالمومنین علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها می‌آمدند و با صدای بلند سلام کرده و آنان و حسنین علیهم السلام را به نماز دعوت می‌نمودند.^۴ با این رفتار پیامبر اکرم (ص) نسبت به عابدترین مردمان، اهمیت توجه به دینداری نزدیکان و افراد خانواده، خصوصاً پدر و مادر نسبت به فرزندان بیشتر روشن می‌گردد.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ»^۵ ای کسانی که ایمان آورده‌اید!

۱. وحیدی، محمد، احکام خانواده، ج ۱، ص ۳۱۰

۲. سوره مریم، آیه ۵۵

۳. سوره طه، آیه ۱۳۲

۴. در بعضی روایات، انجام این کار تا چهل روز، در بعضی تا شش ماه و در بعضی دیگر تا آخر عمر شریف حضرت بیان شده است. وحیدی، احکام خانواده، ج ۱، ص ۲۸۳

۵. سوره تحریم، آیه ۶

خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه‌دارید.

امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه و در پاسخ به این سؤال که چگونه خانواده‌ام را حفظ کنم، فرمودند: «به آنچه خداوند امر کرده، آنان را امر کن و از آنچه خداوند نهی کرده، نهی کن. اگر از تو فرمان بردند، تو آنان را نگه داشته‌ای و اگر نافرمانی کردند، تو آنچه را بر عهده‌ات بود، انجام داده‌ای»^۱.

از این رو وقت گذاشتن و حتی صرف هزینه در حد توان، برای یادگرفتن معارف اعتقادی و احکام شرعی به میزانی که اعضای خانواده، در زندگی بدان‌ها نیاز دارند، ضروری است. همچنین زوجین باید مراقب باشند تا مبدا از یکدیگر کاری را بخواهند که غضب و حرام الهی در آن است یا کاری را درخواست نمایند که مانع از انجام دستورات الهی گردد. به عنوان نمونه درخواست‌های مادی فراتر از توان شوهر، می‌تواند زمینه را برای دست درازی به اموال دیگران و تلاش برای به دست آوردن مال حرام فراهم نماید و تبعات جبران ناپذیری را بر زندگی و نسل آینده خانواده بگذارد.

از سوی دیگر درخواست امور حرام از زن مانند آرایش کردن در برابر نامحرم یا درخواست اموری که مانع عمل زن به واجباتش گردد، از قبیل انجام رابطه‌ی زناشویی در هنگام روزه‌داری و یا درخواست کاشت ناخن و کارهایی شبیه آن که سبب باطل شدن غسل، وضو و نماز می‌گردد، خشم و غضب الهی را به دنبال دارد.

۲-۲-۲- وظایف و حقوق مختص هر یک از زن و شوهر

الف) وظیفه شوهر نسبت به زن

• نفقه

یکی از وظایف واجب شوهر تأمین نفقه و نیازهای مادی همسر دائمی خویش می‌باشد. پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: «کسی که برای تأمین نیازهای مادی خانواده‌اش، تلاش می‌کند مانند مجاهد در راه خداوند است»^۲.

امام صادق (ع) به «معاذ» فرمودند: «ای معاذ! ... برای خانواده‌ات تلاش کن؛ مبدا آنان برای تو کار و تلاش کنند»^۳. نفقه که یکی از حقوق خاص زن در ازدواج دائم است، عبارت می‌باشد از مخارج و نیازمندی‌های متعارف و متناسب شأن زن که برای زندگی لازم است از قبیل مسکن، لباس، غذا، اثاث منزل، هزینه‌های درمانی و بهداشتی و ... - ضابطه این است که مرد برای تهیه‌ی آنچه زن به آن احتیاج دارد از قبیل غذا، پوشاک، فرش، پرده، مسکن، خادم، وسائل آشامیدن و پختن و نظافت و مانند اینها، به حسب نیاز و عادت و شأن زن و عرف قیام نماید.^۴ * آیت الله سیستانی: نفقه‌ی زوجه باید از لحاظ مقدار و کیفیت، مناسب «شأن زوجه» نسبت به «وضعیت شأنی شوهرش» باشد.

۱. کلینی، الکافی: ج ۵، ص ۶۲، ح ۲

۲. فیض کاشانی، ملا محسن، المحجّة البیضاء، ج ۳، ص ۷۰

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۱۴۹، ح ۶

۴. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی النفقات، م ۸؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۷۰۲۴۵: آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۴۳۰ تا ۴۳۵؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۲۰۶۲

یعنی برای لحاظ «شأن زوجه»، باید «شأن زوج» را نیز در نظر گرفت. بنابراین، اگر زن با شوهری ازدواج نماید که از لحاظ مادی جزء اقشار ضعیف جامعه محسوب می‌شود، شأن وی در چنین ازدواجی، متفاوت است با فرضی که با شوهری غنی و ثروتمند ازدواج کند.^۱ مباحث دیگری درباره‌ی نفقه مطرح است که در بخش پنجم (احکام اقتصادی خانواده) بدان پرداخته می‌شود.

• معاشرت به معروف

مرد در زندگی مشترک با همسرش نباید رفتاری خلاف «معاشرت یا امساک به معروف» (معاشرت به شیوه‌ی نیک و پسندیده) با وی داشته باشد. بنابراین، نباید به همسرش ظلم کند یا او را مورد اذیت و آزار قرار دهد یا کتک بزند یا با وی با تندی و خشونت رفتار کند یا پرخاشگری و بداخلاقی و تند زبانی نماید یا او را رها کند به گونه‌ای که زن، نه شوهردار محسوب شود و نه مطلقه.^۲ یکی از مصادیق معاشرت به معروف، توجه زوج به نیاز جنسی زن است که در وظیفه تأمین نیاز جنسی بیان شد.

ب) وظیفه زن نسبت به شوهر

خروج زن از منزل باید با رضایت همسر باشد^۳، مگر در مواردی که استثنا شده است.^۴

— بعضی از موارد جواز خروج زن از منزل بدون اجازه‌ی شوهر

اول. خارج شدن برای انجام واجبات عینی که موقوف بر خروج از منزل است مانند سفر حج واجب؛ یا انجام صله رحم دوم. خارج شدن در صورت ضرورت؛ مانند معالجه‌ی بیماری در مواردی که درمان آن ضروری بوده و امکان درمان در منزل نباشد و یا برای تأمین نفقه و مخارج زندگی، در صورتی که شوهر یا شخص دیگری (مانند پدر شوهر) زن را از نظر مالی تأمین نکنند و یا فرار از ضرر جانی، مالی، آبرویی؛ یا در صورتی که مانند در منزل، توأم با عسر و حرج غیر قابل تحمل باشد؛ سوم. زن، حق خروج از منزل را ضمن عقد شرط کرده باشد.^۵

۲-۲-۳- حقوق مستحب خانواده

الف) محبت کردن و عطوفت زوجین نسبت به یکدیگر و صمیمیت، تقویت و استحکام بنیان خانواده

در آموزه‌های دینی در مورد مهر و محبت زوجین به یکدیگر و آثار این حمایت عاطفی، توصیه‌ها و تاکیدات فراوانی ذکر شده است. پیامبر گرامی اسلام (صلوات الله علیه و آله) فرمودند: «در روز رستاخیز، مردی از امت مرا می‌آوردند، در حالی که هیچ کار نیکی ندارد که

۱. آنچه در بین بعضی از بانوان رایج است که لباس‌های نفیس و گران قیمت متعددی را برای خویش فراهم می‌کنند یا بعضی از لباس‌ها را یک یا دوبار در بعضی از مناسبت‌ها می‌پوشند، سپس در مناسبت‌های دیگر از آن استفاده نکرده و آن را با لباس دیگری عوض کرده یا لباس جدیدی تهیه می‌نمایند، از موارد نفقه‌ی واجب بر عهده‌ی شوهر محسوب نمی‌شود و این حکم شامل اشیای دیگر غیر از لباس نیز می‌شود. آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۴۳۱

۲ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۲۷۲

۳. در توضیح این رضایت، آیت الله سیستانی می‌فرماید: در این مورد، اطمینان زوجه به رضایت قلبی شوهر برای خروج از منزل به خودی خود کافی نیست و باید اجازه مذکور به صورتی (مانند گفتار یا عملی که دلالت بر آن نماید) ابراز شود. جامع، ج ۴، م ۲۶۳. در حالی که آیت الله مکارم معتقدند: خواه اجازه لفظی باشد و یا از قرائن معلوم شود که او راضی است. توضیح المسائل، م ۲۰۶۲

۴. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، القول فی النشوز؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۳۳۷۷۵ و ۳۷۹۹۰؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۲۶۳ تا ۲۶۸؛ وحیدی، محمد، احکام خانواده، ج ۱، ص ۲۸۶ تا ۲۹۲

۵. آیت الله سیستانی در این باره، بحث شرط فعل و نتیجه را از یکدیگر تفکیک کرده و احکامی را بر آن مترتب نموده‌اند. جامع، ج ۴، م ۲۶۶ تا ۲۶۸

به سبب آن، برایش امید بهشت برود؛ اما خداوند متعال می‌فرماید: او را به بهشت ببرید؛ چون به خانواده‌اش مهر می‌ورزید.^۱

در روایتی دیگر، پیامبر خدا (ص) بهترین زنان را زنان مهربان می‌داند: «همانا بهترین همسران شما، فرزندانِ آورانِ مهربان‌اند».^۲

همچنین پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: «این سخن مرد به زن که «دوست دارم» هرگز از دل زن بیرون نرود».^۳

در روایت دیگری آن حضرت می‌فرماید: «هرگاه کسی به چهره‌ی همسرش و همسرش به چهره‌ی او بنگرد، خداوند به آن دو، با نگاه مهرآمیز می‌نگرد و هرگاه دست یکدیگر را بگیرند، گناهان آن دو، از لابه‌لای انگشتانشان فرو می‌ریزد».^۴

ارتباط صمیمانه با همسر و در کنار هم بودن زوجین و اعضای خانواده از دیگر اموری است که مورد توصیه قرار گرفته است. آن حضرت فرمودند: «نشستن مرد در کنار همسر (و خانواده‌اش)، نزد خداوند متعال، دوست داشتنی‌تر از اعتکاف کردن در مسجد من است».^۵

ایشان می‌فرماید: «خداوند مؤمن را دوست می‌دارد و زن و فرزندان او را [نیز] دوست می‌دارد. محبوب‌ترین چیز نزد خدای تعالی، آن است که ببیند مرد با زن و فرزندانش بر سر یک سفره غذا می‌خورند. پس چون بر آن سفره گرد هم آیند، با نظر رحمت به ایشان می‌نگرد و پیش از آنکه از جای خود پراکنده شوند، آنان را می‌آموزد».^۶

ب) احترام و تکریم زوجین نسبت به یکدیگر

امام سجاد(ع) خطاب به مردان فرمودند: «حق همسرت این است که بدانی خداوند او را مایه‌ی آرامش و انس تو قرار داده و این نعمتی از جانب اوست، پس باید او را گرامی بداری و به او احترام بگذاری».^۷

امام صادق (علیه السلام) نیز فرمودند: «خوشبخت است، خوشبخت است، آن زنی که شوهرش را احترام کند و آزارش ندهد».^۸

ج) همکاری زوجین با یکدیگر در رسیدگی به امور خانواده

داشتن روحیه‌ی همکاری و پرهیز از تکبر، از ویژگی‌های انسان با ایمان است.

پیامبر خدا (ص) فرمودند: «هر کس از سه کار تکبر نوزد، مؤمن حقیقی است: خدمت به خانواده، نشستن با فقرا و غذا خوردن با خدمتکارش. این کارها از نشانه‌های مؤمنانی است که خداوند در کتابش از آنان این گونه یاد کرده است: ایشان، مؤمنان حقیقی‌اند».^۹

با راهنمایی پیامبر اکرم (ص)، مسئولیت امور داخل منزل به حضرت زهرا (ع) و کارهای بیرون از خانه به امام علی (ع) سپرده شد. اما این امر سبب نشد امیرمؤمنان (ع) از یاری همسرش در کارهای خانه دریغ ورزد. یعنی در عین مشخص بودن وظایف و نقش‌های هر یک از زوجین، باید روحیه‌ی تعاون و همکاری میان آنان برقرار باشد.

۱. کاشف الغطاء، محمد حسین، الفردوس الاعلی، ج ۵، ص ۴۶۰، ح ۸۷۵۲.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۴، ح ۱.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۶۹.

۴. متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۶، ح ۴۴۴۳۷.

۵. حلی، ورام، تنبیه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲.

۶. کاشانی، ملا فتح الله، تنبیه الغافلین، ص ۳۴۳، ح ۴۹۸.

۷. شیخ صدوق، محمد، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۲۱، ح ۳۲۱۴.

۸. بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳.

۹. کنز العمال، ج ۱، ص ۷۷۴.

امام صادق (ع) فرمود: «امیرمومنان (ع) هیزم و آب می‌آورد و جارو می‌کرد و فاطمه (س) آرد می‌کرد و خمیر آماده می‌کرد و نان می‌پخت».^۱

از سوی دیگر گرچه زن وظیفه ندارد کارهای منزل از قبیل آشپزی، نظافت، خیاطی و مانند آن را انجام دهد و شوهر نمی‌تواند وی را بر این امور مجبور نماید؛ مگر آنکه شرط ضمن عقدی در این موارد وجود داشته باشد، لیکن انجام این امور بر زن مستحب است و موجب اجر و ثواب اخروی می‌شود.^۲

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: «هر زنی که در خانه‌ی شوهر برای اصلاح و مرتب کردن آن، چیزی را جابجا کند، خداوند به او نظر افکند و هر کس خداوند به او نظر نماید عذابش نکند».^۳

د) تحمل مشکلات و مدارا کردن در مورد بدخلی‌های یکدیگر

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرمودند: «هر مردی که بر بد اخلاقی همسر خود صبر کند، خداوند متعال به او اجر همانند ثوابی که به آیوب (ع) برای صبر در بلاها و گرفتاری‌هایش داده است، می‌دهد و هر زنی که در برابر بد اخلاقی شوهرش شکیبایی ورزد، خداوند همانند ثواب آسیه بنت مزاحم (همسر فرعون) به او عطا می‌کند».^۴

هـ) وسعت دادن مرد در اجازه به همسر برای رفت و آمدهای مشروع او

چنانچه منع کردن زوجه نسبت به خارج شدن از منزل در مواردی از قبیل دیدار والدین و ارحام، خلاف «معاشرت به معروف» باشد جایز نبوده و حرام است. به طور کلی سزاوار است امور خانواده با تفاهم، همدلی، رفق، مدارا و گذشت انجام شود.^۵

و) تأمین رفاه و نفقه بیش از نیاز مادی خانواده (نفقه‌ی مستحب)

گذشته از تأمین نفقه و احتیاجات مادی لازم برای خانواده؛ دین اسلام، مدلی را برای اداره اقتصادی خانواده، بر سه پایه ارائه می‌نماید.

- تأمین رفاه خانواده و تلاش برای وسعت دادن اقتصادی به آنان؛

کسی که مال ندارد و مخارجی بر او واجب است مانند خرج زن و بچه، باید کسب کند و برای انجام کارهای مستحب مانند وسعت دادن به خانواده و دستگیری از فقرا، کسب کردن مستحب است.^۶

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «هر کس خدا به او گشایش دهد و باز بر عیال خود سخت گیرد، از ما نیست».^۷

- رعایت حد اعتدال و پرهیز از اسراف و تبذیر؛

امام صادق (ع) فرمودند: «هر مردی برای اداره‌ی منزل و خانواده خود به سه خصلت نیاز دارد که اگر هم به طور طبیعی آنها را

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۸۶.

۲. آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۲۷۰.

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱ ص ۴۵۱.

۴. طبرسی، حسن، مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۲۱۳.

۵. از مقتضیات معاشرت به معروف و امساک به معروف، موافقت با خروج از منزل برای امور غیر حرام متناسب با شأن زوجه و زوج، صله‌ی ارحام و ... است. سیستانی، جامع، ج ۴، م ۲۶۹.

۶. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۰۵۳.

۷. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ج ۱، ح ۲۴۱۷.

نداشته باشد، باید خود را به سختی ببیند تا آن‌ها را بدست آورد؛ رفتاری زیبا، گشاده دستی سنجیده و غیرت برای حفاظت از اهل منزل.^۱

اگر اعضای خانواده با یکدیگر معاشرت و رفتار پسندیده‌ای، داشته باشند، مرد خانه، با گشاده‌دستی به اندازه وسعت و رفاهی که در آن اسراف نباشد را برای زن و فرزند خود تأمین نماید تا در سختی و تنگنا نباشند؛ آرامشی پایدار در خانه برقرار خواهد شد. همچنین برای تداوم این آرامش لازم است مرد برای حفاظت از اهل منزل غیرت شایسته داشته باشد.

• انفاق به تهیدستان

خداوند می‌فرماید: ^۲ آنان که امکانات وسیعی دارند، باید از امکانات وسیع خود انفاق کنند و آن‌ها که تنگدستانند، از آنچه که خدا به آن‌ها داده انفاق نمایند؛ خداوند هیچ کس را جز به مقدار توانایی که به او داده تکلیف نمی‌کند.

۲-۲-۴- نشوز هریک از زوجین

اگر هر یک از مرد یا زن بدون عذر شرعی، به وظایف واجب خود عمل نکنند، اصطلاحاً «زوج ناشز» یا «زوجه ناشزه» نامیده می‌شوند.

نشوز در زوجه، با همراهی نکردن زن با شوهرش، در استمتاعات جنسی حلال و لذت‌های متعارف، پرهیز نکردن از اموری که تنفرآور بوده و با تمتع و لذت بردن ضدیت دارد، ترک نظافت و حتی ترک آرایش مورد درخواست شوهر و نیز با خروج زن از خانه با عدم رضایت شوهر محقق می‌شود. چنانچه اموری که اطاعت شوهر در آن‌ها واجب نیست ترک شود، موجب تحقق نشوز نمی‌گردد؛ بنابراین اگر زن از خدمات خانه و کارهایی که به لذت بردن شوهر ارتباط ندارد، خودداری نماید؛ نشوز تحقق پیدا نمی‌کند، از قبیل جارو کردن، خیاطی، غذا پختن یا حتی آب دادن به همسر و پهن کردن رختخواب.^۳

نشوز زوج با ستم بر زن و اقدام به اذیت وی یا ندادن حقوق واجب او مانند نفقه محقق می‌شود.^۴

۱. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۳۳۵

۲. سوره طلاق، ۷

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، القول فی النشوز؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۳۷۹۹۰ و ۳۵۲۱۴؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۲۸۵ تا ۲۸۷، پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، قسمت استفتانات

۴. همان

فصل چهارم: احکام فرزندآوری و مباحث پیرامون آن (پیشگیری از بارداری، سقط جنین)

۱- فرزندآوری

تولد نوزاد، به عنوان معجزه‌ای الهی، نعمتی بزرگ است که خداوند به زن و مردی که با یکدیگر ازدواج کرده و خانواده‌ای را تشکیل داده‌اند، عطا می‌فرماید. فرزندآوری و تربیت نسلی شایسته آثار و برکات فراوانی برای خانواده و جامعه دارد. فرزند زینت زندگی و زمینه‌ای برای رشد و تعالی خانواده است. همچنین زمینه‌ای برای سعادت آنان در آخرت است. در روایات تأکید شده، چه بسا پدران و مادرانی که به واسطه‌ی فرزندان خود اهل بهشت می‌شوند.

۱-۱- احکام انعقاد نطفه

در احکام شرعی، برای مرحله‌ی تشکیل نطفه و به وجود آمدن فرزند، اموری به عنوان مستحبات و مکروهات انعقاد نطفه و نیز محرمات رابطه‌ی زناشویی مطرح گردیده است. این موارد که به یقین، رعایت آن‌ها، نقش بسزایی در صلاح فرزند دارد و رعایت آن‌ها بسیار مهم است، در بخش دوم بیان گردید.

۱-۲- تلقیح مصنوعی

۱-۲-۱- تلقیح داخل رحم (IUI)

تلقیح داخلی که یکی از روش‌های کمک باروری است و در آن اسپرم، به درون حفره رحم تزریق می‌گردد، شانس وقوع بارداری را افزایش می‌دهد^۱، انواعی دارد که به اختصار حکم بعضی از آن‌ها بیان می‌شود.

الف) تلقیح اسپرم شوهر

سؤال: گرفتن اسپرم از شوهر و تزریق آن در رحم همسرش چه حکمی دارد؟

پاسخ: این کار اشکال ندارد اما باید از مقدمات حرام از قبیل لمس و نگاه کردن به عورت مرد یا زن اجتناب کرد.^۲

ب) تلقیح اسپرم غیرشوهر

سؤال: حکم تزریق اسپرم غیرشوهر به رحم زنی که نطفه‌ی شوهرش فاقد اسپرم است، چیست؟

* آیت الله خامنه‌ای: تلقیح زن از طریق نطفه‌ی مرد اجنبی فی نفسه اشکال ندارد ولی باید از مقدمات حرام از قبیل نگاه و لمس

۱. عزتی‌بخشایش، محمد و جوادی‌والا، محمد، فرزندآوری و بارداری، ص ۱۲

۲. امام خمینی، تحریرالوسیله، ج ۲، التلقیح و التولید الصناعیان، م ۱؛ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه‌الاستفتائات، م ۱۲۷۲؛ پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سیستانی، بخش استفتائات، لقاح مصنوعی، س ۴؛ آیت الله مکارم، استفتائات جدید، ج ۳، س ۱۴۳۶ و ۱۴۴۱

حرام و غیر آن‌ها اجتناب شود و به هر حال اگر با این روش کودکی به دنیا بیاید، ملحق به شوهر آن زن نمی‌شود بلکه ملحق به صاحب نطفه و زنی است که صاحب رحم و تخمک است.^۱

*** آیت الله سیستانی و آیت الله مکارم: تلقیح زن از طریق نطفه‌ی غیر شوهر حرام است.^۲

• نسب کودک متولد شده از طریق تلقیح مصنوعی:

سؤال: اگر اسپرم مرد با روش تلقیح مصنوعی وارد رحم همسرش شود و زن باردار شود، آیا بچه‌ای که متولد می‌شود به آن زن و مرد ملحق می‌شود؟

پاسخ: بچه‌ای که متولد می‌شود به آن زن و مرد ملحق می‌شود.^۳

سؤال: کودک متولد شده از طریق تزریق اسپرم غیرشوهر به رحم زنی که نطفه‌ی شوهرش فاقد اسپرم است، ملحق به چه کسی است؟

* آیت الله خامنه‌ای و آیت الله سیستانی: در صورتی که با این روش کودکی به دنیا بیاید، ملحق به شوهر آن زن نمی‌شود بلکه ملحق به صاحب نطفه و زنی است که صاحب رحم و تخمک است و از آن‌ها ارث می‌برد.^۴

*** آیت الله مکارم: به منزله‌ی فرزند نامشروع صاحب اسپرم است که با او محرم است ولی از یکدیگر ارث نمی‌برند، همچنین فرزند طبیعی آن زن است و با او محرم است.^۵

۱-۲-۲- تلقیح خارج از رحم (IVF)

یکی از روش‌های کمک باروری است که در آن تخمک زن با اسپرم مرد در خارج از بدن، در محیط آزمایشگاه با هم ترکیب می‌شوند و پس از لقاح، جنین حاصل در داخل رحم زن گذاشته می‌شود.^۶

الف) اسپرم و تخمک زن و شوهر و انتقال به رحم همسر

سؤال: آیا تلقیح خارج رحمی اسپرم و تخمک زن و شوهر و انتقال زیگوت یا رویان تشکیل شده به رحم همان زن (همسر) جایز است؟

پاسخ: این کار اشکال ندارد اما باید از مقدمات حرام از قبیل لمس و نگاه کردن به عورت مرد یا زن اجتناب کرد.^۷

ب) اسپرم و تخمک زن و شوهر و انتقال به رحم غیرهمسر (رحم جایگزین)

سؤال: اگر رحم زنی آمادگی پذیرش جنین را نداشته باشد، در این صورت تلقیح خارج رحمی اسپرم زن و شوهر و انتقال به رحم زن دیگر چه حکمی دارد؟

۱. اجوبه الاستفتائات، س ۱۲۷۵

۲. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سیستانی، بخش استفتائات، لقاح مصنوعی؛ آیت الله مکارم، استفتائات جدید، ج ۱، س ۹۸۴

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی احکام الاولاد، م ۱؛ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۲۷۲، پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سیستانی،

بخش استفتائات، لقاح مصنوعی؛ پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم، بخش استفتائات، قسمت پزشکی، تلقیح مصنوعی

۴. آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۲۷۵؛ آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، التلقیح الصناعی، م ۶۶

۵. استفتائات جدید، ج ۲، س ۱۷۵۴

۶. عزتی‌بخشایش، محمد و جوادی‌والا، محمد فرزندآوری و بارداری، ص ۲۱

۷. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، التلقیح و التولید الصناعیان، م ۱؛ اجوبه الاستفتائات، س ۱۲۷۲؛ آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، مستحدثات المسائل، م ۶۹؛ آیت الله

مکارم، استفتائات جدید، ج ۱، س ۱۷۵۷ و ج ۳، س ۱۴۴۱

پاسخ: این کار جایز است ولی باید از مقدمات حرام، از قبیل نگاه و لمس حرام و ... اجتناب شود.^۱

سؤال: تلقیح خارج رحمی اسپرم و تخمک زن و شوهر و انتقال آن به رحم زن دیگر به عنوان اهداء جنین چه حکمی دارد؟

پاسخ: این کار با رضایت صاحب اسپرم و تخمک جایز است ولی باید از مقدمات حرام از قبیل نگاه و لمس حرام و ... اجتناب شود.^۲

۱-۳- دوران بارداری

دوران بارداری از شیرین‌ترین ایامی است که بانوان در طول عمر خود تجربه می‌نمایند. توصیه‌های مکرر درمورد نیکی به مادران،^۳ پاداش جهاد در راه خدا، پاک‌ی از گناه به‌گونه‌ای که گویی از مادر زاده‌شده و حسنات فراوان غیرقابل محاسبه در تحمل رنج بارداری و شیردهی^۴، بدون درنظرگرفتن سایر آثار و برکات داشتن فرزند؛ هر زن مومنی را برای به عهده گرفتن این نقش، علاقمند می‌گرداند. وظیفه‌ی مهم بانوان در شروع دوره‌ی بارداری و در حین آن، مراقبت از روح و جسم فرزند است. بانوان باید از هر رفتار و فکری که به جسم یا تربیت روحی و معنوی جنین ضرر می‌زند، پرهیز نمایند. یکی از احکام پرکاربرد در مورد زنان باردار و شیرده، حکم روزه در این ایام است.

• روزه در ایام بارداری و شیردهی^۵

خانم بارداری که زایمانش نزدیک است و خانم شیرده، چنانچه می‌ترسد روزه برای خودش یا جنین یا فرزندشیرخوارش ضرر داشته باشد، روزه بر او واجب نیست^۶ و وظیفه‌اش^۷:

الف- درخصوص قضای روزه‌ها:

* آیت الله خامنه‌ای و آیت الله مکارم: باید روزه‌ها را قضا نماید ولی اگر تا ماه رمضان سال بعد به خاطر عذر قضا نکرده و این عذر

۱. آیت الله خامنه‌ای، اجوبه‌ الاستفتائات، س ۱۲۷۶؛ پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سیستانی، بخش استفتائات، لقاح مصنوعی، س ۱؛ آیت الله مکارم، استفتائات جدید، ج ۱، س ۱۵۲۱

۲. آیت الله خامنه‌ای، اجوبه‌ الاستفتائات، با استفاده از س ۱۲۷۶؛ پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سیستانی، بخش استفتائات، لقاح مصنوعی؛ آیت الله مکارم، استفتائات جدید، ج ۲، س ۱۷۶۱

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰

۴. پیامبر صلی الله علیه و آله: إِذَا حَمَلَتِ الْمَرْأَةُ كَانَتْ بِمَنْزِلَةِ الصَّائِمِ الْقَائِمِ الْمُجَاهِدِ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، فَإِذَا وَضَعَتْ كَانَتْ لَهَا مِنَ الْأَجْرِ مَا لَا تَدْرِي مَا هُوَ لِعِظَمِهِ، فَإِذَا أَرْضَعَتْ كَانَتْ لَهَا بِكُلِّ مَصْبًى كَعْدِلٍ عَتَقَ مُحَرَّرٌ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ ، فَإِذَا فَرَعَتْ مِنْ رَضَاعِهِ ضَرْبُ مَلَكٍ عَلَى جَنْبِهَا وَ قَالَ : إِسْتَأْنَفِي الْعَمَلَ، فَقَدْ غَفَرَ لَكَ؛ هنگامی که زن باردار می‌شود، همانند روزه‌دارِ شب‌زنده‌دار و مجاهدی است که باجان و مالش در راه خدا جهاد می‌کند و هنگامی که فارغ شود، پاداشی دارد که نمی‌دانی عظمت آن چه قدر است و هنگامی که شیر بدهد، در هر بار مکیدن، پاداش آزاد کردن یکی از فرزندان اسماعیل علیه السلام برای اوست و آن گاه که شیردادن تمام شود، فرشته‌ای بر پهلوی او می‌زند و می‌گوید: «عمل را از نو آغاز کن که بی تردید، آمرزیده شدی». امالی صدوق، ص ۴۹۶، ج ۶۷۸

۵. از آنجا که حکم روزه زن شیرده با زن باردار یکی است، همین جا ذکر می‌شود.

۶. آیت الله سیستانی در مورد عدم وجوب روزه بر زن شیرده، اضافه می‌کنند: بنابر احتیاط واجب، این حکم اختصاص به موردی دارد که شیر دادن بچه، تنها همین راه را داشته باشد، اما اگر راه دیگری برای شیر دادن بچه باشد، مثلاً بتواند از شیرهای جایگزین مانند شیر خشک، کمک بگیرد، بنابر احتیاط واجب روزه نگرفتن برای چنین زنی جایز نیست؛ البته اگر دایه‌ی دیگری غیر مادر نباشد و خوردن شیر خشک (و مانند آن) برای کودک هرچند در آینده موجب ضرر قابل توجه باشد، در این صورت همانند حالت اول روزه نگرفته و به جایش قضا و فدیة ثابت می‌شود. آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۲۰۵

۷. یردی، محمد کاظم، العروه الوثقی، کتاب الصوم، روزه، احکام قضا، م ۱۳ و فصل فی موارد جواز الافطار، المورد الخامس؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۷۰۵ و ۱۷۰۳ و ۱۷۲۸ و ۱۷۲۹؛ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه‌ الاستفتاءات، ویرایش اسفند ۹۹، س ۸۰۶؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۹۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، قسمت استفتائات، حکم روزه زنان باردار کسانی که روزه بر آنها واجب نیست،

هم ترس ضرر برای خودش باشد، قضا ساقط می شود.

*** آیت الله سیستانی: قضای روزهی زن باردار و شیرده در هیچ صورتی ساقط نیست.

ب. درخصوص کفارهی تأخیر^۱:

۱. بدون عذر قضای روزهها را نگرفته است (کوتاهی کرده): کفارهی تأخیر واجب است.^۲

۲. به علت داشتن عذر (در طول سال)، قضای روزهها را نگرفته است: کفارهی تأخیر واجب نیست.

*** آیت الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب، در این صورت هم کفاره تأخیر بپردازد.

۱-۴- احکام ولادت فرزند^۳

برخی از احکامی که پس از تولد فرزند توصیه شده، عبارتند از:

الف- غسل دادن نوزاد، اگر برایش ضرر نداشته باشد، مستحب است. اگر غسل دادن نوزاد دو یا سه روز تأخیر بیفتد، مانعی ندارد.

ب - در روز ولادت یا تا قبل از افتادن بند ناف، گفتن اذان در گوش راست نوزاد و اقامه در گوش چپ مستحب است.^۴

ج - مستحب است کام نوزاد را با آب فرات و تربت حضرت سیدالشهدا «علیه السلام» بردارند.^۵

د - نام نیکویی برای فرزند انتخاب شود که این امر، مستحب و یکی از حقوق فرزند بر پدر خویش است.

هـ - مستحب است در روز هفتم تولد نوزاد، موی سر او را تراشیده و به اندازهی وزن آن، از طلا یا نقره صدقه بدهند. در این حکم فرقی بین فرزند پسر و دختر نیست و اینکه قسمتی از سر را تراشند و قسمتی دیگر را باقی گذارند، مکروه است.

و - واجب است فرزند پسر را ختنه نمایند. مستحب است این کار در روز هفتم انجام شود.

ز - مستحب است برای فرزند عقیقه نمایند.

• در عقیقه، گوسفند، گاو یا شتر کافی است ولی بهتر است حیوانی که ذبح می شود، قوچ باشد.

• مستحب است عقیقه سالم و چاق باشد.

• مستحب است عقیقهی پسر، حیوان نر و عقیقهی دختر، حیوان ماده باشد.

• مستحب است عقیقه را روز هفتم تولد کودک انجام دهند ولی اگر تأخیر افتد، همچنان استحباب آن باقی است، حتی اگر فرد

بالغ شود و برایش عقیقه نداده باشند، مستحب است خودش عقیقه بدهد.

• صدقه دادن قیمت عقیقه به جای عقیقه کافی نیست.

۱. شخصی در ماه رمضان به سبب عذری روزه نگیرد و پس از آن هم تا فرارسیدن ماه رمضان آینده قضای آن را به جا نیاورد.

۲. همهی مراجع عظام

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی احکام الاولاد، القول فی احکام الولاده، م ۲ تا ۵ و ۹ و ۱۰؛ یزدی، محمدکاظم، عروه الوثقی، ج ۱، کتاب الطهاره، فصل فی الاغسال، ص ۴۶۵، الثالث و کتاب الصلاه، فصل فی الاذان و الاقامه، ص ۴۱۱؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۱۳۸۳. به جهت رعایت اختصار، در این مبحث، به بیان آراء اختلافی فقههای بزرگوار نمی پردازیم.

۴. همچنین مستحب است رجاء در گوش نوزاد، بعد از اذان، سوره ی مبارکه ی حمد و آیه الکرسی و آیات ۲۱ تا ۲۴ سوره ی حشر و سوره های اخلاص و فلق و ناس خوانده شود؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۳۶۸

۵. منظور آن است که اولین چیزی که در دهان نوزاد گذاشته می شود حتی قبل از شیر مادر، مقدار بسیار اندکی آب فرات و تربت حضرت باشد که به سقف دهان او مالیده شود.

- گوشت عقیقه را می‌توان به صورت خام یا پخته توزیع نمود و می‌توان با آن غذایی پخته و جمعی از مؤمنین (حداقل ده نفر) را دعوت کرده و اطعام نمود.
- مکروه است که پدر و کسانی که عائله‌ی او هستند، مخصوصاً مادر بچه، از گوشت عقیقه بخورند، بلکه نخوردن مادر از عقیقه به احتیاط نزدیکتر است.
- ح - دادن ولیمه^۱ در تولد فرزند مستحب است و اگر چند روزی هم از تولد فرزند بگذرد، مانعی ندارد. ولیمه دادن در ختنه‌ی فرزند هم مستحب است.
- ط - تغذیه‌ی فرزند^۲
- مستحب است نوزاد از شیر مادر تغذیه کند. مدت شیر دادن به کودک دو سال تمام است که در صورت امکان مستحب است این مدت رعایت شود.
- *** آیت الله سیستانی: بهتر است مدّت شیر دادن نوزاد - توسط مادر یا دایه‌ی دیگر - بیست و یک ماه قمری باشد و شایسته نیست طفل بیش از دو سال قمری شیر داده شود.^۳
- در بعضی موارد، شیر دادن به کودک بر مادرش واجب است:
- در صورتی که تغذیه‌ی نوزاد با غذایی غیر از شیر ممکن نبوده یا غذای دیگر برایش ضرر داشته باشد و شیر دهنده‌ای غیر از مادر موجود نباشد.

۱-۵- پیشگیری از بارداری

۱-۵-۱- استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری

عملی که موجب فساد عضو و نازایی دائمی باشد جایز نیست. بنابراین بستن لوله‌های رحم در صورتی که موجب نازایی دائمی نشده، ضرر به مزاج و عضو نرساند و همراه با ارتکاب حرام شرعی نباشد (لمس و نظر حرام) و شوهر هم راضی باشد، اشکال ندارد^۴.

* آیت الله خامنه‌ای: اگر بستن لوله‌ها در مردان یا زنان، با یک غرض عقلانی صورت بگیرد و ضرر قابل ملاحظه‌ای هم نداشته باشد، فی نفسه اشکال ندارد و نسبت به بانوان باید با اجازه و رضایت همسر باشد. همچنین جواز این کار در صورتی است که مستلزم لمس و نظر حرام نباشد. اما انجام این عمل برای جلوگیری از افزایش جمعیت امر مذمومی است.^۵

*** آیت الله سیستانی: بستن «لوله‌های رحم» با عمل جراحی برای زن و نیز بستن «لوله‌های منی بر» یا قطع آنها در مرد با عمل جراحی، هرچند موجب عقیم شدن دائمی گردد؛ همچنین استفاده از دارو یا دستگاه پیشگیری از حاملگی (IUD و مانند آن) به شرط آنکه برای زن ضرر مهمّ و فوق‌العاده زیاد نداشته باشد، جایز است؛ ولی اگر این عمل مستلزم امور حرام (مثل آشکار نمودن عورت یا

۱. ولیمه طعمای است که در جشن و شادی به افراد داده می‌شود.

۲. تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی احکام الاولاد، القول فی احکام الولادة، م ۱۴ و ۱۵؛ توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۴۹۱

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۳۹۰

۴. امام خمینی، روح الله، احکام ازدواج تنظیم خانواده (استفتائات)، س ۹۷۵۱ و ۹۷۵۲

۵. اجوبه الاستفتائات، م ۱۲۵۶ و ۱۲۵۷

لمس و نگاه به آن حتی توسط پزشک همجنس) باشد جایز نیست، مگر در مورد اضطرار و ضرورت. البته احتیاط مستحب آن است که فرد اقدام به عملی که موجب عقیم شدن به صورت دائمی می‌شود، ننماید و از آنجایی که این امر مانع از افزایش نسل مسلمین که مطلوب شرع مقدس است می‌باشد، سزاوار است در غیر موارد ضروری از آن اجتناب شود.^۱

*** آیت الله مکارم: برای جلوگیری از انعقاد نطفه، استفاده از هر وسیله‌ی مشروعی که بی‌ضرر باشد و باعث نقص مرد یا زن نشود (یعنی مرد یا زن برای همیشه از قابلیت تولیدمثل ساقط نگردد) ذاتاً مجاز است، ولی در حال حاضر کنترل جمعیت جایز نیست، مگر اینکه واقعاً ضرورتی وجود داشته باشد. اما اگر باعث عقیم شدن دائمی می‌گردد، جایز نیست.^۲

۱-۶- سقط جنین

سقط جنین، عملی حرام و از گناهان کبیره به‌شمار می‌آید.

۱-۶-۱- حکم سقط جنین

سؤال: سقط جنین از چه زمانی و در کدام مرحله حرام است؟

پاسخ: از بین بردن نطفه بعد از استقرار آن در رحم حرام است.^۳

سؤال: حکم سقط جنین ناخواسته به دلیل مشکلات اقتصادی، نگرانی از تربیت فرزند، حفظ آبرو و ... چیست؟

پاسخ: سقط جنین حتی با وجود دلایل ذکر شده، حرام است.^۴

الف) سقط جنین در موقع خطر مرگ برای مادر

سؤال: اگر طبق تشخیص قطعی پزشک، ادامه‌ی بارداری برای مادر خطر جانی داشته باشد و حیاتش در خطر باشد آیا می‌توان آن را قبل از دمیده شدن روح سقط کرد؟

پاسخ: اگر طبق تشخیص پزشک متخصص و مورد اطمینان، باقی ماندن حمل برای مادر خطر جانی دارد و یا تهدید نسبت به حیات اوست، سقط اشکال ندارد.^۵

سؤال: در صورتی که ادامه‌ی بارداری، موجب مرگ قطعی مادر و جنین باشد، آیا سقط جنین بعد از دمیده شدن روح جایز است؟
* آیت الله خامنه‌ای و آیت الله مکارم: اگر استمرار بارداری، حیات مادر و جنین هر دو را تهدید می‌کند و نجات زندگی طفل به هیچ وجه ممکن نباشد، ولی نجات زندگی مادر به تنهایی با سقط جنین امکان داشته باشد، در این صورت سقط جنین اشکال ندارد.^۶

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۷۰۲ تا ۷۰۶؛ منهاج الصالحین، ج ۱، مستحدثات المسائل، م ۷۲

۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتائات، ازدواج و زناشویی

۳. آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۲۶۴؛ پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سیستانی، بخش استفتائات، سقط جنین، س ۱؛ آیت الله مکارم، استفتائات جدید، ج ۱، س ۱۴۹۶

۴. آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۲۶۱ و ۱۲۶۲ و ۱۲۶۴ و ۱۲۶۷؛ آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، م ۳۸۴؛ آیت الله مکارم، استفتائات جدید، ج ۱، س ۱۴۹۷

۵. آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۲۶۲ و ۱۲۶۶؛ پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سیستانی، بخش استفتائات، سقط جنین، س ۳ و ۱۱؛ آیت الله مکارم، استفتائات جدید، ج ۱، س ۱۴۸۸ و ۱۴۹۷

۶. آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۲۶۶؛ آیت الله مکارم، استفتائات جدید، ج ۱، س ۱۴۸۸

ب) سقط در صورت معیوب بودن جنین

سؤال: بعضی از زوج ها، مبتلا به بیماری های خونی بوده و دارای ژن معیوب می باشند و در نتیجه ناقل بیماری به فرزندان خود هستند و احتمال این که فرزندان شان مبتلا به بیماری های شدید باشند، بسیار زیاد است و چنین کودکانی از بدو تولد تا پایان عمر، دائماً در وضع مشقت باری به سر خواهند برد. حال آیا با توجه به این که تشخیص این بیماری در هفته های اول بارداری ممکن است آیا سقط جنین در چنین مواردی جایز است؟

پاسخ: سقط جایز نیست، ولی اگر تشخیص بیماری در جنین قطعی است و داشتن و نگهداشتن چنین فرزندی موجب حرج می باشد، در این صورت قبل از دمیده شدن روح، جایز است جنین را سقط کنند.^۱
بنابراین سقط جنین بعد از دمیده شدن روح حرام است.

ج) دیه سقط جنین

سؤال: در مواردی که سقط جنین جایز است، آیا پرداخت دیه ی آن واجب است؟

* آیت الله خامنه ای و آیت الله مکارم: بنابر احتیاط واجب دیه باید پرداخت شود.^۲

سؤال: در مواردی که سقط جنین حرام است، آیا پرداخت دیه آن واجب می شود؟

پاسخ: بله. در مواردی هم که سقط جنین حرام است، پرداخت دیه واجب است.^۳

د) كفاره سقط جنین

سؤال: در صورتی که بعد از دمیده شدن روح، جنین را عمداً سقط کنند؛ آیا بر سقط کننده، علاوه بر دیه، كفاره ی قتل هم واجب می شود؟

* آیت الله خامنه ای و آیت الله سیستانی: بله كفاره واجب می شود.^۴

*** آیت الله مکارم: دیه کافی است و كفاره واجب نمی شود.^۵

سؤال: ازدواج موقت کرده و متأسفانه باردار شدم. برای حفظ آبروی خانواده مجبور به سقط جنین شدم. با توجه به این که اصلاً از آن آقا هیچ خبر و آدرسی ندارم، تکلیف دیه ی سقط جنین چه می شود؟ آیا كفاره هم لازم است؟

پاسخ: سقط جنین در فرض سؤال گناه بزرگی است و باید توبه و استغفار کنید و نسبت به دیه، اگر جنین توسط خود شما – مثلاً از راه خوردن قرص – سقط شده باشد و پدر بچه، دیه را نبخشد، آن (دیه) را باید به پدر بچه بپردازید و با توجه به فرض سؤال اگر از پیدا

۱. آیت الله خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۲۶۵؛ آیت الله سیستانی، استفتاءات، ج ۱، س ۴۴۶؛ آیت الله مکارم، استفتاءات جدید، ج ۱، س ۱۵۰۲ و ج ۳، س ۱۴۵۲
۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بخش استفتاءات، احکام پزشکی، سقط جنین، س ۷۲؛ پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم، بخش استفتاءات، پزشکی، سقط جنین. فتاوی آیت الله سیستانی به دست نیامد.
۳. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بخش استفتاءات، احکام پزشکی، سقط جنین، س ۸۳ و ۷۸۴؛ آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، احکام تحديد النسل، م ۷۳؛ آیت الله مکارم، استفتاءات جدید، ج ۱، س ۱۳۴۷
۴. امام خمینی، تحریر الوسیله، کتاب الدیات، القول فی اللواحق، الاول فی الجنین، م ۲؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش شماره ۶۹۱۲۱؛ پایگاه اطلاع رسانی آیت الله سیستانی، بخش استفتاءات، سقط جنین، س ۱۴
۵. استفتاءات مرکز ملی پاسخ گویی به سؤالات دینی، فایل ۷۷-۲

شدن او مأیوس باشید، از طرف او دیه‌ی مذکور را به فقیر صدقه دهید؛ اما در مورد کفاره، چنانچه سقط جنین، قبل از دمیده شدن روح باشد کفاره ندارد؛ ولی بعد از دمیده شدن روح، کفاره دارد. اگر سقط جنین عمدی باشد، کفاره‌ی جمع دارد. (یعنی شخصی که اسقاط جنین کرده، باید هم دو ماه روزه پی‌درپی بگیرد و هم شصت مسکین را اطعام کند).^۱

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش شماره ۶۹۱۳۱

فصل پنجم: احکام روابط اجتماعی همسران

۱- محارم و غیر محارم

محرم به کسی گفته می‌شود که با یکی از راه‌های نسب، ازدواج یا رضاع، با انسان رابطه‌ی خویشاوندی پیدا کند. براساس آیات الهی رعایت احکام حجاب در برابر محرم لازم نبوده و ازدواج با او جایز نیست. درمقابل، نامحرم کسی است که چنین خویشاوندی را با فرد ندارد و رعایت احکام حجاب در برابر او واجب است.

اقسام محارم:

محارم سه دسته هستند:

۱-۱- محارم نسبی:

افرادی که از راه نسب (همزاد بودن) به انسان، محرم هستند. مانند: پدر و مادر، مادران و پدران آنان به بالا، فرزندان و اولاد آنها به پایین مانند نوه، نتیجه و ...، خواهر و برادر و اولاد آنان به پایین مانند نوه و نتیجه آنها، عمو، عمه، خاله و دایی خود فرد و مادر و پدرش به بالا

۱-۲- محارم سببی:

ازدواج دائم یا موقت، سبب محرمیت میان زوج و زوجه و برخی از افراد دو فامیل می‌شود:

الف - افرادی که با ازدواج به زوج محرم می‌شوند:

۱. مادرزن (نسبی یا رضاعی)

۲. مادر بزرگ زن (مادر پدرزن و مادر مادرزن) به بالا مانند مادر مادر بزرگ زن؛ (نسبی باشند یا رضاعی)

۳. ریهه: دختری که زن از شوهر دیگرش دارد و نوه‌های زن به پایین، مانند دختر دختر زن و دختر پسر زن (نسبی یا رضاعی) در صورتی که با آن زن آمیزش کرده باشد.

ب - افرادی که با ازدواج به زوجه محرم می‌شوند:

۱. پدر شوهر (نسبی یا رضاعی)

۲. پدر بزرگ شوهر (پدر پدر شوهر و پدر مادر شوهر) به بالا؛ (نسبی باشند یا رضاعی)

۳. پسرهای شوهر که از همسر دیگرش دارد و نوه‌های او به پایین، مانند پسر پسر شوهر و پسر دختر شوهر (نسبی یا رضاعی)

۱-۳- محارم رضاعی:

افرادی که به وسیله‌ی شیر خوردن (از یک مادر) با شرایط خاصی به انسان محرم می‌شوند.^۱

۱. شرایط رضاع در رساله‌های عملیه بیان شده است. از جمله: شیر توسط کودک مستقیماً از سینه زن مکیده شود نه از طریق شیشه شیر یا ...، کودک یک شبانه روز یا بیشتر و یا ۱۵ دفعه پشت سرهم به صورت کامل، شیر کامل خورده باشد و مابین دفعات غذای دیگر یا شیر زن دیگری را نخورده باشد. شیر خوردن کودک تا قبل از اتمام ۲ سالگی

۲- احکام ارتباط با نامحرم

بخشی از احکام دین اسلام، دستورالعمل‌های ویژه‌ای برای ارتباط زنان و مردان است.

۲-۱- نگاه

نگاه کردن مرد به مو و بدن زن نامحرم، غیر از صورت و دست‌ها از انگشتان تا مچ حرام است هرچند بدون شهوت و لذت جنسی باشد و فرد مطمئن باشد که به گناه نمی‌افتد. همچنین نگاه به صورت و دست‌ها تا مچ اگر به قصد لذت یا همراه با ترس افتادن در گناه باشد، نیز حرام است. نگاه کردن زن به قسمت‌هایی از بدن مردان که به طور متعارف نمی‌پوشانند، مثل سر و گردن و قسمتی از دست و مچ پا بدون لذت یا ترس مبتلا شدن به گناه، اشکال ندارد.^۱

لمس بدن نامحرم - حتی لمس مو، صورت و دست - حرام است، هرچند همراه با شهوت و لذت جنسی یا ترس مبتلا شدن به گناه نباشد. بنابراین دست دادن (مصافحه) با نامحرم جایز نیست، هرچند از خویشاوندان نزدیک انسان باشد.^۲ نگاه به عورت دیگری و لمس آن اگرچه از پشت شیشه یا در آئینه یا آب صاف حرام است خواه محرم باشد یا نامحرم، همجنس باشد یا غیر همجنس. ولی زن و شوهر می‌توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.^۳

سؤال: آیا رفع موهای زائد (ایپلاسیون) تمام بدن، حتی شرمگاه توسط همجنس جایز است؟

جواب: اگر توسط همجنس انجام شود و موجب مفسده نباشد در غیر عورت اشکال ندارد، اما در شرمگاه که مستلزم لمس و نگاه حرام است، جز توسط همسر، جایز نیست.^۴

۲-۲- پوشش و حجاب

۲-۲-۱- پوشش مرد

* آیت الله خامنه‌ای: پوشش مرد نامحرم در مقابل زن باید به گونه ای باشد که موجب مفسده نشود.^۵

** آیت الله سیستانی: بر مرد واجب نیست بدن خود را - غیر از عورتین^۶ - در مقابل دیگران بپوشاند؛ مگر در مواردی که بترسد بر اثر نپوشاندن آن، مبتلا به گناه شود یا نوعی هتک حیثیت وی محسوب شود یا نوعاً و به‌طور معمول موجب جلب توجه دیگران و نگاه از روی لذت افراد به وی گردد؛ البته، نباید قصد وی از نپوشاندن بدن خود در موارد فوق، مبتلا کردن بیننده به نگاه حرام باشد.

اتفاق افتد و ...

۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۴۳۳؛ آیت الله خامنه‌ای، رساله آموزشی، ج ۲، درس ۷۶ و پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری، بخش استفتائات، روابط زن و مرد نامحرم، س ۶؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۱ و ۲ و ۷؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۲۰۸۰
۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۳۹۲۷۳ و بخش استفتائات، روابط زن و مرد نامحرم، س ۱۶؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۱۶ و ۱۷؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتائات، احکام نگاه
۳. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۴۳۶
۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بخش استفتائات، احکام آرایشگران، فصل سوم: آرایش زنانه، س ۶۱؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۱۸؛ پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم، بخش استفتائات، احکام نگاه
۵. رساله آموزشی، ج ۲، درس ۷۵
۶. پوشاندن عورتین حتی در مقابل همجنس واجب است.

البته ادب و شرف و حیا و وقار مرد اقتضا می‌کند در حضور دیگران از پوشش مناسب برخوردار باشد.^۱
*** آیت الله مکارم: مردان می‌توانند سر و گردن و مقداری از سینه و دست‌ها و پاها را در مقابل نامحرم بپوشانند، ولی بقیه بدن را باید بپوشانند.^۲

۲-۲-۲- پوشش زن

حجاب و پوشش زن در برابر نامحرم، که در آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام بیان گردیده، از مسلمات شریعت و ضروری دین محسوب می‌شود و رعایت نکردن آن گناه است.
زن باید تمام بدن و موی خود را، به جز گردی صورت و دست‌ها از مچ به پایین (بدون آرایش و زیورآلات)، در برابر مردان نامحرم بپوشاند. بنابراین پوشاندن موی سر، گوش، گلو، زیر چانه، بازو، ساعد، مچ دست و زیر و روی پاها از مرد نامحرم واجب است.^۳
*** آیت الله مکارم: واجب است زن بدن و موی خود را از نامحرم بپوشاند ولی پوشانیدن صورت و دست‌ها تا مچ واجب نیست.^۴
بانوان باید مچ پا و بالاتر از آن را بپوشانند. همچنین احتیاط آن است که کف و روی پا را نیز بپوشانند.^۵
حجاب و پوشش بانوان در برابر مرد نامحرم، علاوه بر پوشاندن قسمت‌های فوق باید ویژگی‌های زیر را هم داشته باشد:
اول. نازک و بدن‌نما نباشد؛ بنابراین پوشیدن لباس‌هایی مانند روسری یا جوراب نازک که موها و پوست بدن را نمی‌پوشاند در برابر نامحرم جایز نیست.
دوم. تنگ و چسبان نباشد؛ بنابراین پوشیدن لباس‌هایی که حجم و برجستگی‌های بدن را نشان می‌دهد، در برابر نامحرم جایز نیست.
سوم. زینت محسوب نشود؛ بنابراین پوشیدن هر نوع لباس اعم از چادر، مانتو، شلوار، روسری، جوراب و ... که از نظر رنگ یا کیفیت دوخت یا ویژگی‌های دیگر عرفاً جنبه‌ی زینت داشته باشد، در برابر نامحرم جایز نیست.
چهارم. رنگ و خصوصیات آن به‌گونه‌ای نباشد که جلب توجه کند.
احکام پوشش در همه مکان‌ها باید رعایت شود و حضور در مجلس عروسی نباید باعث نادیده گرفتن احکام الهی برای عروس و داماد و سایر افراد شرکت کننده شود.

۲-۳- آرایش و زینت

بر بانوان واجب است آرایش و زینت خود را از نامحرم بپوشانند. بنابراین، اموری مانند موی مصنوعی و کلاه‌گیس، لاک ناخن، حنای دست، لنزهای رنگی چشم، بعضی از اقسام تاتو یا مژه یا ناخن مصنوعی، چنانچه عرفاً نوعی زینت محسوب شود، لازم است از

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۳۷
۲. پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مکارم، بخش استفتائات، احکام حجاب، حجاب آقایان
۳. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۴۳۵؛ اجوبه الاستفتائات، م ۱۳۶۱ تا م ۱۳۶۷؛ آیت الله خامنه‌ای، رساله آموزشی، ج ۲، درس ۷۵؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۲۷ تا م ۳۷
۴. توضیح المسائل، م ۲۰۸۲
۵. پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتائات، احکام حجاب، حجاب بانوان
۶. آیت الله خامنه‌ای، رساله آموزشی، ج ۲، درس ۷۵؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۲۹ و ۳۱؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۲۰۹۰ و پایگاه اطلاع رسانی دفتر، بخش استفتائات، احکام حجاب، حجاب بانوان

نامحرم پوشانده شود.^۱

* آیت الله خامنه‌ای: هر آنچه عرفاً زینت و آرایش محسوب می‌شود، یا باعث جلب نظر نامحرم است، باید از نامحرم پوشانده شود.^۲

** آیت الله سیستانی: از بین زینت‌ها؛ سرمه کشیدن، برداشتن ابرو، اصلاح صورت، حلقه و انگشتر و النگو و دستبند لازم نیست پوشانده شود. البته استثنای این موارد در صورتی است که نپوشاندن آن‌ها باعث ترس ابتلای خودش به گناه نباشد و قصد مبتلا کردن دیگران به نگاه حرام را نداشته باشد، همچنین نپوشاندن آن‌ها معمولاً موجب جلب توجه دیگران و نگاه از روی لذت دیگران نگردد. هرچند احتیاط مستحب است که این زینت‌ها نیز از نامحرم پوشانده شود.^۳

*** آیت الله مکارم: پوشاندن زیورآلاتی که معمولاً در معرض دید نامحرم است مانند انگشتر و حلقه‌ی ازدواج چنانچه مفسده‌ای نداشته باشد واجب نیست ولی غیر این‌ها را باید از دید نامحرم پوشاند. همچنین آرایش گردی صورت و دست‌ها تا می‌ج در صورتی که بسیار خفیف باشد و منشأ مفسده‌ای نگردد، اشکالی ندارد، ولی از آرایش‌های تند یا مفسده انگیز باید پرهیز کرد. مثلاً تاتو یا سرمه کشیدن در صورتی که ملایم باشد و آرایش تند محسوب نشود مانعی ندارد مگر اینکه منشأ مفسده‌ای گردد.^۴

۳-۳- ارتباط با نامحرم در فضای مجازی

به طور کلی صحبت کردن و ارتباط زن و مرد نامحرم، در صورتی که مستلزم مفسده بوده و یا خوف ارتکاب گناه در میان باشد، جایز نیست؛ و در غیر این صورت فی نفسه اشکال ندارد. این حکم در مورد هرگونه صحبت یا ارتباط غیرحضوری با جنس مخالف مانند تماس تلفنی، نامه‌نگاری، ارتباط از طریق شبکه‌های اجتماعی، چت کردن، ارسال پیامک و ایمیل نیز جاری می‌شود.^۵

** آیت الله سیستانی حکم فوق را با شرح و تفصیل بیشتری این گونه بیان می‌فرماید: صحبت کردن و گفتگوی زن و مرد با رعایت شرایط ذیل جایز است:

الف. با شهوت و لذت جنسی - هرچند درجه‌ی خفیف احساس جنسی - همراه نباشد. ب. این ترس و خوف وجود نداشته باشد که فرد با صحبت کردن مبتلا به گناه شود. ج. همراه با مطالب عاشقانه یا نکات غیر اخلاقی و فساد انگیز^۶ نباشد. د. زن صدای خود را طوری رقیق و نازک نکند که معمولاً برای شنونده تحریک کننده است. خنده، مزاح و شوخی با نامحرم در صورتی که همراه با لذت و شهوت جنسی - هرچند درجه‌ی خفیف آن - یا ترس مبتلا شدن به حرام باشد، جایز نیست؛ در غیر این صورت نیز، چنانچه طوری باشد که در عرف افراد متدین نامناسب و ناشایست شمرده شود، بنابر احتیاط واجب جایز نیست.^۷

۱. حکم وجوب پوشاندن آرایش‌های نوظهور همچون تاتو، کاشت مژه و ناخن و امثال آن در این بخش و حکم وضو و غسل با وجود این آرایش‌ها در بخش ششم (احکام متفرقه‌ی مورد نیاز همسران) بیان می‌شود.

۲. فرقی بین نامحرم‌ها نیست چه فامیل نزدیک باشند و چه غریبه، در نتیجه خانم‌ها باید در مجالس و میهمانی‌های فامیلی و غیره، صورت و دست‌های زینت شده‌ی خود را از نامحرم بپوشانند و از زینت کردن آن‌ها پرهیز کنند. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری، بخش استفتائات، احکام حجاب و عفاف، آرایش، س ۵۵ تا ۵۸ و بخش پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش شماره ۴۱۴۲۰ و ۴۰۴۲۷ و ۴۰۳۴۷

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۳۲

۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتائات، خانواده، احکام حجاب، حجاب بانوان

۵. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری، بخش استفتائات، احکام حجاب و عفاف، روابط زن و مرد نامحرم، س ۱ و ۲؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۴۲ و ۴۳؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتائات

۶. تبادل مطالب عاشقانه چنانچه مفسده‌ای به دنبال نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب جایز نیست و اگر مفسده داشته باشد، بنابر فتوی^۱ حرام است.

۷. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۴۲ و ۴۶

۳- طلا برای مردان

* آیت الله خامنه‌ای: استفاده از طلا به هر صورت، خواه حلقه‌ی انگشتری یا گردنبند باشد یا غیر آن، برای مردان مطلقاً حرام است هرچند به قصد زینت نباشد و از دید دیگران مخفی باشد و نماز با آن هم بنابر احتیاط واجب، باطل است. پس ملاک حرمت طلا برای مردان، صدق زینت نیست، بلکه استفاده از آن به هر صورت و به هر قصدی حرام است. ولی استفاده از طلا برای مردان در جراحی استخوان و دندان سازی اشکال ندارد. در حرمت پوشیدن طلا برای مردان، فرقی نیست بین آن که مدت کمی باشد، مثل لحظه‌ی عقد یا زیاد.^۱

*** آیت الله سیستانی: پوشیدن طلا و زیورات آن که عرفاً زینت به حساب می‌آید مانند انگشتر طلا یا حلقه‌ی طلا در دست نمودن یا آویختن زنجیر و گردنبند طلا به گردن یا بستن ساعت مچی طلا به دست و مانند آن، برای مرد حرام است، چه در نماز باشد چه در غیر نماز و نماز خواندن با آنها، باطل است. همچنین مرد بنابر احتیاط واجب نباید تکمه‌های لباس خود یا دندان‌های جلوی خویش را از طلا قرار دهد - که این کار عرفاً زینت به حساب می‌آید - اما اگر دندان‌های عقب را از طلا قرار دهد که عرفاً زینت محسوب نمی‌شود، اشکال ندارد؛ البته در هر صورت نماز با آن صحیح می‌باشد.^۲

*** آیت الله مکارم: زینت طلا مانند انگشتر طلا و یا ساعت مچی طلا و مانند آن برای مردان حرام است و نماز با آن نیز باطل است و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا نیز خودداری شود ولی همه‌ی اینها برای زنان در نماز و غیر نماز جایز است. دندان طلا اگر در جلو باشد و جنبه‌ی زینت داشته باشد برای مردان چه در نماز و چه در غیر نماز جایز نیست، مگر این که ناچار باشند.^۳

• استفاده از طلای سفید برای مردان

سؤال: استفاده مردان از انگشتری که از جنس طلای سفید است، چه حکمی دارد؟

* آیت الله خامنه‌ای: اگر چیزی که طلای سفید نامیده می‌شود همان طلای زرد است که بر اثر مخلوط کردن ماده‌ای رنگ آن سفید شده، حرام است ولی اگر عنصر طلا در آن به قدری کم است که عرفاً به آن طلا نمی‌گویند مانع ندارد و پلاتین نیز اشکال ندارد.^۴

*** آیت الله سیستانی و آیت الله مکارم: در حرام بودن استعمال طلا برای مردان، فرقی بین اقسام آن نیست، خواه طلای زرد باشد یا طلای سرخ یا طلای سفید، ولی استفاده از پلاتین که فلز دیگری است، اشکال ندارد.^۵

۴- کاشت ناخن، مژه و ...

سؤال: کاشت ناخن مصنوعی یا مژه برای بانوان چه حکمی دارد؟

۱. اجوبه‌ی الاستفتائات، س ۴۴۲ و ۴۴۴ و ۴۴۵ و ۴۴۶

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۵۰۰ و ۵۰۱

۳. توضیح المسائل، م ۷۶۱ و ۷۶۲

۴. اجوبه‌ی الاستفتائات، س ۴۴۳

۵. آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۵۰۲؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتائات، خانواده، حجاب آقایان

پاسخ: اگر عرفاً زینت و آرایش محسوب شود، باید از نگاه نامحرم پوشانده شود.^۱

* آیت الله خامنه‌ای:

کاشت ناخن یا مژه که مانع رسیدن آب است، اگر ضرورت نداشته باشد و به دلیل عدم امکان یا مشقت غیر قابل تحمل، هنگام وضو یا غسل، قابل برداشت نباشد، جایز نیست و در هر صورت، کسی که انجام داده اگر برداشتن آن ممکن باشد، وضو یا غسل با آن باطل و در نتیجه نماز هم باطل است و چنانچه برداشتن آن تا پایان وقت نماز ممکن نباشد یا مشقت غیر قابل تحمل داشته باشد، باید علاوه بر وضو یا غسل جبیره ای، تیمم کند و بعد از برداشتن ناخن یا مژه، بنابر احتیاط واجب قضای نمازها را نیز بخواند.^۲

*** آیت الله سیستانی: انجام عملی که باعث شود وظیفه فرد از وضوی عادی به وضوی جبیره‌ای تغییر کند - مانند تاتویی که موجب ایجاد زخم و جراحت در صورت گردیده و آب برایش ضرر داشته باشد - به خودی خود اشکال ندارد، هرچند این کار در وقت نماز واجب انجام گردد. اما انجام عملی - مانند کاشت ناخن یا تاتویی که مانع در اعضای وضو (یا غسل) محسوب شده و قابل رفع نباشد - که باعث می‌شود وظیفه فرد برای رفع حدث از وضوی عادی به تیمم تغییر کند یا وظیفه‌اش، جمع بین وضوی جبیره‌ای و تیمم شود، چنین عملی در وقت نماز فریضه جایز نیست؛ بلکه قبل از وقت نماز فریضه نیز، بنابر احتیاط واجب جایز نمی‌باشد.^۳

*** آیت الله مکارم: این کار جز در حال ضرورت جایز نیست. اگر کسی بدون ضرورت این کار را انجام داده، چنانچه به راحتی قابل جدا کردن باشد باید جدا کند و الا به همین صورت وضو و غسل را انجام دهد و حکم جبیره را دارد.^۴

۱. برای جلوگیری از اطاله کلام در بخش‌های دیگر، حکم صحت وضو و غسل و در نتیجه صحت اعمالی که مشروط به طهارت است مثل نماز و روزه، در همین جا بیان می‌شود.

۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بخش استفتائات، احکام حجاب و عفاف، آرایش، س ۷۱ و ۸۶

۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۳۹۸

۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتائات، قسمت حجاب بانوان و قسمت مانع در اعضای وضو

فصل ششم: احکام مسائل اقتصادی خانواده

۱- مهریه

۱-۱- تعریف مهریه

مهریه هدیه و پیشکشی است که مرد در برابر اینکه زن به او اجازه داده تا از راه شرعی به همسری او درآید، به زن تقدیم می کند. مهریه را از این جهت که نشانه‌ی صداقت مرد در اشتیاق به ازدواج با زن است، صداق هم می گویند. شایسته است که زن در تعیین مهریه، رعایت حال مرد را بکند و مهریه‌ی سنگین قرار ندهد و مقدار آن به گونه‌ای باشد که مرد توان پرداخت آن را داشته باشد.

حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «مهریه زنان را زیاد نکنید که دشمنی ایجاد می کند.»^۱ از سوی دیگر بر اساس روایات، عدم پرداخت مهریه به زن در صورتی که مرد توانایی پرداخت آن را دارد و زن آن را طلب می کند، ظلم به اوست.

۱-۲- شرایط مهریه^۲

چیزی که به عنوان مهریه قرار داده می شود:

الف- باید قابل تملک^۳ باشد؛ پس شراب، خوک و مانند آن را نمی توان مهر قرار داد.

ب - باید مشخص و معین باشد؛ بنابراین مثلاً یکی از باغ‌ها یا یک مزرعه را بدون اینکه معین شود، نمی توان به عنوان مهر قرار داد.

ج - باید ارزش مالی داشته باشد؛ بنابراین اشیای بی ارزش مانند یک دانه برنج یا یک دانه گندم را نمی توان مهر قرار داد.

*** آیت الله سیستانی در ارزش مالی داشتن چیزی که به عنوان مهریه قرار داده می شود، نظر به احتیاط واجب داده اند. یعنی از نظر ایشان قرار دادن اشیای بی ارزش مانند یک دانه گندم یا یک برگ درخت به عنوان مهریه، بنابر احتیاط واجب صحیح نیست.^۴

در عقد دائم، مهریه‌ای که زن و مرد بر آن توافق کرده‌اند، چنانچه یکی از شرایط بالا را نداشته باشد، مهر باطل بوده ولی عقد صحیح است.

۱-۳- مصادیق مهریه

با توجه به شرایط فوق الذکر، چیزهای مختلفی را می توان مهر قرار داد. موارد زیر از مصادیق مهریه هستند:

۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۷، کتاب النکاح، ابواب المهور، باب ۵، ح ۱۲

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی المهر، م ۱ و ۳؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش شماره ۷۰۷۷۳؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۲۱۹

۳. یعنی از نظر شرعی مالک شدن مسلمان نسبت به آن چیز صحیح باشد.

۴. همان و آیت الله سیستانی، منهج الصالحین، ج ۳، م ۲۸۶

۵. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی المهر، م ۱

- عین مال؛ مانند یک قطعه زمین مشخص یا سه دانگ از یک خانه‌ی معین و موجود
- دین^۱؛ مانند پنج قطعه سکه‌ی بهار آزادی بر عهده‌ی زوج
- منفعت مال؛ مانند سکونت در منزلی یا استفاده از میوه‌های درختان باغی بدون اینکه ملکیت منزل یا آن باغ منتقل گردد.
- آموزش عملی حلال؛ مانند تعلیم یک حرفه، آموزش قرآن

۱-۴- مقدار مهریه

مهریه مقدار معینی ندارد و به هر مقدار که زوجین توافق کنند، صحیح است؛ خواه زیاد باشد یا کم؛ ولی نباید آن قدر کم باشد که مال محسوب نشود. از جهت زیادی هم مستحب است از مهر السنه^۲ که پانصد درهم است، بیشتر نباشد.^۳

بنابر نظر مشهور، وزن درهم معادل ۱۲/۶ نخود سکه نقره است که تقریباً ۲/۴۱۹ گرم می‌باشد. بر این اساس ۵۰۰ درهم معادل ۱۲۰۹/۵ گرم (یک کیلو و دویست و نه و نیم گرم) نقره می‌باشد.^۴

در روایات فراوانی تاکید شده که از مهریه‌های سنگین پرهیز شود تا جایی که کم بودن مهریه از برکات زن و زیاد بودن آن از نامبارکی وی و سبب ایجاد دشمنی میان زن و مرد شمرده شده است.^۵ تعیین مهریه به اندازه‌ای که مرد توان پرداخت آن را داشته باشد، زمینه را برای پرداخت آن فراهم می‌نماید. همچنین اگر مرد تصمیم داشته باشد که مهریه را ندهد گناه بوده و در بعضی روایات به عنوان زنا شمرده شده است.^۶

۱-۵- مالک مهریه

پس از خوانده شدن عقد، پرداخت مهریه بر عهده‌ی مرد آمده و تمام مهریه به زن تعلق می‌گیرد ولی استقرار مالکیت زن نسبت به تمام مهر بعد از رابطه‌ی زناشویی می‌باشد. بنابراین زن حق دارد پس از عقد، در کل مهریه تصرف کند. در صورتی که قبل از رابطه‌ی زناشویی، طلاق واقع شود، استقرار مالکیت زن نسبت به نصف مهریه خواهد بود. بنابراین چنانچه زن تمام مهریه را گرفته باشد، باید نصف مهریه را به مرد برگرداند و فقط نصف آن برای زن باقی می‌ماند.^۷

۱-۶- شیربها

در برخی مناطق مرسوم است که بعضی از فامیل دختر مانند پدر یا مادر او، مبلغی را به عنوان «شیربها» از شوهر می‌گیرند. شیربها جزو مهر نبوده و احکام آن را ندارد.

حکم شیربها از نظر شرع: اگر دادن و گرفتن آن مال به عنوان اجرت در مقابل انجام عمل مباحی است؛^۸ در جواز و حلال بودن آن اشکالی نیست. اما اگر به عنوان جعاله و اجرت انجام عمل مباحی نباشد: چنانچه خواستگار این مال را با رضایت به نزدیکان دختر

۱. بدهی‌ای که بر ذمه‌ی فرد می‌باشد.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی المهر، م ۱؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۱۹۷۱۱؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۲۲۱؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتانات

۳. آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۲۲۱

۴. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۵۲

۵. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷، ص ۲۱۴

۶. امام خمینی، تحریر الوسیله، خمینی، روح الله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی المهر، م ۱۵؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۲۴۳ و ۲۴۴؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۲۰۶۹ و ۲۰۹۶

۷. به این مال جعاله گفته می‌شود یعنی خواستگار، این مال را به پدر یا مادر دختر می‌دهد تا بدین وسیله فرزندش را به این ازدواج راضی نماید.

می‌دهد هرچند برای جلب نظر و راضی نمودن دختر باشد، گرفتن آن جایز است. اما در صورتی که خواستگار بدون رضایت قلبی و فقط برای رفع مانع ازدواج، شیر بها را بپردازد: گرفتن آن مال و استفاده از آن حرام است.^۱

۲- جهیزیه

براساس تعالیم دینی، نفقه و مخارج زن از قبیل خوراک، لباس، مسکن و لوازم زندگی به عهده‌ی شوهر بوده و آماده کردن این وسایل بر او واجب است.^۲ این رسم که دختر هنگام رفتن به خانه شوهر باید تمامی وسایل زندگی را با خود ببرد و خانواده‌ی دختر موظف است کلیه‌ی وسایل زندگی را فراهم کند، ریشه‌ی شرعی و اسلامی ندارد.^۳ البته اینکه پدر و مادر دختر، اقدام به تهیه‌ی جهیزیه می‌کنند، احسانی است بر زوجین جوان که در حال تشکیل زندگی مشترکند ولی باید مراقب بود که از حد اعتدال دور نگردند و این احسان مانعی بر سر راه تحقق ازدواج نباشد.

۳- نفقه

۳-۱- نفقه‌ی زوجه

پرداخت نفقه‌ی همسر دائمی که ناشزه نباشد^۴، بر شوهر واجب است. پس زنی که عقد موقت کرده و زن ناشزه، نفقه ندارد. فقر و احتیاج شرط استحقاق نفقه برای زن نیست. بنابراین زن بر شوهر حق نفقه دارد اگر چه بی‌نیازترین مردم باشد.^۵ تعریف، مصادیق و ضابطه‌ی نفقه‌ی زوجه در بخش دوم، (احکام ازدواج) بیان شد. در این بخش، استفتائی در این باره بیان می‌شود و سپس در ادامه، به بحث در خصوص نفقه‌ی اقارب می‌پردازیم.

سؤال: ۱. پولی که شوهر به زن می‌دهد تا امورات یومیه‌اش را بگذرانند (مانند هزینه‌های رفت‌وآمد، مایحتاج خانه، لباس و آرایشگاه)، آیا در ملکیت زن قرار می‌گیرد؟

۲. چنانچه از این پول برای خود، پس انداز کند؛ آیا می‌تواند بدون اجازه‌ی شوهرش با این پول، برای دیگران هدیه بخرد؟
جواب ۱ و ۲: موارد مختلف است؛ در صورتی که شوهر، پول را به همسر خود تملیک کرده باشد، چه بابت نفقه یا هبه و امثال آن، مبلغ مذکور متعلق به زن است و تصرفاتش در آن بدون اجازه‌ی شوهر نافذ است. ولی اگر آن وجوه را به صورت امانت در اختیار همسر قرار داده تا برای خودش و خانواده هزینه کند؛ چنانچه اضافه بیاید، مقدار اضافی متعلق به شوهر است و تصرفات زن در آن اموال باید با اجازه‌ی شوهر باشد.^۶

۱. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی المهر، م ۹؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۲۵۶

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی النفقات، م ۸

۳. وحیدی، محمد، احکام خانواده، ج ۱، ص ۲۴۶

۴. یعنی در چیزهایی که اطاعت از شوهر در آن چیزها لازم است، اطاعت کند.

۵. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی النفقات، م ۱ و ۱۹؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۳۷۹۹۰؛

آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۴۲۳ و ۴۲۵؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۲۰۶۲

۶. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۱۶۸۲

۳-۲- نفقه‌ی خویشاوندان

علاوه بر نفقه‌ی همسر، بر مرد واجب است که در حد توان، نفقه‌ی فرزندان (به پایین مانند نوه و نتیجه) و پدر و مادر خویش (به بالا مانند پدربزرگ و مادربزرگ و مادران و پدران آنها) را در صورتی که فقیر و نیازمند باشند^۱، بپردازد. این نوع نفقه را نفقه‌ی قریب یا اقارب^۲ می‌گویند. در وجوب نفقه خویشاوند، قدرت مالی انفاق‌کننده بر نفقه‌ی او، بعد از مخارج خودش و نفقه‌ی همسر دائمی‌اش شرط است. بنابراین اگر از نفقه‌ی خود و همسرش چیزی زیاد بیاورد، برای پدر و مادر و فرزندان نیازمند است.^۳ در مورد نفقه‌ی خویشاوندان، بیان چند مطلب به اختصار لازم است:

۳-۲-۱- ترتیب انفاق کنندگان

ترتیب انفاق کنندگان، در وجوب انفاق بر اقارب، بدین صورت است:^۴

۱. پدران و مادران: نفقه‌ی فرزند- مذکر باشد یا مونث- بر پدرش واجب است و اگر پدر نباشد و یا فقیر باشد، بر جد پدری واجب است و همچنین به طور الأقرب فالأقرب^۵ و با نبود آنها یا اگر توانایی ندارند، بر مادر فرزند واجب است و با نبود یا فقر او، بر پدربزرگ و مادربزرگ مادری و مادربزرگ پدری و بالاتر با رعایت قانون الأقرب فالأقرب واجب است.^۶ پس اگر پدر و مادر هر دو توانگر باشند، نفقه‌ی فرزند برعهده‌ی پدر است و در نبود پدر اگر جد پدری و مادر باشند، نفقه برعهده‌ی جد است.
۲. فرزندان: نفقه‌ی پدر و مادر، اگر نیازمند هستند، برعهده‌ی فرزند است چه پسر باشد یا دختر- در صورتی که دارای تمکن مالی باشد- و با نبود فرزند یا عدم تمکن مالی او، برعهده‌ی نوه هاست^۷، البته با رعایت قانون الأقرب فالأقرب. اگر فرزندان یا نوه‌ها متعدد و در یک درجه باشند، وظیفه‌ی انفاق بر پدر و مادر یا بر پدربزرگ و مادربزرگ به طور مساوی برعهده‌ی آنان تقسیم می‌شود. بنابراین اگر دو پسر یا دو دختر یا یک پسر و یک دختر باشند، به طور مساوی در انفاق بر پدر و مادر شریکند، یا اگر فرزند (پسر یا دختر) با نوه باشد، وجوب انفاق برعهده‌ی فرزند است.^۸

۳-۲-۲- ترتیب انفاق شوندگان «مُنْفَقَ عَلَیْهِمْ»

در مسأله‌ی وجوب انفاق بر خویشاوندان، ترتیب «مُنْفَقَ عَلَیْهِمْ» یعنی کسانی که بر آنان انفاق می‌شود، بدین صورت است: اگر شخص علاوه بر نفقه‌ی خود و زوجه‌اش، مال کافی برای انفاق بر اقارب نیازمند خویش داشته باشد، انفاق به همه‌ی آنها بر او واجب

۱. منظور این است که روزی و مخارج فعلی خود مانند خوردنی، آشامیدنی، لباس و مسکن را نداشته باشند. پس انفاق بر کسی که نسبت به نفقه‌ی بالفعل خویش قدرت داشته باشد، واجب نیست، اگرچه فقیری باشد که روزی‌سالش را نداشته باشد و گرفتن زکات و مانند آن برایش جایز باشد. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی النفقات، القول فی نفقه الاقارب، م ۲

۲. خویشاوندان

۳. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی النفقات، القول فی نفقه الاقارب، م ۱ و ۲ و ۴؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۷۰۲۰۵؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۴۵۶ و ۴۶۳؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، قسمت استفتائات، احکام حقوق

۴. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی النفقات، القول فی نفقه الاقارب، م ۱۲؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۶۹۲۰۲ و ۷۰۴۲۸

۵. یعنی پدر پدر و سپس پدر او به بالا

۶. با مساوی بودن درجه‌ی منفقین، به طور مساوی در وجوب نفقه دادن شریک می‌باشند، اگر چه در مرد بودن و زن بودن مختلف باشند. مثلاً اگر جد و جدّه‌ی مادری و جدّه‌ی پدری باشند، به طور مساوی در انفاق بر نوه شریک می‌باشند. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی النفقات، القول فی نفقه الاقارب، م ۱۲

۷. پسر پسر یا پسر دختر و دختر پسر یا دختر دختر

۸. اگر هم پدر و هم فرزند (اعم از پسر یا دختر) باشند، چون در درجه مساویند، وجوب انفاق به طور مساوی بر آنان تقسیم می‌گردد. این بحث شقوق دیگری هم دارد که برای مطالعه‌ی بیشتر در این باره، می‌توانید به رساله‌های عملیه رجوع کنید.

است و اگر مالش کافی نباشد، پس از نفقه‌ی خود و همسرش با رعایت قانون الأقرب فالأقرب، به آنها نفقه می‌دهد و اگر دو نفر یا بیشتر در یک مرتبه باشند، در صورت امکان، آن مال را بین آنها به طور مساوی، تقسیم می‌کند و گرنه بین آنها قرعه کشیده می‌شود.^۱

۳-۲-۳- دین یا تکلیف بودن نفقه

در صورتی که زوج، نفقه‌ی همسرش را پرداخت نکند، علاوه بر مخالفت با تکلیف الهی، نفقه به عنوان دین بر ذمه‌ی او باقی می‌ماند، مگر اینکه زن ببخشد. لیکن سایر نفقات، دین نیست بلکه تکلیف محض است. یعنی اگر فرد، نفقه‌ی خویشاوندان را نپردازد، در صورتی که کوتاهی و تقصیر داشته، گناهکار است ولی به عنوان دین در ذمه‌ی او مستقر نمی‌شود. یعنی فرد گناه کرده ولی مدیون آنها نمی‌باشد. ** آیت الله سیستانی، نظر فوق را در مورد بعضی از مراتب منفقین، به فتوی و در بعضی به احتیاط واجب بیان نموده‌اند.^۳

۳-۲-۴- تکلیف مادر درباره نفقه فرزند

سؤال: اگر زنی درآمد مستقل داشته باشد، آیا بر او واجب است که در نفقه‌ی فرزندان مشارکت کند؟
پاسخ: نفقه‌ی اولاد بر مادر واجب نیست، بلکه نفقه‌ی فرزندان (اگر مالی از خود نداشته باشند) و همچنین زن بر عهده‌ی شوهر است و در صورتی که شوهر، فقیر باشد، نفقه‌ی فرزندان بر عهده‌ی پدر شوهر است، بله در صورتی که شوهر و یا پدر او و یا جد پدری شوهر توانایی مالی نداشته باشند، در این صورت نوبت به مادر می‌رسد.^۴

۳-۲-۵- نفقه تحصیل

اگر اشتغال به تحصیل برای فرزندان عرفاً امری ضروری محسوب شود، تأمین هزینه‌ی آن، از موارد نفقه‌ی واجب می‌باشد و ضرورت تحصیل به عوامل مختلفی از جمله محیط زندگی، زمان و غیر آن، بستگی دارد.^۵

۳-۲-۶- نفقه ازدواج فرزند

سؤال: آیا مخارج و هزینه‌های ازدواج فرزندان هم جزء مصادیق نفقه‌ی واجب محسوب می‌شود که بر عهده‌ی پدر است؟
پاسخ: پرداخت هزینه‌ی ازدواج فرزند بر پدر واجب نیست؛ هر چند احتیاط مستحب است، پدر هزینه‌ی ازدواج فرزندی را که نیاز به ازدواج دارد و خود، توان پرداخت آن را ندارد، پرداخت کند.^۶

۴- مالکیت مستقل زوجین

هر یک از زن و مرد، اختیار اموال خود را دارند و نسبت به تصرف در اموال خویش استقلال دارند. بنابراین هرگونه تصرف در اموال

۱. آیت الله سیستانی می‌فرماید: در این صورت که امکان تقسیم مال وجود ندارد یا در صورت تقسیم به جهت کم بودن و مانند آن، قابل بهره‌برداری نیست، منفق مخیر است آن مقدار را به هر یک از واجب‌النفقه‌ها بپردازد، هر چند احتیاط مستحب آن است که برای پرداخت مقدار مذکور بینشان قرعه بیندازد. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۴۶۵

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، کتاب النکاح، فصل فی النفقات، م ۱۰ و القول فی نفقه الاقارب، م ۱۱؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۴۷۴

۳. ر. ک: توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۴۵۰ تا ۴۵۴ و ۴۵۶

۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۶۹۲۰۲

۵. آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، مسأله ۴۶۸.

۶. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش شماره ۶۳۷۷۰؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۴۷۰

دیگری باید با اجازه‌ی صاحب مال و رضایت او همراه باشد. در این حکم اختلافی بین فقها وجود ندارد، به ذکر چند استفتا از مراجع بزرگوار بسنده می‌کنیم.

اگر زن نذر کند از اموال شوهرش صدقه بدهد، چنانچه شوهر به این تصرفات رضایت ندهد، نذر زن باطل است.^۱

سؤال: با توجه به این که زن و مرد شریک زندگی یکدیگرند آیا مرد می‌تواند بدون اذن زن خود وجهی به دیگران بذل و یا کمک کند، همچنین آیا زن می‌تواند بدون اذن مرد از درآمد شوهر، ولو به صورت صدقه، به کسی بذل و بخشش کند؟

پاسخ: مرد و زن هر کدام اختیار دارند از اموال خودشان در هر راهی مصرف نمایند، البته باید به گونه‌ای باشد که موجب اختلاف نشود اما بدون رضایت همسر حق تصرف در مال او را ندارند.^۲

سؤال: هدایایی که در طول زندگی زناشویی زن و شوهر به آنان هدیه می‌شود، ملک شوهر است یا زن و یا هر دو؟

پاسخ: مسأله با اختلاف هدایا از این جهت که مختص مردان باشد یا زنان یا اینکه قابل استفاده برای هر دو باشد، یا برای یکی از آنان، تفاوت پیدا می‌کند؛ آنچه براساس ظواهر امر به خصوص یکی از زوجین هدیه شده، ملک خود اوست و آنچه که به هردوی آنان به طور مشترک هدیه شده، ملک مشترک آنان است.^۳

سؤال: زنی که خودش مال دارد آیا برای خرج کردن آن مال باید از شوهرش اجازه بگیرد؟

پاسخ: اجازه لازم نیست.^۴

۵- تلاش برای تحصیل مال حلال^۵

در آیین اسلام به پاک‌ی کسب و حلال بودن خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها و پرهیز از حرام‌خواری اهمیت ویژه‌ای داده شده، در این باره قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»^۶ ای مردم از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید و به دنبال شیطان نروید که او دشمن آشکار شماست.

در حدیث نقل شده است که پیشوای متقیان امیر المؤمنین (ع) در سفارششان به کمیل فرمودند: «ای کمیل زبان از قلب و دل تراوش کند و حیات و قوام قلب و دل به خوراک و غذا است، پس نظر کن قلب و جسمت از چه چیز تغذیه می‌کند که اگر تغذیه‌ات از مال حلال نباشد، خداوند متعال تسبیح و شکر را قبول نمی‌کند»^۷ روایت شده که مردی به پیامبر اکرم (ص) عرض کرد: «یا رسول الله، دوست دارم دعایم مستجاب شود، حضرت فرمودند: خوراکت را پاک گردان و حرام وارد شکمت نکن»^۸

بر همین اساس در دین اسلام سفارش زیادی به کسب و کار و تلاش، برای به دست آوردن روزی حلال شده است، پیامبر اکرم (ص)

۱. آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۱۲۰۲

۲. آیت الله مکارم، استفتانات جدید، ج ۲، س ۱۱۰۰

۳. آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات، بحث هبه، م ۱۷۲۳

۴. پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله سیستانی، بخش استفتانات

۵. آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، اهمیت غذای حلال، ج ۳، مباحث مقدماتی معاملات و پرهیز از درآمدهای نامشروع

۶. سوره بقره، آیه ۱۶۸

۷. مستدرک الوسائل، ج ۵، ابواب الدعاء، باب ۳۰، ص ۲۱۷، ح ۵

۸. وسائل الشیعه، ج ۷، ابواب الدعاء، باب ۶۷، ص ۱۴۵، ح ۵

فرمودند: «عبادت هفتاد جزء دارد که افضل و برترین آنها، طلب روزی حلال است»^۱ همچنین آن حضرت فرمودند: «کسی که شب را با تنی خسته از طلب حلال بخوابد، خداوند گناه او را می‌آمرزد»^۲

در روایات اهل بیت (علیهم السلام)، آثار سوء حرام‌خواری ذکر شده است، از جمله‌ی آنها بی‌برکتی در اموال، عدم قبولی عبادات، عدم اجابت دعا، قساوت قلب و تأثیر منفی در نسل است.

۶- پرهیز از اسراف، تبذیر و تجمل‌گرایی

اسراف و تلف کردن مال و دارایی، رفتار ناپسندی است که در قرآن مورد نکوهش خداوند سبحان قرار گرفته، آن‌جا که می‌فرماید: «بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا اسراف‌کنندگان را دوست نمی‌دارد»^۳ و در نکوهش تلف‌کنندگان و ریخت و پاش‌کنندگان اموال، می‌فرماید: «انَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ كَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا»^۴ همانا آنان که اهل تبذیر و ریخت و پاش هستند همان‌ها برادران شیطان هستند و شیطان برای پروردگارش، بسیار ناسپاس است.

* آیت الله خامنه‌ای: اسراف به معنای استفاده و مصرف بیش از مقدار نیاز، حرام و یکی از منکرات است و باید از آن اجتناب نمود.^۵

** آیت الله سیستانی: اسراف به معنای صرف مال زیادتر از آنچه شایسته است و تبذیر به معنای بیهوده خرج کردن مال و صرف آن در آنچه شایسته نیست، از گناهان و محرمات در شریعت اسلام به شمار می‌آید.^۶

*** آیت الله مکارم: هرگونه هزینه‌ای که زائد بر نیازهای مشروع انسان باشد، نوعی اسراف و تجمل‌گرایی و حرام است. البته شئون افراد، مختلف است و برای تشخیص مصداق، باید به عرف متعهد و آگاه مراجعه کرد.^۷

۷- خمس

خمس یکی از واجبات اسلامی است. خمس در لغت به معنای یک پنجم است و در اصطلاح فقه به معنای پرداخت یک پنجم مازاد درآمد سالانه و برخی موارد دیگر می‌باشد. خداوند متعال می‌فرماید: اگر به خدا ایمان دارید، بدانید آنچه را که سود می‌برید، یک پنجم آن، برای خدا و رسول خدا و خویشاوندان او و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است.^۸

امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمودند: «کسی که از خمس چیزی را خریده است، معذور نیست و نمی‌تواند بگوید من با مال خودم خریدم تا وقتی اهل خمس به او اجازه دهند».^۹

۱. فروع کافی، ج ۵، کتاب المعیشه، باب الحثّ علی الطلب و التّعرّض للرّزق، ص ۷۸، ح ۶

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۷، کتاب التجاره، ابواب مقدّماتها، باب ۴، ص ۲۴، ح ۱۶

۳. سوره اعراف، آیه ۳۱

۴. سوره اسراء، آیه ۲۷

۵. اجوبه الاستفتائات، س ۱۴۶۸، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۳۹۵۹۷ و ۶۸۸۹۸

۶. توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۳۹۴؛ فقه برای غرب نشینان، م ۳۱۸

۷. پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتائات، قسمت اسراف

۸. سوره انفال، آیه ۴۱

۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۵۴۲

۷-۱- موارد خمس

پرداخت خمس در چند مورد واجب است:

- اول: درآمد کسی (منافع کسب و کار)؛ دوم: مال حلال مخلوط به حرام؛ سوم: معدن؛ چهارم: گنج؛ پنجم: جواهری که با غواصی، یعنی فرو رفتن در دریا به دست می‌آید؛ ششم: غنیمت جنگ؛ هفتم: زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد.^۱
- *** آیت الله سیستانی در مواردی، درآمد حاصل از غیر کسب را هم مشمول وجوب خمس می‌داند.^۲
- *** آیت الله مکارم در مورد هفتم، یعنی زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد، بنا بر احتیاط واجب نظر به خمس داده‌اند.^۳
- از آن جا که مهم‌ترین و پرکاربردترین مورد از موارد فوق، درآمد است، در این مختصر، به بیان چند مسأله در این باره می‌پردازیم.

۷-۲- خمس درآمد

بر هر فرد واجد شرایط واجب است، خمس درآمد مازاد بر مخارج سالانه‌ی زندگی خود و خانواده‌اش را پرداخت کند. منظور از درآمد، مال و ثروتی است که از راه کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی به دست می‌آید.^۴ مانند درآمد کشاورزی که از راه فعالیت‌های کشاورزی به دست می‌آید، درآمد بازرگانی که از راه فعالیت‌های تجاری و بازرگانی به دست می‌آید، درآمد املاک که از راه اجاره بهای خانه، مغازه، ماشین آلات و ... به دست می‌آید، درآمد حقوقی پزشکان، مهندسان، معلمان، کارمندان، کارگران، ... که افراد از راه اجاره‌ی نفس (خدمات) دریافت می‌کنند و یا درآمد حاصل از سپرده گذاری در بانک یا از بازارهای مالی مانند بورس و ...^۵

۷-۳- تعیین مبدأ سال خمسی

* آیت الله خامنه‌ای: زمان ابتدای سال خمسی، یک امر واقعی است که خود به خود بر اساس چگونگی حصول درآمد سالانه متعین می‌شود، بنابراین ابتدای سال خمسی افرادی مانند کارگران و کارمندان (که درآمدها به طور دفعی (مثلاً ماهانه) به دست می‌آید)، از زمان دریافت «اولین درآمد (حقوق)» است، و سال خمسی تجار و مغازه‌داران (که درآمدها تدریجی (تقریباً روزانه) است) از تاریخ «شروع به خرید و فروش»، و سال خمسی افرادی مانند کشاورزان از تاریخ «برداشت اولین محصول کشاورزی» شروع می‌شود.^۶

*** آیت الله سیستانی: سال خمسی فرد شاغل مانند تاجر، کاسب، صنعتگر، کارمند، کشاورز، معلم، کارگر، پس از گذشت یک سال از «شروع به کسب و کار» فرا می‌رسد و باید خمس آنچه را که از مخارج سال زیاد می‌آید، بپردازد، هر چند درآمد روز گذشته باشد.^۷

*** آیت الله مکارم: آغاز سال برای حساب خمس هر کسی «اولین درآمد» اوست، یعنی اگر کسی شروع به تجارت و کسب و صنعت و زراعت و غیر اینها کند، اولین زمانی که درآمد برای او حاصل می‌شود اول سال خمس اوست.^۸

۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۱۷۵۱؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام رهبری، احکام خمس، موارد وجوب خمس

۲. توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۵۵۹

۳. توضیح المسائل، م ۱۴۷۴

۴. آیت الله سیستانی، در مواردی درآمد حاصل از غیر کسب و کار را هم مشمول وجوب خمس می‌دانند مانند هدیه.

۵. آیت الله خامنه‌ای، رساله آموزشی، ج ۱، درس ۶۶؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۵۵۹ و ۵۶۳؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۱۴۷۴

۶. اجوبه الاستفتائات، س ۹۸۶، ۹۹۴، ۹۹۶ تا ۹۹۹

۷. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۵۶۳ و ۵۷۱

۸. توضیح المسائل، م ۱۴۸۶

سال خمسى را مى‌توان قمرى يا شمسى قرار داد و مكلف در انتخاب آن آزاد است.^۱

۷-۴- مؤونه

مؤونه عبارت است از مخارج و هزينه‌هاى كه فرد براى اداره و اصلاح امر معاش و معاد خود و خانواده‌ى تحت تكفل خویش مصرف مى‌كند، مانند مخارج و هزينه‌هاى خوراك، پوشاك، مسكن، اثاث خانه، وسيله‌ى نقلیه، كتاب، مسافرت‌هاى متداول، صدقات، جوايز، نذورات، كفارات، مهمانى‌ها و غيره.^۲

اين مخارج كه اعم از هزينه‌ى كالاهاى مصرفى و غير مصرفى و هزينه‌هاى جارى مى‌باشد، با رعايت شرايطى خمس ندارد؛ اول. نياز؛ مخارجى كه در اصلاح امر معاش و معاد به آن نياز است، بنا بر اين هزينه‌ى اشيا و كالاهاى كه مورد نياز نيست را نمى‌توان مؤونه قلمداد كرد، و از اين قبيل است پولى كه هزينه‌ى خريد وسايل حرام، مانند انگشتر طلاى مردانه، آلات لهو و لعب، ابزار قمار و مانند آن مى‌شود.

دوم. تناسب شأنى؛ يعنى در حد معمول و شأن فرد و خانواده‌اش باشد. سوم. از موارد اسراف و تبذير و ساير مصارف حرام نباشد. يعنى بر مخارجى كه از باب ولخرجى، اسراف، تبذير يا اضافه بر شؤون است (از قبيل جهيزيه‌ها و خرج‌هاى تشرىفاتى در مجالس عروسى و ..) خمس تعلق مى‌گيرد. چهارم. اتحاد در سال؛ يعنى مخارجى كه در طى سال با درآمد و منافع همان سال تهيه شده باشد، نه درآمدى كه سال بر آن گذشته و خمس آن واجب شده و آن را نداده است.

پنجم. فعليت در مصرف؛ مخارجى كه فرد براى خود و خانواده‌ى تحت تكفل خویش مصرف مى‌كند و شامل مخارجى كه فعلاً مصرف نكرده نمى‌شود، هر چند اگر مصرف مى‌كرد اضافه بر شؤون عرفى و اجتماعى او نمى‌بود، بنا بر اين فردى كه زندگى را بر خود سخت گرفته و آنچه كه متناسب با شؤون خود و خانواده‌اش است را تهيه نمى‌كند، مجاز نيست آن مقدارى كه مى‌توانست خرج كند و نكرده را مؤونه به حساب آورد.^۳

۷-۵- كسر هزينه‌ى درآمد

هزينه‌هاى كسب و كار (مؤونه تحصيل درآمد) يعنى آنچه كه از درآمد سال در راه به دست آوردن سود و كسب درآمد و انجام فعاليت اقتصادى هزينه مى‌كند، از قبيل مخارج حمل و نقل، خسارات وارده، كرايه‌ى مغازه و ابزار و آلات، اجرت دلال و كارگر، ماليات و مانند آن، از درآمد همان سال استثناء مى‌شود و خمس ندارد.^۴

۷-۶- جهيزيه و خمس

اگر انسان نتواند يك‌جا جهيزيه‌ى دخترش را تهيه كند و مجبور باشد كه هر سال مقدارى از آن را تهيه نمايد يا در شهرى باشد كه معمولاً هر سال مقدارى از جهيزيه دختر را فراهم مى‌كنند به طورى كه فراهم نكردن آن عيب است، چنانچه در بين سال از منافع آن سال

۱. توضيح المسائل مراجع، م ۱۷۶۶؛ آيت الله خامنه‌اى، احكام خمس، س ۲۲۵؛ آيت الله سيستانى، توضيح المسائل جامع، ج ۲، م ۵۷۷؛ آيت الله مكارم، توضيح المسائل، م ۱۴۸۸

۲. آيت الله خامنه‌اى، احكام خمس، مؤونه معيشت و زندگى، رساله آموزشى، ج ۱، درس ۶۶؛ آيت الله سيستانى، توضيح المسائل جامع، ج ۲، م ۵۹۸؛ آيت الله مكارم، توضيح المسائل، م ۱۴۹۷

۳. آيت الله خامنه‌اى، رساله آموزشى، درس ۶۸؛ آيت الله سيستانى، توضيح المسائل جامع، ج ۲، م ۵۹۸ و ۵۹۹ و ۶۰۶؛ آيت الله مكارم، توضيح المسائل، م ۱۵۲۳، ۱۵۲۲، ۱۴۹۷

۴. آيت الله خامنه‌اى، اجوبه الاستفتائات، س ۹۵۱؛ آيت الله سيستانى، توضيح المسائل جامع، ج ۲، م ۵۹۷؛ آيت الله مكارم، توضيح المسائل، م ۱۴۹۶

جهیزیه بخرد، خمس ندارد.^۱ ولی اگر پولی را برای خرید جهیزیه در آینده، پس‌انداز نماید مشمول خمس می‌شود. حکم تهیّهی لوازم مورد احتیاج زندگی آینده برای پسر نیز، همانند تهیّهی جهیزیه‌ی دختر است.^۲

۷-۷- مهریه و خمس

مهریه‌ای را که زن می‌گیرد، حتّی در صورتی که سال بر آن بگذرد، خمس ندارد و در عدم وجوب خمس آن، فرقی بین مهریه‌ی مدت‌دار و بدون مدت و بین پول نقد و کالا وجود ندارد.^۳

۷-۸- هدیه و خمس

* آیت الله خامنه‌ای: هبه و هدیه خمس ندارد، هر چند احتیاط (مستحب) آن است که اگر از مخارج سال زیاد بیاید، خمس آن پرداخت شود.^۴

** آیت الله سیستانی: درآمدهای غیر کسبی یعنی اموالی که فرد از غیر کسب (شغل)، به دست آورده؛ مانند مالی که به او هدیه یا بخشیده شده یا جایزه و پاداش داده شده، چنانچه تا آخر سال در مؤونه مصرف نشود و از مخارج سال فرد و خانواده‌اش زیاد بیاید، باید خمس آن داده شود.^۵

*** آیت الله مکارم: اگر کسی چیزی را به او ببخشد و از مخارج سالش زیاد آید، احتیاط واجب آن است که خمس آن را بپردازد.^۶

۷-۹- مصرف خمس

خمس به دو قسمت تقسیم می‌شود، نیمی از آن به سادات فقیر اختصاص دارد و نیم دیگر آن به عنوان سهم امام در دوران غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه باید به مجتهد جامع الشرایط داده شود یا به مصرفی که او اجازه می‌دهد برسانند.^۷

* آیت الله خامنه‌ای: سهم سادات باید به مجتهد جامع الشرایط داده شود یا با اجازه‌ی او در اختیار سادات قرار گیرد.^۸

** آیت الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که سهم سادات را به مجتهد جامع الشرایط داده تا به مصرف آن برساند یا با اجازه‌ی وی آن را به مصرف سهم سادات برساند.^۹

*** آیت الله مکارم: سهم سادات باید بنابر احتیاط واجب به مجتهد داده شود، یا با اجازه‌ی مجتهدی که از او تقلید می‌کند به سادات فقیر یا یتیم نیازمند، یا ساداتی که در سفر وامانده‌اند و نیازمند هستند، بدهد (هرچند در محلّ خود فقیر نباشند).^{۱۰}

۱. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۶۹۴۵۱؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۶۱۲؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۱۵۰۰

۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۶۹۴۵۲؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۶۱۲

۳. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۱۷۵۳؛ کریمی، علیرضا، خمس، ص ۱۶ و ۱۷؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۵۸۶؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتائات

۴. رساله آموزشی، ج ۱، درس ۶۷؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتائات

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۴، م ۵۸۴

۶. توضیح المسائل، م ۱۴۷۷

۷. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الخمس، القول فی قسمته و مستحقیه، م ۷؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۷۹۶؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۱۵۶۶

۸. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الخمس، القول فی قسمته و مستحقیه، م ۲

۹. توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۷۹۶

۱۰. توضیح المسائل، م ۱۵۶۶

۸- زکات

«زکات» یکی از ضروریات دین و از جمله واجبات قطعی آیین اسلام است. در قرآن قرین نماز^۱ و به عنوان یکی از نشانه‌های اهل ایمان^۲ معرفی شده است. رسول خدا (صلوات الله علیه و آله) فرمودند: «بیماران خود را با صدقه، مداوا کنید و اموالتان را با پرداخت زکات، حفظ و بیمه کنید».^۳

زکات نه چیز واجب است: اول: گندم. دوم: جو. سوم: خرما. چهارم: کشمش. پنجم: طلا. ششم: نقره. هفتم: شتر. هشتم: گاو. نهم: گوسفند و اگر کسی مالک یکی از این نه چیز باشد، با وجود شرایطی مانند دارا بودن حد نصاب و بالغ و عاقل و آزاد بودن مالک و محجور نبودنش یعنی قادر بر تصرف بودن او در مال، باید مقداری از آن را به عنوان زکات، به یکی از مصرف‌هایی که دستور داده شده، برساند.^۴

*** آیت الله سیستانی اموال زکوی را ۱۰ مورد ذکر کرده‌اند و مورد دهم را بنابر احتیاط واجب، مال التجاره می‌دانند.^۵
*** آیت الله مکارم علاوه بر وجوب زکات در موارد نه گانه می‌فرمایند: ولی مستحب است از سرمایه ی کسب و کار و تجارت نیز همه سال زکات بدهد، همچنین زکات سایر غلات (غیر از گندم و جو و خرما و کشمش) مستحب است.^۶

۱. «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَبُوا مَعَ الرَّاكِبِينَ» سوره بقره، آیه ۴۳

۲. «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ؛ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ؛ وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛ وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ» سوره مومنون، آیه ۴-۱

۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۹، ابواب ما تجب فيه الزکاة و ما تستحب فيه، باب ۱، ص ۱۵، ح ۱۴.

۴. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، ۱۸۵۳ و ۱۸۵۵. برای اطلاع از شرایط وجوب، حد نصاب و مصارف زکات که مبحث مفصلی است و نظرات فقهاء بزرگوار هم در این باره تفاوت‌هایی دارد، به رساله‌های آنان مراجعه فرمایید.

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۸۵۹

۶. توضیح المسائل، م ۱۵۸۶

فصل هفتم: احکام متفرقه مورد نیاز همسران

۱- غسل

صحت بعضی از عبادات؛ مانند نماز و روزه، متوقف بر طهارت از حدث اکبر^۱ و انجام غسل است. در این بخش، با توجه به نیاز زوجین، مباحث اصلی غسل و از عوامل آن، مباحث جنابت، حیض، استحاضه و نفاس، در دو دسته غسل‌های مشترک و مختص طبقه‌بندی و مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۱- روش انجام غسل

غُسل عملی عبادی است که در آن تمامی سر و بدن به شکل خاصی و با قصد قربت، شسته می‌شود و به دو صورت انجام می‌شود: **(الف) ترتیبی:** با نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست و سپس طرف چپ بدن را بشوید. اگر عمدا یا از روی فراموشی یا به دلیل ندانستن مساله به این ترتیب عمل نکند غسل او باطل است.^۲

* آیت الله خامنه‌ای: با نیت غسل، ابتدا سر و گردن، سپس بقیه‌ی بدن شسته می‌شود. احتیاط واجب آن است که ابتدا سمت راست بدن و سپس سمت چپ شسته شود.^۳

** آیت الله سیستانی: با نیت غسل، بنابر احتیاط لازم، اول تمام سر و گردن و بعد بدن را بشوید و احتیاط مستحب آن است که اول طرف راست و بعد طرف چپ بدن را بشوید.^۴

*** آیت الله مکارم: بعد از نیت، اول سر و گردن را می‌شوید، سپس طرف راست و بعد طرف چپ را. رعایت این ترتیب در غسل، واجب نیست؛ بلکه مستحب است.^۵

(ب) ارتماسی: به نیت غسل به تدریج در آب فرو رود تا تمام بدن زیر آب رود و احتیاط آن است که یک دفعه زیر آب رود.^۶ در غسل باید موهای کوتاهی را که جزء بدن حساب می‌شود، بشوید و بنابر احتیاط (واجب) شستن موهای بلند هم لازم است.^۷ ** آیت الله سیستانی: موهای کوتاه را — که عرفاً از توابع بدن محسوب می‌شود، بشوید و شستن موهای بلند واجب نیست، هرچند

۱. حدث اکبر به اموری گفته می‌شود که برای آن‌ها باید غسل انجام داد؛ مانند جنابت و عادت ماهانه.

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۶۱

۳. اجوبه الاستفتائات، س ۱۹۲

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۴۵

۵. توضیح المسائل، م ۳۷۷

۶. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۶۷. غسل ارتماسی جزئیاتی دارد که تفصیل آن در رساله‌های مراجع بزرگوار مذکور است.

۷. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۷۹

احتیاط مستحب شستن آن‌هاست.^۱

۱-۲- غسل مشترک بین مردان و زنان: غسل جنابت

غسل از نظر حکم تکلیفی به دو قسم واجب و مستحب تقسیم می‌شود. در اقسام غسل واجب، بعضی موارد بین مردان و زنان مشترک هستند. یکی از غسل‌های واجب مشترک، غسل جنابت است. هرگاه انسان جنب شود، باید برای خواندن نماز، گرفتن روزه و برخی کارهای دیگر غسل کند.

۱-۲-۱- عوامل جنابت

انسان با یکی از دو عامل زیر جنب می‌شود^۲:

اول. آمیزش جنسی؛ با تحقق دخول به مقدار ختنه‌گاه یا بیشتر، غسل بر مرد و زن واجب است. اگر نزدیکی واقع شود و به اندازه ختنه‌گاه یا بیشتر از آن داخل شود، چه در قُبُل باشد یا در دُبُر^۳، مرد و زن هر دو جنب می‌شوند؛ حتی اگر منی هم خارج نشود.^۴

*** آیت الله مکارم: اگر دخول در دُبُر باشد بنابر احتیاط واجب باید غسل و وضو، هر دو را انجام دهد.^۵

اگر شک کند که به مقدار ختنه‌گاه داخل شده است یا نه، غسل بر او واجب نیست.^۶

سؤال: اگر دخول به مقدار ختنه‌گاه صورت بگیرد، ولی منی خارج نشود و زن نیز به مرحله اوج لذت نرسد، آیا غسل فقط بر زن واجب است یا فقط بر مرد یا بر هر دو؟

پاسخ: با تحقق دخول، ولو به مقدار ختنه‌گاه، غسل بر هر دو واجب است.^۷

دوم. بیرون آمدن منی (در خواب یا در بیداری، عمداً باشد یا بی‌اختیار)

اگر انسان شک کند که منی بیرون آمده یا نه، غسل بر او واجب نیست.^۸

الف) نشانه‌های منی در مردان

در مردان، منی با اجتماع سه خصوصیت «جَسْتَن»، «با شهوت بودن» و «سستی بدن پس از خروج» شناخته می‌شود و اگر رطوبت خارج شده، هیچیک از این سه نشانه یا بعضی از اینها را نداشته باشد، حکم منی را ندارد. البته در صورتی که مرد مریض باشد، برای جاری کردن حکم منی، صفت «با شهوت بودن» کافی بوده و دو نشانه دیگر لازم نیست. لیکن احتیاط مستحب این است که علاوه بر

۱. جامع، ج ۱، ص ۱۷۹، م ۴۵۸

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۴۵

۳. قُبُل به معنای فرج (مجرای که خون حیض از آنجا خارج می‌شود) و دُبُر به معنای محل خروج مدفوع است.

۴. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۴۹

۵. توضیح المسائل، م ۳۶۴. منظور اینست که به احتیاط واجب غسل نماید و اگرچه غسل جنابت به تنهایی برای نماز کفایت می‌کند، لیکن در اینجا چون غسل به صورت احتیاطی انجام می‌شود، برای نماز به این غسل اکتفا ننموده و وضو هم بگیرد.

۶. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۵۰؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۳۵؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۳۶۵

۷. آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۷۰

۸. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۵۲

غسل، وضو هم بگیرد.

*** آیت الله مکارم در مورد نشانه‌های منی در مردان، وجود دو صفت «جستن» و «شهوة» را کافی می‌دانند و می‌فرمایند: اگر این دو نشانه، یا یکی از آنها را نداشته باشد حکم منی ندارد.^۱

ب) - نشانه‌های منی در زنان

در زنان اگر بیرون آمدن مایع با شهوت باشد، حکم منی را دارد. البته احتیاط مستحب موکد اینست که همراه با غسل، وضو هم بگیرد.^۲

* آیت الله خامنه‌ای: مایعی که در هنگام اوج لذت جنسی از زن خارج می‌شود، حکم منی را دارد و بنابراین جنابت محقق شده و غسل بر زن واجب می‌شود، و اگر شک کند که به این مرحله رسیده یا نه و یا شک در خروج مایع داشته باشد، غسل واجب نیست.^۳

*** آیت الله سیستانی: رطوبتی که زنان در موقع ملاعبه یا تصورات شهوات‌انگیز در موضع فرج احساس می‌کنند، در صورتی که کم باشد، پاک است و غسل ندارد و وضو را نیز باطل نمی‌کند؛ اما اگر این رطوبت زیاد باشد، به حدی که عرفاً صدق «انزال» کند و لباس‌ها را آلوده نماید در صورتی که همراه با رسیدن زن به اوج لذت جنسی و ارضای کامل (ارگاسم) باشد، نجس و موجب جنابت است؛ بلکه اگر همراه با آن هم نباشد - بنا بر احتیاط لازم - نجس و موجب جنابت است.^۴ در مواردی که زن شک داشته باشد رطوبت به این حد از زیادی رسیده یا نه و یا شک در اصل خروج رطوبت داشته باشد، غسل واجب نیست و وضو و غسل هم باطل نمی‌شود.^۵

*** آیت الله مکارم: در زنان اگر رطوبت هنگامی بیرون آید که به اوج شهوت جنسی رسیده است، حکم منی دارد.^۶

۱-۲-۲- کارهایی که برای جنب حرام است

پنج چیز بر جنب حرام است:^۷

الف) رساندن جایی از بدن به خط قرآن، یا به اسم خداوند متعال به هر زبانی که نوشته شده باشد. همچنین بنا بر احتیاط واجب، اسم پیامبران و امامان علیهم السلام حکم اسم خدا را دارد.

* آیت الله خامنه‌ای: مس خط قرآن و نام مبارک خداوند متعال.^۸

*** آیت الله سیستانی: اول رساندن جایی از بدن خود به خط قرآن. دوم بنا بر احتیاط واجب، رساندن جایی از بدن خود به اسم مبارک ذات خداوند متعال، به هر زبانی که باشد و صفات مخصوص او. احتیاط مستحب آن است که اسماء پیامبران و امامان و حضرت زهرا علیهم السلام را هم در حال جنابت لمس ننماید.^۹

۱. توضیح المسائل، م ۳۶۱

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۴۶ و تحریر الوسیله، ج ۱، کتاب الطهارة، فصل فی غسل الجنابه، م ۱

۳. اجوبه الاستفتائات، س ۱۷۱

۴. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۳۲

۵. پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله سیستانی، بخش استفتائات

۶. توضیح المسائل، م ۳۶۱

۷. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۵۵

۸. رساله آموزشی، ج ۱، درس ۲۰

۹. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۴۲

*** آیت الله مکارم: مس خط قرآن یا اسم خدا و پیامبران و امامان بنابر احتیاط واجب.^۱

ب) ورود به مسجدالحرام یا مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله، اگرچه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.

ج) توقف در مساجد دیگر. ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود یا برای برداشتن چیزی برود، اشکال ندارد. احتیاط واجب

آن است که در حرم امامان علیهم السلام نیز توقف نکند.^۲

* آیت الله خامنه ای: توقف در مساجد دیگر، ولی اگر از یک در وارد و بدون توقف از در دیگر خارج شود، مانع ندارد.^۳ ورود جنب

به حرم امامان معصوم علیهم السلام جایز نیست. مراد از حرم همان زیر گنبد مبارک و جایی است که به آن حرم و مشهد شریف گفته

می شود، ولی ساختمان های ملحق به آن و شبستان ها حکم حرم را ندارند و ورود جنب و حائض به آن جاها اشکال ندارد، مگر جاهایی

که عنوان مسجد را داشته باشد.^۴

* آیت الله سیستانی: توقف در مساجد دیگر؛ ولی اگر از مسجد عبور کند، مثل اینکه از یک در مسجد داخل و از در دیگر خارج

شود، مانعی ندارد. مشاهد مشرفه معصومین و حرم امامان (علیهم السلام)، بنابر احتیاط لازم، در این رابطه، حکم مساجد را دارند و منظور

از حرم، روضه منوره است، یعنی قسمتی که ضریح مقدس یا قبر مطهر در آن قرار دارد و رواق ها و صحن های متبرکه و نیز تمام حرم

امامزادگان، حکم مشاهد مشرفه معصومین (علیهم السلام) را ندارند؛ مگر جایی که مسجد بودنش ثابت باشد.^۵

همچنین آیت الله سیستانی، وارد شدن به مسجد برای برداشتن چیزی را حرام می دانند.^۶

د) گذاشتن چیزی در مسجد

ه) خواندن حتی یک حرف از سوره های چهارگانه ای که سجده واجب دارند. سوره هایی که سجده واجب دارند، چهار سوره است:

سوره ۳۲ قرآن (الم تنزیل)، سوره ۴۱ (حم سجده)، سوره ۵۳ (والنجم) و سوره ۹۶ (اقرء).

* آیت الله خامنه ای^۷ و آیت الله سیستانی^۸ و آیت الله مکارم^۹: خواندن خصوص آیات سجده^{۱۰} از سوره هایی که سجده واجب دارند،

حرام است ولی خواندن سایر آیات این سوره ها اشکال ندارد.

*** آیت الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که سایر آیات این ۴ سوره را هم نخواند.^{۱۱}

۱-۲-۳- کفایت غسل جنابت از وضو

۱. توضیح المسائل، م ۳۷۰. ایشان مس را در تمام موارد مذکور، به احتیاط واجب، حرام می دانند.

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۵۵؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۳۷۰

۳. رساله آموزشی، ج ۱، ص ۸۸؛ توضیح المسائل جامع، ۱، ۱۷۳، م ۴۴۲

۴. اجوبه الاستفتائات، س ۴۲۴

۵. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۴۲

۶. همان

۷. اجوبه الاستفتائات، س ۱۹۹

۸. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۴۲

۹. توضیح المسائل، م ۳۷۰

۱۰. منظور از آیات سجده؛ آیه های ۱۵ از سوره سجده، ۳۷ از سوره فصلت، ۶۲ از سوره نجم، ۱۹ از سوره علق می باشد که خواننده یا شنونده آن ها واجب است سجده کند.

۱۱. جامع، ۱، ۱۷۴، م ۴۴۲

کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد ولی با غسل‌های دیگر نمی‌شود نماز خواند و باید وضو هم گرفت.^۱

*** آیت الله سیستانی: کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد. البته با غسل‌های واجب دیگر (غیر از غسل استحاضه متوسطه) و بعضی غسل‌های مستحب^۲ نیز می‌تواند بدون وضو نماز بخواند، هرچند احتیاط مستحب آن است که وضو هم بگیرد.^۳

*** آیت الله مکارم: با هر غسلی می‌توان نماز خواند و وضو واجب نیست، خواه جنابت باشد یا غیر آن، واجب باشد یا مستحبی که با دلیل معتبر ثابت شده است؛ ولی احتیاط مستحب آن است که در غیر غسل جنابت وضو بگیرد.^۴

در غسل باید موهای کوتاهی را که جزء بدن حساب می‌شود، بشوید و بنا بر احتیاط (واجب) شستن موهای بلند هم لازم می‌باشد.^۵

* آیت الله خامنه‌ای و آیت الله مکارم: در غسل، موهای کوتاه را که جزء بدن حساب می‌شود باید بشوید و بنابر احتیاط واجب شستن موهای بلند و زیر آن لازم است، بنابراین بانوان بایستی - بنابر احتیاط واجب - علاوه بر رساندن آب به پوست سر، تمام موهای خود را نیز بشویند.^۶

*** آیت الله سیستانی: انسان در غسل، باید موهای کوتاه را - که عرفاً از توابع بدن محسوب می‌شود - بشوید و شستن موهای بلند واجب نیست، هرچند احتیاط مستحب آن است که شسته شود. بنابراین اگر آب را طوری به پوست برساند که آن‌ها تر نشود، غسل صحیح است؛ ولی اگر رساندن آب به پوست بدون شستن موها ممکن نباشد، باید آن‌ها را بشوید تا آب به بدن برسد.^۷

تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو لازم است مثل: پاک بودن آب و غصبی نبودن آن در صحیح بودن غسل هم شرط است ولی در غسل لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید و نیز در غسل ترتیبی، لازم نیست بعد از شستن هر قسمت، فوراً قسمت دیگر را بشوید^۸، بلکه می‌تواند در وسط غسل، مدتی به کار دیگر پردازد و سپس غسل را از همان محل که مانده است، ادامه دهد.^۹

۱-۳- غسل‌های مخصوص بانوان

۱-۳-۱- غسل حیض (عادت ماهیانه)

حیض خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زنان خارج می‌شود و زن را در موقع دیدن خون حیض، حائض می‌گویند.

الف) شرایط عادت ماهانه

خونی که با شرایط زیر از رحم زن بیرون می‌آید، حیض محسوب می‌شود:^{۱۰}

۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۹۱؛ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتائات، س ۱۸۸
۲. غسل‌های مستحبی که استحباب آن‌ها ثابت است. برای مطالعه بیشتر به مساله ۴۶۶ و ۴۸۱ از توضیح المسائل جامع، جلد ۱ مراجعه فرمایید.
۳. توضیح المسائل جامع، ج ۱، ۴۶۶
۴. توضیح المسائل، م ۴۰۱
۵. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۷۹
۶. رساله آموزشی، ج ۱، درس ۱۸؛ آیت الله مکارم، رساله توضیح المسائل، م ۳۹۳
۷. توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۵۸
۸. مگر درمورد زن مستحاضه و یا کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خود جلوگیری نماید. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۸۰
۹. آیت الله خامنه‌ای، رساله آموزشی، ج ۱، درس ۱۹؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۵۴؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۳۹۴
۱۰. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۴۳۵ تا ۴۳۹؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۴۸۶ تا ۵۰۴؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۴۳۱ - ۴۳۳

اول. بعد از بلوغ باشد؛

دوم. قبل از یائسگی باشد؛

سوم. کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد؛

چهارم. در سه روز اول، توالی و استمرار داشته باشد؛

پنجم. فاصله میان دو حیض، حداقل ده روز باشد؛

ب) محرمات در مدت عادت ماهانه^۱

در زمان عادت ماهانه، انجام بعضی از کارها حرام است:

اول. عبادتهایی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود، ولی بجا آوردن عبادتهایی که وضو و غسل و تیمم برای

آنها لازم نیست، مانند نماز میت، مانعی ندارد.

دوم. تمام چیزهایی که بر جنب حرام است.^۲

سوم: آمیزش کردن با همسر در فرج، که هم برای مرد حرام است و هم برای زن.^۳

نمازهای یومیه ای که زن در حال عادت ماهانه نخوانده، قضا ندارد، ولی روزه‌های واجب را باید قضا نماید.^۴

زمانی که عادت ماهانه قطع شود، زن باید برای نماز و سایر کارهایی که نیاز به طهارت دارد، غسل کند.^۵

۱-۳-۲- غسل استحاضه

یکی از خون‌هایی که از زن خارج می‌شود، «خون استحاضه» است و زن را در موقع دیدن این خون، «مستحاضه» می‌گویند. این

خون حداقل یا حداکثر معینی ندارد.

به طور کلی هر خونی که از زن خارج شود و خون دمل، زخم، حیض و نفاس نباشد، خون استحاضه است و باید در ضمن اجرای

احکام استحاضه، عبادت‌های واجب اعم از نماز، روزه و ... را بجا آورد. درباره اقسام استحاضه و احکام آن، دیدگاه‌های متفاوتی وجود

دارد.^۶

۱-۳-۳- نفاس

نفاس خونی است که زن با خروج اولین جزء بچه یا بعد از آن می‌بیند، خواه خلقت بچه کامل باشد یا نباشد. به زن در حال نفاس،

نفساء گفته می‌شود.

خون نفاس حداقل معینی ندارد و ممکن است یک لحظه باشد، ولی بیشتر از ده روز نفاس به حساب نمی‌آید. توقف در مسجد و

رساندن جایی از بدن به خط قرآن و کارهای دیگری که بر حائض حرام است، بر نفساء هم حرام است. و آنچه بر حائض واجب، مستحب

۱. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۴۵۰

۲. این موارد پیش‌تر در بحث جنابت بیان شد.

۳. توضیحات این مورد در بخش دوم، احکام ازدواج، قسمت هم‌بستری‌های حرام ذکر شده است.

۴. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۴۶۹

۵. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۴۶۶

۶. ر. ک: توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۳۹۳ تا ۴۳۳؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۳۶ تا ۶۸۲؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۴۰۴ تا ۴۲۵

و مکروه است، بر نفساء هم واجب، مستحب و مکروه می باشد.^۱

۲- شرابخواری، استفاده از مواد مخدر و روان گردان

۲-۱- شرابخواری

آشامیدن شراب، حرام و حرمت آن، از ضروریات دین است و در روایات، از بزرگ‌ترین گناهان شمرده شده است و اگر کسی آن را حلال بداند، در صورتی که متوجه باشد که لازمه حلال دانستن آن، تکذیب خدا و رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌باشد، حکم به کفر او می‌شود.^۲

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب، قمار، بت‌ها و ازلام^۳، پلید و از عمل شیطانند، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید؛ شیطان می‌خواهد به وسیله شراب و قمار در میان شما عداوت و دشمنی ایجاد کند و شما را از ذکر خدا و نماز باز دارد...»^۴.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «شراب، ریشه بدی‌ها (أُمُّ الْخَبَائِث) و سرچشمه هر شری است و کسی که شراب می‌خورد، عقل خود را از دست می‌دهد، در آن موقع خدا را نمی‌شناسد و از هیچ گناهی باک ندارد، احترام هیچ کس را نگه نمی‌دارد و حق خویشان نزدیک را رعایت نمی‌کند و از زشتی‌های آشکار روی نمی‌گرداند و روح ایمان و خدانشناسی از بدن او بیرون می‌رود».^۵

همچنین از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «شفاعت من به کسی که نماز را سبک بشمارد و کسی که مسکر می‌نوشد، نمی‌رسد، به خدا سوگند اینان، در حوض کوثر بر من وارد نمی‌شوند».^۶

آشامیدن شراب انگور و سایر مسکرات - چه جامد و چه مایع - حرام می‌باشد، هرچند فرد آن قدر کم بیاشامد که مست نشود.^۷

• غذا خوردن از سفره‌ای که در آن شراب است

سر سفره ای که در آن شراب می‌خورند اگر انسان یکی از آنان حساب شود، بنابر احتیاط واجب نباید نشست و چیز خوردن از آن سفره حرام است.^۹

* آیت الله خامنه‌ای: خوردن از سفره ای که در آن شراب گذاشته شده، مطلقاً حرام است.^{۱۰}

** آیت الله سیستانی: غذا خوردن یا آشامیدن از سفره یا میزی که در آن شراب یا مسکرات می‌نوشند، حرام است، هرچند آن غذا و

۱. برای دانستن احکام نفاس و تفاوت دیدگاه‌های مراجع بزرگوار ر. ک: توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۵۰۸ تا ۵۲۰؛ آیت الله خامنه‌ای، رساله آموزشی، ج ۱، درس ۲۱؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۶۱۳ تا ۶۳۴؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۴۸۵ تا ۴۹۴

۲. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۶۳۳؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۱۳۸۷؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتائات، آشامیدنی‌های حرام

۳. نوع خاصی از بخت‌آزمایی

۴. سورة مائده، آیات ۹۱ و ۹۰.

۵. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۵۰۱، باب الخمر، چاپخانه دارالحديث، چاپ اول، ۱۳۷۷ ش

۶. وسائل الشیعه، ج ۲۵، ابواب الاشریة المحرمه، باب ۱۵، ح ۱۱

۷. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بخش پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۶۸۹۲۲ و درس مکاسب محرمه، جلسه ۵۴، ص ۴؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۱۳۸۸؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتائات، آشامیدنی‌های حرام

۸. درمورد نجاست شراب و سایر مسکرات و همچنین نحوه تطهیر ظرف شراب نکاتی در رساله‌های عملیه مراجع بزرگوار وجود دارد.

۹. توضیح المسائل مراجع، ج ۲، م ۲۶۳۴

۱۰. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بخش پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۵۷۶۵ و ۱۶۰۴۷

آشامیدنی حلال و مباح باشد. همچنین، نشستن بر سر چنین سفره یا میزی بنابر احتیاط واجب، حرام است.^۱
*** آیت الله مکارم: سفره ای که بر سر آن شراب می خورند اگر انسان یکی از آنان حساب شود، نشستن کنار آن و خوردن از آن سفره حرام است هر چند غذای حلال باشد.^۲

• نماز فردی که شراب خورده است

سؤال: فردی که شراب خورده است، برای نماز چه وظیفه‌ای دارد؟

پاسخ: شرب خمر حرام و از گناهان کبیره است؛ باید فوراً توبه حقیقی کند و نماز خود را به‌جا آورد. البته چنانچه در حال مستی باشد نمازش باطل است ولی اگر مست نباشد، باید دست و دهان خود را آب بکشد، وضو بگیرد و نماز بخواند هر چند ثواب نماز او کمتر است.^۳

۲-۲- هم خانگی با سگ

اخیراً برخی افراد زندگی با سگ را برگزیده اند و با این حیوان همچون یکی از اعضای خانواده زندگی می کنند احکام آن عبارت است از: سگ و خوکی که در خشکی زندگی می کنند، حتی مو، استخوان، پنجه، ناخن و رطوبت‌های آنها نجس است^۴ و به هر جا سرایت کند، آن را نجس می‌کند. در این حکم فرقی بین اقسام سگ و خوک نیست. بنابراین، سگ زینتی و غیر زینتی، سگ کوچک یا بزرگ، سگ تربیت شده و غیر آن، همه نجس هستند.^۵

۲-۳- استفاده از مواد مخدر و روان گردان

به طور کلی استعمال مواد مخدر و استفاده از آنها با توجه به آثار سوءشان از قبیل ضررهای شخصی و اجتماعی قابل ملاحظه‌ای که بر آنها مترتب می‌شود، حرام است.^۶ در این حکم، فرقی بین انواع مواد مخدر سنتی مانند تریاک، هروئین، حشیش، ماری‌جوانا و مواد مخدر صنعتی مانند شیشه، کریستال، کراک، اکستازی نیست.^۷

۱. توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۱۳۹۰

۲. پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتانات، آشامیدنی‌های حرام
۳. همان

۴. توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۱۰۵؛ آیت الله خامنه‌ای، رساله آموزشی، درس ۷

۵. نگه داشتن سگ در منزل مسکونی کراهت دارد، بلکه نگهداری آن در منزل معمولاً موجب محذور شرعی در رعایت طهارت و نجاست شده و گاهی نیز به باطل شدن نماز می‌انجامد. آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۱۲۴؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۱۱۱ و پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله مکارم، بخش استفتانات، احکام نگهداری از حیوانات.

- با توجه به ویژگی پاک کردن ظروف، اختلاف دیدگاه‌های فقهای معظم را درباره نحوه تطهیر ظرفی که سگ در آن چیزی خورده یا لیسیده است، از رساله‌های آن بزرگواران مشاهده فرمایید.

۶. آیت الله سیستانی اضافه می‌کنند: بلکه احتیاط واجب آن است که مطلقاً - حتی در صورتی که ضرر مهمی ندارد - از آن پرهیز شود. توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۵۰۵

۷. آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتانات س ۱۴۰۳ و پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، بخش پرسش و پاسخ منتخب فقهی، پرسش ۲۴۰۹۰ و ۳۱۹۶۱ و ۷۱۳۸۹؛ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل جامع، ج ۲، م ۵۰۵؛ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۱۲۳

فهرست منابع:

- قرآن کریم
- ابن التراب، مریم، حقوق زنان در خانواده، دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۱
- احمدیه، مریم، موازنه حقوق و اخلاق در خانواده، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، زمستان ۱۳۸۲.
- اداره‌ی پاسخ به سوالات دینی جامعه‌ی الزهراء، برگزیده‌ی مسائل مبتلی به و استفتائات جدید، مجموعه‌ی احکام.
- اسعدی، سیدحسن، حقوق متقابل اعضای خانواده، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، تابستان ۱۳۸۵.
- اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، مؤسسه‌ی الطبع و النشر، بیروت، ۱۴۱۰ هـ ق.
- امام خمینی، سید روح الله و سایر مراجع، رساله توضیح المسایل مراجع (المحشی)، محقق / مصحح: اصولی، احسان؛ بنی هاشمی خمینی، محمد حسن، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۹۶ ش.
- امام خمینی، سید روح الله، احکام ازدواج، تنظیم خانواده (استفتائات)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۹۲.
- امام خمینی، سید روح الله، مناسک حج محشی، نشر مشعر، ۱۴۱۴ ق.
- امام خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسیله، مؤسسه مطبوعات دار العلم، قم، بی تا.
- امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶.
- بازگیر، یدالله، قانون مدنی در آئینه آرای دیوانعالی کشور، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۸.
- بحرانی، هاشم، مدینه المعاجز، چاپ اول، مؤسسه المعارف الاسلامیه ۱۴۱۳ ق.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیه الله سیستانی، پرسش و پاسخ فقهی.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیه الله مکارم، احکام شرعی، بخش استفتائات.
- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، پرسش و پاسخ منتخب فقهی.

- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، دنیای دانش، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، حقوق خانواده، چاپخانه حیدری، تهران، ۱۳۳۵
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ۱۳۵۵
- جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جمال و جلال الهی، قم چاپ اول، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۵.
- الحرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل رسول، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- حسینی سیستانی، سیدعلی، توضیح المسائل جامع، دفتر حضرت آیه الله العظمی سیستانی، مشهد، ۱۳۹۶.
- حسینی سیستانی، سید علی، منهاج الصالحین، بی نا، بی تا.
- حکمت‌نیا، محمود، فلسفه حقوق خانواده، انتشارات شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۶.
- حکیم، محمد تقی، فقه برای غرب نشینان بر اساس فتاوی حضرت آیت الله العظمی سیستانی، دفتر آیت الله العظمی سیستانی، مترجم: سیدابراهیم سیدعلوی، ۱۳۸۳ ش.
- حلی، ورام، تنبیه الخواطر، مکتبه الفقیه، قم، بی تا.
- خامنه‌ای، سید علی، اجوبه الاستفتائات، انتشارات انقلاب اسلامی وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای، تهران، ۱۴۰۰ ش.
- خامنه‌ای، سید علی، رساله نماز و روزه، انتشارات انقلاب اسلامی وابسته به دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله العظمی خامنه‌ای، تهران، ۱۴۰۰ ش.
- خامنه‌ای، سید علی، مکاسب محرمة، سلسله درس‌های خارج فقه مقام معظم رهبری.
- خویی، سید ابو القاسم موسوی، موسوعه الإمام الخوئی، مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، قم، اول، ۱۴۱۸ ه.ق.
- دیلمی، حسن، ارشاد القلوب، الشریف الرضی، قم، ۱۳۷۱ ش.
- رخشاد، محمدحسین، در محضر آیت الله بهجت، سماء، بی تا.
- روزنامه رسمی شماره ۱۶۹۳۶ مورخ ۱۳۸۲/۰۲/۰۲، آیین‌نامه ازدواج مردان ایرانی با زنان خارجی آواره.
- ریاحی، محمد اسماعیل، علیوردی‌نیا، اکبر، بهرامی کاکاوند، سیاوش، تحلیل جامعه‌شناختی میزان گرایش به طلاق، مجله پژوهشی زنان، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه تهران، زمستان ۱۳۸۶.
- شریف الرضی، محمد بن حسین، تنبیه الغافلین، مترجم: کاشانی، ملا فتح الله، پیام حق، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- شیخ حر عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل البيت، قم ۱۴۱۳ ق.
- شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، الامالی، موسسه الاعلمی، بیروت، ۱۴۳۰ ق.
- شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، مصحح: غفاری، علی اکبر، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۴۱۳ ق.
- شیخ طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق.
- صفایی، سید حسین، امامی، اسدالله، مختصر حقوق خانواده، چاپ دوازدهم، نشر میزان، تابستان ۸۶

- طاهری، حبیب‌الله، حقوق مدنی (۵)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به حوزه علمیه قم، بی تا
- طبرسی، مکارم الاخلاق، ناشر: قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۰.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ه.ق.
- عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، ۱۴۰۹ ه.ق.
- عراقی، عزت‌الله، آیا می‌دانید حقوق زن در دوران ازدواج چیست؟، نشر راهنما، ۱۳۶۹.
- عزتی‌بخشایش، محمد و جواد‌والا، محمد، فرزندآوری و بارداری، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۴۰۱ ش.
- علاسوند، فریبا، زنان در موازنه حق و تکلیف، انتشارات بی‌طرفان، ۱۳۸۵
- علامه حلی، تذکره الفقهاء، کتاب الحجر، مکتب الرضویه، الاحیا آثار الجعفریه، بی تا.
- فیض کاشانی، ملا محسن، المحجّة البیضاء، موسسه نشر اسلامی، قم، ۱۴۱۷ ق.
- کاتوزیان، ناصر، حقوق خانواده، شرکت سهامی انتشار، تهران، ۱۳۷۷.
- کاشف الغطا، محمد حسین، الفردوس الاعلی، مصحح: طباطبائی، محمد علی، دار انوار الهدی، قم، ۱۴۲۶ ق.
- کریمی، علیرضا، خمس، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران، ۱۴۰۰ ش.
- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۴۰۷ ه.ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، غفاری، علی اکبر، الفروع من الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ ش.
- کلینی، یعقوب، اصول کافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ ق.
- گرجی، ابوالقاسم و دیگران، بررسی تطبیقی حقوق خانواده، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴
- مامقانی، عبدالله، مرآه الکمال لمن رام درک مصالح الاعمال، دارالامیره، بیروت، بی تا.
- متقی هندی، علاء الدین، کنز العمال، دار إحياء التراث العربی، لبنان، ۱۴۳۱ ق.
- مجلسی، سید باقر، بحار الانوار، مؤسسه آل البيت، قم، بی تا
- مجموعه قوانین سال ۱۳۴۵، انتشارات روزنامه رسمی، آیین‌نامه زناشویی بانوان ایران با اتباع بیگانه غیر ایرانی.
- محقق داماد، سید مصطفی، حقوق خانواده، مرکز نشر علوم اسلامی، چاپ دهم، تهران ۱۳۸۲.
- محمدی ری شهری، محمد، فرهنگ نامه مهمانی، مترجم: شیخی، حمیدرضا، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، قم، ۱۳۸۹ ش.
- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مترجم: شیخی، حمیدرضا، مؤسسه علمی فرهنگی دار الحديث، قم، ۱۳۸۹ ش.
- مشفق پور، محمد رضا، رساله آموزشی بر اساس فتاوی حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، موسسه فرهنگی امین، ۱۳۸۶.
- مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، انتشارات صدرا، چاپ هشتم، قم ۱۳۷۵.
- مقدادی، محمد مهدی، ریاست خانواده، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان، پاییز ۱۳۸۵.

- مكارم شیرازی، ناصر، استفتائات جدید، گردآورنده: علیان نژاد، ابوالقاسم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۴۲۷ق.
- مكارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.
- مكارم شیرازی، ناصر، أنوار الفقاهة - كتاب النكاح، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، اول، ۱۴۲۵ هـ.ق.
- مكارم شیرازی ناصر، رساله توضیح المسائل آیت الله العظمی مكارم شیرازی، پیام عدالت، تهران، ۱۳۸۸.
- منصور، جهانگیر، قوانین و مقررات مربوط به خانواده، نشر دوران، تهران ۱۳۶۶.
- موسوی خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، انتشارات تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، قم ۱۳۷۹.
- مهریزی، مهدی، شخصیت و حقوق زن در اسلام، چاپ اول، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۲.
- نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، دارالاحیاء التراث العربی، لبنان ۱۹۸۱.
- نوری، محدث، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
- وحیدی، محمد، احکام خانواده، سنابل، قم، ۱۳۸۵ ش.
- ورام بن ابی فراس، تنبیه الخواطر و نزهه النواظر (مجموعه ورام)، قم: مکتبه الفقیه، ۱۴۱۰ق.
- هدایت نیا، فرج الله، حقوق مالی زوجه، انتشارات فرهنگی اجتماعی زنان، ۱۳۸۶.
- یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی مع التعليقات، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۴۲۸ق.